علم سازگاری اسلام و ایده جامعه مدنی

منصوره وطنی



بسم الله الرحمن الرحیم

عدم سازگاری اسلام و ایده جامعه مدنی

نویسنده:

منصوره وطنی

ناشر چاپی:

بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عدم سازگاری اسلام و ایده جامعه مدنی

مشخصات کتاب

سرشناسه : وطنی ، منصوره

عنوان و نام پدیدآور : عدم سازگاری اسلام و ایده جامعه مدنی/منصوره وطنی

مشخصات نشر : قم: منصور وطنی ، بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۵

مشخصات ظاهری : ۲۳۱ص.

شابک : :۹۶۴۵۴۸۲۳۱۳

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۴۷۴۵۹

ص: ۱

اشاره

پیشگفتار

به ولی نعمت خود علی بن موسی الرّضا علیه السلام؛ به پیشگاه مقدّس امام زمان (عج)؛ به روح بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله؛ به مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته؛ به شهدای افتخارآفرین انقلاب اسلامی ایران؛ به خانواده های معظّم شهدا وجانبازان و آزادگان سرافراز ایران؛ به کلیّه دلسوزان اسلام و انقلاب بویژه بسیجیان گمنام حاضر در صحنه دفاع در سنگرهای فرهنگی. عدم سازگاری اسلام و ایده جامعه مدنی، ص: ۹

ایده جامعه مدنی در سال ۷۳ و به طور گسترده از سال ۱۳۷۵ و بویژه ۷۶ و ۷۷ که آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری به عنوان شعار سیاسی این مسئله را مطرح نمودند از سوی مراکز علمی و مطبوعات داخلی وخارجی و احزاب و گروههای مختلف مورد بحث و مناقشه قرار گرفت و دو طیف موافق و مخالف بوجود آورد. بررسی های به عمل آمده مشخص ساخت که هم موافقین و هم مخالفین ایده جامعه مدنی از کم وکیف مبانی نظری و پیشینه جامعه مدنی، بی اطلاع بوده و برخی خود تعاریف و شاخص هایی برای جامعه مدنی منظور کرده اند، که تعاریف و شاخص های کاملًا متضاد را تشکیل می دهد.

هر چند کلیه تعاریف و شاخص های ارائه شده در ایران از مبانی نظری غربی مایه گرفته و اقتباس شده است در نهایت ساختار روشن و مشخصی از بعد تحقق عینی بدست نمی دهد. پژوهشی که پیش رو دارید حاصل کنکاشی علمی است، که به دور از سلایق و خطهای سیاسی صرفاً به عنوان پژوهشی علمی صورت گرفته است تا در راستای رفع شبهات دینی و زمینه سازی ظهور حضرت ولی عصر (عجل اللّه فرجه) عدم سازگاری ایده جامعه مدنی با اسلام مشخص گردد و موافقین و مخالفین بی غرض و منصف ومتدین و با آگاهی کامل اتخاذ موضع نمایند.

سؤالاتی که در این پژوهش مورد مداّقه و بررسی قرار گرفته است به شرح ذیل می باشد:

۱- آیا ایده جامعه مدنی در ایران، قابل تحقق است و با دین اسلام منافاتی ندارد؟ در صورت مغایر بودن، علل تحقق، برخی ویژگیهای جامعه مدنی در ایران چیست؟

۲- در صورت تحقق ایده جامعه مدنی در ایران پیامدها و عواقب آن (در ابعاد مختلف اساسی) در جامعه چیست؟

۳- چرا برخی متدینین (روحانی وغیره) و جوانان تحصیل کرده از ایده جامعه مدنی طرفداری کردند؟

۴- سازمانهای بین المللی از مطرح کردن ایده جامعه مدنی و اعمال فشار برای تحقق آن در کشورها چه اهدافی را دنبال می کنند؟

امید است این کنکاش علمی جرقه ای بر جوانان فهیم به ویژه متدینین متعهد به نظام جمهوری اسلامی کشورمان باشد تا همواره با شناخت و آگاهی کامل، از نظریات و ایده های مطروحه طرفداری نمایند. در این تلاش دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شعبه خراسان بویژه مسئول محترم واحد پژوهش و تحقیقات این دفتر جناب آقای جهانگیر مسعودی مقدار ی از رنج پژوهش کاستند که بدین وسیله از زحمات ومساعدتهای ایشان و واحد کامپیوتر دفتر همچنین کلیه کسانی که به نحوی حقیر را مساعدت نمودند سپاسگزاری می نمایم و نیز نقد نوشته ها توسط محقق محترم جناب آقای سید مسعود معصومی که در تصحیح مطالب مؤثر بود موجب امتنان است.

البته به جهت گستردگی موضوع و امکانات محدود حقیر، الطاف وامداد خداوند حکیم و ائمه علیهم السلام تنها علت ادامه طرح بوده است که یک سال به طول انجامید. التوفیق من الله.

منصوره وطنی

مشهد مقدس ۲۴/ ۱۲/ ۱۳۷۹

مصادف با عید غدیر خم

مقدمه

(یَابْنَ ادَمُ خَلَقْتُ الْاشیاءَ لِاجْلِکَ وَ خَلَقْتُکَ لِاجْلی) (۱) ای فرزند آدم همه چیز را برای تو آفریدم ولی تو را برای خود آفریدم.

ادیان الهی متناسب با رشد فکری بشر به وجود آمده است، زمانی که بشر توانایی حفظ دین خود از دست تحریف ها و بدعت ها را پیدا نمود، خداوند حکیم جامع ترین دین خود، اسلام را به بشریت عرضه نمود که حاصل همه ادیان بوده و ادیان دیگر مقدمه وزمینه ساز آن بوده اند.

به طوری که گوستاولوبون مورخ مسیحی مسلک در توصیف اسلام ورمز موفقیت آن می نویسد:

(تمام آسانی و سهولت بی نظیر اسلام روی همین توحید خالص است و رمز پیشرفت اسلام نیز در همان سهولت وآسانی آن بوده است ... آن تناقضات و پیچیدگیهایی که غالباً در سایر کیش ها و آیین های دیگر دیده می شود، در دین اسلام وجود ندارد ... همین صاف وسادگی اسلام و دستورات داد و دهش آن کمک زیادی به پیشرفت این دین در جهان نمود و به همین خاطر است که ملتهایی از مسیحیان را می بینیم که دین اسلام را می پذیرند، و آن رابر مسیحیت ترجیح می دهند مصریان که در زمان امپراطوران قسطنطنیه مسیحی بودند، به محض آشنا شدن با اصول اسلام مسلمان شدند، به همین سبب است که هر ملّتی مسلمان شد دوباره زیر بار دین نصرانیت نخواهد رفت، خواه پیروز شوند یا شکست بخورند ... زور شمشیر موجب پیشرفت قرآن نگشت زیرا رسم اعراب این بود که هر کجا را فتح می کردند، مردم آنجا را در دین خود آزاد می گذاردند، و این که مردم مسیحی از دین ۱.

۱- . فیض کاشانی، عین الیقین ج ۱، ص ۳۸۱.

خود دست برمی داشتند وبه دین اسلام می گرویدند، و زبان عرب را بر زبان مادری خود برمی گزیدند، بدان جهت بود که عدل ودادی که از آن عربهای فاتح می دیدند مانندش را از زمامداران پیشین خود ندیده بودند (۱)

دین اسلام راه تحقیق و بحث و نقد را بر همگان بازگذاشته است تامردم دین را با استدلال و منطق وبا آگاهی وعلم بپذیرند، لذا از زمان ظهور اسلام تاکنون با حضور پیامبر صلی الله علیه و آله باب مباحثه در اصول و فروع دین اسلام همواره باز بوده است و دین جامع اسلام از تمامی ایرادات و اشکالات سربلند بیرون آمده و پاسخ مناسب داشته است.

هر چند این مباحثات سبب اعتلای هر چه بیشتر اسلام گردیده است، اما سیاستمداران نیز با ایجاد شک وشبهه و بدعت وقرائت های مختلف از دین، در صدد تحریف دین و دگرگونی آن به نفع خود بوده اند.

بحمدالله با تلاش علمای دین و مسلمانان متعهد، تاکنون کتاب آسمانی اسلام وبسیاری از سنن پیامبر و ائمه علیهم السلام از دست تحریف دور مانده است. البته خداوند خود حافظ دین خود هست، (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (۲) عصر ما نیز از این قاعده سیاستمدارانه مستثنی نبوده است. همانگونه که اشاره خواهد شد دشمنان داخلی و خارجی که اسلام ناب محمدی را مانع بزرگ، وسد راه منافع خود وارbابان خود دیده اند، در صددند تا به هر طریقی اسلام را از سر راه خود بردارند لذا بهترین راه حل را تغییر نگرش مسلمانان و تهی نمودن اسلام از اسلامیت خود یافته اند، زیرا در صورتیکه نمادهای اسلامی باقی بماند، همه مسلمانان متوجه تغییر محتوایی اسلام نشده ولذا اعتراض همگانی در پی نخواهد داشت.

در این راستا در دو دهه اخیر به ویژه در چند سال گذشته دوستان کم بصیرت و بی توجه به ترفندهای تبلیغاتی دشمنان و برخی خود باخته وفریفته تکنولوژی غرب، همچنین مزدوران داخلی و دشمنان آگاه و هوشیار با استفاده از علوم روز، ایده ها و مفاهیمی را در اذهان عمومی به ویژه در دانشگاه رواج داده و به تبلیغ آن پرداختند، در حالیکه خود اختراع کنندگان این مفاهیم نیز به وحدت نظر رویه نرسیده ونقد وانتقادهای زیادی را در بروز مشکلات عمده در کشورهای غربی، با عمل به ۹.

۱- . گوستاو لوبون، تاریخ تمدن اسلام وعرب، ترجمه سید هاشم حسینی صص ۱۴۵ و ۱۴۱.

۲- . سوره حجر آیه ۹.

این ایده ها باعث شده است.

از جمله این ایـده ها، ایده جامعه مدنی است که بدون توجه به این سوابق، اواخر سال ۱۳۷۵ به عنوان شعار سیاسی و انتخاباتی ریـاست جمهوری توسـط آقـای محمـد خاتمی عنوان شـد، اما به لحاظ روحانی بودن ایشان و برخی حامیان مـذهبی، از طرف برخی اقشار مردم، جامعه مـدنی با مبانی دین اسـلام سازگار تلقی شد، بدون آنکه هیچگونه آگاهی از کم وکیف این ایده در دیار غرب واهـداف پیدایش آن در کشورهای غربی و علل عملیات اجرایی سیاسـی در کشورهای دیگر، در تثبیت ایده جامعه مدنی توسط آمریکا ونیز علل حمایت ایرانیان فراری یا مقیم خارج از کشور مرتبط با سازمانهای جاسوسـی سیا و پنتاگون و ... از این ایده، داشـته باشـند. از این رو بر آن شدیم تا در راسـتای آگاهی عموم مردم به ویژه قشر نوجوان و جوان- که در به ثمر رساندن برخی اهداف از این دو قشـر بیشترین مایه گذاشـته شده است- پژوهشـی در کم وکیف ایده جامعه مدنی و سازگاری اصول و شاخص های آن با اصول و مبانی دین اسلام انجام دهیم، آنچه در پی خواهد آمد، حاصل این پژوهش است.

در بررسی تطبیقی اسلام وایده جامعه مدنی و در تبیین آیات معارض با اصول جامعه مدنی شش ویژگی مد نظر بوده است:

۱- به استناد آیه ۷ سوره آل عمران (هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ الکِتَابَ مِنْهُ آیَاتٌ مُحْکَمَاتٌ هُنَّ امُّ الکِتَابِ) (۱)

، از آیات محکم که دلایلی متقن هستند استفاده شده است تا راه بر هر نوع توجیه و تفسیر غیر از مفهوم آیه بسته باشد.

۲- از آیـات محکم، به آیـاتی که صـیغه امر در آنها اسـتعمال شـده است اسـتناد شـده، زیرا صـیغه امر دلالت بر وجوب دارد و تکلیف متعلّق روشن است.

۳- در نقـد پلورالیسم و دموکراسـی و سـکولاریسم و لیبرالیسم مقـایسه تطبیقی این ایـده ها با اسـلام مـد نظر بوده است، لـذا با نگاهی درون دینی و برون دینی به موضوع پرداخته ایم.

۴- در نقل مطالب از دیگران، از نقل قول مسـتقیم اسـتفاده شده است، تا امکان قضاوت بر خوانندگان فهیم ونکته سـنج امکان پذیر گردد، لذا در بعضی موارد وحدت سبک وسیاق وسادگی و روانی مطلب تا حدودی کاسته شده است. ی.

۱- . جهت اطلاع بیشتر رجوع شودبه بحث پلورالیسم از منظر درون دینی.

۵- نگارنـده هیـچ گونه خصومت یـا وابسـتگی به هیـچ یـک از احزاب و گروهها و شخصـیت های سیاسـی نداشـته و به عنوان پژوهشـگر، صـرفاً نیّت و هدف، دفاع و تبلیغ دین متعالی اسلام و آشکار نمودن دسیسه ها و ترفندهای دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی از ورای الفاظ و شعارهای زیبا و فریبنده بوده است که وظیفه شرعی هر مسلمانی است به ویژه طلاب علوم دینی.

۶- شاهـد مثالهای ارائه شده در زمینه جامعه مدنی و نیز آیات معارض با اصول جامعه مدنی به جهت فراوانی زیاد به حدی که موضوع تبیین شود، اکتفا شـده است و از آوردن تمام موارد، به جهت پرهیز از حجیم شـدن کتاب واطاله کلام و رعایت ایجاز و اختصار خود داری شده است. گر در خانه کس است یک حرف بس است.

قبل از تبیین ایـده جامعه مـدنی با برخی از تلاشـها و اقـدامات داخلی و خارجی در حمایت و تثبیت ایـده جامعه مدنی در ایران آشـنا می شویم. هر چند اهداف و دور نمای ایده جامعه مدنی از تعاریف و شاخص های بیان شده کاملًا پیداست، اما از آن رو که در صدد پژوهش و کار علمی هستیم با زبان استدلال نقلی وعقلی به نقل این ایده وارداتی می پردازیم.

نگاهی اجمالی بر اهداف و تلاشهای حامیان جامعه مدنی

علل طرح مجدد مفهوم جامعه مدنی

در مقـاله ظهور وتکامل جامعه مـدنی، علل طرح مجـدد جامعه مـدنی و نظریه های شـهروندی در سالهای اخیر چنین بیان شـده است: اول: به قدرت رسیدن حکومتهای (راست جدید) در چندین کشور اروپای غربی وآمریکا با طرح دیدگاهها و خط مشی های نئو لیبرال در حوزه اقتصاد.

دوم: فروپاشی الگوی سوسیالیسم دولتی در جوامع بلوک شرق سابق و شکست این الگوی اجتماعی، جدا از بر هم زدن موازنه قدرت در سـطح جهانی و تضـعیف موقعیت کلی این کشورها به معنای بی اعتباری الگوهای سنتی، تصرف قدرت دولتی برای تحقیق اتو پیای جامعه عادلانه.

سـوم: ظهـور (جنبش هـای اجتمـاعی جدیـد) در جوامع سـرمایه داری غرب (از طرفـداران حفـظ محیـط زیست و جنبش هـای طرفدارخلع سلاح هسته ای تا جنبش طرفدار حقوق زنان، اقلیتهای قومی و نژادی (۱) و ...)

آنچه در دو دهه اخیر مورد توجه سیاسـتمداران آمریکـا نیز قرار گرفته و اکنون شـکل تکوین یـافته آن قابـل مشاهـده است، به وضوح درنظرات جرج شولتز وزیر خارجه دولت ریگان دیده می شود. وی در بر شمردن اهداف پروژه دمکراسی جامعه مدنی آمریکا بر (پیوستگی و پیوند فردی و سازمانی بین نخبگان دنیای سوم و افراد و سازمانهای مورد نظر د۶.

۱- . رضایی، علی جامعه مدنی و ایران امروز، مجموعه مقالات ص ۳۵- ۳۶.

امریکـا به ویژه در مورد جامعه مـدنی غرب و تز اشاعه واژه های مورد پسـند ماننـد دمکراسـی، جامعه مـدنی، توسـعه سیاسـی، پلورالیسم، جامعه باز و ...) تأکید کرد.

از زمان کلینتون واژه هایی مثل LiViC yteiCOS (جامعه مدنی) به صورت واژه روز و محل گفتگو در آمد.

اظهارات پروفسور حمید مولانا در بیان ابزارهای اصـلاح طلبی غربی و تأمل در عملکرد و بیانات منادیان جامعه مدنی در داخل و خارج، نقشه ای دقیق و حساب شـده را در راسـتای تغییر ارزشـهای اسـلامی به ارزشـهای غربی در ایران، به نام اصـلاحات و توسعه، دموکراسی و آزادی و ... می نمایاند.

پرفسور حمید مولانا درباره ابزارهای اصلاح غربی می گویند:

(گفتگو در باره جامعه مـدنی مقدمه ای بود تا انجام عملیات در سیاست خارجی از انحصار دیپلماتها خارج شود، و با اسـتفاده از سازمانهـای نیمه دولتی و هیأتهای ملی، مطبوعاتی، جهانگردی و علمی که از سوی دولت آمریکا حمایت می شونـد، ارتباط بـا لاـیه های (جامعه مـدنی) کشورهای دیگر برقرار شود. بر اساس اطلاعاتی که یک متخصـص بر جسـته ارتباطات بین المللی مطرح می کند، وظیفه این هیأتها ابتدا تهیه اطلاعات لازم از محیط سیاسـی و فرهنگی کشورهای دیگر از طریق ملاقات با مردم عـادی و مسؤلاـن آن کشورهـا و برقراری تمـاس اولیه با نخبگان آن کشورهاست. آنها بیش از همه با مقامات ملی وگروههای مختلف ازاحزاب، روزنامه نگاران، بازرگانان، جوانان، کارگران، کشاورزان و ...

کشور مورد نظر به گفتگو می نشـینند و شـرایط اجرای نقشه های جامعه مدنی و دمکراسی (با الگوی آمریکایی) در آن کشور مورد ارزیـابی قرار می دهنـد. گزارش این هیأتهـا وقتی از سوی مقامات عالی رتبه آمریکا با گزارش های دیپلماتها ترکیب می شود، تصویری به دست می آید که آنها می توانند برنامه دمکراتیزسیون و جامعه مدنی مورد نظر خود را بر اساس آن برای آن کشور تنظیم کنند. سـپس بودجه لازم برای اجرای این برنامه تصویب می شود و به سازمانهای مربوط ابلاغ می شود (۱)). (۱). مولانا، حمید، ابزارهای اصلاح غربی، اقتباس، کیهان، ۸/ ۲/ ۷۹ صفحه آخر.

در فصل های مختلف این مجموعه رد پای این عملیات را در داخل وخارج از کشور خواهیم یافت.

از سویی می بینیم اروپا خاطرات خود را در زمینه مقابله با اسلام از طریق فرهنگ ادبیات، داستانها و افسانه های عامه حفظ کرده است. کشورهای ساحل مدیترانه مانند اسپانیا، ایتالیا و یونان که روزگاری یک بخش یا کل آنها تحت حاکمیت مسلمانان بود، پیروزی خود را بر مسلمین با برگزاری فستیوالهای سالانه جشن می گیرند. در سایر کشورهای اروپایی نظیر انگلستان، آلمان، فرانسه جمعیت فراوان محسوس مهاجران مسلمان با تعصب دینی و نژادی روبروست. نظم نوین جهانی که در دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت با خصومت آشکار به اسلام می نگرد. عوامل بسیاری در این نظم نوین جهانی برای مقابله با اسلام با هم اتحاد یافته اند، آمریکایی ها در نقش خویش به عنوان ژاندارم جهان ردپای شخصیت های منفی را در عالم اسلام جستجو می کنند. انگلیسی ها در مقام پیروان وفادار آمریکایی ها از این موضوع طرفداری می کنند، روسها با مسلمانان آسیای مرکزی با احتیاط رفتار می کنند، اسرائیلی ها که در خصوص مسائل مربوط به مسلمین در آمریکا نفوذ دارند با مشکل اعراب فلسطین و کشورهای همسایه روبرو هستند، هندوستان که اکثر جمعیت آن را هندوها تشکیل می دهند مشخصاً نگران دورنمای یک قیام اسلامی است که به سهولت می تواند به تجزیه کشمیر منتهی شود. این چنین، کشورهای بسیاری به این نتیجه رسیده اند که با مشکلی به نام اسلام مواجه اند بدین ترتیب، نوعی تفاهم پنهان احساس همدردی غریزی میان کسانی که در نقاط مختلف عالم با اسلام سروکار دارند به وجود آمده است. این تفاهم و قرابت است که فضای عمومی خصمانه ای را علیه اسلام پدید می آورد (۱). با این تلاشها و فضای عمومی علیه اسلام، بنیادهای پژوهشی و فرهنگی- که متأسفانه هنوز در ایران جایگاه علمی و منسجم وکاربردی ندارند- در خارج از کشور نقش به سزایی در رسیدن به اهداف و عملیات اجرای سیاسی ایفا می نمایند.

ان، اس، اف یک مرکز تحقیقات آمریکایی است که بودجه آن را دولت تعیین می کند و به ۶.

۱- . اکبرس، احمد، اسلام و پست مدرنیزم، ترجمه سید محمد آوینی، دومین خبر نامه سینمار سراسری اسلام ومدرنیزم، نیشابور، ص ۶.

همه مراکز دولتی آمریکا از جمله سیا و پنتاگون سرویس می دهد.

پروفسور رونالد اینگل هارت استاد دپارتمان علوم سیاسی در دانشگاه میشگان و دکتر منصور معدل استاد دانشگاه میشیگان شرقی از سوی ان، اس، اف بنیاد ملی علوم آمریکا قراردادی به دانشگاه علوم اجتماعی تهران امضاء کرده اند.

اینگل هارت (جامعه شناس آمریکایی) در مصاحبه ای می گوید:

(ان، اس، اف یعنی بنیاد ملّی علوم آمریکا خواستار تحقیقی در خصوص ارزشهای اساسی می باشد و این بخش از یک بررسی جهانی است که در ۶۴ کشور (مسلمان) انجام می شود.

ان، اس، اف هزینه این تحقیق را می پردازد. در واقع ان، اس، اف یک اعتبار مالی (tnarg) داده است و ما از ان، اس، اف، در خواست گرنت کرده بودیم تا در مورد تغییرات فرهنگی، نظام های عقیدتی تطبیقی مطالعه انجام دهیم وآنها هزینه این کار را تقبل کرده اند (۱)).

جای سؤال است که تغییرات فرهنگی و ارزشهای اساسی بین مسلمانان به چه درد مسیحیان غربی به ویژه سازمان جاسوسی سیا و پنتاگون می خورد و نتایج تحقیقات در چه اموری به کار خواهد رفت. هر چند جملات پیشین و گفته کارل گرشمن مدیریت پروژه (موهبت ملی برای دمکراسی) در زمان ریگان این اهداف را روشن می سازد، وی می گوید:

(دردنیایی که وسایل ارتباطی و اطلاعاتی پیشرفت کرده است دانش توسعه پیدا کرده است، توسل به زور برای حفظ امنیت ملّی کافی نیست، بلکه تغییر عقاید و روشهای جدید برای وصول به اهداف اصلی ضروری به نظرمی رسد).

وضعیت حامیان ایرانی از جامعه مدنی در داخل و خارج از کشور

برای تغییر عقاید و ابداع روشهای جدید و ایجاد دهکده جهانی با یک فرهنگ مسلط ساخت امریکا، نیاز به پژوهش های ملی و فراملی ارزش ها و نگرش های مردم می تواند مشکلات موجود و راه حل ها را مشخص نماید، که تحقق این امر از عهده بنیادهای پژوهشی و فرهنگی بر می آید. از جمله بنیادهای پژوهشی که توسط ایرانیان مقیم آمریکا تشکیل شده ۳.

۱- . رسالت ۱۶/ ۵/ ۷۹، ص ۳.

است (مرکز مطالعات و تحقیقات مسائل ایران) (سیرا) می باشد که در سال ۱۳۵۹ تشکیل شده ولی از سال ۱۳۶۴ تشکیلات آن توسعه یافته و مدیریت اجرایی آن را هوشنگ امیراحمدی (۱) بر عهده گرفت.

تاکنون مصاحبه ها و مقالات وی در نشریات داخل کشور از جمله جامعه سالم (۲) و هفته نامه بهمن (۳) به چاپ رسیده است، همچنین وی با ماهانه پر (ارگان بنیاد ضد انقلابی پر) همکاری داشته ونشریه پر، از مطالب وی به عنوان (ادعانامه مفصل، مستدل و منطقی علیه مفاسد و جنایات حکومت جمهوری اسلامی) یاد کرده است (۴).

وی در سخنرانی در اجلاس سیرا، با عنوان (روندهای سرنوشت در جامعه مدنی) که در هفته نامه بهمن بدون هیچگونه نقدی به چاپ رسید، نوید می دهد که در جامعه کنونی ایران ارزشهایی چون (استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و عدم وابستگی اقتصادی) تا حد زیادی دگرگون شده اند و جای خود را به مقولاتی همچون (مدیریت صحیح، کسب ثروت و پیشرفت و ترقی و اختلاط و ارتباط با دنیای خارج داده اند) وی در همین سخنرانی چشم انداز جامعه مدنی در ایران را چنین تصویر می کند (امروزه می توان گفت جامعه مدنی ایران تنها متشکل از نخبگان شهری و اطرافیان نیست و تحولات اخیر موجب تبلور جنبه مردمی جامعه مدنی هم در شهر و هم در روستا شده است (۵)).

قبل از این مطلب در مقاله ای که در بولتن سیرا شماره (۱۹۹۵) پاییز ۱۳۷۴ از هوشنگ امیر !؟

۱- . محقق ایرانی ومدیر مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه راتگرز، وی با شخصیتهای برجسته آمریکایی مثل گری سیک (مشاور سابق امنیت ملی آمریکا) و از تحلیل گران ارشد مسائل ایران در امریکا (ریچارد مورفی) معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا (استیوروزن) از مسئولان عالی رتبه (ایپک)، (سازمان رسمی لابی اسرائیل در آمریکا) جفری کمپ (رئیس بنیاد نیکلسون و کارشناس برجسته مسائل ایران) بوریس ال لینکن (کاردار لانه جاسوسی در هنگام تسخیر و از مشاورین امور خارجه فعلی) بحثهای کارشناسانه دارد). جزوه منتشر معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در منطقه مقاومت بسیج.

۲- . مدیر مسئول فیروز گوران.

۳- . مدیر مسئول عطا الله مهاجرانی- سردبیر علیرضا علوی تبار.

۴- . ماهنامه ضد انقلابی پرسش ۱۳۱ ص ۲۷.

۵- . ذهنی بودن تشخیص هوشنگ امیر احمدی از این جمله کاملا پیداست زیرا هنوز اکثریت قریب به اتفاق شهریها با تحصیلات عالیه و با وجود مراکز علمی متعدد و محافل و سخنرانی ها و ... مفهوم دقیق جامعه مدنی را در نیافته اند چه رسد به روستائیان! و متحقق شدن جامعه مدنی!؟

احمدی به چاپ رسید ونشریه بهمن در شماره ۷ بخشی از آن را چاپ نمود، وی با بیان ضرورت توجه به روندهای جامعه مدنی در ایران بر سه گرایش اشاره می کند که اولی از سر نگونی جمهوری اسلامی حمایت می کند، و دومی اصلاحات از بالا را تعقیب می نماید. وی این دو گرایش را مردود می داند و درباره گرایش سوم می نویسد: (گرایش سوم شامل کسانی می شود که از اصلاحات از پایین حمایت می کنند. اما آنها نقش دولت را در دمکراتیزه کردن و توسعه دست کم می گیرند. آنچه بیشتر عملی وضروری است، تلقین همزمان در جریان اصلاح از بالا وپایین است).

این مطالب همزمان با سمیناری که با عنوان (گذر از سیستم ولایت فقیه به کثرت گرایی) توسط طیفهای ضد انقلاب در خارج از کشور در جریان بود، در داخل وخارج کشور چاپ شد.

سیرا در ۹ فروردین ۱۳۷۵ اجلاسی را تحت عنوان (ایران ونظم نوین جهانی) ترتیب داد (۱).

یکی از مهمترین سخنرانی ها، سخنرانی فرد هالیدی استاد روابط بین الملل دانشگاه لندن تحت عنوان (ایران پس از آخوندیسم) بود. وی ویژگیهای دورانی که آن را (دوران آخوندیسم در ایران) می خواند چنین بر شمرد:

۱- انحصار طلبی قدرت در شکل ولایت فقیه

۲- تداوم نقش ساختارهای مذهبی مانند مساجد و حوزه های علمیه

۳- تفسیر واحد مشخصی از اسلام به وسیله رژیم اسلامی

هالیدی (دوران پس از آخوندیسم) را چنین توصیف نمود:

۱- پایان دادن به نقش انحصار طلبانه روحانیت و ولایت فقیه

۲- محدود کردن نقش شبکه مساجد

۳- باز کردن بحثهای اجتماعی و حق انتخاب مذهبی

۴- رشد فرهنگ تساهل مذهبی

در این اجلاس، چند تن از اساتید دانشگاه و عناصر سیاسی ایران به نامهای دکتر هادی ی.

۱- . انگلیس شهر کاونتری.

سمتی و دکتر ناصر هادیان وعزت الله سحابی شرکت داشتند.

گری سیک (مشاور امنیت ملی سابق آمریکا) در مصاحبه ای با نشریه آمریکایی (یو. اس. ای تودی) در مورد فعالیتهای دکترها دیـان (کارشـناس مرکز تحقیقـات استراتژیک ریاست جمهوری ایران) دکتر هادی سـمتی (عضو هیأت علمی دانشـکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران) اظهار می دارد:

(امیـدواریم دکتر هادیـان و دکتر سـمتی برای مـا ابعـاد دست اولی را از موقعیت کسـانی که در ایران دست انـدر کـار اصـلاح هستند آورند هر دو نفر ارتباطات حزبی با اصلاح طلبان دارند).

با بررسی برخی مطبوعات از سال ۱۳۷۵ تاکنون، تکرار و القاء این خصوصیتها، و تلاش در عملی نمودن راه کارهای ارائه شده از طریق بحثهای ژورنالیستی و ترفندهای تبلیغاتی توسط عوامل داخلی و خارجی به وضوح به چشم می خورد (۱).

قرائت جدید یا تغییر

در چنـد سـال گذشـته علاـوه بر اینگونه تحلیـل ها، قرائت های جدیـد و تفسـیر به رأی از دین و مفاهیم وارداتی نیز رواج یافته است.

محمد خاتمی در سال ۱۱/ ۳/ ۷۳ در دانشـکده علوم اقتصادی علّامه طباطبایی در سلسله مباحث انسان و توسعه، اعتقاد خود را مبنی بر امکان برداشت های متفاوت از حق یگانه را اعلام نموده و می گویند:

(اینکه می گوییم مبنای گذشـته ما حق است (مبنای گذشته من دین وآیین من است و آیین من حق است) و ما حق را از دست نمی دهیم، بنـده می پرسم کـدام حق؟ لابـد می گوینـد اسـلام، بنده سؤال می کنم کدام اسـلام، اسـلام بو علی سـینا یا اسـلام غزالی؟ اسـلام صـلاح الدین ایوبی یا اسـلام ابن عربی؟ اسـلام اخوان الصـفایا اسـلام سـربداران؟ اسلام اهل حدیث و جمود یا اسـلام کسانی که برای عقل هم اعتبار قائل اند؟ اسـلامی که همه چیز آن در فقه خلاصه شده یا اسـلامی که فقه را پوسته دین می دانند و حقیقت دین را در ورای این پوسته می بینند یا اسلام عرفان؟ ج.

۱- . جزوه منتشر واحد سیاسی نمایندگی ولی فقیه در منطقه بسیج.

کدام حق؟ می بینید که تلقی های مختلفی از حق وجود دارد. در گذشته گاهی آن برداشت وتلقی، غلبه داشته است وگاهی دید و برداشت دیگری از اسلام، ولی واقعاً آیا درست است که چون پدران ما برداشت خاصی از دین داشتند و بر اساس آن تمدنی را ساختند، ما سفت وسخت به همان برداشت بچسبیم و بگوییم حق همین است و باید آن را حفظ کرد؟ من معتقدم، می شود در عین وفاداری نسبت به حق، در برداشت هایی از اسلام هم باز نگری کردو در عین اینکه حق یکی است می توان تصور برداشت های متفاوتی از این حق یگانه داشت).

این چنین تقسیم بندی، شناخت دین از دریچه چشم دین داران و فیلسوفان و متکلمین و ... است واینگونه سخن گفتن از اسلام، آوردن اسلامی متفاوت توسط هر یک از آنان را القاء نموده و مبانی اصیل اسلامی را خدشه دار می نمایاند.

در حالیکه همه آنان در مبنا واساس بر یک طریق بوده و هرگز آیینی از پیش خود نیاورده و چنین ادعایی نیز نداشته اند، تا بتوان اسلام بو علی سینا و یا اسلام غزالی و ... نامید.

از طرفی این سؤال نیز باید پاسخ داده شود که نوجوان و جوان کنجکاو و جویای حق وحقیقت و چشمه زلال نور الهی در برابر این بیانات که با قلم ها و بیانات مختلفی رو به تزاید است، چه کند؟ آیادر اصول اعتقادی و انجام وظایف شرعی دچار شک وتردید وتزلزل نمی شود؟ آیا نمی پندارد هر فیلسوفی از علمای اسلام برای خود اسلامی آورده و حال اسلام اصلی معلوم نیست کدامیک باشد، اگر این همه اسلام داریم و می توان هر نوع برداشت دلخواه از اسلام نموده پس من هم برداشتی می توانم از اسلام داشته باشم، لذا برخی هوای نفس را بر دین منطبق می کنند.، و برخی مغرضان چون در جامعه مذهبی هستند؛ بارنگ و لعاب مذهبی افکار الحادی را تحت عنوان قرائت جدید مطرح می نمایند. اگر همه مسلمانان مجاز بودند، هر کدام برداشت خاصی از اسلام داشته باشند پس از گذشت قرن ها، از اسلام نه اصولی می ماند و نه فروعی، علت اینکه پس از هزار و چهارصد سال، کتاب آسمانی قرآن و سنت قطعی پیامبر و ائمه علیهم السلام به دور از تحریف ها و بدعتها به دست ما رسیده این بوده است که اولًا، اسلام خود دستگاه تصفیه آلودگیها را از خود دارد یکی از آنها در درجه اوّل خود قرآن است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

(انَّ عَلی حَقٍّ حَقیقَهٌ وَ عَلی کُلِ صَواب نُوراً فَماوَ افقَ کتابَ الله فَخُذُوه وَما خالَفَ کتاب

اللَّهُ فَدَعُوهُ).

(همانا بر هر حقی حقیقتی است که بر هر صوابی نوری هست، پس آنچه موافق کتاب خدا بود آن را قبول کنیدآنچه مخالف کتاب خدا بود آن را رد کنید (۱)).

دوم سنت قطعی و متواتر پیامبر و ائمه علیهم السلام است. سنت برای ما حجّت و مقیاس است.

سومین دستگاه رفع آلودگی از دین عقل است، زبان قرآن، زبان منطق و استدلال عقلی است.

قرآن آنهایی را که حالت تسلیم وتعبدکورکورانه به خود گرفته و چشم وگوش و فکر خود را بکارنمی اندازند مذمّت می کند (۲).

گفتنی است، در موضوعاتی که نص صریح وجود دارد، یا ظهور معتبر است، قرائت جدید جایز نیست چون در اسلام اجتهاد علیه نص نداریم، برای اینکه هسته اسلام حفظ شود. اما در جایی که نص و ظهور معتبر نیست، اجتهاد و قرائت وجود دارد. البته معنای اجتهاد این نیست که هر کسی هر طور خواست برداشتی از اسلام نموده و حکمی صادر نماید. (۳)).

۱- . اصول کافی، ج ۱، ص ۶۹.

۲- . مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان ج ۱، اقتباس.

۳- . دانشجوی دختری در برابر تذکر کمیته انضباطی به رعایت حجاب می گوید من نسبت به آیه حجاب مسئله دارم شاید روزی برسد که ما به شما (زنان محجبه) تذکر دهیم و شما را امر به معروف کنیم که عمل تان ایراد دارد (سال ۷۹) دانشجوی دوره دکتری می گفت: من در علوم دینی تخصصی ندارم آنچه روحانیون بگویند صحیح تلقی می کنم، این همه اختلاف نظر در مورد اسلام، این سئوال را پیش می آورد که شاید خود دین اشکالی دارد که دین شناسان اختلاف نظر دارند. وی دیگر وظایف شرعی را انجام نمی دهند. (سال ۷۵) با درج آگهی اجاره منزل به (زوج مؤمن) در روزنامه (مشهد سال ۷۸) خانم هایی با آرایش غلیظ و مانتوهای بلوز و پیراهن مانند چاک دار و ... و روسری توری کوچک با موهای بیرون آمده، به منزل مورد آگهی مراجعه نمودند و همگی خود را مؤمن می دانستند و در مقابل تأکید صاحبخانه به مؤمن بودن، تعجب کرده و منتظر دانستن علامت غیر مؤمن بودنشان شده اند. زن و شوهری با تحصیلات لیسانس هردو خود را مؤمن می دانند، خانم و آقا در مجلس مختلط همراه آقایان و خانمها می رقصند و خانم در حضور نامحرم در داخل ساختمانها بی حجاب است و باز آقا همسرش را مؤمن می داند و دهها نمونه از این قبیل. بحث قرائت های جدید از اسلام در مطبوعات ودانشگاهها و ... باعث از بین رفتن فاصله میان مسلمان و مؤمن شده است، لذا انجام وظایف شرعی در بین برخی تحصیل کردگان در سطوح مختلف کم رنگ شده است چون بنا به برداشت آنان از خدا و دین، داشتن ارتباط قلبی با خدا کافی است!! و نیازی به انجام وظایف شرعی که محدود کننده هستند، نیست!! استاد بازنشسته دانشگاه و مشاور خانوادگی می گفت: (امر به معروف یعنی امر به عرف عمومی، نظر هر کس برای خود محترم است و آن را انجام می دهد. موازین شرعی را هر کسی یک جور معنی می

کنـد، بنـابراین نمی توان افراد را ملزم به رعـایت آن نمود چون مصـداق آن معلوم نیست). در چنـد سـال گذشـته حـد شـرعی حجـاب نیز دچار قرائت جدیـد گشـته وزیر چانه و پاها تا مـچ از محـدوده شـرعی حجاب زنان خارج شـده است و عـده ای از دانش آموزان و زنان تحصـیلکرده بـدون جوراب به حرم رضوی مشـرف می شوند و در برابر راهنمایان زائر اظهار می کنند ما فکر می کنیم بدون جوراب اشکال ندارد!! (گزارش راهنمایان زائر حرم قدس رضوی).

اسلام قوانین ثابت و غیر ثابت و متحرکی دارد، ولی قوانین متغیر را به قوانین ثابت وابسته نموده است، لذا هرگز قوانین ثابت اسلام دچار تغییر و دگرگونی نمی شوند. همچنین اجتهاد برای بیان قوانین متغیر نیز تنها از متفقّه (۱) در دین که به دانش عمیقی رسیده است بر می آید، نه همه مسلمانان اجتهاد و تفقّه نیز قوانین ویژه ای دارد که بدون رعایت آن قواعد، نظرات، تفسیر به رأی و سلیقه شخصی خواهد بود.

محمد خاتمی در ادامه سؤالات خود می افزایند:

(سؤال من این است که در آینده هم ما محکوم به همین امریم (بعد از تمدن و دوران شکوفایی، خمودگی وانحطاط) یا می توانیم برای آینده انتخاب کنیم و حضور فعال در ایجاد آینده ای که خواهد آمد، داشته باشیم؟ به هر حال به آینده نخواهیم رسید، مگر اینکه از (تجدد) (مدرنیته) بگذریم. راه ما از اینجاست یعنی ما باید از تجدد بگذریم تا وارد آینده شویم. البته این بدین معنا نیست که ما لزوماً در همه جهات تجدد را بپذیریم و نسبت و سابقه مان را منحل کنیم در تجدد (۲)).

سؤال مااین است که چرا غربیان و متجددان که فریفته و مرعوب تکنولوژی غرب و برخی دلباخته فرهنگ غربی شده اند، مجبور نیستند الزاماً از دنیای اسلام بگذرند؟ چرا برخی مسلمانان مرعوب تکنولوژی غرب شده وعقب نشینی اختیار نموده و عظمت فرهنگ و ت.

۱- . راغب اصفهانی: التفقه هو الْتوسل بعلم ظاهر الی علم باطن تفقه این است که انسان از ظاهر وباطن را کشف کند.

۲- . سخنرانی محمد خاتمی در جریان سلسله مباحث انسان و توسعه در دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طبا طبائی. ۱۱/ ۳/ ۷۳. متن کامل این سخنرانی در دی ماه سال ۱۳۷۸ در نشریه تربیت سیاسی آموزش و پرورش چاپ شده است.

تمـدن خود را به فراموشـی سپرده و تکنولوژی و فرهنگ غرب را توأماً پذیرا شده اند؟ مگر مسـلمانان نمی توانند با اسـتفاده از تکنولوژی روز- که دسـتاورد عقل بشری است و متعلق به جامعه بشری است نه دنیای غرب (۱)- بار دیگر تمدن و فرهنگی بر اساس دین اسـلام بنـا نهـاده و به جهانیـان ثابت نماینـد، دین جهانی که در همه زمانها و مکانها در شـرایط مختلف، جوابگوی نیازهای واقعی انسان است اسـلام است وبس. چرا دنیای مدرنیته و پست مدرنیته مجبور نباشد از فرهنگ و تمدن اسلامی عبور کنـد و به آینـده برسـد؟ چرا (الزام) صـرفاً گریبـانگیر مسـلمانان شـده است؟ این باورهـا ریشه در مرعوبیت برخی مسـلمانان از تکنولوژی غول آسای غرب و سلطه آن و خود کم بینی آنان را نمی رساند؟

آیـا انقلاـب اسـلامی ایران طلیعه ای نو و اسـتثنایی برای احیاء فرهنگ وتمـدن اسـلامی و ارائه الگویی عملی از اسـلام با همین تکنولوژی، در قرن بیست ویکم نمی باشد؟

از جمله مفاهیمی که در ایران دچار قرائت جدیـد وتعاریف گوناگون شده است ایده جامعه مدنی است. برخی حامیان مذهبی سعی کرده انـد جامعه مـدنی را با دین سازگار نشان دهنـد و حامیان غیر مـذهبی و ... سـعی نموده انـد جامعه مدنی را با مبانی غربی سازگار نمایند، هر چند همه تعاریف بر گرفته از تعاریف دانشمندان غربی می باشد.

محمد خاتمی (۲) در تلاش بر نهادینه نمودن جامعه مـدنی در کشور با بـدیهی نمایانـدن سازگاری اسـلام با ایده جامعه مدنی اظهار می دارد:

(هر چه بیشتر بایـد جـامعه مـدنی را بر محور قانون اساسـی به عنوان عامل وفاق ملی و چارچوب ساختار سیاسـی کشور نهادینه کرد و انتخابات را زمینه مناسبی برای تحقق این امر می دانم (۳).

و نیز ایشان در ۷/ ۳/ ۷۶ در پاسخ به سؤال خبرنگار ایران نیوزدر کنفرانس خبری مبنی بر برنامه اجرایی ایشان با وجود رأی ۲۰ میلیونی گفتند: ۸.

۱- . تکنولوژی حاضـر، حاصل تلاشهای همه دانشمندان از جمله دانشمندان جهان سوم است منتهی با سرمایه گذاری غربیان، که ریشه در استعمار و استثمار و استکبار صاحبان سرمایه دارد.

۲- . رجوع شود به تعریف هشتم، محمد خاتمی ۴۷.

۳- . روزنامه سلام، ۱۱/ ۲/ ۷۶، شماره ۱۷۰۸.

(مرحله فعلی بهترین موقعیت و مناسب ترین فرصت برای تثبیت پایه های جامعه مـدنی در چار چوب قانون اساسـی است) و نیز افزودند: (بسط و تعمیق جامعه مدنی و اسـتقرار نظام بر پایه قانون اساسـی برنامه ای است که تحت رهبری آیت الله خامنه ای و با حمایت مردم پیاده خواهد شد (۱)).

در میـان حامیـان ایـده جـامعه مـدنی که به عنوان جـامعه دینی تلقی می کننـد، تنهـا آیت الله معرفت محقق وصاحبنظر در علوم قرآنی، به صراحت به ارائه تفسیر جدید ازایده جامعه مدنی رایج پرداخته و در این زمینه می گویند:

صریحاً بگوییم: ما برای (جامعه مدنی) تفسیری جدا از تفسیر دیگران داریم که با شرایط و اوضاع سازگاراست، و بر پایه مبانی اسلامی استوار می باشد. این، یک گونه تعدیل در مفهوم رایج (جامعه مدنی) است که اصول اصیل آن را پذیرفته، زایده های آن را حذف می نماییم و معیار در این پذیرش و حذف، مبانی اصیل اسلامی است که در (مدینه النبی) ریشه دارد.

(خلاصه: سـر بسـته و در بسـته سـخن گفتن نوعی ظاهر کاری و (مداهنه) فریب کارانه است که با روح شـریعت اسـلام سازش ندارد و از همین جاست که فرصت طلبان کژ دل سوء استفاده می کنند. (۲))

ایشـان در واقع امر، خواهـان مبـانی اصـیل اسـلامی هسـتند، حال علت اینکه عنوان جامعه مـدنی را با معناهای متفاوت و متضاد رایـج، بر حکومت اسـلامی نـام نهاده انـد، چیست، با اینکه جامعه مـدنی دسـتاورد مانیست تا بتوانیم آن را تفسـیر و معنا کنیم. ایشان در جواب می گویند:

(درسـت است که این واژه از غرب به این دیـار راه یـافته و مفهـومی دارد که خـود آنـان برای آن فرض کرده و کـاربرد آن با شرایـط خودشـان سازگـار است، ولی این واژه اساسـاً ریشه تـاریخی کهن دارد و شایـد تمـامی ملت هـا بـا تمـدن گونـاگون و فرهنگ های متفاوت در آن سـهم داشته اند و مفهومی نیست که از لحاظ ساختار ماهوی ابهامی داشته باشد (۳)، جزآن که در برخی از جوامع ۱.

۱- . روزنامه سلام، شماره ۱۷۳۱.

۲- . معرفت، محمد هادی، جامعه مدنی، چاپ اول ۷۸، ص ۳۴.

۳- . رجوع شود به تعاریف و شاخص های جامعه مدنی ص ۵۱.

به لحاظ شرایط حاکم قید تا تبصره ای بر آن افزوده شده که با اوضاع واحوال همان سامان توافق دارد و این گونه قیود یا تبصره ای در ماهیت اصلی آن، تفاوتی ایجاد نمی کند (۱). در غرب پس از دوران رنسانس و گذراندن دوران سخت و دشواری که حاکمیت کلیسا با حمایت از صاحبان ثروت و قدرتهای سیاسی به وجود آورده بودند، مسأله (دین زدایی) و (مردم سالاری مطلق) در مفهوم جامعه مدنی گنجانده شد، که این افزودن قید، مولود شرایط موجود است، و در ماهیت آن دخالتی نداشته است. ما می دانیم مسأله (دین زدایی) صرفاً یک عکس العمل عجولانه و به دور از اندیشه بوده که امروز جامعه غربی دچار مشکلات و پیامدهای دشوار آن گردیده است، زیرا نبایستی رفتار نا هنجار کلیسا را به حساب دین آورد، و مردم را از یک باز دارنده درونی وتعدیل کننده رفتار انسان ها که از درون آنان سرچشمه می گیرد وبر پایه ایمان وعقیده استوار است دور داشت، تا نتیجه شوم آن که همان بی تفاوتی در رفتار است بر جامعه حاکم شود (۲)).

خصوصیاتی (۳) که ایشان به جامعه مدنی بر شمرده اند خود می دانند و می دانیم که دین اسلام هزار و چهارصد سال پیش این ویژگی ها را با محتوایی عملی و متعالی وجامع و کامل بر جامعه بشریت عرضه نموده است، در حالیکه در جامعه مدنی ساخت غرب، تنها شعار واسمی از این ویژ گیها هست وبس. آنچه در طی قرون، جامعه مسلمانان فاقد بوده است، عمل ننمودن مسلمانان به محتوای متعالی ومتکامل دین اسلام می باشد. (۱) . کلیه مفاهیم موجود با محتوای رایج در ایده جامعه مدنی توسط غربیان اخذ شده و در تمام دنیا مطرح نبوده است. ولی غرب به ویژه آمریکا در چند دهه اخیر در صدد است در کشورهای دیگر نیز متحقق نماید) رجوع شود به مدل های دموکراسی صفحات ۲۱۶- ۲۳۴) در حال حاضر ایده جامعه مدنی یکی از ابزارهای مهم سازمانهای جاسوسی و بین المللی به ویژه امریکا، برای تسلط بر کشورها و ایجاد دهکده جهانی به شمار می رود.

(۲). معرفت، محمد هادی، جامعه مدنی. ص ۶۲- ۶۳.

(۳). ۱- تکثر گرایی بنیادی: ظهور نهادها به طور طبیعی و خود جوش با توجه به نیازهای ساختاری در بستر تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. ۲- حاکمیت روح تسامح و تساهل: حسن تفاهم افراد و گروهها و تمامی نهادها و بنیادهای اجتماعی و بردباری و تحمل یکدیگر (نه بی تفاوتی به دین) ۳- قانون گرایی و نهادینه شدن قانون: تحقق عینی حاکمیت مطلق قانون در سرتاسر جامعه در قالب دولت عدل اسلامی که در راس آن مقام رهبری قرار دارد تا منافع امت اسلامی را در تمامی ابعاد مادی و معنوی، تامین و حراست نماید و عدالت اجتماعی را در سطحی گسترده و فراگیر تعیین نماید. ماخذ قبلی صفحه قبل ۴۱- ۲۴.

دین اسـلام از نظر محتوا چیزی کم نـدارد تـا بخواهیم محتوایی را از انسانهـا به عـاریت بگیریم تا کامل گردد، و اگر معتقـد به کامل بودن دین اسـلام برای جامعه بشریت هستیم، چه نیازی است که عنوانی را از بیگانگان به رعایت بگیریم که دهها اطلاق متفـاوت و متضـاد بـا هم داشـته و عنـوانی باشـد که محتوای غربی را به ذهن همگـان متبـادر سـازد، زیرا این کلمه برای مفهوم مشـخص و رایـج غربی وضع شـده است. این نوع اسـتعمال، تحریف در مفهوم کلمه است. علاوه براین، بیانـات حامیان جامعه مدنی نیز بیانگر محتوای غربی بوده ودر بیشتر موارد بر آن صراحت دارد که هیچگونه سازگاری با دین اسلام ندارد (۱).

از طرفی مگر دچار ضـیق کلمه یا کمبود نام و یا اجبار شـده ایم که عنوان اسـلام را مطابق مفاهیم روز بنماییم (۲). جای سؤال است که چرا مـذهبی ها خود را مجبور نموده اند هر چه از دیار غرب می رسد، رنگ ولعاب مذهبی بدان داده و با دین اسـلام سازگار نشان دهند؟ آیا غربی ها هم از این نوع دست و دلبازیها می کنند؟!

آیت الله معرفت در ادامه توجیه خود مبنی بر علل جایگزینی نام جامعه مدنی بر جامعه اسلامی می افزایند:

(ما به داعیان صلاح و اندیشمندان خیر اندیش غرب، هشدار می دهیم که آن چه دنبال آن هستید و با نام (جامعه مدنی) مطرح ساخته اید مفهوم صحیح و معقول آن در این جا در سایه رهنمود تعالیم اسلامی یافت می شود، وهم چنین شعار (مردم سالاری مطلق) را که شعاری تهی و بی محتواست، رها کرده، مردم سالاری تحت رهنمود شرع را که واقعیتی است انکارناپذیر بپذیرند (۳) ..).

سؤال این است که آیا با حذف کلمه اسـلام و استعمال کلمه دیگر با شرحی که گذشت، (۱). رجوع شود به تعاریف و شاص های ۱۰۲- ۷۶ جامعه مدنی صفحات ۴۱ تا ۹۲.

(۲). باید بتوانیم حکومت اسلامی و جامعه مدنی را بجای هم استعمال نمائیم. اما چون هردو، محتوای متفاوت ومتضادی داشته و تفـاوت مـاهوی دارنـد، این جایگزینی جمع ضـدین است و جمع ضـدین محال است. حکومت اسـلامی بر محور قوانین دین اسـلام و ولایت فقیه اسـتوار است و جامعه مدنی برخواست اکثریت و عقل انسانها (انسانهایی که حاکمان سیاسی کشور هستند نه عقل همه مردم) به طور مثال در جامعه مـدنی اگر اکثریت مردم اعتیاد و خریـد وفروش مواد مخـدر را مجاز بداننـد باید این خواسته بصورت قانون در آمده و اجرا گردد.

(۳). نشست فارغ التحصیلان کارشناسی حقوق نیروی زمینی سپاه درباره جامعه مدنی از دیدگاه امام رحمه الله ۱/ ۴/ ۷۷ نقل از محمد هادی معرفت، جامعه مدنی ص ۶۲- ۶۳.

می توان اسلام ناب محمدی صلوات را تبلیغ نمود، با اینکه در عمل می بینیم، اینگونه استعمال به تحریف و قرائتهای جدید از اسلام و اهانت به مقدسات اسلام و باز نمودن راه تسلط فرهنگی بیگانگان و ... می انجامد.

اگر قصد تبلیغ اسلام به جهانیان به ویژه غرب را داریم، چرا نام و محتوای آن را همانگونه که هست به نسل امروز ارائه نکنیم؟ آیا برخی از مسلمانان، همچون غربیان که در دین زدایی، عکس العمل عجولانه و به دور از اندیشه داشتند، در کشاکش جنگ فرهنگی و ایجاد دهکده جهانی با تغییر نام اسلام به جامعه مدنی عجله به خرج نداده اند؟ آیا این عمل کمک به خارج نمودن محتوای دینی از اسلام نبوده است (۱)؟

کار قرائت های جدید و تفسیر به رأی ها چنان به عرصه های مختلف سرایت نموده که حتی فرمایشات و دیدگاههای کاملًا روشن و واضح امام خمینی رحمه الله نیز از این قرائت جدید مصون نمانده است.

یکی از نویسندگان در طی سه مقاله که به همایش (تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران) ارائه نموده ودر نشریه کیهان هوایی نیز به چاپ رسیده است، با تحلیلی به ریشه یابی مفهوم جامعه مدنی در اندیشه سیاسی امام خمینی به عنوان معمار اصلی انقلاب اسلامی ایران پرداخته است.

ایشان می نویسند: (با فرض آنکه از جامعه مدنی بالاخره مفهومی اگر نه کاملًا مشترک بل دارای مختصاتی داریم که تا حدودی اذهان را به هم نزدیک می سازد، برای رد یابی آن مختصات در اندیشه یک اندیشمند، ابتدا باید دنبال کلید واژه هایی بود که لااقل گمان می رود، می توان با آن کلید واژه ها نظر اورا نسبت به موضوعی که در ذهن داریم جست وجو کرد.

بعضی کلید واژه های مختصات جامعه مدنی را در بیانات حضرت امام ره عبارت می دانم از:

آزادی، حقوق انسان، حقوق بشر، تساوی حقوق و حق رأی ... تکلیف، دانشگاه، پیشرفت و تجسم اعمال، وظایف دولت، زمامدار عادل، اقشار، حکومت اسلامی، ولایت فقیه، امتها، (۱). بهتر است تأملی در نظرات برخی دانش آموزان و دانشجویان و جوانان در باره خدا ونماز و اخلاق و امر به معروف و نهی از منکر و دیگر وظایف شرعی بنماییم، تا عمق پیامدهای سازگار نمودن اجباری دو محتوای متضاد در جامعه ایران را ببینیم.

ملل مختلف، سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله سیره حضرت امیر علیه السلام. انقلاب، امت اسلامی، وحدت، امربه معروف ونهی از منکر، خود کفایی (خود اتکایی)، قضاوت عادلانه، تفریحات سالم، عمل صالح، شکر نعمت و اصلاح امور ... ارتجاع، استبداد ... حکومت منحوس، تفرقه، با این کلید واژه ها، شمای کلی اندیشه سیاسی آن حضرت نسبت به مدینه فاضله شان تا حدودی قابل ترسیم است (۱).

شاید بتوان گفت: در اندیشه معظم له جامعه مدنی، جامعه ای با مختصات زیر است:

قانون محور است، غالب افراد در سرنوشت اجتماعی سیاسی خود شرکت فعال دارند، حقوق اجتماعی توسعه یابنده است، جامعه رو به سوی تعالی دارد تأسیسات اجتماعی بر مبنای عدالت شکل می گیرد، فرد به غنای کفاف دعوت می شود و جامعه به غنای فزاینده، جامعه نگری شمول دارد. علم و اخلاق نه در کنار هم که در امتزاج هم اند.

در ادامه می افزاید: اگر فقط یک واژه را مثلًا تمدن را بر گزینیم هر شاهد مثالی که ذکر شود ممکن است چند شاهد مثال دیگر نقیض آنچه نتیجه خواهیم گرفت در بیانات معظم له وجود داشته باشد که منازعه انگیز می گردد، چنین بود که به تنهایی خواندم و به تنهایی نتیجه گرفتم و مخاطب را به چگونه خواندن و چگونه نتیجه گرفتن دعوت نکردم).

در ادامه به تعریف اندیشه سیاسی پرداخته و مصادیق اندیشمند سیاسی را بیان نموده اند.

در مقاله دوم به توضیح ولایت مطلقه پرداخته و در پاورقی این مقاله در توضیح حکومت دینی و شورایی بودن امور، با همین روش کلید واژه ای- که روش جدید و سلیقه ای در تفسیر نیز می باشد. به تفسیر آیه ۳۸ سوره شوری پرداخته و گمانهای خود را به عنوان مفهوم آیه مزبور بیان نموده اند. ایشان می فرمایند:

(این که چرا از واژه جمهور استفاده نشده به گمانم اولًا شورا اعم است از جمهور و ثانیاً ذهن را دلالت می دهد که جمهوری یک شکل از حکومت است که شاید پس از پیشرفتهای بیشتر بشر در زمینه های معرفت سیاسی این مفهوم تاریخی می شود).

در مقاله سوم با تیتر درشت جامعه دینی، جامعه مدنی، به تشریح وضعیت خانه وخانواده (۱). البته به زعم خود نویسنده، زیرا با کلمات به تنهایی. بدون حرف ربط و کلمات قبل و بعد نمی توان چیزی را نفی یا اثبات نمود.

امام پرداخته و انـدیشه سیاسـی امام را مورد بررسـی قرار داده اند و اضافه نموده اند (در جامعه مطلوب او که می توان آن را از وجهی جـامعه مـدنی نـام نهـاد واز وجه دیگر جـامعه دینی، از وجه سوم جامعه ای خـدا محور و از وجوه چهارم و پنجم جامعه انسانی، مردم محور، تعالی خواه و ... است.

... بحث جامعه مدنی در اندیشه سیاسی ایشان هم در مقدمات بنیان اندیشه آمده و هم در مباحث زیر مجموعه ای حکومت، از این جهت در مقدمات بدان می پردازد که جامعه نمی تواند بدون وجود قانون به مدنیت برسد و در بحث این که کدام مدنیت منـاسب بـا ساختـار فطری آدمی است از ادیـان نـام می برنـد و هر از گاهی در بحثهای پراکنـده این را نیز اشـعار می دهنـد که مدنیت را ابتدا پیامبران الهی به وجود آوردند (۱) ....

در هر سه مقاله هیچ توضـیح و تعریفی از جامعه مدنی ارائه نشده و مفهوم آن بدیهی وروشن تلقی شده است، همچنین مطالب ارائه شـده ربط چنـدانی با عنوان مقاله ندارد. حال چرا مطالبی با عنوان جامعه مدنی از دیدگاه امام رحمه الله با محتوایی غیر از عنوان مطرح شده در نشریه چاپ شده سؤالی است که جای تأمل دارد.

مطلبی که بی جواب مانده این است که چرا خود حضرت امام رحمه الله در زمان حیات خود هرگز در طول نهضت پانزده ساله خود و بعـد از انقلاـب سـخنی از جـامعه مـدنی و کشـفیات ایشـان به میـان نیاوردنـد، آیا این عـدم اعتقاد قلبی و عملی و قولی حضرت امام به غیر از حکومت اسلامی با محتوای اسلام ناب محمدی نه یک کلمه کم نه یک کلمه بیش را نمی رساند؟

چرا نویسـنده محترم کشـفیات خود را درزمان حیات امام در معرض افکار عمومی قرار نـداده و سـکوت اختیار نمودند تا مردم بیشتر با افکار بنیانگذار انقلاب اسـلامی ایران با محتوای جامعه مدنی آشـنا گردند و احیاناً اگر اشـکالی در ارائه افکار امام بود خود امـام اصـلاح نماینـد؟ آیـا حضـرت امـام معمـار رحمه الله انقلاـب اسـلامی ایران، در زمـان حیات قادر به بیان مکنونات و دیـدگاهها و اهـداف خود نبودند، که دیگران بعد از فوت، از لابه لای گفته های (۱). نشریه کیهان هوایی، مقاله جامعه مدنی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی به قلم علی قادری، ۲۴/ تیر ۷۷، ص ۹ و ۳۱/ تیر/ ۷۷ شماره ۱۲۸۸ ص ۲۱.

شـان دنبـال تزهـای اجتماعی ایشان بگردنـد؟ آیا متناسب نبودن تیتر درشت این مقاله با متن آن، ساختگی بودن مطالب را نمی رسانـد؟ مصاحبه مدیریت فرهنگی آسـتان قدس رضوی با آیت الله علم الهدی یکی از شاهدان عینی نهضت امام خمینی رحمه الله در خصوص نحوه شروع و اساس نهضت امام در سال ۱۳۱۴، بیانگر محتوا و معیارهای اصلی و تکیه گاه ایشان می باشد.

امام رحمه الله برای شـروع نهضت از امام رضا علیه السـلام کسب اجازه نمود و از علمای دینی دعوت و همراهی خواسـتند و با کلمه بسم الله الرحمن الرحیم نهضت را شروع نمودند، نه با نام جامعه مدنی و دموکراسی و پلورالیسم و لیبرالیسم و ....

از امـام رضا علیه السـلام تأییـد خواسـتند نه از تحلیل های جان لاک و اسـتوارت میل و گرامشـی و دوتوکویل و این نهضت را تکلیف شـرعی می دانسـتند نه خواست اکـثریت مردم. ایشـان در تبیین معیارهـا ومحتوای انقلاـب اسـلامی هرگز اجـازه افکـار وارداتی را نداده و همواره بر اسلام ناب محمدی (نه آمریکایی) تصریح داشتند.

آیت الله علم الهـدی می فرمایند: ... در سال ۱۳۴۱ در آغاز نهضت، حضـرت امام قدّس سـره بود در قم امام آن نهضت را پایه ریزی کردنـد وآن را بنـا کردنـد برای همه علمـا ی بلاد ایران نامه فرسـتادند و آنها را دعوت به نهضت اسـلامی کردنـد و این توفیق وسـعادت نصـیب من شـد که، پخش نامه های خراسان را به من لطف کردنـد، نامه نوشـتند به شـهرهای مختلف از جمله مشـهد، تربت حیـدریه، بیرجنـد، زاهـدان خط سیری رابروم و نامه که به خط مبارک خودشان نوشـته شـده بودنـد و دعوت به نهضت کرده بودند فرمودند: به بزرگان می دهید جواب را برای من می آورید.

به من این جمله را فرمودنـد: این نامه را به شـما می دهم هنوز هوا روشن نشـده است از قم بیرون برویـد و کسـی از رفتن شـما مطلع نشود، در بین راه تهران در جایی توقف نفرمایید وارد مشـهد مقدس که شدید به منزل پدری تان نروید و مسـتقیماً وضـو بگیرید مشرف شوید محضر علی بن موسی الرضا علیه السلام، این عبارت را از طرف من بگویید:

امر بسـیار عظیمی را تصمیم گرفته ایم که تکلیف است چنانچه مورد تأیید شماست ما را تأیید کنید و چنانچه مورد نظر مقدس تان نیست هم اکنون ما را از آن باز دارید.

من بنا به دستور و امر استاد وارد مشهد شدم، اولین لحظه ای که تشرف پیدا کردم به همین

عبارت فارسی پیام را رساندم.

در مسافرت هائی که مأمور بودم به علماء مشهد، تربت حیدریه و شهر بیرجند و زاهدان نامه های استاد را رساندم ... از هر کدام از این سه چهار شهر طومارهایی به محضر حضرت امام رسید و نامه هایی از جانب علماء و بزرگان آمده بود، آقا فرمودند: انشاءالله ما را تأیید می کنند، بسم الله الرحمن الرحیم، شروع می کنیم.

این جمله، جمله امام خمینی بود که ابتدای نهضت فرمودند (۱).

در این میان، متفکران خارجی رویدادهارا همانطور که بوده مشاهده نموده اند. یکی از این افراد میشل فوکو (۱۹۸۴– ۱۹۲۶) جامعه شناس فرانسوی است که برا ی تهیه گزارش در باره رویدادهای ایران برای روزنامه کوریه ره دلّاسرا (۲) دوبار در تاریخ ۲۵ شهریور تا ۲ مهر ۱۳۵۷ و ۱۸ تا ۲۴ آبان ۱۳۵۷ به ایران سفر کرده در تهران وقم وآبادان با رهبرن دینی و ملی و دانشجویان و با روشنفکران علاقه مند به مسائل اسلامی و ... ملاقات نمود. تحلیل و شناخت وی از رویدادهای ایران با اینکه یک فرد خارجی مسیحی و دور از ایران می باشد، با واقعیت منطبق بوده است. وی پس از بازگشت به پاریس در مقاله خود رویدادهای ایران را چنین توصیف می کند:

هشت روز پیش از آن (مراسم یاد بود شهدا در بهشت زهرا) هزاران تظاهر کننده، دست خالی، جلوی سربازان مسلح، در خیابانهای تهران رژه می رفتند و فریاد می زدند:

(اسلام، اسلام) برادر ارتشی چرا برادر کشی؟ برای حفظ قرآن، ارتش به ما بپیوند (خمینی، خمینی، تو وارث حسینی).

وی دیدگاه شیعه را چنین توصیف می کند:

در نظر شیعه قرآن حق است، زیرا بیان اراده الهی است، اما خدا خود خواسته است که حق باشد حق است که قانون را پدید می آوردنه که قانون حق را بسازد. البته می توان این حق را در (کتاب) خدا که به پیامبر وحی شده خواند، اما آن را می توان از خلال زندگی و رفتار وحکمت (۱). مصاحبه با آیت الله علم الهدی، جزوه آستان قدس رضوی، اداره تبلیغات اسلامی سال ۷۹، ص ۱۱ و ۱۲.

(۲). ۱ .areS alled ereirroC

و از خود گذشتگی های مثالی امامان هم نمایان دید. امامانی که، از علی علیه السلام به بعد، در خانه پیامبر زاده شده اند و از خلفای جور، این اشراف زادگان مغروری که مذهب حق جو و برابری طلب دیرین را فراموش کرده بودند، آزار دیدند و به انتظار آنکه امام دوازدهم با ظهور خود، از نو حق را به صورت کامل مستقر کند باید از راه شناخت امام، از راه دوستی علی علیه السلام و خاندان او، وحتی از راه شهادت، از امت در برابرقدرت فاسد دفاع کرد، در نتیجه به نوعی سازماندهی خاص می رسیم. این مذهب تنها زبان ساده ای برای بیان آرزوهایی که الفاظ دیگری پیدا نکرده اند نیست بلکه چیزی است که در گذشته هم بارها بوده است: شکلی است که مبارزه سیاسی، همین که لایه های مردمی را بسیج کند، به خود می گیرد، واز هزاران ناخرسندی، نفرت، بینوایی، و سر خوردگی یک نیرو در می آورد که خودش یک صورت بیان است یک شیوه با هم بودن است، نوعی گفت و شنود است ... حزبهای سیاسی را که داشت تشکیل می شد به هم ریخته و در برابر ارتشی ها و تانکها نیم میلیون نفر را به خیابانهای تهران سرازیر کرده است.

این جمعیت فقط فریاد (مرگ بر شاه) بر نیاورده بلکه فریادش (اسلام، اسلام) و (ما همه سرباز توایم خمینی) بود. است ... باید باور کرد که جریان مرموز و نیرومندی میان این پیرمرد که پانزده سال است در تبعید است و ملتی که او را صدا می زند و جود دارد ... در مدت اقامت در ایران یک بار هم واژه (انقلاب) را از زبان کسی نشنیدم، اما از پنج مخاطب من (مقامات دینی، دانشجویان، روشنفکران علاقه مند به مسائل اسلامی و چریکهایی که در سال ۱۳۵۲ مبارزه مسلحانه را رها کرده بودند) به سؤال چه می خواهید، جواب می دادند حکومت اسلامی، این جواب مرا غافلگیر نمی کرد، آیت الله خمینی همین جواب خشک وکوتاه را به خبرنگاران داده بود و هنور هم سر حرف خود بود (۱) ....

یکی از مشاوران امریکایی قبل از پیروزی انقلاب می گوید: (اگر ما محرم را مقاومت کنیم همه چیز رامی توان نجات داد و گرنه ...) وزارت خارجه آمریکا هم منتظر سالگرد شهادت امام (۱). فوکو، میشل. ایرانیها چه رویارویی در سر دارند؟ (تهران ۱۳۵۷) ترجمه حسین معصومی همدانی، چاپ اول ۷۷ ص ۳۰ و ۳۲ و ۳۶- ۳۵.

شهید است. (۱) مشاور امریکایی رمز پیروزی ملت ایران را به خوبی در ک کرده و می داند، رهبر و مردم ایران با حماسه حسینی الفتی دیرینه دارند و از سید الشهدا درس مسلمانی می گیرند و ایده های غربی در میان دلباختگان حسین علیه السلام جایگاهی ندارد. زمانی که افکار وارداتی و ساخت دشمنان اسلام بخواهند زمام امور کشور به دست گیرد و وابستگان سیاسی احزاب و گروهها متولی این امر گردند این همه تفاوت قضاوت از پدیده ای واحد بعید به نظر نمی رسد، زیرا هر کدام وابستگی ها و تعهداتی دارند که ملزم به اعمال آن هستند و همین مانع دیدن واقعیت امور می گردد. برای اینکه اسلام و مسلمین قربانی داد و دهش نگردد، باید در ساختار حزب در ایران دوباره اندیشید.

از این روست که مطلبی در کیهان سلطنت طلب چاپ خارج از کشورخوشحالی ضد انقلابیون، از وجود نیروهای حامی جامعه مدنی که با آنها یک زبان هستند نشان داده و اظهار می دارند:

(نیروهایی که آشکارا حکومت کنونی ایرانی را توتالیتر ارزیابی می کنند، از ضرورت ایجاد جامعه مدنی سخن می گویند و عواملی که خواهان تحول وتجدد هستند زیاد گوناگون اند از جمله آنها سعید حجّاریان (۲) معاون سیاسی مرکز تحقیقات استراتژیک (ریاست جمهوری ایران) و یکی از سخنگویان (خوش فکر) این طیفهاست. اینان با آن چه از سوی اپوزسیون مطرح می شود تفاوت زیادی ندارد.)

سعید حجّاریان در مصاحبه ای کلمه اسلامی را از جمهوری حذف نموده و می گوید:

(باید تلاش کنیم آنهایی که التزام عملی به جمهوریت ندارند از مناصب اصلی کشور حذف شوند) (۳). (۱) فوکو میشل ایران ها چه رویایی در سردارند (تهران ۱۳۵۷) ترجمه حسین معصومی همدانی چاپ اول ۷۷ ص ۵۳

(۲) مشاور سابق ریاست جمهوری آقای محمد خاتمی ۸۰ ۷۶

(۳) روزنامه ایران ۴۹/ ۹/ ۷۷

هم اوست که در نشریه عصر ما قانون نظارت استصوابی (۱) را ابزارقلع وقمع کلیه رقبا عنوان نموده و آراء مخفی رأی دهندگان تهرانی را به طور دلخواه تجزیه و تحلیل نموده و مردم را دسته بندی کرده و علیرغم مخفی بودن آراء، خبر از نیّات و کم وکیف آراء مخفی داده اند. البته جای سؤال است که چگونه آراء مخفی و بدون نام مردم در دسترس اشخاص قرار گرفته، تا تحلیلی سلیقه ای و مطابق با ذهنیات و اهداف خود نمایند لابد آزادی و دموکراسی مورد ادعای حامیان جامعه مدنی این چنین ایجاب می کند!!

نمونه ای از این تجزیه و تحلیل ها ارائه می گردد تا خوانندگان، خود با توجه به واقعیات جامعه و اصل مخفی بودن آراء مردم قضاوت نمایند. سعید حجّاریان در گفت وگویی در سال ۷۶ در باره مخفی بودن رأی مردم می گوید: (نفس مخفی بودن برای انتخابات بسیار مهم است.

تا به حال مشکلی که داشتیم این بود که مثلا مهر زدن در شناسنامه ها ایجاد مشکل می کرد ... اگر رأی دادن مخفی نبود و مشخص بود مردم به چه کسی رأی می دهند و برای آن باید هزینه (هزینه سیاسی) را هم می پرداختند آن وقت حتماً برای بسیج کردن آنها وجود یک سازمان حزبی گسترده و قوی ضروری بود اما چون مخفی بود شاید احتیاجی به این سازمان نبود ... (۲)).

راهپیمایی سراسری بدون هماهنگی قبلی مردم در ۲۳ تیرماه سال ۷۸ و راهپیمایی های دیگر نمونه بارز فعالیتهای مردمی از ولی فقیه و نظام جمهوری اسلامی با محوریت ولی فقیه می باشد که خط بطلان به تمام تحلیل های ذیل کشیده است.

الف) مراکز آموزش عالی کوی دانشگاه تهران (۷۳/ ۰)، دانشگاه امیرکبیر (۳۷/ ۰)، دانشگاه علم وصنعت (۲۴/ ۲)، دانشگاه تهران درب شمالی (۰۱/ ۳)، دانشگاه تهران درب جنوبی (۷۹/ ۱)، دانشگاه علامه طباطبایی (۰/ ۱۳)، دانشگاه صنعتی شریف، (۷۴/ ۱)، دانشگاه الزهرا (۵۶/ ۲). (۱). روزنامه ایران ۱۹/ ۹/ ۷۷.

(۲). نظارت استصوابی یعنی ناظر می تواند (اعمال نظر) نماید.

(۳). انتخاب نو مجموعه مقالات، سعید حجّاریان، گفتگوی مردادماه ۱۳۷۶، تلاقی جمهوریت و مشروطیت ص ۵۸، چاپ اول ۱۳۷۷ مطالعه اصل مقاله علت بیان مطلب کیهان سلطنت طلب را روشن تر می سازد و نیز رجوع شود به نظر سعید حجّاریان درباره دمکراسی ص ۲۱۴ همین کتاب.

چنان که از ارقام فوق بر می آید در خوابگاههای دانشجویی آرای جناح چپ به مراتب بیشتر از جناح راست بوده است اما در دانشگاهها، به دلیل تعطیلی آخر هفته، احتمالا آرای عناصر غیر دانشجو، صندوقها را به سمت راست کشانده است. در مورد دانشگاه تهران که در روز رأی گیری محل برگزاری نماز جمعه بوده است صندوق درب شمالی آن تفاوت معنی داری با صندوق درب جنوبی دارد.

ب) مساجد مهمترین حوزه های اخذ رأی هستند و بسته به ویژگیهای محلی و شخص امام جماعت و نمازگزاران تفاوتهای جدی با یکدیگر دارند. پاره ای صندوقهای مساجد کاملا راست بوده اما بعضی مساجد دارای صندوقهای چپ هستند. برای نمونه شاخص A را برای تعدادی از مساجد تهران محاسبه کرده ایم.

مسجد اعظم قلهک (۱۳/ ۱۰) مسجد قبا (۶/ ۴)، مسجد بلال (۶۹/ ۳)، مسجد جامع ضرابخانه (۵۷/ ۵)، مسجد آشتیانیها (۱۱)، مسجد لرزاده (۲۴/ ۲۶)، مسجد قائم جوادیه (۶۳/ ۰)، مسجد امام حسن نازی آباد (۴۶/ ۰)، مسجد فاطمیه قلعه مرغی (۷/ ۰)، مسجد جامع ولیعصر خانی آباد نو (۸۶/ ۰).

به طور کلی می توان ادعا کرد صندوقهای مستقر در مساجد در قیاس با صندوقهای مستقر در سایر اماکن (مدارس، ادارت، بیمارستانهاو ...) دارای شاخص راست تری بوده اند و دلیل این امر آشکارا به قدرت گیری جناح راست در مرکز امور مساجد بر می گردد.

ج) تأثیر جنسیت به روی رفتار رأی دهندگی. از آنجا که در انتخابات مجلس نوع جنسیت رأی دهندگان به روی ورقه های رأی ثبت نشده است، حرف چندانی نمی توان زد. اما پاره ای از حوزه های انتخابیه (بخصوص مساجد) دارای دو صندوق مردانه وزنانه هستند که با نگاهی به شاخص A و مقایسه آن برای صندوقهای مردانه و زنانه می توان ادعا کرد در حوزه هایی که آرای جناح راست غلبه داشته، صندوقهای زنانه راست تر از صندوق های مردانه بوده اند و بر عکس در حوزه هایی که غلبه با جناح چپ بوده آرای صندوق های زنانه چپ تر از صندوق های مردانه جلوه می کند.

سعید حجّاریان در مورد فاکتورهای جمعیت شناختی مانند سن، میزان درآمد، سطح سواد می افزاید: (از آنجا که اطلاعاتی درباره این عوامل در دست نیست نمی توان تأثیر آنها را بر رفتار رأی دهندگی محاسبه نمود. به هر تقدیر امیدواریم وزارت کشور با سعه صدر

بیشتری آمار مربوط به ادوار گوناگون انتخاباتی را در اختیار پژوهشگران! قرار دهد تا از این طریق بتوان ابتدا تصویر دقیقی از رفتار رأی دهندگان بدست آورد و آنگاه در جهت بهبود این رفتار توصیه هایی نمود!! بخصوص، نتایج انتخابات مجلس پنجم و مقایسه آن با ادوار قبل می تواند تحولاتی را که در ایستارهای سیاسی مردم رخ داده است در معرض قضاوت صاحبنظران و مسؤولین امور قرار دهد. باشد تا از این طریق اصلاحاتی چه در زمینه قوانین انتخاباتی و چه در امر اجرا و برگزاری انتخابات صورت گیرد).

اصل اول در پژوهش، بی طرفی کامل و وجود بصیرت و بینش عمیق از مسئله مورد پژوهش است که در اینجا مفقود بوده است.

نظریات و تعاریف ایده جامعه مدنی

اشاره

نظریات و تعاریف ایده جامعه مدنی برای مشخص شدن چارچوب نظری ایده جامعه مدنی نظریات و تعاریف ارائه شده توسط حامیان ایده جامعه مدنی را مطرح نموده و شاخص های ارائه شده را بررسی می نمائیم.

برخی معتقدند جامعه مدنی یک شیوه و سبک است نه یک نظریه ایدئولوژیک، برخی جامعه مدنی را ایده فرهنگی ایدئولوژیکی می دانند اما می گویند نمی توان آن را تعریف کرد زیرا آن را شکل نظام می دانند که باید با پسوندی محتوای آن را تعیین کرد.

گروه دیگر معتقدند می توان جامعه مدنی را تعریف کرد و هر کدام از حامیان جامعه مدنی تعریف خاصی را ارائه نموده اند که به عنوان نمونه چهل ودو تعریف ارائه می شود.

گروهی دیگر از حامیان جامعه مدنی برای ارائه تصویری روشن از جامعه مدنی بجای تعریف، به بیان شاخص ها و ویژگیهای جامعه مدنی که بیشتر با فرهنگ غربی و تصورات خودشان مطابق است پرداخته اند، سی وسه ویژگی ارائه می شود که در تعاریف وویژگیها اختلاف نظر بسیار بوده، و وجوه اشتراک بین آنها به جز مبنای غربی، اندک می باشد.

۱- عباس منوچهری درباره جامعه مدنی می گوید: در یک مرور کلی مشخص می شود که اساساً چیزی تحت عنوان جامعه مدنی وجود ندارد تا ما به دنبال نقطه شروع کاربرد آن باشیم، بلکه مفاهیم و پدیده های دیگری به جای جامعه مدنی مد نظر بوده اند. (۱) ۲- شاپور رواسانی در تعریف جامعه مدنی به شناسایی نقش تولید مسلّط وتعیین نقش دولت در جامعه معین و محتوای فرهنگی و اجتماعی هر دو جامعه اشاره نموده ودر ضمن آن، ۰.

۱- . منوچهری، عباس، استاد دانشگاه تربیت مدرس، مجموعه مقالات جامعه مدنی اصول و رویکردها و زمینه شکل گیری آن در ایران ص ۲۰.

کوشش برای بسط جامعه مدنی در سایر کشورها را نیز تأیید می نماید، وی می نویسد:

(برای ارائه تعریف در باب جامعه مدنی در هر جامعه باید نخست شیوه تولید مسلّط و در این رابطه، محتوای اجتماعی و طبقاتی دولت را تشریح کرد و توضیح داد و سپس به تعیین نقش دولت در جامعه معین پرداخت ... در جوامع مستعمراتی محتوای طبقاتی و اجتماعی جامعه مدنی و نهادهای فرهنگی آن نیز با محتوای اجتماعی و نهادهای فرهنگی جامعه مدنی در نظام سرمایه داری تفاوتهای اساسی دارد ...

اگر به این تفاوتها توجه نشود کوشش برای شکوفایی وبسط جامعه مدنی در مستعمرات به جایی نخواهد رسید (۱)).

۳- مسعود بهنود در تعریف جامعه مدنی به عنوان صاحبنظران به نشر قطره می گوید:

(آن جامعه ای که مقصود و منظور ما در دوم خرداد ۱۳۷۶، در این اواخر قرن بیستم بوده و هست، الزاماً جامعه مدنی بدان معنا نیست که در کتابهای فلسفی و سیاسی جهان آمده، این یک لوگو (نشانه) بود تا براتی که حدود صدو پنجاه سال است در دست ها می چرخد، به یاد آورده شود و اصل آن طلب زنده شود. یک نامگذاری قراردادی، نه آنکه انگار سی میلیون نفر در روز انتخابات ریاست جمهوری نوشته های آدام اسمیت، هابز و هابرماس و دیگر دانشمندان غرب را در دست داشتند وقتی به پای صندوقهای رأی رفتند، بیست میلیون به آن رأی دادند و ده میلیون به آن رأی ندادند- چنانچه بعضی چنین فکر کرده اند- تعریف جامعه مدنی هر چه می خواهد باشد آن چه در ذهن مردم ایران بود، جامعه ای پاک، آرام، سالم، بدون تبعیض و به دور از ظلم و زور بود، جامعه ای که در آن تعریف روشنی برای قدرت وجود داشته باشد ...

اجازه می خواهم که خود بر این جامعه آرمانی نامی بدهم و آن را به مَثَل (جامعه گل سرخ) بنامم. این گل همان است که فرنگیان آن را (رُز) می نامند و وقتی وارد فرهنگ ملی و دینی ما شد (گل محمدی) نام گرفت. (۲)) د.

۱- . شاپور رواسانی، کرسی اقتصاد اجتماعی کشورهای در حال رشد، دانشگاه الدنبورگ آلمان، اطلاعات سیاسی- اقتصادی شماره ۱۲۴- ۱۲۳.

۲- . جامعه مدنی و جوانان- گردآوری نظرات صاحبنظران توسط نشر قطره، ص ۱۲ و ۱۳. مسعود بهنود نویسنده روزنامه های تعطیل شده جامعه، توس، نشاط و عصر آزادگان است. بهنود عضو گروه سلام بوده است که در آخرین ماههای حکومت پهلوی، جهت حفظ رژیم به وجود آمد. وی مرتبط با بنیادهای مطرح ضد انقلاب در خارج از کشور است. جهت اطلاع بیشتر از پیشینه مسعود بهنود به کتاب نیمه پنهان تالیف دفتر پژوهشهای مؤسسه کیهان ج ۱ رجوع شود.

نام و تعریف و محتوای ایده ها نمی تواند بی ارتباط با هم باشد. مردم به شعارهایی که با دین اسلام سازگار بود رأی دادند نه عنوان جامعه مدنی با محتوای غربی، همانطور که پیش تر گفته شد به دلیل مقام روحانیت آقای خاتمی مردم به سازگاری ایده جامعه مدنی با دین اسلام اطمینان پیدا کردند و قبل از انتخابات حتی اقشار تحصیل کرده درصدد تحقیق و بررسی در کم وکیف جامعه مدنی رایج برنیامده و به گفته ها اکتفا کردند. البته تمام گفته ها در هاله ای از ابهام و کلی گویی و عدم شفافیت موضع مستور بود هر چند هنوز هم، مواضع بیشتر حامیان جامعه مدنی در برابر دین اسلام بطور کامل واضح و روشن نیست.

همچون این بیان، که علاوه بر تحریف در مفهوم کلمه، افکار رؤیایی و شاعرانه هم به آن اضافه شده است البته موضع ایشان کاملًا روشن است.

(جدول شماره ۱)

تعریف جامعه مدنی

۱- یک شیوه است (نظریه ایدئولوژیک نیست)

۲- فرهنگی- ایدئولوژیک است

۱- نمی توان آن را تعریف کرد

۲- می توان آن را تعریف کرد

۱- نباید تعریف واحدی ارائه کرد (به ذکر برخی ویژگیهای جامعه مدنی پرداخته اند)

۲- می توان تعریف واحد ارائه کرد

برخی جامعه مدنی را یک شیوه می دانند: عبدالکریم سروش در این باره می نویسد:

۱- جامعه مدنی جامعه ای است با لذات غیر دینی و غیر ایدئولوژیک و جمع آن با ایدئولوژی چیزی چون مشروطه مشروعه است که می تواند ممکن یا ناممکن، مطلوب یا نا مطلوب باشد.

عبدالکریم سروش در این باره می نویسد: (جامعه مدنی یک نظریه ایدئولوژیک نیست بلکه روش اداره نظام است، بنابراین جامعه مدنی در واقع حامل هیچ پیام محتوایی نیست و تنها مشکل جامعه را ترسیم می کند. (۱)) این نظر عدم سازگاری ایده جامعه مدنی با اسلام را بیان می کند.

عباس عبدی نیز در این باره می گوید:

۲- (جامعه مدنی دینی به نظر من تعبیر صحیحی است، زیرا جامعه مدنی شکل و روش را تعیین می کند. حال اگر مردمی دینی هستند و بر حسب اراده آزاد خود دین را چنان که خودشان می فهمند مبنای رفتار قرار می دهند، طبعاً اصول رفتاری آن را به صورت قانون تدوین و اجرا می کنند و تا هنگامیکه براین مسیر ره می پیمایند، طبعاً هم جامعه مدنی دارند و هم محتوای آن دینی است. (۲))

اگر دین مطابق فهم افراد مبنای رفتار قرار گیرد، دیگر دینی باقی نمی ماند که مبنا قرار گیرد. دین از آن رو دین گفته شده است که مجموعه ای از دستورات و تعالیم منبعث از وحی الهی را در خود داشته و قلمرو معنایی دارد. اگر مبنای رفتار، اراده آزاد افراد است چه لزومی دارد پسوند دین را بیاوریم و در معنای دین تحریف کنیم؟

۳- مقصود فراست خواه در تعریف جامعه مدنی می گوید:

(به گمان اینجانب جامعه مدنی اتوپیا و ناکجا آباد نیست. من تصوری آیینی و ایدئولوژیک ن.

۱- . سروش، عبدالکریم، مقاله (جامعه مدنی، دموکراسی نخبگان- منافع ملی) وی تحصیلات عالی خود را در رشته داروسازی به پایان رسانده و همزمان به ادامه تحصیل در رشته شیمی تجزیه، در انگلستان به تحصیل در رشته تاریخ و فلسفه علوم پرداخت و بعد دکترای اسلامی را از دانشگاه تهران گرفت. مناظره سروش و کدیور درباره پلورالیسم، نشر روزنامه اسلام، ص ۷.

۲- . عبدی، عباس، جامعه مدنی و جوانان، ص ۲۵ و ۲۲۵، عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران.

از جامعه مدنی ندارم ... به نظر من جامعه مدنی شیوه ای از زندگی اجتماعی و حل مسائل آن و دوره اخیر و جدید تاریخ بوده است که نخست برخی از غربیها (با استفاده از تجربه های پیشین و انباشته خود و دیگران) نوآورانه و خلاقانه در ذهنیت و آگاهی اجتماعی خویش پروراندند و در عینیت فرهنگ و مناسبات شان آزمودند و بارور ساختند).

مقصود فراست خواه برخی اجزاء و عناصر شیوه زندگی بصورت جامعه مدنی را دریازده مورد به تصور خویش بر شمرده است که به برخی از آنها اشاره می نماییم:

۱- مردم و نهادهای صنفی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، علمی، فرهنگی، سیاسی آزاد و مستقل از دولت است، برگرفته از تعریف هگل (تعریف دوم)

۲- نظام سیاسی از طریق قرارداد و توافق اجتماعی شکل می گیرد و جامعه بصورت روشمند و قانونمند اداره می شود. (برگرفته از دموکراسی و قرارداد اجتماعی توماس هابز و جان لاک)

۳- افکار و ایده ها و عقاید مختلف و متفاوت و متکثر به رسمیت شناخته می شود.

(برگرفته از پلورالیسم)

۴- در جامعه مدنی تقسیم کار و تخصص و وجود نهادها از هم تفکیک و مجزا می شوند و تمایز می یابند، مثلًا دین و حکومت با هم متمایز دانسته می شود، دادگستری از دستگاه قضائی کشور مستقل است ... حتی چه بسا هر یک از ایالت های کشور، خود مختاری و خودگردانی دارند. برگرفته از سکولاریسم و نظریات آنتونیو گرامشی (تعریف سوم)

۵- از روش گفتگو (گفتمان اجتماعی) و عقلانیت جمعی برای حل مسائل اجتماعی نهایت استفاده می شود. (۱) (برگرفته از قرارداد اجتماعی)

همانطور که از محتوای این اجزاء و عناصر پیداست، همگی برگرفته از افکار و نظریات فلاسفه غرب است و تصورات ایشان کاملًا با مبانی نظری فلسفه غرب منطبق در آمده است.

برخی دیگر معتقدند نمی توان جامعه مدنی را تعریف نمود. بلکه باید با نظامهای حقوقی (۱). فراستخواه، مقصود، جامعه مدنی وجوانان، ص ۳۰ و ۳۱، نشر قطره، وی وابسته به نهضت آزادی می باشد برخی مقالات وی در حال حاضر در نشریات ضد انقلاب خارج کشور نظیر نیمروز به چاپ می رسد. از جزوه منتشره معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروهای مقاومت بسیج.

و اخلاقی به آن هویت داد. در مقاله جامعه مـدنی (آنکه گفت نه) آمـده است: (جامعه مـدنی بـدون پسوند نداریم و در مورد چنین جـامعه ای اثباتـاً و نفیاً هیـچ قضاوتی نمی توان کرد. جامعه مـدنی بـدون پسونـدی که معرّف بنیانهای نظری، راهبردهای عملی و دکترین حقوقی آن جامعه باشـد، معنا ندارد ... تا امروز هیچ تعریف واضح، واحد، روشن و آکادمیک از جامعه مدنی وجود نـدارد و نبایـد هم وجود داشـته باشـد، زیرا جـامعه مـدنی مـاده ای است که بـا صورتهـای گوناگون نظام های حقوقی و اخلاقی هویت می یابد. ((۱))

برخی دیگر معتقدنـد می توان جـامعه مـدنی را تعریف کرد، حـال به برخی از تعـاریف در مطبوعات و کتب منتشـره اشاره می شود:

تعریف اول: (ارسـطو و افلاـطون مـدینه فاضـله خود را (جامعه مـدنی) نامیدنـد. (۲) برخی دیگر بـا ایـن تلقی از جـامعه مـدنی مخالفت نموده و معتقدنـد جامعه مـدنی نه فقط ایـده آل و مدینه فاضـله نیست، بلکه وسـیله ای برای رسـیدن به جامعه مطلوب است، بنابراین جامعه مدنی را جامعه گذار از وضعیّت موجود برای رسیدن به وضعیت مطلوب می دانند (۳).

البته ارسـطو قائل به دولت- شـهر بود. بیان نظریات پیشـینیان جهت القاء سابقه دیرینه جامعه مدنی، نمی تواند امتیازی بر جامعه مدنی رایج در قرن بیستم باشد، زیرا افلاطون ۴۲۷ سال قبل از مسیح متولد شده و جامعه مدنی وی با جامعه مدنی امروز که در پی مقایسه تطبیقی با دین اسـلام هستیم، فاصـله بسـیار دارد زیرا ساختار مـدینه فاضـله افلاطون رانظام ارباب و رعیتی و تبعیض نژادی تشکیل می دهد.

وی (بهترین نوع حکومت را حکومت فلاسـفه می دانـد و در (مـدینه فاضـله) که بهترین جوامع است سه طبقه از مردم را جـای می دهد فلاسـفه که به منزله سـر جامعه و منبع عقل و خرد هستند و سپاهیان برای دفاع از استقلال و تمامیت جامعه و کارگران و صاحبان حرف که ۳.

۱- . رحیم پور از غندی، جامعه، ۲۷/ ۳/ ۷۷. همچنین سید عباس حسینی قائم مقامی (جامعه مدنی) روش یا بینش، ایران ۶/ ۱/ ۷۷.

۲- . به نقـل از مسـعود معصومی، جـامعه مـدنی در مطبوعات، ص ۱۹ و ۱۸ و نیز حسن امین (تعریف و پیشـین جـامعه مـدنی) کیهان اندیشه ش ۷۶.

۳- . علوی تبار در میزگرد جامعه مدنی، کیان، ش ۳۳.

اکثریت توده مردم را تشکیل می دهند تابع غرائز و شهوات هستند و نیازهای مادی جامعه را تأمین می کنند. افلاطون پیشنهاد می کند، در میان اعضاء طبقه برتر جامعه یعنی فیلسوفان، یک نوع حکومت اشتراکی برقرار شده و مالکیت خصوصی لغو شود و برای آنکه از مسائل مادی بطور کامل فارغ باشند همه نیازهای آنها از طرف طبقات پست جامعه تأمین گردد، یعنی ایجاد نظام ارباب و رعیتی، منزل این افراد مشترک بوده همه افرادی که در خانه مشترک هستند در همه چیز بالسویه سهیم هستند.

خانواده جنبه خصوصی خود را از دست می دهد، زنان جنبه اشتراکی پیدا می کنند و به همه مردان طبقه فیلسوف تعلّق می یابند.

روابط جنسی مطابق طرح معینی که بر طبق قوانین توارث و به منظور حفظ سلامت و اصالت نژادی تنظیم می شود صورت می گیرد (اعمال تبعیض نژادی) و در این میان به علایق و نظر شخصی افراد در این باره توجهی نمی شود. تربیت کودکان طبقه فیلسوف به عهده دولت است. آنها بلافاصله پس از تولد از پدر و مادر جدا می شوند و تحت سرپرستی افرادی که در تعلیم کودکان تخصص دارند پرورش می یابند. نام ونشان زن و مردی که این کودکان را به وجود آورده اند به فراموشی سپرده می شود تا معلوم نباشد که به کدام پدر و مادر تعلق دارند. به این ترتیب زنان و مردان مدینه هر کودکی را که می بینند احتمالًا از آن خود می دانند و این امر باعث می شود که عشق و علاقه طبیعی و ذاتی که بین پدر و مادر و کودکان وجود دارد در میان کلیه بزرگسالان جامعه تعمیم یابد. (۱)

تعریف دوم: هگل سازمانها، گروهها و انجمن ها را که واسطه بین دولت و خانواده (مردم) هستند جامعه مدنی نامید. وی با تقسیم جامعه به سه حوزه عمومی (دولت)، خصوصی (مردم) و جامعه مدنی (گروههاو انجمن ها و ...) جامعه مدنی را واسطه بین حوزه عمومی و خصوصی می داند که می تواند با تعامل با دو حوزه باعث تعادل دراجتماعی گردد. به نظر هگل (فرد فقط در ارتباط با دیگران و تأمین نیازهای آنان، قادر به تأمین خواسته های خود است و فقط در این ارتباط است که فردیت او تحقق می یابد و در جامعه مدنی حق و آزادی ۵.

۱- . افلاطون، جمهوریه افلاطون، الکتاب الثانی، المدینه السعیده، ص ۴۴ منشاء الدوله و الکتاب الخامس ص ۱۳۱- ۱۳۳- ۱۳۴ ونیزپرویز صانعی، جامعه شناسی ارزشها، ص ۱۵.

می یابد. (۱)) به عقیده هگل جامعه مدنی جهان استقلال فردی، رقابت و بازار تأمین نیازهای افراد است و به امنیت نیاز دارد. وی از دیدگاه اقتصادی، جامعه مدنی را با عنوان جامعه بورژوایی (رقابت آزاد سرمایه داران و شرکتهای خصوصی) معرفی کرده است. (۲) تعریف سوم: (همه گروهها و سازمانها، چه اقتصادی، چه فرهنگی و چه سیاسی و یا اصناف، جامعه مدنی را تشکیل می دهند. (۳))

(تفکیک قوا (۴) (قوای مقننه، قضائیه، اجرائیه) ... محصول مبارزه میان جامعه مدنی و سیاسی تفکیک قوا از اهمیتی اساسی برخوردار است. مترجم در جمع بندی نظرات گرامشی می نویسد: مضمون اساسی یادداشتهای زندان تحلیل و تعلیل تاریخ ایتالیا، جزم اندیشی در مارکسیسم، نقش جامعه مدنی و ماهیت ایدئولوژی بورژوایی، ظهور فاشیسم در ایتالیا و سرانجام استراتژی و تاکتیک مبارزاتی است. برای درک نظرات گرامشی درباره دست کم سه بحث اخیر، دولت و جامعه مدنی سهمی اساسی دارد. اصولًا خود مفهوم جامعه مدنی به عنوان کلیت پیچیده و پیوینده ای از نهادها و روابط و تشکیلات و سنن (خصوصی) و عمومی که بین دولت و ابزار قهریه و قانونی آن از یک سو، و زیر بنای اقتصادی از سوی دیگر، قرار دارد، مورد توجه خاص گرامشی بوده است. در حقیقت گرامشی سهم بسزایی در زدودن مارکسیسم از زنگار اقتصاد زدگی بر نشتین ها و کائوتسکی ها و سایر اکونومیست های د.

۱- . علی رضایی (ظهور و تکامل جامعه مدنی) کیان ش ۳۳- محمد مهدی فرقانی (منزلت مطبوعات در جامعه مدنی، همشهری ۱۲ و ۱۶/ ۳/ ۷۷ و علی برزگر) برخی از ویژگیهای جامعه مدنی، اطلاعات سیاسی- اقتصادی ش ۱۲۳- ۱۲۴، مجید محمدی (نوگرایی دینی، کیان، ش ۳۳ علوی تبار وغنی نژاد) میز گرد جامعه مدنی (کیان ش ۳۳، حمید نوحی، (جامعه مدنی هم راهبرد، هم روش)، ایران فردا ش ۳۹ و خلیل الله سردار آبادی چرا جامعه مدنی (ایران فردا ش ۴۰ و ژان شولته) صندوق بین المللی پول و جامعه مدنی سلام ۸/ ۱۰/ ۷۷. به نقل از مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، تعریف سوم، ص ۱۹.

۲- . بلامناتز، جان. شرح ونقدی بر فلسفه اجتماعی و سیاسی هگل، ترجمه حسین بشیریه. چاپ دوم ۱۳۷۱، ص ۱۳.

۳- . یاداشتهای زندان، آنتونیو گرامشی و عباس محمدی اصل، اطلاعات علمی. ش ۵. سال دوازدهم و جمشید برزگر جامعه مدنی، پیدایش و تحویل یک مفهوم، معیار، ش ۲۲.

۴- . آنتونیو گراشی، دولت و جامعه مدنی، ص ۷۷ و ۷۶ تفکیک قوای سه گانه به عنوان یکی از اصول اساسی لیبرالیسم نخست توسط منتسیکو تدوین و تبیین شده براساس این نظریه، حاکمیت مردم و نابودی استبداد فردی زمانی متحقق می شود که قوای سه گانه پیش گفته از هم منفک با شند و هر یک در عین استقلال، کنترل بر قوای دیگر اعمال کنند. لیبرالیسم تفکیک قوا را جوهر اساسی دمکراسی و ضامن اصلی حاکمیت خلق می داند.

انترناسیونال دوم به عهده دارد و در این رهگذر، مفهوم جامعه مدنی و اهمیتی که گرامشی برای آن قائل بود، نقش کلیدی ایفا کرده است).

تعریف چهارم: مسعود اخوان کاظمی در مقاله (توسعه سیاسی و جامعه مدنی) بعد از بیان تعریف هگل از جامعه مدنی با بیان تعریف جدیدی از جامعه مدنی برگرفته از قرارداد اجتماعی توماس هابز (۱۶۷۹- ۱۵۸۸) و جان لاک (۱۷۰۴- ۱۶۳۲) قرار داد اجتماعی را یکی از اصول جامعه مدنی می داند و تعریف حسین بشیریه را به عنوان تعریف واضح از جامعه مدنی ارائه می دهد (تعریف نوزدهم):

(جامعه مدنی مجموعه ای از سازمانها، نهادها و تشکیلات غیر دولتی است که نقش واسطه بین افراد و گروههای اجتماعی از یک سو، و حکومت از سوی دیگر بر عهده دارند.

جامعه مدنی در تعریفی دیگر به حوزه ای از روابط اجتماعی اطلاق می گردد که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه ای از نهادها، مؤسسات، انجمن ها، تشکلهای خصوصی و مدنی (غیر خصوصی) را در بر می گیرد. (۱))

وی می نویسد: (هم از دیدگاه هابز و هم از نظر لاک جامعه مدنی نه تنها دارای هویتی مستقل از حوزه عمومی و دولت می باشد بلکه اساساً موجد این نهاد محسوب می گردد. در سده های اخیر لیبرالیسم را می توان نقطه اوج استقلال فردی در جامعه مدنی از حوزه قدرت دولتی، چه در بعد اقتصادی و چه در بعد سیاسی، به حساب آورد، زیرا در مکتب لیبرالیسم از نظر تئوریک دولت محصول جامعه مدنی و صرفاً (نماینده) گروههای اجتماعی تلقی می شود. وی در ادامه می افزاید: جامعه مدنی ذاتاً و بالقوه در بطن جامعه و نیروهای اجتماعی موجودیت دارد منتها مسئله اساسی این است که این موجودیت گاهی از سوی دولت به رسمیت شناخته می شود و گاهی وجود آن نادیده گرفته می شود یا تضعیف و سرکوب می گردد. تنها در صورت به رسمیت شناخته شدن موجودیت جامعه مدنی و تقویت آن از سوی دولت است که زمینه لازم برای توسعه سیاسی در جامعه فراهم می آید (۲).) ی.

۱- . بشیریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی، چاپ سوّم، ص ۳۲۹.

۲- . به نقل از مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، تعریف چهارم، ص ۲۱ و قریب به همین مضمون مجلّه کیان، ش ۳۳، آذر سال ۷۵، علی رضایی (ظهور و تکامل جامعه مدنی) منتشر شده در جامعه مدنی و ایران امروز، مجموعه مقالات، ص ۷- ۳۸ و اطلاعات سیاسی- اقتصادی ۱۲۷- ۱۲۸، ص ۴۱ مسعود اخوان کاظمی.

این تعریف نیز به مبنای قرار داد اجتماعی و لیبرالیسم تأکید دارد.

تعریف پنجم: (آخرین تعریف جامعه مدنی در غرب و اندیشمندان جامعه شناسی سیاسی:

حوزه ای از روابط اجتماعی که شامل نهادهایی است که از نظر فکر و هدف همسومی باشند و در قالب احزاب، اصناف و مانند آن فعالیت می کنند، به گونه ای که دولت در آنها نفوذی ندارد، بلکه آنها در سیاست نفوذ دارند و در کلیه تصمیم گیری های سیاسی و خط مشی ها دخالت دارند. ((۱))

تعریف ششم: (حوزه جامعه مدنی عبارت است از حوزه رقابت تشکل گرایانه احزاب، گروهها، نهادها و سازمانهای سیاسی که برای کسب قدرت در جهت تحقق اهداف، آرمانها و دیدگاههای خودشان. تلاش می کنند. ((۲))

این تعریف برگرفته از تعریف هگل می باشد.

تعریف هفتم: علوی تبار بعد از اشاره به استقرار در ویژگیهای مشترك تعاریف معتبر موجود از جامعه مدنی. این تعریف از جامعه مدنی، را ارائه می دهد: (مجموعه ای از انجمن های داوطلبانه مجزا ومستقل از دولت که بصورت حائلی میان دولت و شهروندان عمل کرده و امکان مشارکت هر چه بیشتر جمعی، سازمان یافته و اختیار افراد را در عرصه عمومی برای دنبال کردن خواسته ها و علائق شان فراهم می آورد. ((۳))

وی در مورد منشاء قانون در جامعه مدنی می گوید:

(در زندگی عمومی همه باید پایبند قوانین باشند، قوانینی که از اراده اکثریت نشأت گرفته است ((۴)) ۹.

۱- . سیّد احمد علم الهدی، جامعه مدنی، اصول و رویکردها و زمینه شکل گیری آن در ایران، ص ۹۹.

۲- . مصاحبه با آقای اطاعت، مدیر کل دفتر مطالعات وتحقیقات سیاسی وزارت کشور، ایران فردا، محمد خاتمی، (آزمونهای دشوار جامعه مدنی و چشم اندازهای روشن فردا) ایران، ۷/ ۶/ ۷۷ و توسلی یکه تازی انحصار در خلاء احزاب ونهدهای مدنی خرداد ۲۲/ ۱۰/ ۷۷.

۳- . علوی تبار، جامعه مدنی وجوانان، ص ۲۵، نشر قطره.

۴- . مأخذ قبلی، ص ۲۹.

این تعریف به صراحت منشأ قانون را عقلانیت جمعی دانسته و منشأ وحیانی قوانین را نفی می نماید، لذا مطابق این تعریف ایده جامعه مدنی به سبب تفاوت ماهوی در منشأ قانون با اسلام ناسازگار است، زیرامنشأ قانون در اسلام وحی الهی و کتاب آسمانی قرآن و سنت پیامبر و ائمه علیهم السلام است.

تعریف هشتم: (وقتی می گوییم جامعه مدنی، یعنی نهادهای مختلف که نماینده سلیقه های مختلف هستند باید بتوانند ابراز نظر کنند و نظرها در مقابل یکدیگر قرار گیرند، نمی توانیم بگوییم که یک دسته باشند و دسته دیگر نباشند، آزادی بدون قانونمندی معنا ندارد و امروز که دوره تثبیت نظام است همه اقشار جامعه باید در چارچوب قانون حرکت کنند و مطبوعات باید به عنوان بلند گوهای (اندیشه) در چارچوب قانون نقش خود را ایفا کنند (۱)).

تعریف نهم: (جامعه مدنی عبارت است از شبکه ای از نهادها که واسطه میان فرد و دولتند.

در معنای امروزین، جامعه مدنی متشکل از سازمانها و نهادهای جمعی نهادی شده ای است که از یک سو مستقیماً به دولت مربوط نیست و از سوی دیگر مستقیماً به کارمزد بری مربوط نیست ....

ایشان در توضیح تعریف می افزایند: در جامعه کنونی ایران نهادهایی باید خارج از بحث اقتصاد بازار و خارج از حیطه مستقیم دولت رشد داده شود که تعدیل کننده قدرت مطلق در جامعه و پاسدار حقوق فردی، حرمت زندگی انسانها، عرصه کار و تلاش و اندیشه شان و خواسته ها و نیازهای فکری و مادی آنان می باشد. (۲))

تعریف دهم: (جامعه مدنی عبارتست از نظامی از نهادهای مرتبط، دارای استقلال کامل یا نسبی از دولت که معرّف منافع و گرایشهای بخشهای مختلف جامعه بوده و خطوط متمایز کننده آن از دولت از طریق چارچوبهای حقوقی به نحو روشنی ترسیم شده باشد و فارغ از دخالت قدرت سیاسی بوده واز توانمندی برابر با دولت برخوردار باشد گرچه در قالب قرار ۱.

۱- . خاتمی، محمد، رسالت ۲۶/ ۲/ ۷۷ ص ۳ در جشنواره مطبوعات. ایشان تا کنون تعریفی دقیق از جامعه مدنی ارائه ننموده اند و همواره شاخصهای جامعه مدنی را بر شمرده اند. این بیان دیدگاه ایشان را تا حدودی مشخص می کند.

۲- . پیران پرویز، جامعه مدنی وایران امروز، جمعی از نویسندگان، ص ۲۲۱.

داد اجتماعی حق تعیین کننـدگی و اداره جامعه را به نحوی که اقتدار جامعه مدنی را تهدید نکند به دولت واگذار کرده باشـد [(۱)]

تعریـف یـازدهم: (جـامعه مـدنی یعنی مشـخص بـودن حـد ومرز مـداخله دولت (حـاکمیت وصاحبـان قـدرت) در عرصه هـای گوناگون کار، زندگی و امور نهادهای واسطه ای ایجاد شده توسط گروهها و اجتماعات مردمی است [(۲)]).

این تعریف برگرفته از لیبرالیسم و تعریف هگل است.

تعریف دوازدهم: (جـامعه مـدنی حوزه ای از فعالیتهـای انسانهـای آزاد و دارای انتخـاب است که انتخاب شان را در چارچوب قانون و قواعـد کلی انجام می دهندو این انتخاب مسـتقل از اراده و تصـمیم قدرت سیاسـی حاکم است. به عبارت دیگر جامعه مدنی حوزه ای است که قدرت سیاسی یا دولت حق دخالت مستقیم یا دخالت دلخواهانه درآن را ندارد. [(۳)])

در این تعریـف منشاء قـانون وقواعـد کلی مبهم بـوده و دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر را که وظیفه همه مسـلمانان به ویژه دولت اسلامی است نفی می نماید.

تعریف سیزدهم: (جامعه مدنی مجموعه ای است ازنهادها، مؤسسات، انجمن ها، تشکل های خصوصی یا غیرخصوصی که کم و بیش مستقل از دولت اند و روابط درونی و بین آنها، کمتر آمرانه و بیشتر داوطلبانه است [(۴)]).

این تعریف نیز برگرفته از تعریف هگل می باشد.

تعریف چهـاردهم: (در جـامعه مـدنی، اراده هـای فردی که همواره معطوف به خواسـته هـای معینی است، در مجموعه هایی از نظایر خود تجلی می یابد. در نتیجه جامعه ترکیب می شود از ۷.

۱- . به نقل از مسـعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، تعریف یازدهم، ص ۳۰ و نیز فریدون نوایی (جامعه مدنی از منظر تئوری) جامعه سالم ش ۳۴ به نقل از هوشمند سفیدی و (نگاهی نو به جامعه مدنی)، سلام ۱۳/ ۶/ ۷۶.

۲- . بهمن احمدی پیش نیازهای توسـعه سیاسـی، همشـهری ۲۸/ ۸/ ۷۷ ونیز رجوع شود به مسـعود معصومی، جامعه مـدنی در مطبوعات، ص ۳۳، تعریف بیستم.

۳- . غنی نژاد، (میزگرد جامعه مدنی) کیان ش ۳۳، به نقل مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، ص ۲۵، تعریف ششم.

۴- . معصومی، مسـعود، جـامعه مـدنی در مطبوعـات، تعریف هفتم ص ۲۵. علوی تبـار، (میز گرد جـامعه مـدنی) کیان ش ۳۳ داریوش اخوان (جامعه مدنی- جامعه مدنی جهانی) اطلاعات سیاسی- اقتصادی. ۱۲۸- ۱۲۷.

انواع اراده های فردی که خود را در جمع تشکل های گوناگون تعریف می کنند. (۱)

این تعریف بیانگر دیدگاه اومانیستی و انسان مداری است.

تعریف پانزدهم: (جامعه مدنی جامعه ایست که در آن تشکل های مستقل از دولت (مستقل در نحوه شکل گیری، اداره و ساز و کار تصمیم گیری) بیانگر و مدافع منافع و خواسته های اقشار گوناگون هستند (۲)).

همانگونه که پیداست هر شش تعریف بر گرفته از تعریف هگل و قرارداد اجتماعی ژان ژاك روسو و توماس هابز و جان لاك می باشد.

تعریف شانزدهم: (مجموعه نهادها و تشکل های گوناگون صنفی و سیاسی اقشار و طبقات مختلف جامعه که در مقابل جامعه سیاسی یا حکومت از استقلال نسبی برخوردار هستند. به عبارت دیگر در دنیای مدرن که با حاکمیت نظام اجتماعی سرمایه داری مشخص می شود، جامعه مدنی تمام نهادهای غیر دولتی را در بر می گیرد. (۳))

تعریف هفدهم: (جامعه مدنی حیطه و حوزه ای میان زندگی خصوصی افراد جامعه و دولت تعریف شده است که امکان مشارکت سیاسی و اجتماعی داوطلبانه آزاد همه افراد جامعه را فراهم می آورد. (۴))

هر دو تعریف فوق با تعریف دوم از هگل مطابقت دارد.

تعریف هجدهم: (جامعه مدنی عبارتست از شناسایی پهنه ای از آزادی، خارج از مداخله دولت و فضایی برای خود مختاری کمکهای داوطلبانه، که ضامن این جامعه نوعی دمکراسی صوری است)(۵). مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، تعریف دهم، ص ۲۸. آلن میک سنیز ورد، به نقل از خلیل الله سردار آبادی،« چرا جامعه مدنی» ایران فردا، ش ۴۰.۰

۱- . مهر انگیز کار، جامعه مدنی وجوانان، ص ۳۴، نشر قطره. او با تمامی بنیادهای مهم ضد انقلابی خارج از کشور مرتبط است). (کار) به خاطر حضور در کنفرانس ننگین برلین و اظهارات ضد انقلابی از سوی دادگاه انقلاب دستگیر شد.

۲- . محمّدی مجید، مجّله کیان، ش ۳۳، آبان آذر ۷۵.

۳- . پوینده، محمد جعفر، در پاسخ به تعریف جامعه مدنی توسط نشر قطره (جامعه مدنی وجوانان) ص ۱۳.

۴- . مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، تعریف نهم، ص ۲۷، فرح عدنانی در شوراها ابزار تحقق جامعه مدنی، جامعه، ش ۵۰ به نقل از.

۵- . مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، تعریف دهم، ص ۲۸. آلن میک سنیز ورد، به نقل از خلیل الله سردار آبادی، (چرا جامعه مدنی) ایران فردا، ش ۴۰.

در این تعریف منظور از پهنه ای از آزادی و چگونگی دمکراسی صوری و تفاوت آن با دمکراسی غیر صوری مشخص نگردیده و مبهم است و برگرفته از دیدگاه استوارت میل می باشد.

تعریف نوزدهم: (جامعه مدنی عبارتست از حوزه زندگی اجتماعی سازمان یافته که آزادی در آن خود جوش و عمدتاً مستقل و خود مختار از دولت است که در نظمی قانونمند قرار می گیرد. (۱))

این تعریف نیز برگرفته از نظریات استوارت میل می باشد.

تعریف بیستم: (جامعه مدنی به جامعه ای گفته می شود که در علوم اجتماعی معمولًا در مقابل دولت و حوزه ای از روابط اجتماعی اطلاق می شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه ای از نهادها، مؤسسات، انجمن ها و تشکل های خصوصی و مدنی (غیر خصوصی) را در بر می گیرد. (۲))

حسین بشیریّه در سال ۱۳۷۶ جامعه مدنی را به معنای مبارزه دمکراتیک و نوعی شیوه زندگی سیاسی دانسته و آن را شرط هر گونه عمل آزاد، تفکر اصیل و نقد و انتقاد عنوان می کند (۳). تناقض دو بیان کاملًا آشکار است. در سال ۱۳۷۴ جامعه مدنی حوزه ای از روابط اجتماعی تلقی شده و در سال ۱۳۷۶ مبارزه دمکراتیک و نوعی شیوه زندگی سیاسی.

از تعریف دوم تا تعریف بیستم جامعه مدنی حوزه ای میان دولت و مردم تلقی شده است که احزاب و گروههای مختلف غیر دولتی بطور مستقل در تصمیم گیری سیاسی و اجتماعی دخالت دارند. این تعاریف برگرفته از تعریف هگل و توماس هابز و گرامشی در قالب کلمات متفاوت می باشد.

تعریف بیست و یکم: جان استوارت درباره جامعه مدنی و نوع آزادی آن گفته است: ۵.

۱- . معصومی، مسعود، جامعه مدنی در مطبوعات، تعریف یازدهم، ص ۲۸، لاری دایمون به نقل از خلیل الله سردار آبادی، ایران فردا، ش ۴۰.

۲- . مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، تعریف چهارم، ص ۲۹ نیز حسین بشیریّه، دکترای تئوریهای سیاسی از انگلیس ۱۹۸۲، جامعه شناسی سیاسی، تهران ۱۳۷۴، ص ۳۲۹ و نیز فریدون نوایی (جامعه مدنی از منظر تئوری) جامعه سالم، ش ۳۴.

۳- . انتخاب نو، مجموعه مقالات، بحران مشارکت سیاسی وانتخاب خرداد ۱۳۷۶، چاپ اول ۱۳۷۷، ص ۷۵.

(تنها آزادی که شایسته نام آزادی است همان است که ما بتوانیم هرامر مطلوب خودمان را به راه و روش دلخواه خودمان تحلیل و تعقیب کنیم. (۱))

استوارت میل در رساله آزادی خود در توضیح آزادی می نویسد:

(مطبوع تر این است که در چیزهایی که اساساً مربوط به دیگران نیست حق آزادی فردی جای خود را بگیرد و برتر شمرده شود.

آن جایی که آیین و سنن دیگران، و نه خصلت خود شخص، سرمشق رفتار هست، یکی از مواد اصلی خوشبختی انسانی جایش خالی است که بزرگترین عامل پیشرفت فردی و اجتماعی است. (۲))

بنابراین از نظر استوارت میل دین که سرمشق رفتار افراد است در اموری که مربوط به دیگران نیست بخاطر حفظ حق آزادی فردی باید رها شود.

تعریف بیست و دوم: (جامعه مدنی جامعه ای است که مبتنی بر حقوق، آزادیهای فردی و نهادهائیکه موجب حفظ و گسترش این آزادیها می شود، باشد. (۳))

این تعریف نیز برگرفته از نظر استوارت میل می باشد با این تفاوت که تعاریف قبلی جامعه مدنی را حوزه می دانستند و در این تعریف قلمرو جامعه مدنی در حد جامعه گسترش یافته است.

تعریف بیست و سوم: (... امروز تحقق جامعه توحیدی (البتّه جامعه توحیدی که بر اساس برابری و آزادی باشد) همچنان آرمانی بلند و متعالی است. در جامعه مدنی، قانون است که حرف اول را می زند. قانون قراردادی اجتماعی است که نویسندگان و اجراکنندگان آن نمایندگان یا برگزیدگان مردم هستند و درنتیجه همواره می تواند تغییر کند، زیرا در جامعه مدنی فرد و نهاد برتر از قانون و اراده همگانی وجود ندارد (۴)). ی.

۱- . سرآیزایابرلین. فلسفه سیاسی، ترجمه مرتضی اسعدی، ص ۲۹۰.

۲- . استوارت میل، جان، رساله درباره آزادی، ص ۱۲۷.

۳- . به نقل از مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبو عات، تعریف دوازدهم، ص ۲۸ و نیز فریدون نوایی (جامعه مدنی از نظر تئوری) جامعه سالم، سال هفتم، ش ۳۴.

۴- . رحمانی، تقی، (جامعه ما سنّتی است یا تورده وار،) ایران فردا، ش ۴۰ ص ۶۶ و ۶۵، ۱۱/ ۷۶. وی از عوامل گروهکی است که به همین جرم دستگیر و روانه زندان شد ه است، وی از دست اندرکاران بنیاد شریعتی است. مسئول این بنیاد یوسفی اشکوری از مسافران کنفرانس ضد انقلابی برلین می باشد که حکم بازداشت اش صادر شد. از جزوه منتشره سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

اضافه نمودن قیـد برابری و آزادی به جامعه توحیـدی، حاکی از عـدم آشـنایی حتی اجمالی نویسـنده محترم با جامعه توحیدی است چرا که جـامعه توحیـدی عین برابری و عـدم تبعیض و آزادی از هرگونه ظلم و اسـتعمار و اسـتثمار و اسـتکبار است، زیرا مبنای توحیـد، آزادی و برابری است. مبنای توحیـدی، مبنایی ثابت است که کلیه قوانین بر این مبنا قرار داده می شوند، بنابراین قـابلیت تغییر قوانین بعلّت قراردادی بودن و نبودن نهـاد برتر از قـانون، بـا این مبنـا تناقض دارد، زیرا وحـدانیّت و یگانگی خـدا امری ثـابت بوده که همواره برترو حاکم بر قوانین بشـری بوده است. اگر تعاریف دیگر با یکـدیگر، در تعارض باشـند، مفاهیم مورد استعمال، در این تعریف دارای تضاد با یکدیگر می باشند.

تعریف بیست و چهارم: جامعه مدنی جامعه ای است که در آن قانون نهادینه شود.

(قانونمندی (۱))

در این تعریف همانند تعاریف دیگر مبنای قانون مشخص نشده است.

تعریف بیست و پنجم: (جـامعه مـدنی اجتمـاعی است که در آن آزادی فردی، حقوق شـهروندی و برابری افراد جامعه در برابر قانون محترم باشد. (۲))

از تعریف بیست و دوّم تـا تعریف بیست چهـارم بر آزادی و حقوق فردی (شـهروندی) و قـانون و قرار داد اجتماعی برگرفته از تعریف جـان لاک (۱۷۰۴ – ۱۶۳۲ فیلسـوف انگلیسـی) و ژان ژاک روسو و تومـاس هـابز (۱۶۷۹ – ۱۵۸۸) و هگل تأکیـد شده است.

در هیچیک از این تعاریف محـدوده آزادی و حقوق فردی و نحوه اجرایی قرار داد اجتماعی معین نگردیـده است که آیا مردم همگی جمع می شوند و قواعدی را با رفراندوم ۶.

۱- . حسـین امین (تعریف و پیشـینه جامعه مدنی)، کیهان اندیشه، ش ۷۶، و رضا علیخانی (جامعه مدنی به زبان ساده) عصـر ما ش ۳۹ و ابراهیم یزدی، ایران فردا، ش ۴۰ و شهاب الدین شکری، (جامعه مدنی در اندیشه امام) سلام ۱۸/ ۱۱/ ۷۷ و محمد پند آموز (جوانان از جامعه مـدنی چه می خواهند) خرداد ۱۰/ ۱۱/ ۷۷ و علی سـپهری (جامعه مدنی سه مرحله) ایران فردا، ش ۴۰، به نقل از مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، تعریف پنجم، ص ۲۳.

۲- . به نقـل از مسـعود معصـومی، جـامعه مـدنی در مطبوعـات، تعریف سیزدهم، ص ۲۹ ونیز احمـد اشـراف (جامعه مـدنی و دموکراسی در ایران) گفتگو، ش ۱۴ و هوشمند سفیدی (نگاهی نو به جامعه مدنی) سلام ۱۳/ ۶/ ۷۶.

تصویب می کنند یا تصویب نخبگان مورد نظر است؟ همچنین چه کسی قواعد را تنظیم می کند، اساس و پایه تنظیم قواعد چیست و منظور از قانون کدام قانون است و معیار آن چیست هیچ یک از این موارد در این تعاریف معین نشده است.

تعریف بیست و ششم: (جامعه مدنی این است که ما انسانها یا شهروندان ایرانی بتوانیم درباره شیوه زندگی خود تصمیم بگیریم و هیچ حد و مرزی هم در تصمیم گیریها وجود نداشته باشد. تنها در صورتی می توان گفت جامعه مدنی وجود دارد که ما بتوانیم قانونگذاری بنیادی کنیم. (۱)) (بر گرفته از فرهنگ اومانیستی و انسان مداری).

در این تعریف عدم وجود حد و مرز در تصمیم گیری و قانونگذاری بنیادی با هم در تعارض است و قابل جمع نیست، زیرا نفس قانون یعنی ایجاد حد ومرز در آراء و تصمیم گیری و جلوگیری از هرج و مرج طلبی افراد و گروهها.

تعریف بیست و هفتم: (تشکیل جامعه مدنی موکول به پیدایش مفهوم شهروندی است که بر مبنای آن فرد بتواند منفرداً تصمیم بگیرد و با اراده خویش به صورت داوطلبانه وارد نهادهائی شود و قواعد و قراردادهایی تنظیم کند. (۲))

از تعریف بیست و دو تا تعریف بیست و هفت بر حق تعیین قانون و قواعد مطابق با خواست و اراده افراد تأکید شده است، که بیانگر دیدگاه اومانیستی می باشد.

تعریف بیست و هشتم: (جامعه مدنی حوزه ای است عمومی میان دولت و شهروند (واحد خانواده) که برای اعمال و کردار این دو قطب دولت و شهروند در قبال هم، قاعده تعیین می کند. (۳)) ت.

۱- . فریدون نوایی (جامعه مدنی از منظر تئوری) جامعه سالم، ش ۳۴ (به نقل از حسین بشیریه جامعه شناسی سیاسی)- تعریف هفدهم، مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، ص ۳۱.

۲- . گفتگو با سعید حجّاریان، اطلاعات سیاسی- اقتصادی ش ۱۱۸- ۱۱۷ تعریف شانزدهم، مسود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، ص ۳۱.

۳- . امیر احمدی، هوشنگ، در آمدی بر جامعه مدنی در ایران امروز، سال ۱۳۷۷، چاپ اول، ص ۷۹- ۸۱، منتشر شده در ایران فردا، شماره ۲۷ مهر ماه ۱۳۷۵، ص ۱۰ تا ۱۷، صاحب امتیاز مجله ایران فردا، عزّت الله سحابی عضو نهضت آزادی می باشد و نیز نشریه بهمن شماره ۷ ص ۷. مقاله درآمدی بر جامعه مدنی در ایران امروز که حاصل سفرهای نگارنده در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ به ایران است که طی پژوهشی نشان داده است که نوعی از جامعه مدنی در شرف شکل گیری و شکوفایی است.

این تعریف حق قانون گذاری بر جامعه مدنی قائل است ولی ملاک تعیین قواعد مشخص نشده است در حالیکه تعاریف دیگر کنترل قدرت سیاسی دولت و دخالت در تصمیم گیریهای آن را مد نظر دارند.

یوسفی اشکوری درباره قانون می نویسد: (قانون برای تدبیر امور جامعه همواره در حال تغییر و دگرگونی است و چون حکم تابع موضوع است و بدیهی است که موضوعات پیوسته دگرگون می شوند، حکم نیز لاجرم دگرگون می شود. در اینصورت قانون جاودانه و فرا تاریخی و دائمی، اجتماعی نمی تواند وجود داشته باشد. به هر حال قانون تا زمانی که موضوع آن برقرار است حکم آن نیز درست و قابل اجرا خواهد بود. بنابراین قدرت و قانون ذاتاً و طبیعتاً از امور بشری اند و علی القاعده در قلمرو اختیار واراده تشخیص مردم!! هر جامعه در هر مرحله تاریخی قرار دارند. (۱))

اینکه قدرت و قانون ذاتاً و طبیعتاً از امور بشری هستند کاملًا صحیح است اما قانون گذاری برای بشری که از کیفیت جسم و روح خود و نیازهای آن اطلاع دقیق و کامل ندارد، نمی تواند حداقل اوضاع ۵۰ سال آینده را پیش بینی نماید، لازم است قانونی جاودانه و دائمی برای هدایت بشر از طرف خالق بشر وجود داشته باشد تا همه انسانها از نعمت هدایت و ارشاد برخوردار شده باشند، در غیر اینصورت ارسال رسل بدون قانون غیر معقول بود.

مجید محمدی نیز درباره مبنای تشخیص مصلحت مردم می نویسد: (در جامعه مدنی مرجع تشخیص مصلحت) صرفاً (عامل اقتدار نیست بلکه خود آنان از طریق نمایندگان خویش در پارلمان که بر اساس عرف عمل می کند! مصلحت خویش را تشخیص می دهند.)

تعریف بیست و نهم: (من در دو سطح خاص و عام به جامعه مدنی می پردازم. جامعه مدنی بطور عام همان جامعه متمدن یا به بیانی جامعه انسانی است در کنار جوامع موجودات غیر انسان، زیرا که تمدن روندی است خاص انسان و به قدمت نوع انسان که همچنان ادامه دارد و نقطه آغاز و پایانی برای آن نمی توان تصور کرد.) این تعریف مطابق با تعریف روسو و جان لاک است. (۱). یوسفی اشکوری، ایران فردا، شماره ۱۱/ ۷۶، ص ۳۱، یکی از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین.

در تعریف خاص از جامعه مدنی مریم خراسانی می گوید: (جنبش حقوق مدنی که از اواخر دهه ۶۰ میلادی در کشورهای غربی شکل گرفت در واقع واکنشی بود برای بدست آوردن حقوق شهروندی کامل برای زنان و سایر اقلیت ها، دستاورد این مبارزات بود که جامعه مدنی را برای عموم مردم و نه فقط برای اقلیتی از مردان خاص مفهوم بخشید و حقوق شهروندی را در اشکال کامل تری برای اکثریت جامعه فراهم آورد. (۱))

این تعریف علل پیدایش جنبش های فمنیستی را بیان می کند. پیدایش ایده جامعه مدنی ارتباطی به حقوق زنان نداشته است هر چند یکی از محصولات تحقق جامعه مدنی پیدایش جنبش های فمنیستی بوده است که تحت کنترل سازمانهای بین المللی است.

تعریف سی ام: (جامعه مدنی جامعه ای است که افراد آن با مقررات و قوانین و آداب اجتماعی مربوط به روابط یکدیگر، که مورد نیاز زندگی جمعی و منتج از زندگی شهر نشینی است، آشنا هستند وخود را مقید به اجرای آنها می دانند. (۲))

در این تعریف نیز مبنای مقررات و قوانین که همه خود را مقید به اجرای آنها می دانند مبهم است.

تعریف سی و یکم: سید محسن سعید زاده در تعریف جامعه مدنی می گوید: (جامعه مدنی جامعه ایست که تمام امورات جمعی بر پایه اراده و خرد جمعی می چرخد و فرد یا گروه نمی تواند مستبدانه و متعبدانه نظریه های خود را بر جمع تحمیل کند. بنابراین جامعه مدنی از سویی در برابر جامعه بدوی قرار می گیرد و از سویی دیگر مقابل جامعه (امیّ) طبیعی (۳)) ی.

۱- . مریم خراسانی، جامعه مدنی و جوانان، ص ۱۸، نشر قطره.

۲- . عباسعلی علیخانی، (جامعه مدنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی، ص ۱۷.

۳- . قرآن برای جامعه هویت جمعی و مستقلانه و جدای از هویّت فرد قائل است و آن را دارای مرگ و زندگی جداگانه می داند. از نظر قرآن هر دگرگونی و تحول جمعی در گرو تحّول جمع است نه فرد. جامعه مدنی و جوانان، ص ۲۰، گرد آوری نشر قطره. آیه شریفه (انّ الله لا یُغَیّرُ بقوم حتیّ یُغَیّرُوا ما بانفسهم) (رعد/ ۱۱)، نظر قرآن را در تحوّل جمع بیان می دارد، بدیهی است جمع را افراد تشکیل می دهند و تاوقتی اکثریت افراد در خود تحّول درونی ایجاد ننمایند نمی توانند در اجتماع تحوّل و انقلاب ایجاد نمایند، تکیه قرآن بر تزکیه نفس قبل از تعلیم به همین سبب است. آیه (ارْجِعِی إِلَی رَبِّكِ رَاضِیَةً مَرْضِیَّةً* فَادْخُلِی فِی عِبَادِی* وَادْخُلِی جَنَّتِی) سوره حشر (۲۸- ۳۰)، خطاب به فرد است، پس فرد هم هویت دارد، در صورتی که خدا را اطاعت کند شایستگی دارد مثل خدا قرار بگیرد. (حدیث قدسی): عبد اطعنی اجعلك مثلی.

محسن سعید زاده در جای دیگر می گوید:

(جامعه مدنی دینی تعبیر درستی به نظر نمی رسد. زیرا مدنیت امری کاملًا بشری است و حال آنکه دین امری الهی و ماوراء طبیعی است ما نباید هر پدیده ای را با دین مقایسه کنیم و رنگ دینی به آن بدهیم. همین قدر که با دین منافات نداشته باشد کافی است. رابطه دین و مدنیت، رابطه حکم و موضوع است. یعنی موضوع و محور دین مردم اند. حال این مردم دارای مدنیّت اند یا بربریّت یا چیز دیگر، فرقی ندارد. انسان محور تکلیف الهی است، اما اینکه این انسان چگونه باید زندگی کند و انسانها چگونه در اجتماع ظاهر می شوند، به خودشان مربوط می شود، از این رو تعبیر یاد شده را نه صحیح می دانم نه دقیق. ((۱)

اگر تکلیف الهی وجود دارد دیگر انسانها نمی توانند خود برای خود تکلیف تعیین نمایند. آیات متعدد در قرآن (أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ) را به همه مردم ابلاغ نموده است.

تعریف سی و دوم: (جامعه مدنی درست در روبروی جامعه بدوی قرار دارد و مقابل آن است. هر چه جامعه بدوی بهتر شناخته شود ضد آن که جامعه مدنی است بهتر شناخته خواهد شد. (۲))

این تعریف جامعه بدوی رامترادف وضع طبیعی قرار داده و بی قانونی و نبود تمدن رابه آن نسبت می دهد.

تعریف سی و سوم: (جامعه ای که در آن ارتباطات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد، در مقابل جامعه طبیعی یا بربری).

فخرالدین عظیمی تعریف فوق را به فرگوسن و آدام اسمیت نسبت می دهد (۳) .

۱- . عباسعلی علیخانی، (جامعه مدنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی، ص ۲۲۵.

۲- . تعریف فیلسوف فرانسوی رو سو و فیلسوف انگلیسی لاک نیز همین است. سروش عبدالکریم، جامعه مدنی و ایران امروز، ص ۱۰۸.

۳- . دموکراسی، جامعه مدنی و تمدن مدرن، نگاه نو، ش ۳۰، سال ۱۳۷۵، تعریف هجدهم، مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات. ص ۳۲. فخر الدین عظیمی دانش آموخته علوم سیاسی از دانشگاه آکسفورد انگلستان، در حال حاظر استاد تاریخ در دانشگاه کانه تیکات () آمریکاست. کتاب بحران دموکرات در ایران را ۱۳۳۲- ۱۳۲۰ به فارسی برگردانده است. نگاه نو ش ۳۰.

از تعریف بیست و هشتم تا تعریف سی وسوم جامعه مدنی به مفهوم زندگی شهری و متمدن در مقابل وضع طبیعی نه مفهوم جامعه بدوی و غیر متمدن آمده است.

تعریف سی و چهارم: پدیده ای است عمومی میان دولت و شهروند عضو، که با هدفی مشخص، مستقل از هر دو قطب و به طور داوطلبانه تشکیل یافته است و برای کاربرد و حدود اختیارات هر یک از این قطب ها قاعده ای وضع و مرز اختیارات آنان را معین می کند.

وی در توضیح تعریف فوق می نویسد: این زندگی، خارج از دولت، و بدون ایدئولوژی خاصی بیان می گردد و آن در جستار تأمین احتیاجات، منافع مادی، خوشبختی و سعادت خصوصی، شکوفا کردن استعدادهای سیاسی و معنوی افراد، آزادی شخصی و جمعی، رعایت حقوق زنان، آزادی اصناف، حق انتصاب، کثرت فرهنگی و سیاسی است. به بیان دیگر، امروز مورد نظر جامعه مدنی، تنها در جامعه دمکراتیک توسعه پیدا می کند و در کشوری مثل ایران، ما هنوز با ابتدایی ترین اشکال جوامع مدنی روبرو هستیم و برای تقویت آن، نیروی انجمن ها و مجامع کشور نقش عمده و محوری در آن دارد. وی ادامه می دهد:

بیش از چهارده سال از رؤیای یک زندانی می گذرد و چندی است که بارقه هایی از امید در افق می درخشد، با نوید شکل گرفتن (جامعه مدنی) در کشورمان بدون لطمه زدن به سنت های قومی و مذهبی گویا (رؤیای این زندانی، پیدایش حقیقتی را مژده می دهد. (۱)

تعریف سی و پنجم: اعظم طالقانی در تعریف جامعه مدنی می نویسد:

(جامعه مدنی مجموعه ای از انسانهاست. انسان در این جامعه موجودی است که باید تلاش کند قوانین بقا را بشناسد، روابط دیگران را با خودش و خودش را با دیگران بشناسد، و بر اساس آن حرکت ثابتی را خواهد داشت، در حالیکه رشد و تکامل هم دارد، اصول او دیگر اعتباری نیستند. حقیقی هستند، یعنی هر زمان، تحت شرایطی آن اصول تغییر نمی کند ... باید عقلایی زندگی کند. این یک اصل است، وقتی این اصول در زندگی او حاکم باشد، زندگی او ۹.

۱- . نراقی، احسان، یادنامه شصتمین سال تولد فرد ریکو مایور مدیر کل یونسکو ص ۲۰۳- ۳۱۳- منتشر شده در ما و جهان امروز مقاله رؤیای یک زندانی، احسان نراقی ۳۹۵- ۳۹۴- (۱۹۹۳) برای اطلاع از پیشینه وی رجوع شود به درخشت خام، ابراهیم نبوی چاپ اول ۱۳۷۹.

مدنی خواهد بود نه زندگی وحشی، نه زندگی ای که با خشونت پیش برود ... (۱)

هر چند تعبیر قوانین بقا قابل تأمل است، علاوه بر این، تکیه بر شناخت و عقلانیت فرد تعارضی را با بیان عدم تغییر اصول بدست آمده از شناخت و عقلانیّت صرف خود نشان می دهد. بررسی نظریه های دانشمندان و علماء در طول تاریخ نشانگر تکامل و تغییر نظریه هاست. مدل های دمکراسی که در فصول بعد بدان اشاره خواهد شد شاهد بر این مدعاست.

هر چند در برهه ای از زمان برخی نظریات در تشخیص اصول حاکم بر جامعه و زندگی انسانها و خصوصیات روحی و روانی افراد همچون نظریات روانشناسان و اقتصاددانان اصولی لایتغیّر و متکاملی تلقّی شده است.

تعریف سی و ششم: محمد هادی معرفت چهار تعریف از پیشینیان ارائه می دهد که سه تعریف را موافق با نظر اندیشمندان اسلامی می داند:

۱- (برخی نیز جامعه مدنی را به همان معنای لغوی (جامعه) و مدنیّت معنا کرده اند و گفته اند جامعه مدنی از دو واژه (جامعه) و (مدنی) ترکیب یافته است، (جامعه) به معنای گرد آمدن و پیرامون هم زندگی کردن و (مدنی) از ریشه مدینه به معنای شهر گرفته شده است، بنابراین جامعه مدنی یعنی زندگی گروهی و شهرنشینی. (۲))

۲- جامعه مدنی از دیدگاه فلسفه که بر تعقل و اندیشه و حکمت استوار است. منظور از مدینه فاضله که افلاطون (۳) و ارسطو و فارابی از آن سخن گفته اند چنین جامعه ای است که بر اساس حکمت و تدبیر و خرد اندیشی پایه گذاری شده است.

۳- تعریف جامعه مدنی در رابطه با مفهوم حقوقی آن: از مهم ترین شاخصه های جامعه مدنی نهادینه شدن قانون در جامعه است. این سه تعریف که متلازم و مکمل یکدیگرند که پیشوایان دینی و اندیشمندان اسلامی آن را پذیرفته اند. (۴) د.

۱- . طالقانی، اعظم، جامعه مدنی و جوانان، ۱۳۷۷، ص ۲۱ نشر قطره، اعظم طالقانی صاحب امتیاز هفته نامه پیام هاجر می باشد.

۲- . محمد هادی معرفت (جامعه دینی یا جامعه مدنی) اندیشه حوزه، ش ۱۴، تعریف بیست ویکم، مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، ص ۳۴.

۳- . رجوع شود به توضیح مدینه فاضله از نظر افلاطون ص ۴۶- ۴۵.

۴- . معرفت محمد هادی، جامعه مدنی ص ۱۹- ۱۱ این بیان مستند نبوده و عمومیت ندارد.

قرآن در آیه کریمه می فرماید:

(إنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَانثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إنَّ أكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أتْقَاكُمْ)

در این آیه سه عنصر به کار رفته است:

۱- وجود و اجرای قانون ۲- تقسیم بندی جامعه به اصناف و گروههای اجتماعی ۳- معیار ارزش گذاری

دو اصل اول را جان لاک و توماس هابز برای جامعه مدنی بیان نموده اند امّا بر خلاف نظر این دو، طبق این آیه شریفه، وضع طبیعی بشر از اول خلقت انسان قانونمند بوده و معیار ارزش گذاری انسان ها نیز مشخص بوده است. میزان ارزشمندی انسانها میزان رعایت تقوی ودستورات الهی عنوان شده است.

تعریف سی و هفتم: (جامعه مدنی نظام و سازمان اجتماعی است که در آن قواعد و مقّررات و قراردادهای اجتماعی از روی عقل و منطق و اصل مصلحت عمومی شهروندان و مبتنی بر آزادی طبیعی و مشروعیت قدرت سیاسی عامّه (دمکراسی عادلانه) وضع شده و ضمانت اجرایی و عامل نظارتی حسن اجرای قوانین (وجدان جمعی) انسانهاست. (۱))

این تعریف نیز به قرارداد اجتماعی و عقلانیت جمعی تأکید دارد.

تعریف سی و هشتم: (جامعه مدنی جامعه ای که به لحاظ سیاسی توسعه یافته است، جامعه ای که مشارکت پذیری، توزیع قدرت، تکثّر و تنوع رابه عنوان یک اصل پذیرفته و به آن عمل می کند. جامعه مدنی جامعه ایست که مبنای مناسبات اش بر مفاهمه، گفتگو و بحث و تبادل نظر باشد و راه حل هرگونه اختلاف وتضاد اجتماعی را در قالب گفتگو و بحث و تبادل نظر جستجو می کند، نه در قالب تحمیل، اعمال زور یا خشونت (۲))

مفاهیم مورد استعمال مبهم می باشد، و نمی تواند تصویر روشن و کاملی از جامعه مدنی ی.

۱- . وی در ادامه می افزاید: (مطرح نمودن اصطلاح سیاست جامعه مدنی نوعی حلاوت حسرت آموزی را در کام عوام النّاس بوجود می آورد. گویی ملتها مدّتهاست که از اصل وخواسته واقعی خود بدور مانده اند). رسول شیخکا نلدی، نشریه سلام، ۲۳/ ۴/ ۷۷، ص ۹- تعریف بیست و دوّم سید مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، ص ۳۴.

۲- . فرقانی، محمد مهدی، (منزلت مطبوعات در جامعه مدنی) همشهری ۱۲/ ۳/ ۷۷- تعریف نوزدهم، سید مسعود معصومی.

مورد نظر ارائه دهد. این مفاهیم کاملًا ذهنی بوده و مصادیق و پیامدها ونحوه شکل گیری آنها مشخص نبوده و در مورد مفاهمه و گفتگو که مبنا قرار داده شده است ایده آلی و غیر عملی در کلیه شئون زندگی مردم می باشد، زیرا در دنیایی که ظلم و ستم و استبداد و استعمار به انحاء مختلف وجود دارد، اینگونه تأکید بر گفتگو و مفاهمه همانند آن است که گوسفندی در برابر شیری درنده با خوش خیالی ایستاده و تقاضای گفتگو نماید، در حالیکه شیر تنها به رفع گرسنگی می اندیشد و بس.

این تعریف برگرفته از پلورالیسم می باشد.

تعریف سی و نهم: دکتر هادی سمتی ابعاد ملی و فراملّی به جامعه مدنی قائل شده و جامعه مدنی در سطح ملّی و فراملّی را اینگونه تعریف می کند:

(جامعه مدنی در سطح ملّی مجموعه ای از شهروندان است که در قالب نهادها، موسسات و جنبش هایی برای کنترل قدرت دولت فعالیت می کنند. با عنایت به این تعریف دو مسأله مطرح می شود. اول آنکه مفهوم شهروندی در دوران جدید متکامل تر شده و مفهومی فراملّی پیدا کرده است و برای خود، حقوقی در سطح جهان تعریف شده است که به جامعه ملی خاصی محدود نمی شود. مسأله دوم، آنکه مشکلات جهانی، دولت هاو مرزها را در نوردیده اند. البته این بدان معنا نیست که دولت فرو پاشیده است، امّا شبکه های فراملّی قدرت در حوزه دولت های ملّی نفوذ کرده اند. حال با توجه به این دو مسأله جامعه مدنی که در گذشته به دنبال کنترل قدرت و سرمایه دولتها بود، امروز باید به دنبال کنترل این شبکه های فراملی قدرت و سرمایه باشد. یعنی در عصر جدید، نهادها و جنبش های جدیدی که شامل شهروندان جهانی هستند، دارای هویت مشترکی می شوند که هدف آن، حل مشکلات بشر است و اگر گفته شود، در دنیای معاصر، دولتی فراگیر در عرصه جهانی وجود ندارد، در پاسخ باید گفت مشکلات فراگیری در سطح جهان وجود دارد. (۱))

این تعریف به وضوح نوید ایجاد دهکده جهانی با هویت و فرهنگ مشترک جهانی را می دهد هر چند نوع مشکلات جهانی و مفهوم جدید شهروند بدون تعریف باقی مانده است، ک.

۱- . جامعه مدنی، مجموعه مقالات، هادی سمتی مقاله جامعه مدنی: جهانی یا ملی، ص ۷۷، ۱۳۷۸ چاپ اول و نیز رجوع شود به ص ۱۵ نظر گری سیک.

در واقع علاوه بر این، یکی از اهـداف جامعه مدنی را محو فرهنگ اسـلامی و سایر فرهنگها می شـمارد، ایجاد نهادها و جنبش های فراملّی با شـهروندان جهانی برای کنترل قـدرت و سـرمایه دولتها را الزامی می دانـد. این تعریف به جهت تصـریح درمحو فرهنگ خودی در کشورها از جمله فرهنگ اسلامی با دین اسلام ناسازگار است.

تعریف چهلم: دکتر محمـد توکـل: (جـامعه مـدنی واقعی را من جامعه ای می دانم که در آن ویژگیهای دوگانه (بعـد فیزیکی: مراکز تجاری، مناطق مسـکونی، تأسـیسات، مرزبندی شـهری و ساختار فیزیکی شـهر، بعد ارتباطی و معنایی: نوع روابط، شـبکه ارتباطـات، روابـط انسانهـا و گروههـا و تشـکل هـا و در قالب اینها مفاهیم و معانی) موجود باشـد. اگر شـهر را صـرفاً بر اساس خصوصیات فیزیکی تعریف کنید، ما در ایران شهرهای بسیاری داریم ولی بر اساس خصوصیات جامعه مدنی، ما شهر نداریم).

ایشان دو مفهوم (جامعه) و (مدنی) را مفهوم وارداتی می دانند. در این تعریف چگونگی نوع روابط، شـبکه ارتباطات و روابط انسانهـا و گروههـا و ... دارای ابهـام می باشـد تـا بتوان فقـد آن را در جامعه خود پـذیرفت، با توجه به اینکه هر اجتماعی الزاماً دارای روابـط متقابـل انسـانی اسـت که ویژگیهـای خاصـی را داراست، مگر اینکه روابـط مـذکور را صـرفاً در قـالب احزاب و گروههای سیاسی تلقی نماییم که الحمدلله این در ایران وجود ندارد.

تعریف چهل و یکم: (جامعه مـدنی در واقع همان دولت است در قبال خانواده) علی رضایی در مقاله ظهور و تکامل مدنی این تعریف را به ارسـطو و هـابز نسـبت می دهـد، بـا این تفـاوت که دولت در نظر هابز اقتـدار خود را از اجتماع می گیرد. (۱) این تعریف با همه تعاریف دیگر تعارض دارد. هیچ یک از حامیان جامعه مدنی، آن را مترادف دولت تعریف نکرده اند.

تعریف چهل و دوم: (جامعه مدنی از یک سو ادامه دولت است، در دولت دوام دارد و از وجه بیرونی همان دولت به شمار می آیـد. از همین جهت وجود آن، کارکرد دولت را به حـداقل می رسانـد. بدین ترتیب، دولت از وجه درونی همان جامعه مدنی است، از سوی دیگر جامعه ۳.

۱- . علی رضایی، (ظهور و تکامل جامعه مدنی)، کیان، ش ۳۳.

مدنی ادامه فردیت افراد است و تقاضاهای این فردیّتهای به هم پیوسته را متشکل و سازماندهی می کند (۱).

این تعریف با نظر ارسطو و هابز مطابقت دارد.

۱- محمّدی، مجید، مقاله موانع رشد جامعه مدنی در ایران فردا، ش ۴۰، ص ۳۳.

جمع بندی تعاریف

جمع بندی تعاریف

با بررسی اجمالی تعاریف ارائه شده در می یابیم که:

۱) کلیه تعاریف بر اساس نظریه ژان ژاک روسو، هگل و مارکس و توماس هابز و جان لاک و گرامشی بوده و برخی، ویژگیهایی بر این اساس به عنوان تعریف خود از جامعه مدنی ارائه نموده اند.

۲) تعاریف آنقدر با هم در تضادند که حتی در دو طرف یک طیف نیز قرار نمی گیرند بلکه باید برای نشان دادن تضاد بین این تعاریف از چند طیف استفاده نموده و برخی از تعاریف به علت تضاد مفهومی در درون خود، در طیف نیز قرار نمی گیرند.

تعاریف جامعه مدنی بر روی طیف

تعاریف جامعه مدنی بر روی طیف

حوزه دولتی حوزه نیمه دولتی حوزه غیر دولتی نهادها انجمنها و گروههااراده و خرد جمعی اراده های فردی حاکمیت و صاحبان قدرت واگذاری اداره جامعه به دولت در قالب قراردادهای اجتماعی بدون حق دخالت دولت ۱- نقش دولت در ایده جامعه مدنی ۲- تشکیلات و مبنای تصمیم گیری در جامعه مدنی

پلورالیسم (تکثر گرایی) قانون بر اساس قرارداد اجتماعی حقوق و آزادیهای فردی ۳- مبنا و معیار در جامعه مدنی

حیطه میان زندگی خصوصی افراد و دولت پهنه ای از آزادی بدون دخالت دولت شهروند یا امتیازات خاصّ زندگی گروهی و شهر نشینی ۴- نمایش جامعه مدنی ۵- تشکیل جامعه مدنی با پیدایش مفهوم شهروندی

۳- در منطق شرایطی برای تعریف مفاهیم ذکر شده است که عدم رعایت آن، تعریف ارائه شده را از لحاظ علمی بی اعتبار می نماید، از جمله اینکه تعریف باید مانع باشد و معِرّف را بشناساند و معِرّف در مفهوم عین معِرّف نباشد و همچنین الفاظ استعمال شده در تعریف واضح و دقیق باشند و شرایط دیگر که در این تعاریف اصول منطقی تعریف رعایت نشده است.

۴- برخی از موافقان جامعه مدنی بجای تعریف، شاخص ها و ویژگیهای جامعه مدنی را بیان نموده اند.

۵- تعاریف ژان ژاک رسو، هگل و توماس هابز و جان لاک و استوارت میل و گرامشی طی سالیان متمادی متناسب با وضعیت سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی جامعه خود به عنوان جامعه شناس، شکل گرفته است که محدود به شش تعریف در مورد جامعه مدنی می شود، در حالیکه از سال ۷۶ تاکنون به تعداد موافقان روشنفکر جامعه مدنی، تعریف ارائه شده که هر کدام نیز با دیگری تضاد مفهومی و مصداقی دارند.

۶- کلیه ارائه کنندگان تعریفی از جامعه مدنی، بر خلاف فلاسفه غرب که بر اساس مقتضیات جامعه خود پس از سالها تحقیق و بررسی ارائه طریق نموده اند، صرفاً از ذهنیات و تصورات خود، بدون پشتوانه عملی و علمی استفاده نموده (۱) و تعاریف اغراض سیاسی را دنبال می کند تا ارائه طریق برای جامعه.

۷- ارائه تعریف برای مفاهیم در علوم مختلف، منحصر در قلمرو متخصصین مربوطه می باشد که پس از سالها بررسی و پژوهش تعریفی ارائه می نمایند، اما در مورد تعریف جامعه مدنی در ۳ سال گذشته، هر کسی دستی در احزاب و فعالیتهای سیاسی و مطبوعاتی داشته، تعریفی از جامعه مدنی ارائه نموده است در حالیکه جامعه مدنی از مباحث علوم سیاسی و جامعه شناسی سیاسی می باشد.

۸- کثرت تعاریف بر اساس ذهنیات و تصورات افراد و اغراض سیاسی باعث شده است قلمرو و محدوده ویژگیها و اهداف و نحوه تشکیل جامعه مدنی مبهم مانده و حتی در طیف بندی نظریات نیز، تضاد آرا و تعاریف، مانع ارائه ساختار واحدی بر ایده جامعه مدنی گردد.

۹- تعاریف ارائه شده با مبنای دینی سازگاری ندارد، و بر اساس نظریات فلاسفه غرب مبنایی همچون پلورالیسم، لیبرالیسم، دمکراسی، اومانیسم و سکولاریسم بر جامعه مدنی قائل اند که توضیح هر یک از این مفاهیم و دلایل عدم سازگاری آنها با دین خواهد آمد.

۱۰- تعاریفی که جامعه مدنی را حاکمیت قانون دانسته اند مبنای قانون مد نظر را بیان ف.

۱- . رجوع شود به متن تعاریف.

نکرده اند و برخی به مقررات و قوانین اجتماعی اشاره نموده اند که با رأی و منافع عمومی و مصلحت اجتماعی تنظیم شده باشد خواه دینی باشد یا ضد دین.

۱۱- تعاریف، منحصر به موارد مذکور نبوده و به تعداد موافقان، تعریف ارائه شده است، که به جهت پرهیز از تکرار مکررات و اطاعه کلام از آوردن باقی تعاریف خودداری شده است.

شاخص های جامعه مدنی

شاخص های جامعه مدنی

برخی دیگر به جای ارائه تعریف، شاخص ها و ویژگیهای جامعه مدنی را بیان نموده اند که به تعدادی از آنها اشاره می شود:

این شاخص ها همچون تعاریف دارای تضاد مفهومی و مصداقی و ابهام در مفاهیم جامعه مدنی بوده و در نهایت شکل و ساختار یکسان و مشخصی را ارائه نمی دهد. با تعمقی در تعاریف و شاخص های بیان شده و مقایسه آنها با یکدیگر میزان تفاوت و اختلاف نظرات را در خواهیم یافت.

(خرمی در بخشی از مقاله خود درباره ارائه تعریف و شاخص های جامعه مدنی می نویسد: تمام شارحان جامعه مدنی یک صدا متفق القولند که ارائه یک تعریف جامع و مانع از مفهوم جامعه مدنی نه تنها غیر ممکن، بلکه اساساً تلاش در این راستا بیهوده و حتی غیر عالمانه است، بنابراین هنگامی که از جامعه مدنی سخن می گوییم به مجموعه ای از شاخص ها و ویژگیهایی اشاره داریم که در واقع تمایزات اساسی بین دو دسته جوامع را فراهم آورده است (۱)

بیان چهل و دو تعریف از نویسندگان مختلف با حذف موارد تکراری، گویای این واقعیت است که نویسنده محترم بدون بررسی نظرات، سخن گفته و کلامی غیر منطبق با واقعیت رانده اند که البتّه اکثر کسانی که در مورد جامعه مدنی به عنوان موافق اظهار نظر کرده اند از این خصیصه برخوردار هستند و نظرات مبهم و ذهنی و مغلق و پیچیده، تنها ۴.

۱- . خرمّی، قاسم، (خانواده ایرانی جامعه مدنی رویارویی یا همسویی؟) همشهری ۶/ ۴/ ۷۷ به نقل از مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات ص ۱۴.

تصویر بارز از جامعه مدنی است که تاکنون ارائه شده است.

در این شاخص مشخص نشده است کدام تمایزات اساسی کدام دو دسته جوامع را فراهم آورده است.

به نظر قاسم خرمی شاخص های جامعه مدنی بدین قرار است:

مردم به حقوق طبیعی خود واقفند، همزیستی و همکاری مسالمت آمیز در افراد مشهود است، تبادل نظر و همکاری مستمر در امور اجتماعی دارند.

افراد برای همکاری آزادند و بدون دخالت دولت است.

راه جویی جمعی بر واگرایی اجتماعی برتری دارد.

حاکمیت از آن قانون است.

عقلانیت عرصه نگرش های احساسی و ایدئولوژیکی را تنگ کرده است. (نهادهای سیاسی با ثبات با دولت در تعامل به سر می برند (۱))

۲- (جامعه مدنی قائل به آن است که رفتارهای سیاسی و برخوردهای اجتماعی اعم از فردی یا گروهی را در چارچوبه قانون قرار داده، حق قانون شکنی و توهین به مقررات را به هیچ فرد، گروه یا جریانی ندهد).

ایشان قانونمندی شورای نگهبان را به جهت طرد افراد ضد انقلاب و معاند با اسلام نپسندیده و می گویند:

کمترین پیامد زیانبار نظارت استصوابی شورای نگهبان آن است که بعضاً به واسطه ملاحظات خطی و سیاسی، مانع راه یافتن افراد صاحبنظر، عالم و دارای استقلال رأی و اندیشه به مجلس می شود. نتیجه آن گونه گزینش های استصوابی این شده که مجلس شورای اسلامی که جایگاه آن به تعبیر امام (در رأس همه امور مملکت است) امروزه به چنین وضعی در آمده است و چنین طرحهایی در آن به تصویب می رسد (۲) و ...!! ۸.

۱- . خرمی، قاسم، همشهری، ۶/ ۴/ ۷۷ به نقل از مسعود معصومی، جامعه مدنی در مطبوعات، ص ۱۴.

۲- . زیبا کلام، صادق، عضو هیئت علمی دانشکده فنی دانشگاه تهران از ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۳، تغییر رشته از مهندسی (کارشناسی ارشد شیمی) به علوم انسانی و اخذ دکترا در انگلستان در رشته علوم سیاسی (در مقدمه مأخذ)، جهت اطلاع از پیشینه این نویسنده به مقدمه مأخذ رجوع شود، عکسهای یادگاری با جامعه مدنی، ص ۴۹ و ۲۲۱، تیرماه ۱۳۷۸.

۳- (چون در جامعه مدنی همه مردم و نه فقط یک گروه خاص از آزادی بیان برخوردارند به همین دلیل برخی از منتقدان جامعه مدنی معتقدند چون جامعه مدنی جامعه کثرت گرا و در برگیرنده سلیقه های گوناگون و به عبارتی فرا ایدئولوژیک است، تحقق آن (جامعه مدنی) می تواند دین سالاری را با خطر جدی مواجه کند. (۱))

این شاخص به غیر دینی بودن جامعه مدنی و بر پلورالیسم اشاره دارد.

۴- (جامعه مدنی، جمهوریت و مردم سالاری بر اساس پذیرش واقعیت تکثر باورها و اخلاقیات در میان مردمان است!، یعنی پذیرفتن حق حیات مساوی برای همه شهروندان، و این میسر نیست مگر با رعایت اصل تسامح و تساهل یا سازگاری (simorpmoc) جامعه مدنی بدون سازگاری امکان ندارد. (۲))

این شاخص بر پلورالیسم دینی اشاره دارد.

۵- کارهای مهم و بزرگ سیاسی که در جامعه مدنی تحقق می یابد ناشی از حضور آگاهانه، انتخابگرانه و داوطلبانه افراد است، یعنی انسان باید آزاد باشد و بتواند در فرآیندهایی که در جامعه هست و بخصوص در عرصه های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حضور داوطلبانه داشته باشد. (هدف جامعه مدنی بهتر زیستن است (۳)) وی در جای دیگر می گوید: ما در جامعه ای به سر می بریم و نظامی داریم که مبنای آن نظام، آنگونه تلقی از دین دارد که هم حاکمیت انسان بر سرنوشت خود حق قائل شده است و هم آزادیهای اساسی ضربه نخورده است. امروز زمان تثبیت آزادی و نهادینه کردن آزادی در جامعه است. آزادی با هرج و مرج فرق دارد. آزادی غیر از ولنگاری اخلاقی و معنوی است. آزادی رعایت موازین اخلاقی و معنوی است.

۶- (مهمترین شرط استقرار جامعه مدنی پذیرش قانون اساسی و احترام به رأی اکثریت ۲.

۱- . زیبا کلام، صادق، آزمونهای دشوار) جامعه مدنی (و چشم اندازهای روشن) فردا (روزنامه ایران ۷/ ۶/ ۷۷ ص ۵.

۲- . یزدی، ابراهیم، عضو حزب نهضت آزادی، نظرات پیرامون جامعه مدنی، دین، دموکراسی و موانع آن، ایران فردا، ص ۳۵ ش ۴۰، ۱۱/ ۱۳۷۶.

۳- . خاتمی، محمد، همشهری ۹/ ۲/ ۷۷، ص ۲.

است، واقعیت های موجود نشان می دهد که حتماً برای آزادیها در کشور رعایت موازین اسلامی ضروری است، زیرا اکثریت مردم ما مسلمانند و به نظام اسلامی رأی دادند و حول محور رهبری، نهادها و ارگانهای دیگر شکل می گیرند ((۱))

هیچکدام از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منافاتی با اهداف خلقت انسان در قرآن ندارد، لذا قانون اساسی و جامعه مدنی با هدف بهتر زیستن قابل جمع نیست. پیامبر هدف بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق عنوان نموده اند (انّی بُعِثْتُ لِاُ تَمِمَ مَکارِمَ الْاَخْلاقِ) و آیات زیادی که هدف خلقت را بندگی و رسیدن به کمالات انسانی می داند که با این هدف تعارض دارد. حرکت به سوی شدن است که انسان را به کمال می رساند بهتر زیستن تنها جسم را برخوردار می سازد.

۷- (برای نیل به آینده ای بهتر، راهی جز گذر از مدرنیته وجود ندارد. البته گذر از مدرنیته به معنی پذیرش صددرصد آن نیست، بلکه باید آن را شناخت و مورد نقد و بررسی قرار دارد. ((۲))

منحصر نمودن نیل به آینده ای بهتر به گذر از مدرنیته و پذیرش درصدی از آن با مشروط نمودن جامعه مدنی به پذیرش قانون اساسی و احترام به رأی اکثریت تعارض دارد. مدرنیته با تعاریف مختلفی که دارد محصول متفکران مغرب زمین، با دینی مسیحی است که قرون وسطایی را پشت سرگذرانده است در حالیکه وضعیت دین اسلام غیر از وضعیت دین مسیحیت است و وضعیت کشورهای غربی غیر از وضعیت ایران است، بنابراین انحصار پیشرفت به گذر از مدرنیته، نادیده گرفتن پیشینه های دینی و فرهنگی ایران است.

داریوش آشوری (۳) مدرنیته را این چنین تعریف می کند: ن.

۱- . خاتمی، محمد، رسالت ۳/ ۳/ ۷۷، ص ۳.

۲- . خاتمی، محمد، دومین خبرنامه سمینار سراسری اسلام و مدرنیسم ۱۲ و ۱۱ اسفند ۷۸ نیشابور.

۳- . وی در مورد علت دلبستگی خود به نیچه می گوید: سالهای دراز آموزگار بزرگ من بوده است و من در محضر او چیزهای بسیار از روانشناسی و انسان شناسی و فلسفه و فرهنگ و اندیشه آموخته ام) ص ۵۲ همین مأخذ. نظریه نیچه در این کلام خلاصه شده (خدا مرده است). این کلام در بیان مارتین ها یدگر به این معناست: (عالم فراحسی، بدون نیروی تأثیر گذار است. این (عالم) از نیروی حیات () برخوردار نیست. (متافیزیک) یعنی فلسفه غرب چونان افلاطونیسم در نظر نیچه به نهایت راه خویش رسیده است.) هایدگر، مارتین، راه های جنگلی، ترجمه منوچهر اسدی، چاپ اول ۱۳۷۸ ص ۲۶۴ داریوش آشوری عضو سابق دفتر پهلوی و سردبیر نشریه ایران نامه از انتشارات (بنیاد مطالعات ایران) بود که تحت نظر و با حمایت مالی آمریکا وسرمایه اشرف پهلوی منتشر می گردید. نیمه پنهان ج ۷، ص ۸۰ و ج ۵ ص ۴۲ تألیف دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان.

مدرنیته جهت گیری در مقابل تمامی نگرش قرون وسطایی به انسان، جهان و خداست و امید و آرزو بستن به امکان بازسازی انسان و جهان بر بنیاد عقل و قوه شناسایی انسان و همچنین جابجایی محور هستی از خدا به انسان. در برابر این جمله کتاب مقدس که (خدا انسان را به صورت خود آفرید) فویر باخ آن سخن معروف را گفت که (انسان خدا را به صورت خود آفرید) یعنی خدا چیزی جز صورت آرمانی انسان از انسان نیست و این نهایت دید مدرن از انسان است ... وضعیت پست مدرن رامی توانیم، در کل گذر از مفاهیم بنیادی و پیشینه آرمان ها و چشم اندازهایی بدانیم که از قرن هجدهم هدایتگر تمدن مدرن غربی بوده و از طریق آن جهانگیر شده است، داوری اردکانی نیز مفهوم مدرنیته را (دوره جدید تاریخ غرب) می داند.

(ما اصطلاح مدرنیزم را به مفهوم کلی مندرج در لغت نامه انگلیسی آکسفورد به کار می بریم): رأی (آراء) یا روش (های) جدید، خصوصاً گرامشی در امور مرتبط با ایمان مذهبی که سنت را ذیل تفکر جدید و تابع آن قرار می دهد.

امروز مراد از مدرنیسم آخرین مرحله تاریخ جهان است که اعتقاد به علوم جدید: برنامه ریزی، سکولاریسم و اصل ترقی از وجوه تمایز آن است. تمایل نسبت به نظم و تقارن، توازن وقدرت نیز از جمله مشخصات آن است. طی این دوره گمان می رفت که ماشین، طرح های عظیم صنعتی، فولاد، آهن و برق در اختیار بشر قرار دارند تا به این مقصود دست پیدا کند.

تمایل به صنعتی شدن و اتکای بر امور مادی ایدئولوژیی بوجود می آورد که بر ماتریالیسم به مثابه یک شیوه زندگی تأکید می کرد ... پیشرفت، علم، عقل ... در این میان جایی برای دین وجود نداشت. دین در بهترین حالت به ایام کریسمس و مراسم غسل تعمید احاله داده می شد و در بدترین حالت سخنانی بیهوده بود که باید ریشه کن می شد. آنتونی گیدنز سئوال مهمی

مبنی بر غربی بودن طرح مدرنیته مطرح می کند که کمتر مطرح شده است. همین تلقی از مدرنیته به منزله پدیده ای غربی است که به توضیح واکنش های غیر غربی در برابر آن، فی المثل ردّ مفهوم حکومت ملّی که یکی از مشخصات اصلی مدرنیته است مدد می رساند. اینکه امپریالیسم غربی تا اواسط قرن بیستم ابزار اشاعه طرح مدرنیته بود (مؤیدی دیگر بر این واقعیت است. (۱))

۸-اگر امروز در اینجا گرد آمده ایم تا از جامعه مدنی سخن بگوییم، تا از آزادی، عدالت، از تلاش شورانگیز نسل نوپای جامعه در عرصه سرنوشت سخن بگوییم، از سازندگی سخن بگوییم، همه اینها موهون ایثار و فداکاری ایثارگران و رزمندگان است. آزادی ما در درجه اوّل مرهون خون شهدا و ایثارگران است. (۲))

در وصیت نامه هیچ یک از شهدا سخنی از شهادت برای استقرار جامعه مدنی به میان نیامده است و مضمون همه وصیتها حاکی از این هدف مقدس است: شهادت برای استقرار نظام جمهوری اسلامی و حاکمیت قوانین اسلامی و آزادی و آزادیخواهی بر مبنای فرمایش اباعبدالله الحسین علیه السلام. هیهات منّا الذّله.

۹- (آزادی، استقلال و جمهوری، سه رکن اساسی جامعه مدنی اند. (۳))

(شهروندان تا آنجا می توانند گرد هم آیند و مسائل مربوط به عموم مردم را به نحوی آزادانه و به دور از اجبار و محدودیت و فشار در گستره ای همگانی مورد بحث و نقد قرار دهند که دولت اداره و مهار آن گستره را بدست نداشته باشد).

این شاخص برگرفته از تعریف استوارت میل می باشد. ۲.

۱- . اکبرس- احمد، ترجمه شهید محمد آوینی، اسلام و پست مدرنیسم، خبرنامه سمینار سراسری اسلام و مدرنیزم، دانشگاه پیام نور مرکز نیشابور، اسفند ۱۳۷۸. یکی از سخنرانان این سمینار حمیده هادیان و سنایی دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه تهران بود که طی مقاله ای بیان داشته است که (بحث جامعه مدنی در جامعه ما به گونه ای است که تقریباً همه به جز اندکی با آن موافق ومرّوج آن هستند. از نشریات گرفته تا برخی محافل سیاسی و غالب مردم). در ادامه افزودند (ما در این مقاله برآنیم تا به تبیین مفهوم دقیق جامعه اسلامی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام با جامعه مدنی مطرح در عصر حاضر روشن نماییم که آنچه در اسلام پذیرفته شده است و مورد تأکید قرآن و سنت می باشد، همان جامعه اسلامی است که دارای قوانین مدنی اسلام نیز می باشد.) ص ۴ همین مأخذ.

۲- . خاتمی، محمد، رسالت ۳/ ۳/ ۷۷.

۳- . نوحی، حمید، (جامعه مدنی، هم راهبرد، هم روش) ایران فردا، ش ۳۹، ص ۲۲.

۱۰- (گستره همگانی میان دولت و جامعه مدنی قرار می گیرد و آنچه موجب افول آن می شود در هم آمیختن با دولت است. پس از انقلاب نهاد مسجد پس از قرنها استقلال از دولت، تحت اداره و مهار دولت قرار گرفت و از این رو می توان گفت که امکان بروز کارکرد گستره همگانی را تا حدود قابل توجهی از کف داد. (۱))

در ایران مساجد همواره مستقل از دولت بوده اند و پس از انقلاب نیز بر همین رویه عمل می نمایند. انتخاب امام جماعت و هئیت امناء مساجد و امور مسجد به عهده اهالی محل می باشد که پس از انتخاب توسط اداره امور مساجد تأیید صلاحیت می شوند. تأیید صلاحیت استقلال مساجد را از بین نمی برد چون خواسته مردم مبنی بر ورود افراد دارای صلاحیت به مساجد است، تأمین می گردد. و هنوز کارکرد گستره همگانی خود را حفظ کرده است. دوران جنگ تحمیلی گواهی روشن است.

۱۱- (در جامعه مدنی همه چیز از رأی و شعور منافع و مصالح افراد جامعه برخاسته است و هیچ مرجع مقدس و فوق انسانی بر حیات جمعی افراد حاکم نیست، مذهب به حوزه زندگی خصوصی و شخصی افراد رانده شده است. جامعه مدنی نسبت به جهت گیری های مذهبی اشخاص خنثی است، مگر آنکه موجد چنان رفتاری شود که آزادی و حقوق افراد را تهدید کند و یا قراردادهای اجتماعی و قوانین را نقص نماید.

در جامعه مدنی هیچ قانون مقدس و لایتغیّری وجود ندارد، هر توافقی به تشخیص عقلائی جمع بستگی دارد، افراد و گروهها در طرح و تبلیغ عقاید و باورهای خویش به شیوه ای خردمندانه و عاری از خشونت و جبر آزادند، هر چند منشأ آن باورها، الهامات و مشاهدات درونی باشد. اندیشه و ارزشهای اخلاقی و انسانی می توانند به استناد تجربیات و تحلیلهای عقلانی، درستی خود را به اثبات برسانند!! و اهمیت و پایداری خود را در حیات جوامع بشری ثابت کنند. (۲))

علاوه بر اینکه این شاخص با دین سازگاری ندارد، مفهوم این شاخص و ویژگی این است که اگر امور معنوی با تجربیات و تحلیلهای عقلانی که قابلیت تجربه عینی ندارند به (۱). پدرام، مسعود، اندیشه امروز، ۳/ ۱۱/ ۷۷، ص ۶.

(۲). پیمان، حبیب الله، ایران فردا، ش ۴۰، ۱۱/ ۷۶، ص ۲۹.

۱- . مأخذ قبلی، ص ۴۸.

اثبات نرسیدند، فاقد صحت و اعتبار خواهد بود. نظریه ای که تشخیص جمعی را از ملاک قانونگذاری بداند چگونه می تواند تشخیص افراد را از آفت های عقلی که هواهای نفسانی و حرص و طمع و ... مصون دارد؟ زمانی می توان به عقلانیت جمعی اعتماد کرد که بسترهای مساعد در پرورش ورشد سالم عقل انسانها در جامعه و فرهنگ آن وجود داشته باشد، عقلی که با آزادی های فردی لجام گسیخته و عقاید کثرت گرا به رشد رسیده باشد توان تشخیص ارزش از ضد ارزش را نخواهد داشت.

عقلی می تواند منافع و مصالح جامعه را تشخیص داده و در مسیر آن تلاش نماید که دچار آفتهای عقل نگردیده باشد. عقل و تشخیص جمعی زمانی که با آزادی بی قید و شرط همراه باشد و با دین رابطه ای نداشته باشد چنین نتیجه ای می دهد که در گزارش زیر می خوانیم:

(بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا در ضیافت شامی که شنبه شب در آن شرکت کرد ضمن حمایت از آنچه که) حقوق هم جنس بازان) نامید خطاب به بزرگترین گروه شناخته شده هم جنس باز آمریکایی گفت: آمریکا به شما نیاز دارد. گفته می شود این گروه یکی از تأمین کنندگان بودجه رقابت انتخاباتی سال ۲۰۰۰ میلادی ریاست جمهوری آمریکاست.

کلینتون ضمن اظهار تأسف از ناتوانی در تأمین خواسته های این گروه منحرف اخلاقی از مردم آمریکا خواست تا تساهل بیشتری در برابر این گروهها از خود نشان دهند! گفتنی است کلینتون نخستین رئیس جمهور آمریکاست که از به اصطلاح حقوق هم جنس بازان دفاع کرده و خواستار تصویب قانونی برای جلوگیری از اخراج آنان از ارتش شده است. رئیس گروه یاد شده نیز مشاور کلینتون است. (۱))

۱۲- (استقرار جامعه مدنی در واقع، عقلایی تر شدن پذیرش حقوق مدنی افراد و استقرار حکومت قانون در جامعه است که به علاوه جنبه های دیگر، حقوق شهروندی را نیز اعم از شهروندی سیاسی و شهروندی اجتماعی شامل می شود و باید از طریق استقرار امنیت، توزیع قدرت و ثروت را نیز در بر گیرد. ۶.

۱- . رسالت، ۱۲/ ۷/ ۷۸، بخش سیاسی خارجی، ص ۱۶.

توماس مارشال جامعه شناس انگلیسی در کتاب طبقه اجتماعی و شهروندی (۱۹۵۰) شهروندی مدرن را در کشورهای پیشرفته صنعتی، تحقق مراحل مختلف روند دمکراتیک در این جوامع یعنی حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی، طی سه قرن هیجدهم، نوزدهم و بیستم میلادی می داند ... بنابراین، سه مرحله از حقوق شهروندی از مبانی جامعه مدنی است. ((۱))

۱۳- (ولایت فقیه اگر اعتبار عملی خود را بواسطه قانون اخذ کند و فراتر از آن نباشد و بعلاوه مشروعیت عملی او نیز از مردم باشد هیچ تعارضی با جامعه مدنی ندارد، در غیر اینصورت با جامعه مدنی مباین است. ((۲))

علی علیه السلام در باب زعامت سیاسی می فرماید: (اَیُّهَا النّاسِ اِنَّ احقَ النّاسِ بِهذاالْاَمْرِ اقواهُمْ عُلَیهِ وَ اعلَمهم بِاَمْرِاللّهِ فیه)

(ای مردم سزاوارترین مردم به امارت و خلافت کسی است که بدان تواناتر باشد و در آن به فرمان خدا داناتر. ((۳))

ولایت فقیه عادل جامع الشرایط از سنخ ولایت معصوم علیه السلام است. بنابراین مشروعیت خود را از دین گرفته اما اعمال ولایت را از مردم می گیرد. همانگونه که معصومین علیه السلام از طرف پیامبر به عنوان جانشین انتخاب شده بودند ولی به علت عدم همراهی مردم امکان اعمال ولایت و حکومت پیش نیامد ولی این ناقض حق شرعی جانشینی و ولایت آنها نبود.

بنابراین شاخص، ایده جامعه مدنی با اصل ولایت فقیه تعارض دارد زیرا اعتبار و مشروعیت ولی فقیه از دین گرفته می شود، البته ممکن است این اصل بصورت قانون در آید چنانکه در قانون اساسی آمده است.

۱۴- (جامعه مدنی نهادی دنیوی و زمینی است ... و از این جهت با دین به عنوان نهادی که ریشه در آسمانها دارد و به امور مقدس و حیات معنوی افراد می پردازد و بیشتر به آخرت نظر دارد ... سنخیتی ندارد. ((۴)) ۰.

۱- . خلیلی، عبدالرسول، جامعه مدنی عقلایی تر شدن مناسبات حقوق شهروندی، جامعه ۱۱/ ۳/ ۷۷، ص ۳.

۲- . عبدی، عباس، جامعه مدنی و جوانان، ص ۲۵۵، ۱۳۷۷.

۳- . نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.

۴- . پیمان، حبیب الله، ایران فردا، ش ۴۰.

در این شاخص تعارض ایده جامعه مدنی با اسلام روشن است.

۱۵- دو تلقی کلی از جامعه مدنی وجود دارد. در یک تلقی منظور از جامعه مدنی، همان جامعه دموکراتیک است، یعنی جامعه ای که در آن قانون مداری، حفظ حقوق افراد، قراردادهای اجتماعی منتج از خود جمعی و ... حاکم است. در تلقی دوم منظور از جامعه مدنی فضا و لایه میان دولت و خانواده است که از سوی جمعیتهای مستقل خود جوش و غیر دولتی اشغال می گردد. این لایه را احزاب، تشکیلات صنفی، تشکیلات فکری و هنری، اتحادیه ها و ... پر می کنند. پذیرش جامعه مدنی با هر یک از دو تلقی یاد شده، مستلزم پذیرش (تکثر و تنوع) در جامعه از یک سو و قبول (تسامح و تساهل) در برخورد با این واقعیت از سوی دیگر است. (۱) این شاخص بر گرفته از نظریه قرارداد اجتماعی و پلورالیسم و تعریف هگل می باشد.

۱۶- باید به یاد داشت که همه جوامع بشری بر بنیان اصول و باورهای مشترکی شکل گرفته اند که زیر بنای غیر قابل انکار و وحدت ساز جامعه را تشکیل می دهند، امّا در جامعه مدنی افزون بر این یگانگی زیر بنایی، آزادی نیز جزو باورهای اساسی جامعه است و افراد و گروهها آزادند دیدگاههای خود را عرضه کنند. چون جامعه مدنی یک جامعه کثرت گرا است که در آن گروهها، افراد با خرده، فرهنگ ها، حرفه ها، گرایش ها، طبقات، احزاب با سلیقه های گوناگون شرکت دارند، این جامعه نمی تواند یک جامعه ایدئولوژیک باشد!! و در این جا جامعه در مرحله فرا ایدئولوژیک است یعنی خود را در تنگنای ایدئولوژی خاصی قرار نداده است. همه ایدئولوژی ها می تواند به وسیله مبلّغان عرضه شود، اما نمی تواند مبنایی برای تحدید آزادیهای فردی و اجتماعی قرار گیرد از این رو جامعه در حالیکه دارای نهادهای استوار و پا برجایی است، مکانی برای ارائه دیدگاههای گوناگون نیز هست. از برخورد این آراء و اندیشه هاست که شکوفایی علمی، فرهنگی و اجتماعی پدیدار می گردد.

جامعه کاستی های خود را اصلاح می کند و پیشرفت اجتماعی و تمدنی حاصل می شود. (۲) این شاخص بر پلورالیسم دینی تصریح دارد. ۹.

۱- . علیخانی، رضا، مقاله مردودیت یا ممنوعیت، مطلوبیت یا محتویت، ایران فردا، ش ۴۰، ص ۳۶.

۲- . برزگر، علی، برخی از ویژگیهای جامعه مدنی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی ۱۲۷- ۱۲۸، ۱۰/ ۷۶- ۹/ ۱۳۷۶، ص ۲۹.

۱۷- (... قانون لازمه اش این است که همه گیر باشد و داشتن قوانین مختلف اصلًا معنا ندارد.

قانون اساسی یکی از مفاهیم اصلی اش همین است که یک قانون باید بر جامعه حکومت کند، این که هر کسی از هر گوشه ای بخواهد یک رأیی و فتوایی بدهد، یک حکمی بدهد یا ...

این دیگر اصولًا با جامعه مدنی منافات دارد. حتی اگر ما در یک جامعه دینی زندگی کنیم در این جامعه دینی باید فتوای واحدی وجود داشته باشد. اگر بخواهد چند تا فتوا در چند مورد وجود داشته باشد، این منافات مطلق با ماهیت جامعه مدنی خواهد داشت قانون واحد معنایش این است. (۱))

چگونه است فتوای علما باید یک رأی و یک حکم باشد ولی در ادیان، صراطهای مستقیم و آراء متعدد باشد؟ آیا نباید پیرو نظریات ایشان گفت فتوای علما نیز باید متکثر باشد؟! از نظر ایشان (متون دینی بالضروره متنوع و متکثر است و این تنوع و تکثر قابل تحویل شدن به فهم واحد نیست (۲)) چگونه از متون دینی بالضروره متنوع و متکثر می توان حکم واحد، انتظار داشت؟

۱۸- (جامعه مدنی، جامعه ای است که در حال حاضر، رعیت یا مردم در آن بتوانند بر حکومت نظارت کنند ... ابزار نظارت عبارتند از روزنامه ها، احزاب، انجمن های صنفی و ...

که به منزله سپرهای محافظی آدمیان را در مقابل تجاوز و تعدی حکومت حفظ می کنند ... از مهم ترین علائم یک جامعه مدنی عبارت از اینکه در این جامعه گره ها با شیوه متمدنانه ای باز می شود نه به شیوه انسان برهنه ... توسل به خشونت، سرکوب کثرت گرایی، فرار کردن از قانون، تراشیدن رقبا برای قانون، اینها همگی شیوه های غیر متمدنانه است، و حکایت از این می کند که هنوز آدمیان برهنه این طرف و آن طرف وجود دارند و جامه تمدن را بر تن نکرده اند. (۳)) ۸.

۱- . جامعه مدنی و ایران امروز، مقاله دین و جامعه مدنی عبدالکریم سروش ص ۱۲۲، چاپ اول ۱۳۷۷.

۲- . سروش، عبدالکریم، قبض و بسط تئوریک شریعت ۱۳۷۵.

۳- . (وی قیام کردن در مقابل حکومت و شورش را روشهای انسان برهنه می داند) ص ۱۲۹، سروش، عبدالکریم، جامعه مدنی و ایران امروز، ص ۱۳۰- ۱۲۹- ۱۲۸.

عبدالکریم سروش در نشریه کیان، شماره ۴۵ مصداق خشونت را دین می داند، وی می گوید: (برای حذف خشونت در جامعه بایـد دین را از حضـور در عرصه اجتمـاع منع کرد، زیرا متن دین خشونت است.)! این ویژگی بر پلورالیسم دینی و نفی ولا-یت فقیه (تراشیدن رقبا برای قانون) تصریح دارد.

۱۹- عباس عبـدی درباره بریـدن دست دزد در جامعه مدنی می گوید: اگر جامعه ای به طیب خاطر حکم به قطع دست دزدان دهـد، و اکثریت موافق باشـند، و به صورت قانون در آمـده باشد، طبعاً چنین امری انجام خواهد شد و تعارضـی با جامعه مدنی نـدارد، همچنـانکه در جوامع مـدنی دیگر، حـتی انسانهـا را اعـدام می کننـد، بـا این وجود بایـد توجه داشت که این نوع موارد مستقل از موافق یا مخالف بودن من یا شماست.

جامعه مـدنی جامعه ای نیست که همه چیزهای خوب را به صورت انتزاعی و از نظر شـخص خود در آن جسـتجو کنیم، جامعه مـدنی جـامعه ایسـت که اگر قـانون دسـتور قطع دست دزد را می دهـد، ولی همزمـان بایـد این امکـان را فراهم کنـد که افراد مخالف آن با اسـتفاده از روشـهای قانونی بتواننـد نظر و قانون دیگری را خواسـتار شونـد. ویژگی جامعه مـدنی بود یا نبود قطع دست دزد نیست، بلکه ویژگی آن امکان تغییر قوانین بر حسب خواست و اراده مردم است. (۱))

(وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَهُ فَاقْطَعُوا أَیْدِیَهُمَا جَزَاءً بِمَا کَسَبَا نَکَالًا مِنَ اللَّهِ) (۲)

(دست زن و مرد دزد را به کیفر عملشـان ببریـد، این عقوبتی است که خـدا بر آنـان مقرّر داشـته است.) بنابراین آیه، در جامعه اسلامی این حکم جاری است نه خواست و اراده مردم.

این تعریف نیز بر نظریه پلورالیسم تصریح دارد.

۲۰- (دین اکراه بردار نیست. ایمان تجربه ای شخصی است و پیش شرط آن آزادی است.

بدون آزادی، ایمان قابل تصور نیست!!!

منطقی آن است که همه عقاید و احکام دینی کاملًا آزاد باشـند یعنی مردمان به عنوان شـهروندان یک جامعه در امر دینداری، چه اعتقاد به اصول و چه عمل به فروع، آزادِ آزا۸.

۱- . عبدی، عباس، جامعه مدنی و جوانان، ص ۲۵۶، سال ۱۳۷۷.

۲- . مائده: آیه ۳۸.

باشـند. این هر چنـد یک اصل عقلایی به معنای عام کلمه است اما در جامعه مـدنی زمینه های بیشتری برای آن فراهم می آید. شایسته است هر کس آزاد باشد که به خدا اعتقاد پیدا کند یا نکند و احکام دین را رعایت کند یا نکند!!

این گونه امور به میـان انسان با خـدا یا به تعبیر دقیق تر به میان او و خویشـتن خویش مربوط می شود. صـرفنظر از اینکه تازه به فرض اعتقاد کسی به خدا نیز تلقی از خدا به تعداد منتقدین می تواند متعددا!! متفاوت و متنوع باشد. همچنین به فرض مسلمان بودن کسـی، باز، برداشت و اسـتنباط متفکران مسـلمان، درباره پوشـیدگی زن و نظر بنیادین اسـلام راجع به آن می تواند کاملًا گونه گون و متفاوت باشـد. (۱) این شاخص بر پلورالیسم دینی تصـریح داشـته و عـدم سازگاری آن با دین اسـلام از گفته ها هویداست.

۲۱- عبدالعلی بازرگان در پاسخ به سئوال نشر قطره مبنی بر چگونگی روابط عاطفی جنس مخالف در جامعه مدنی می گوید:

(در جـامعه مـدنی از دیـدگاه قانون و حاکمان، که مأمور به ظاهر و مناسـبات بیرونی افراد جامعه هسـتند، همین که رضایت دو طرف حاصل شده باشد و شکایتی وجود نداشته باشد، از نظر قانونی بلامانع و غیر قابل تعقیب است. (۲))

موارد حرمت تا روز قیامت حرام می باشـد و رضایت طرفین نمی توانـد حرامی را حلال نمایـد. لذا با توجه به این ویژگی ایده جامعه مدنی با اسلام ناسازگار است، علاوه بر آن فریضه امر به معروف و نهی از منکر را نیز نقض می کند. د.

۱- . فراستخواه، مقصود، جامعه مدنی و جوانان، ص ۲۰۶، سال ۷۷، نشر قطره.

۲- . عبـدالعلی بازرگـان، جامعه مـدنی و جوانان، ص ۱۹۳. چنـد تن از دانشـجویان اصـفهان و تهران و تعـدادی از دختران در مشـهد با تحصـیلات مقطع متوسـطه از نگارنـده سـئوال می کردند آیا در صورت رضایت دو جنس مخالف ارتباط بی اشکال بوده و محرمیت ایجـاد می شود؟ نوجوانان و جوانان زیادی این ویژگی جامعه مـدنی را به جهت تأکیـدهای مکرر بر آزادی از طرف مسـئولین بلامانع با شرع تلقی نموده و بعد از ارتکاب عمل آزادانه، پیامدهای زیانبار آن، که همواره متوجه دختران بوده است و در مواردی بهار زنـدگی را به پاییز بـدل نموده است. به نظر می رسـد برای اشاعه تبلیغ این ایـده هماهنگی گسترده در سطح کشور صورت می گیرد.

۲۲- مریم خراسانی در پاسخ به همین پرسش می گوید: (شاید بی معنا باشد که یکی از معیارهای رشد و دموکراسی در جوامع را عدم دخالت دولت و جامعه در زندگی شخصی و خصوصی انسانها بدانیم. طبیعی است که هر قدر این دخالت گسترده تر و شدیدتر باشد، بیشتر نمایانگر نبود آزادی های فردی و حقوقی مدنی مردم در جامعه است ... انسان فرهیخته با نقد گذشته و نقد انواع این تابوها و منع ها هر چه بیشتر در راستای شناخت واقعی و کنونی غرایز و امیال خود نزدیک می شود و می خواهد که آزادانه به طبیعت خویش که با متمدن شدنش پیچیده تر و متنوع تر شده است بازگردد، از این روست که وجود ناظر و داور را برای ارزیابی روابط جنسی و شخصی اش نمی پسندد و معیارهای محدود کننده و کنترل کننده جوامع مسلّط بر خود را به زیر سئوال می برد ... ایشان در سئوالی دیگر در مورد حجاب می گویند: گذاشتن ضوابط تحمیلی نفی ابتدایی ترین و ساده ترین حقوق انسانی است. ((۱))

یکی از مراجع مسلّط بر انسان فرهیخته، آیات قرآن کریم است که خداوند به پیامبر و فرستاده خود امر می کند تا به مسلمانان بگوید روابط جنسی خود را کنترل نمایند: (قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ یَغُضُّوا مِنْ أ بْصَارِهِمْ وَیَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِکَ أزْکَی لَهُمْ إنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ* وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أ بْصَارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ)

انسان فرهیخته به جهت تعقل و فرهیختگی دریافته است که وی تمایزی اساسی با حیوانات دارد که همانا قدرت تمییز و تعقل وی است، شاید این قوه را به شهوات و خواستهای نفسانی بیآلاید که هر چه آلایش بیشتر باشد از عقل سالم بی بهره خواهد ماند.

۲۳- عباس عبدی در وضعیت رابطه عاطفی جنس مخالف در جامعه مدنی می نویسد: (اگر رابطه عاشقانه قانونی باشد، در جامعه مدنی هیچ مشکلی برای آن بوجود نخواهد آمد. ظاهراً در هیچ قانونی صرف عشق و علاقه نه تنها مرسوم نیست که تمجید هم می شود. با این حال هر جامعه ای طبعاً از حدود مشروع روابط دو جنس تعریف خاصی ارائه می کند و اگر در جامعه مدنی اکثریت قابل توجهی حدود تعریف شده و قانون را قبول ندارند، طبعاً از خلال گفتگو و روش های مشروع و قانونی، آن را تغییر خواهند داد. ((۲)) ۷.

۱- . مریم خراسانی، جامعه مدنی و جوانان، ص ۱۹۵- ۱۹۴ و ۲۰۵ نشر قطره.

۲- . عباس عبدی، جامعه مدنی و جوانان ص ۱۹۷.

بنـابراین مبنـا، جامعه مـدنی با دین اسـلام سازگاری نـدارد، زیرا آیات قرآن وحی الهی است و هیـچ کس را نشایـد که در آن تغییری دهد. چگونگی روابط زن و مرد در آیات قرآن و سـنت پیامبر و ائمه علیه السـلام و فتاوای علماء بوده، و غیر قابل تغییر است. (۱) ۲۴- محمد جعفر پوینده نیز درباره وضعیت دوست دختر و پسر در جامعه مدنی می گوید:

(برگزیدن دوست و قدم زدن با او از اولیه ترین حقوق انسانی است و در هیچ جامعه ای نباید ممنوع باشد (۲)!!)

حکم انتخـاب دوست از هم جنس با انتخاب دوست از غیر هم جنس در دین اسـلام تفاوت دارد. البته برگزیـدن دوست از هم جنس هیـچ مـانعی نداشـته بلکه ائمه علیهم السـلام سـفارش هایی در معیار انتخاب دوست شایسـته دارنـد. دو جنس مخالف تا وقتی به عنوان انسان با یکدیگر ارتباط دارند ایرادی نیست ولی اگر به عنوان مذکر و مؤنث ارتباط برقرار کنند اشکال خواهد داشت و در اسلام مجاز نیست.

۲۵- (مناسـبات ماقبل مدنی و نظامات مردسالار و فرهنگ مذکر، متاسـفانه اخلاق جنسـی سفت و سختی را با تابوهای بسیار به میراث گذاشـته است کـه (محـدودیت هـای مفرط ارتبـاطی میـان زن و مرد) نیز یکی از آنهـا ست که بـا توسعه اجتمـاعی و فرهنگی، امیـد می رود که تعدیل شود و عفت و سـلامت و فضـیلت اخلاقی و شخصـیت معنوی زن و مرد از نو تعریف گردد. (به گونه ای در خور دنیای نوین) جامعه مدنی طبق تعریف جامعه ای آزاد، باز و دارای انعطاف و چند پذیری است و از نشاط و شادکـامی و تفکر ایـن جهـانی اسـتقبال می کنـد، البتـه همـه روابط را نیز در حـالتی قانونمنـد و روشـمند می خواهـد.)(۳). فراستخواه، مقصود. جامعه مدنی و جوانان، ص ۱۹۷، رجوع شود به تعریف وی از جامعه مدنی ص ۴۳.

) با این بیانات نباید از عفت و سـلامت و فضیلت اخلاقی و شخصیت معنوی زن سخن گفت زیرا این فضایل تنها در حیطه دین فعلیت پیدا می کنند.

این شاخص بر غیر دینی بودن جامعه مدنی و پلورالیسم دینی تصریح دارد. ۳.

۱- . رجوع شود به بحث فوق در ص ۸۸.

۲- . پوینده، محمد جعفر، جامعه مدنی و جوانان، ص ۲۳۸.

۳- . فراستخواه، مقصود. جامعه مدنی و جوانان، ص ۱۹۷، رجوع شود به تعریف وی از جامعه مدنی ص ۴۳.

۲۶- مهرانگیزکار نیز می گویـد: (نظر به اینکه جامعه مدنی، اصل برائت را با اهرم های فعال خود تضـمین می کند، روابطی را که مجرمـانه نیست محترم می شـمارد. چنانچه این روابط مورد تعرض قرار گیرد، هسـتند تشـکل های حساس و فعال که موارد نقض آزادی هـا را دریافت می دارنـد و بر پایه آن، به مـداخله گران و متجاوزان به حقوق مردم تـذکر می دهنـد و در صورت لزوم آنها را به مراجع قضایی کشور معرفی می کنند (۱)).

حضـرت علی علیه السلام در توصیف مؤمن می فرمایند: ای بندگان خدا آگاه باشید مؤمن کسی است که آنچه در ابتدا (زمان پیامبر) حلال بوده هم اکنون حلال بشـمرد و آنچه که در آغاز حرام بوده الان نیز حرام بدانـد و آنچه مردم به بدعت حلال می شمردنـد امـا بر شـما حرام بوده است این بـدعت حتی ذره ای از آنها را هم بر شـما حلال نمی کنـد بلکه حلال همان است که خدا حلال کرده و حرام آن است که خداوند تحریم فرموده است.

آیا از نظر اسلام دوستی و قدم زدن در خیابان و صحبت کردن زن و مرد نامحرم اشکال دارد یا نه؟

موارد حرمت صحبت زن و مرد نامحرم چیست؟

باسمه تعالی

تمهید (صحبت کردن و قدم زدن با نامحرم از روی لذت حرام است.)

آیا به صرف خواست قلبی دختر و پسر محرمیت ایجاد می شود یا نه؟

آیا دختر بدون اذن پدر می تواند به صیغه موقت یا دایم مردی درآید؟

بسمه تعالی

تمهیـد تا صـیغه عقـد ازدواج با شـرائط معتبر در ازدواج میان دو نامحرم خوانـده نشود با هم محرم نمی شوند اگر چه خواسـت قلبی میان آنها باشد و صحت ازدواج دختر باکره متوقف بر اذن و اجازه پدر دختر است علی الاحوط.

بلی این کارها از نظر اسلام غلط است و باید ترک شود.

- هر جا که مقدمه فساد باشد یا صحبتهای غیر متعارف باشد.

خیر در عقد ازدواج حتماً باید صیغه عربی با تمام شرایط آن خوانده شود و در ازدواج ۸.

۱- . کار، مهرانگیز، جامعه مدنی و جوانان، ص ۱۹۸.

دختر باکره به احتیاط واجب اذن پدر دختر لازم است.

۵/ ۷/ ۷۹ دفتر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (مدظله العالی).

۲۷- (شما وقتی جامعه مدنی را تقویت کردید، زن و شوهر اعضاء عرصه عمومی می شوند و با شرکت در عرصه عمومی، راه حل بهبود روابط فردی و خانوادگی را می آموزند. جامعه مدنی اجازه می دهد تعلیم و تربیت از حیطه رسمی خارج بشود و افراد، محلّه ها، گروهها، انجمن ها، خودشان وارد حیطه تعلیم و تربیت بشوند. (۱))

در جامعه مدنی با رأی اکثریت راه حل بهبود روابط فردی وخانوادگی تعیین می گردد، در حالیکه در مکتب تعالی بخش اسلام، زن و شوهر قبل از ازدواج توصیه به تعلیم و تربیت فرزندان شده و تعلیم و تربیت در اسلام از مبانی اساسی به شمار رفته و از اهمیت والایی برخوردار بوده و والدین نقش و مسئولیت شرعی در انسان سازی دارند.

۲۸- در ادامه جست وجوی ۱۷۰ ساله پس از جنگهای ایران و روس برای یافتن موانع ترقی (یا به اصطلاح امروز موانع توسعه) (فقدان جامعه مدنی) را به عنوان (عامل اساسی عقب ماندگی و توسعه نیافتگی و تیره روزی و ... کشف کنیم، در آن صورت جامعه مدنی نقش همان نسخه جادویی درمان کننده همه دردها را خواهد یافت که در فضای یأس آلود پس از شکست روسیه تزاری، ارتش منظم و مجهز به جنگ افزار و فنون رزمی جدید برای عباس میرزا داشت. در دوره های بعد، اصلاحات، اصلاحات دیوانی و اداری، عدالتخانه، دولت مدرن و راه آهن، اصلاحات ارضی و ... به مثابه همین نسخه درمان همه دردها مطرح شد به این ترتیب و با چنین نگرشی جامعه مدنی هم نسخه ای جادویی برای درمان همه دردهاست که در جاهایی از عالم موجود است و ما متأسفانه فاقد آنیم و روشنفکران و نخبگان دلسوز ما در حسرت آن رنج می برند و ... در این سناریو فرمول نجات، آن خواهد بود که نخبگانی که راه علاج را یافته اند و (درمان) را می شناسند، قدرت دولتی را نصیحت کنند که مصالح جامعه را تشخیص دهد و نسخه مورد نظر آنان!! را پیاده کند). (۲) ۸.

۱- . پیران، پرویز، (ضرورت پیدایش جامعه مدنی در سلامت جمعی و فردی، جامعه سالم، ۱۲/ ۷۳، ش ۱۹، ص ۲۸.

۲- . رضایی، علی، ظهور و تکامل جامعه مدنی، مجله کیان، آبان و آذر شماره ۳۳، و نیز جامعه مدنی و ایران امروز، ص ۷-۳۸.

اوج خودباختگی و بیگانه پرستی و ذلّت و دیدگاه غیر توحیدی و نسخه شفابخش انگاشتن سراب رو به زوال و دست ساز مستکبران و ظالمان کاملًا پیداست. در دیدگاه وحیانی تنها نسخه شفابخش دین اسلام است و بس.

۲۹- (جامعه مدنی جامعه ای است که حاکمیت قانون در آن وجود دارد، به طوری که قانون آن و قدرت تضمین کننده حاکمیت نیز منبعث از مردم است و مردم از طریق نهادهای مدنی همواره توان مقابله با سوء استفاده امانتداران قدرت را دارا هستند. ((۱))

این شاخص منشاء مردمی به قانون حاکم در جامعه مدنی قائل است که با اسلام قابل جمع نیست.

۳۰- (گر چه برخی از ویژگیهای جامعه مدنی نخست در غرب آشکار شده اما از نگاه فرهنگی این ویژگیها و مناسبات بیش از آنکه غربی باشند انسانی و تمدنی است مگر آنکه خردگرایی، انسانیت، انصاف، برابری، عدالت و آزادی را پدیده هایی صرفاً غربی بدانیم. هر جامعه در حرکت به سوی مدنیت بر سنّت های والای انسانی و فرهنگی خویش تکیه می کند و بر اساس آنها می سازد. ((۲))

از سنتهای والای انسانی خداجویی و کمال جویی نیز هست و این ویژگی در همه انسانها وجود دارد که برخی صفات مذکور را بدون این دو ویژگی عامل فرهنگی و تحرک انسانها می دانند.

۳۱- استاد مهدی هادوی تهرانی در سازگاری دین با جامعه مدنی مشخصاتی کلی را بیان می نماید که در صورتی که جامعه مدنی دارای این خصوصیات باشد با دین سازگاری خواهد داشت. این مشخصات کلی عبارتند از:

۱- قانون مداری: جامعه مدنی جامعه ای قانونمند است که محور روابط اجتماعی در آن را قانون تشکیل می دهد. این خصوصیت در اندیشه سیاسی اسلام که در پس تثبیت نظامی قانونمند می باشد به وضوح دیده می شود.

۲- صیانت از حقوق فردی: حقوق افراد در جامعه مدنی باید مورد حفاظت قرار گیرد. ۶.

۱- . عبدی، عباس، جامعه مدنی و جوانان، ص ۲۵ و ۲۲۵.

۲- . برزگر، علی. برخی از ویژگی های جامعه مدنی. اطلاعات سیاسی و اقتصادی ۱۲۷- ۱۲۸، ص ۳۳ سال ۱۰/ ۱۳۷۶.

اندیشه سیاسی اسلام نیز با پذیرش حقوق فردی، دولت را موظف به صیانت از آن می داند.

۳- مساوات افراد در برابر قانون: در جامعه مـدنی همه مردم در برابر قانون از مساوات برخوردارنـد و اسـلام نیز بر این مساوات تأکید دارد.

۴- آزادی مدنی: آزادی مدنی همان آزادی در چهار چوب قانون است و این امر مورد پذیرش اسلام نیز می باشد.

با این وصف هر چند هیچیک از تفاسیر خاص جامعه مدنی با مفاهیم اسلامی سازگاری ندارد، اما خصوصیات کلی این جامعه با این اندیشه تطابق کامل دارد (۱).

البته در واقعیت امر خصوصیات کلی نیز با اندیشه اسلامی تطابق ندارد.

۳۲- (مـا در اثر تماسـی که با غرب پیـدا کردیم، تلاش خود را معطوف به این ساختیم تا نهادهای سیاسـی جامعه خودمان را با غرب انطباق دهیم ولی چون غافل از بعد دوم مجموعه مشخصات فکری و ارتباطی بودیم و اصلًا نمی خواستیم این مجموعه را بپـذیریم لـذا در انطبـاق بـا جـامعه مـدنی موفق نبودیم ... ویژگیهـای معنـایی شامـل عقلانـیت به مفهوم عقل ابزارگرای تجربی آزمونی شـکاک، اصـالت حکومت قـانون که شامـل رقـابت، دموکراسـی، برابری، آزادی و تساهـل و پراگماتیسم، فردگرایی، دنیـاگرایی و ریـاضت کشـی دنیـوی، علت گرایی در برابر غـایت گرایی، اصـالت کـار و واقعیت مبتنی بر بـازار، نهادهـای غیر شخصی به جای نهادهای شخصی و اشرافیت، روابط غیر شخصی و غیر خویشاوندی، وجدان جمعی، اخلاق و مسئولیت جمعی است. ((۲))

محتوا و کلمات مورد اسـتعمال دموکراسی و تساهل و برابری و آزادی و پراگماتیسم و فردگرایی (اومانیسم) و علت گرایی در برابر غـایت گرایی (گرایش غیر الهی) غربی بوده، لـذا به سـبب تضـاد ماهوی در انطباق با جامعه ایرانی موفقیتی حاصل نشـده است.

محتوای این مفاهیم با ویژگی های مکتب اسلام ناسازگار است.

۳۳- (از جمله ویژگی جامعه مدنی ماهیت دموکراتیک خود جامعه مدنی و جامعه پذیر ۹.

۱- . هادوی تهرانی، مهدی، ولایت و دیانت، ص ۱۳۷- ۱۳۸، چاپ اول ۱۳۷۸.

۲- . باوند، هرمیداس، جامعه مدنی، دوم خرداد، خاتمی، ص ۱۵ چاپ اول، ۱۳۷۹.

کردن افراد در جهت بروز رفتار دموکراتیک است. بنابراین می توان دموکراسی را پیامد جامعه مدنی فعّال دانست. ویژگی دیگر تقدس زدایی از حکومت و مقام های حکومتی، یعنی قائل نبودن نشان قدسی برای فرد یا گروههای خاص بر سر قدرت که مانع عمده ای بر سر راه شکل گیری انجمن های داوطلبانه و مستقل است. ((۱))

ایشان در ادامه به علل ایجاد و توسعه جامعه مدنی در غرب، انگلیس و فرانسه را پیدایش و گسترش طبقات مستقل از حکومت به ویژه طبقات اشراف و زمین دار اشاره نموده و آن را یکی از مهم ترین پیش شرطهای لازم برای تشکیل جامعه مدنی می داند که در برابر قدرت سیاسی حکومت از استقلال و مصونیت برخوردارند. ایشان مورد و چگونگی مصونیت را معین نکرده اند، این شاخص بر دمکراسی و عدم مشروعیت دینی حکومت و حاکمان سیاسی تصریح داشته و مشروعیت دینی را مانع شکل گیری تشکلات داوطلبانه و مستقل می دانند.

شاخص ها نیز همچون تعاریف متعدد و متضاد با یکدیگرند که در ناسازگاری جامعه مدنی با دین اسلام صراحت کامل دارند. و آنچه برخی در تعاریف تلاش در نشان دادن سازگاری جامعه مدنی با دین داشته اند، در این شاخص ها به وضوح و با صراحت کامل، دین و وظایف شرعی را نفی نموده اند، و مانند تعاریف بیشتر مفاهیم مورد استعمال از فلسفه غربی نشأت گرفته و ذهنی و مبهم می باشد و نحوه تحقق آنها مشخص نگردیده است و پیامدهای بعد از تحقق این شاخص ها نیز مورد بررسی قرار نگرفته و بستر فرهنگی و اجتماعی ایران کاملًا نادیده گرفته شده است. از جمع بندی تعاریف و شاخص ها معلوم می شود که حامیان جامعه مدنی به مبناهایی همچون پلورالیسم و دمکراسی و سکولاریسم و اومانیسم که از معیارهای لیبرالیسم هستند و برگرفته از نظریات فلاسفه غرب می باشد همه آنها با دین اسلام ناسازگاری دارند.

(حدود ۷۶٪ از قائلان به جامعه مدنی، پلورالیسم و کثرت گرایی را از ملازمات جامعه مدنی می دانند و بقیه نیز اساساً در این باره سکوت کرده اند. ((۲)) و همچنین ۹۳٪ از کسانی که به ۵.

۱- . سردارآبادی، خلیل الله، موانع تحقق توسعه سیاسی در دوره سلطنت رضا شاه.

۲- . معصومی، مسعود، جامعه مدنی در مطبوعات، ص ۴۵.

بیـان رابطه دین با جامعه مـدنی پرداخته انـد، با گرایش های مختلف مسأله جـدایی دین از حکومت را در جامعه مـدنی مطرح کرده و از آن با صراحت دفاع نموده اند و تنها ۷٪ مقالات به پاسخ گویی به آنها پرداخته است. (۱) (جدول شماره ۲)

رابطه دین با جامعه مدنی

۱- بین دین و جامعه مدنی تعارض کلی و ماهوی وجود دارد

۲- تعارضی بین آنها نیست

الف- طرفداران دین: قائل به عدم سازگاری بین دین و جامعه مدنی

ب- طرفداران جامعه مدنی: قائل به پلورالیسم دینی و سکولاریزم

۱- برخی از تعاریف جامعه مدنی را که به ناسازگاری با دین تصریح ندارند اتخاذ می کنند

۲- در تعریف دین تصرّف می کنند

۳- در مفهوم و مصداق هر دو تصرّف می کنند

الف- دین را توجیه می کنند

ب- در قلمرو دین تصرّف می کنند

در اجرا

در قانونگذاری اجرا

نمودهای تحقق جامعه مدنی

اشاره

نمودهای تحقق جامعه مـدنی (حامیان جامعه مـدنی سوئـد را پیشـرفته ترین کشور در تحقق جامعه مـدنی می داننـد و معتقـدند سوئد با داشتن هشت میلیون نفر جمعیت، بالغ بر ۱۸۴۰۰ نهاد مستقل غیر دولتی دارد و برخی نیز این را تا بالغ بر ۲۰۰ هزار نهاد مدنی بالا می برند. ((۱))

آلمان دومین کشوری است که از نظر نویسندگان فرهنگ جامعه مدنی در آن رشد کرده است.

عبدالحسین آذرنـگ که خود در آمریکـا زنـدگی می کنـد در مقـاله ای آورده است: رشـد سـریع جامعه مـدنی در آلمان در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ این کشور را در شـمار پیشـرفته ترین کشورهای جهان در تحقق جامعه مـدنی آورده و معتقـد است در این کشور جامعه مـدنی به بهترین شـکل اجرا می شود (۲). زیرا در آلمـان در سال ۱۹۹۰ بـه ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۴۷۵ نهاد مدنی وجود داشته است.

کـاظم علمـداری، آمریکـا را یکی از کشورهای نمونه در تحقق جامعه مـدنی می دانـد و معتقـد است جامعه مـدنی در آمریکا پیشرفت زیادی داشته است (۳).

به گفته داوود باوند، ایتالیا نیز بعد از آمریکا یکی از کشورهایی است که از دهه گذشته جامعه مدنی در آن محقق شده است، وی می گوید: (کشور ایتالیا که تا دهه پیش دارای مذهب ۸.

۱- . فیوضات، در همایش بررسی ابعاد جامعه شناختی جامعه مدنی، سلام ۸/ ۱۰/ ۷۷.

۲- . عبدالحسین آذرنگ، نگاه نو، همچنین نگاه کنید به محمد رضا نیکفر (مفهوم ایرانی جامعه مدنی) نگاه نو، ش ۳۶.

۳- . کاظم علمداری (کارکرد جامعه مدنی) فرهنگ و توسعه ش ۲۸.

رسمی کاتولیک بود، در همان مقطع جامعه مدنی نیز داشت.) (۱) هفته نامه عصر ما با درج مقاله ای ضمن بیان اینکه اصناف، پایه های جامعه مـدنی هسـتند می نویسـد: (این راهی است که جوامع توسـعه یافته پیموده انـد و توانسـته اند دموکراسـی را در جوامع خود نهادینه سازند که نمونه بارز آن را می توان به انگلیس اشاره کرد. (۲))

فرانسه و آلمان و انگلستان سه کشوری هستند که از مجرای توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی جامعه مدنی در آنها تحقق یافته است (۳).

(انقلاب آمریکا و انگلیس و فرانسه در سده هفدهم و هجدهم نمونه هایی از حرکت برای جامعه مدنی است. (۴))

موانع تحقق جامعه مدنی:

۱- اسلام فقاهتی: گروهی اسلام فقاهتی را یکی از موانع تحقق جامعه مدنی می دانند:

از آنجا که فقها اجرای برنامه فقهی خود را عین دین می داننـد و حاکمیت آن را حاکمیت خداونـد می پندارنـد، به علت عدم پذیرش اقوال دیگران، یکی از موانع تحقق جامعه مدنی محسوب می شوند (۵).

۲- نظام ولـایی و ولایت فقیه: ابراهیم یزدی بعـد از آنکه جامعه کنونی را به دو گروه سـنت گرایان و روشـنفکران تقسیم می کنـد، سـنت گرایـان را عمـده تریـن مـانع تحقـق جـامعه مـدنی می دانـد. وی ایـن گروه را طرفـدار جـامعه ولـایی می دانـد و روشنفکران را طرفدار تحقق جامعه مدنی، سپس به بیان ویژگیهای جامعه ولایی می پردازد:

(در جامعه ولایی مردم شایستگی و توانایی اداره امور خود را ندارنـد و محتاج هـدایت و سرپرستی انـد، از نظر این گروه تنها یک قرائت صحیح از دین وجود دارد. مصالح مردم ۰۱.

۱- . داوود باوند، (آزمونهای دشوار جامعه مدنی و چشم اندازهای روشن فردا) ایران ۷/ ۶/ ۷۷.

۲- . (اصناف زیربنای جامعه مدنی) عصر ما ۷/ ۵/ ۷۷.

۳- . محمد قراگوزلو (پاتولوژی جامعه مدنی) همشهری ۸/ ۴/ ۷۷.

۴- . عبدالرسول خلیلی، (جامعه مدنی عقلایی تر شدن مناسبات حقوق شهروندی)، جامعه ۱۱/ ۳/ ۷۷.

۵- . علیجانی، (مردودیت یا ممنوعیت) ایران فردا، ش ۴۰.

جانب یک نهاد یا مقام واحد، به نام ولایت فقیه تعریف و تعیین می گردد، در جامعه ولایی، تکثر یعنی تزاحم و اختلال در نظم امور، یعنی هرج و مرج ... در جامعه ولایی مردم فقط حق دارند شایستگی رهبری را کشف کنند و بر آن گردن نهند، ولی هرگز نمی توانند و حق ندارند رهبری را مورد سئوال قرار دهند یا انتقاد کنند ((۱)).

در مکتب اسلام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بر همه مسلمانان واجب بوده و هیچ کس از محدوده این دو فریضه الهی مستثنی نیست و طبق قانون بقای ولایت فقیه مشروط به بقای کلیه شرایط مجتهد عادل و ولی فقیه هست به محض فقد شرط یا شرایطی از این شروط، ولی فقیه شرعاً معزول است. ادبار و اقبال مردم نیز مؤثر نیست.

۳- وحدت: برخی، وحدت را یکی از موانع تحقق جامعه مدنی می دانند وهر گونه ندای وحدت در جامعه را دور شدن از جامعه مدنی بر می شمرند (۲).

مجید محمدی با رد تفّکر (امّت اسلامی) می گوید: اگر امّت یعنی یک عده که با یک هدف مشترک و بر اساس یک فرهنگ جامعه را اداره می کنند، در واقع نفی تکثر که یکی از مبانی جامعه مدنی است می باشد، بنابراین از این جهت هیچ گاه امت اسلامی نمی تواند تمام یک جامعه مدنی باشد، بلکه می تواند به عنوان یک تشکل در جامعه مدنی باشد (۳).

آیات مربوط به امت واحده در قرآن با این ویژگی تضادی آشکار دارد.

۴- وجود روحانیت سیاسی- مذهبی: هوشنگ امیر احمدی، وجود روحانیت مذهبی- سیاسی و ساختار مذهبی حاکم بر جامعه و عدم درک صحیح و آگاهی عمومی از جامعه مدنی را مانع اصلی تحقق جامعه مدنی می داند، و از آن طرف نیروهای روشنفکر لائیک و یا مذهبی های نوگرا و نیروهای حاکم موافق جامعه مدنی و همچنین وجود چالشهای موجود را عواملی برای سهولت دستیابی به جامعه مدنی می داند (۴).

۵- همکاری روحانیت با دستگاههای دولتی: مجید محمدی، با برشمردن نقاط اشتراک ۷.

۱- . ابراهیم یزدی، ایران فردا، ش ۴۰.

۲- . محمد رضا نیکفر، (مفهوم ایرانی جامعه مدنی) نگاه نو، ش ۳۶، وی می گوید: وحدت، ایدئولوژی قدرت است.

۳- . مجید محمدی، کیان، ش ۴۰.

۴- . هوشنگ امیر احمدی، (درآمدی بر جامعه مدنی در ایران)، ایران فردا، ش ۲۷.

نوگرایی دینی و جامعه مدنی، یکی از این نقطه های اشتراک را نظریه عدم دخالت روحانیت در دستگاههای دولتی می داند ومعتقد است:

(از آنجا که باید روحانیت همواره مستقل باشد و این خود نمودی از جامعه مدنی است، بنابراین همکاری هر روحانی با دستگاههای دولتی مانعی برای رسیدن به جامعه مدنی می شود (۱)).

۶- نقش بسیج گر نهادهای مذهبی: برخی، نقش بسیج گر نهادهای مذهبی را مانعی جدی در راه تحقق جامعه مدنی می دانند:

از آنجا که بخش نسبتاً وسیعی از نهادهای مستقل مذهبی به همراه بخشهایی از قدرت حکومتی همچنان خواهان تداوم نقش بسیج گر نهادهای مذهبی همچون دوران انقلاب و جنگ هستند ... به راحتی نمی توان از تحقق جامعه مدنی در ایران خبر داد (۲).

۷- نظارت استصوابی شورای نگهبان: زیبا کلام معتقد است:

(یکی از موانع تحقق جامعه مدنی نظارت استصوابی شورای نگهبان است که موضع گیریهای سیاسی آن، مردم را از انتخاب طبیعی باز می دارد (۳)).

۸- دخالت دین در مناسبات اجتماعی: برخی، دخالت دین در هرگونه مناسبات اجتماعی و عرفی را از اوصاف جوامع قبیله ای، ایلی و بادیه نشینی می دانند و صریحاً فریاد جدایی دین از سیاست را سر می دهند و هر گونه دخالت دین در اجتماع را مانع تحقق جامعه مدنی می دانند: (در جامعه مدنی حقوق، خود را از فقه و علم کلام جدا کرده است، به این دلیل است که قابل نقد هم هست ... وقتی در قانون جزایمان، دیه و قصاص را گنجانیدیم، مانعی برای شکل گیری مدنی ایجاد نکرده ایم؟ چشم در مقابل چشم، دست در مقابل دست وخون در مقابل خون). از آن روابط بادیه نشینی است ... دیه نشان همان رابطه ها را بر پیشانی دارد، و قانون مخصوص جامعه مدنی است، مخصوص انسانی است که به خود جرأت اندیشیدن داده است و قیومیّت را نمی پذیرد. کار حقوق دانان جدا کردن حقوق از فقه است). ۷.

۱- . مجید محمدی، (نوگرایی دینی وجامعه مدنی)، کیان، ش ۴۰.

۲- . حمید رضا جلایی پور، (نهادهای مستقل از حکومت در جامعه انقلابی و مدنی). خرداد، ۷/ ۱۰/ ۷۷.

۳- . ایران، ۷/ ۶/ ۷۷.

نویسنده سپس با نسبت دادن تهمتهای ناروا به دین، فقه را متعلّق به گذشته ها می داند و از همه طرفداران جامعه مدنی می خواهد برای رسیدن به یک جامعه مدنی مبارزه کنند و می گوید: (این که پدر و پدربزرگ حق گرفتن جان فرزند و نوه شان را دارند، از آن امروز نیست، از آن گذشته ها است. پس وظیفه تمام کسانی که سخن از جامعه مدنی می گویند، این است که جدایی فقه و حقوق را سرلوحه کار خود قرار دهند، تا بتوانند قانون مداری را که یکی از مؤلفه های جامعه مدنی است تحقق بخشند (۱)).

توهین به مقدسات اسلام و انکار آیات قصاص در قرآن کاملا هویداست.

۹- وجود خط قرمز در مورد روحانیون: (۲) (اشاره به فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر رعایت شأن و احترام افراد و پرهیز از اهانت و ... در مطبوعات).

۱۰- تقدس گرایی (۳) ۱۱- استبداد دولتی (۴) ۱۲- دوگانگی در قانون اساسی بین جمهوریت و اسلامیت (۵) ۱۳- دینداران مخالف جامعه مدنی (۶) ۱۴- رسوبات به جا مانده از استبداد شاه

۱۵- دیکتاتوری مطلق، ولی صلح آمیز)(۷). ابراهیم یزدی، ایران فردا، ش ۴۰.

۱۶- قدرت مطلقه (۸) ۱۷- منزلت و شأن قدسی فرد یا گروه (۹) ۱۸- حداکثر بودن حکومت ۰.

۱- . هوشنگ ماهرویان (ما و جامعه مدنی) فرهنگ و توسعه، ش ۳۲.

۲- . رفیعی، ایران فردا، ش ۴۰.

۳- . داوود باوند، ایران فردا، ش ۴۰.

۴- . حسین بشریه، ایران فردا، ش ۴۰.

۵- . همان مأخذ.

۶- . ابراهیم یزدی، ایران فردا، ش ۴۰، همچنین روزنامه همشهری، ۲ خرداد ۷۷.

۷- . ابراهیم یزدی، ایران فردا، ش ۴۰.

۸- . رضا علیجانی، (ایران یک خانواده بزرگ)، ایران فردا، ش ۴۲.

۹- . مجید محمدی، (نوگرایی دینی در جامعه مدنی)، کیان، ش ۴۰.

۱۹- وجود هیأتهای مذهبی (۱) ۲۰- ولایت فقیه (۲) ۲۱- انحصارگری (۳) ۲۲- ایدئولوژیک فکر کردن (۴) ۲۳- پدرسالاری که زمینه تحقق استبداد در جامعه شده است.

۲۴- مطلق انگاری حقانیت دینی

۲۵- حاکمیت تفکر خاص

۲۶- نپذیرفتن کثرت

۲۷- تحمل نکردن مخالفان

۲۸- نپذیرفتن مشارکت با غیر خودی (۵) ۲۹- عدم استیفای حقوق فردی (۶) ۳۰- نداشتن تساهل و مدارا

۳۱- خشونت (۷) ۳۲- شورای نگهبان

۳۳- مجمع تشخیص مصلحت نظام

۳۴- هسته های گزینش (۸) ۳۵- قوه قضائیه در وضعیت کنونی

۳۶- نیروهای فشار ۹.

۱- . مجید محمدی، (موانع رشد جامعه مدنی در ایران)، کیان، ش ۳۳.

۲- . محمد رضا نیکفر، (مفهوم ایرانی جامعه مدنی)، نگاه نو، ش ۳۶.

۳- . علی محمد نجاتی، (پیشینه شناسی و آفات جامعه مدنی)، خرداد، ۲۱/ ۱۰/ ۷۷.

۴- . توسلی، (پیشینه شناسی و آفات جامعه مدنی)، خرداد، ۲۲/ ۱۰/ ۷۷.

۵- . همشهری، ویژه نامه ۲ خرداد ۷۷.

۶- . (اصناف زیربنای جامعه مدنی)، عصر ما، ۷/ ۵/ ۷۷.

۷- . توسلی، خرداد، ۲۲ و ۲۳/ ۱۰/ ۷۷.

۸- . شکرزاده، ایران فردا، ش ۳۹.

۳۷- نیروهای انتظامی

۳۸- بنیاد مستضعفان (۱) ۳۹- عدم درک صحیح عمومی از جامعه مدنی (۲) ۴۰- عدم استقلال گروها از دولت

۴۱- بیگانه دانستن گروهها توسط دولت

۴۲- پارتی بازی و رعایت روابط خویشاوندی در حکومت

۴۳- نبود فرهنگ مدنی (۳) ۴۴- ایجاد مانع علیه انباشت ثروت

۴۵- عدم حضور جوانان در مسائل اجتماعی

۴۶- بدبینی نسبت به رفتارهای نامشروع

۴۷- عدم اعتماد مسئولان به مردم و مردم به مسئولان (۴) ۴۸- وزارت اطلاعات با وضع کنونی (۵) ۴۹- مخالفان جامعه مدنی از درون و بیرون (۶) ۵۰- (صرفنظر از مبانی نظری تشکیل جامعه مدنی و شواهد تاریخی آن در سایر جوامع بشری، آنچه به شرایط ویژه ایران مربوط می شود مبتنی است بر یک واقعیت که به لحاظ نظری می تواند ریشه در باورهای سنتی دین در این کشور داشته باشد. القاء و تکرار مطالبی چون رعایت (خط قرمز) در مورد روحانیان و منع متفکّران در ورود به حیطه بحث منطقی بودن یا نبودن بعضی از (اعتقادات) دینی عوام وتسّری (محکمات) دین به خیلی از (متشابهات) سد راه تفکر و آزاد اندیشی در جامعه دینی ماست، واین شکل اصلی توسعه روند دموکراسی و ایجاد جامعه مدنی است. هرگاه خواص، نه عوام، که دارای اسم و رسم و ۷.

۱- . سرمقاله، ایران فردا، ش ۳۹ و ۴۰.

۲- . هوشنگ امیراحمدی، ایران فردا، ش ۲۷.

۳- . مجید محمدی، کیان، ش ۳۳.

۴- . مجید محمدی، (موانع رشد جامعه مدنی در ایران) کیان، ش ۳۳.

۵- . (مسیح به شهر ما بیا) ایران فردا، ش ۴۶.

۶- . فریدون وردی نژاد، همشهری، ویژه نامه دوم خرداد ۷۷.

سابقه و هویت و صلاحیت هستند نتوانند وارد اظهار نظر در حیطه های فوق الذکر شوند و بلافاصله از طرف مدیران قوای فیزیکی جامعه تهدید شوند و برچسب توطئه گر و خائن و کافر بخورند، دموکراسی که ابزار ساخت جامعه مدنی است تعطیل خواهد شد و با تعطیلی دموکراسی ایجاد جامعه مدنی در ایران منتفی است. آنچه مایه حیات ایجاد جامعه مدنی است تفکیک بین مطلق و نسبی، زور و منطق، مقدس و عادی، معصوم و غیر معصوم، محکم و متشابه، منافع اسلام و منافع گروهی، ... در شرایط کنونی جامعه ماست و این تفکیک نیز در شرایط دموکراتیک مقدور است و بس (۱)).

نتایج بدست آمده نشان می دهد که بحث علمی وجامعه شناسی تبدیل به بحث سیاسی و منشأ تنش اجتماعی شده و وسیله ای برای بده و بستان های حزبی و گروهی برای کسب قدرت شده است. این گونه سخن گفتن ها در کتب و مطبوعات علاوه بر تضعیف ارزشهای دینی در سطح جامعه عاملی بر ایجاد تفرقه در وحدت و یکپارچگی مردم و ایجاد بدبینی نسبت به مسئولین فرهنگی که ممانعتی از نشر اینگونه مطالب بعمل نمی آورند، تأیید ضمنی این مطالب را به همراه داشته است. تحقق جامعه مدنی یعنی از بین بردن تمامی دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران.

در خاتمه فرمایش مولای متقیان علی علیه السلام را در مورد صفات دانشمندان بیان می دارد تابا مقایسه ای اجمالی فاصله این فرمایشات با شاخص های مذکور برای جامعه مدنی معلوم گردیده و عالم واقعی از عالم نما مشخص گردد.

(آگاه باشید که بندگان خدا، آنها که علم خدای را حافظ اند به مصونیت او مصون هستند، آنها چشمه های علوم خداوند را جاری می سازند و با دوستی خدا پیوستگی ایجاد می کنند، ...

شک و تردید در آنها راه نمی یابد و غیبت در آنها به سرعت پیش نمی رود، سرشت و اخلاقشان بر این وضع پی ریزی شده، به خاطر خدا با هم دوستند و برای او با هم پیوند رفاقت برقرار می کنند، اینها نسبت به بقیه مردم همچون بذرهای انتخاب شده هستند که دانه های خوب را جهت کاشتن انتخاب و بقیه را رها می کنند و این امتیاز در اثر خالص ساختن و پاک کردن ب.

۱- . دکتر رفیعی، نشریه ایران فردا، شماره ۴۰ ص ۳۳ رجوع شود به بحث نگاهی اجمالی بر اهداف و تلاشهای حامیان جامعه مدنی ص ۸ همین کتاب.

آنها و به خوبی از عهده امتحان برون آمدن است (۱).)

و همچنین در مورد ارکان اسلام فرموده اند: (برترین وسیله ای که متوسلان می توانند با آن به سوی خداوند تقرب جویند ایمان به او و پیامبر اوست و همچنین جهاد در راه او، چه اینکه جهاد قله مرتفع اسلام است و ... به راه و رسم پیامبرتان اقتدا کنید که بهترین راه و رسم ها است و رفتارتان را با روش پیامبر صلی الله علیه و آله تطبیق دهید که هدایت کننده ترین روشها است.

قرآن را فرا گیرید که بهترین گفته ها است و در آن بیندیشید که بهار قلبهاست، از نور آن شفا بجوئید که شفای دلهای بیمار است، آن را به نیکوترین وجه تلاوت کنید که سود بخش ترین سرگذشتها است، دانشمندی که به غیر علم اش عمل کند همچون جاهل سرگردانی است که هرگز از جهل به هوش نمی آید بلکه حجت بر آن دانشمند عظیم تر و حسرت برای او ثابت تر است و در پیشگاه خدا سزاوار سرزنش بیشتر ((۲)).

راهکارهای تحقق جامعه مدنی

برخی از حامیان جامعه مدنی راهکارهایی جهت تسریع در تحقق جامعه مدنی ارائه نموده اند که برخی را متذکر می شویم:

محمدرضانیکفر دراین زمینه می گوید: میل به زندگی وشادی به زهدی ریایی ره برده است:

من این مرقع پشمینه بهر آن دارم که زیر خرقه کشم می کس گمان نبرد چنین انسانی نقاب به چهره دارد، قانون شکن است، توجیه کار است، ... به عنوان پسر به دختر همسایه و به عنوان دختر به پسر ایستاده در کوچه دزدکی می نگرد، به جای آنکه لبخند زند، به او اخم و تخم می کند، بی آنکه بداند چرا.

می خواهید جامعه مدنی بر پا کنید؟ حقوق آموزگاران را بالا ببرید و کاری کنید که این شغل با استعدادترین و فرهیخته ترین و وظیفه شناس ترین نیروها را به خود جذب کند ...

مشکل جامعه ما کمبود متخصص فیزیک و شیمی نیست، کمبود کسانی است که می توانند سیرک و قطار شادی راه بیندازند، آواز بخوانند، ساز بنوازند، نقش بنگارند و دست افشانند. ه.

۱- . نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴، فیض الاسلام.

۲- . نهج البلاغه، خطبه.

می خواهید در تشکیل جامعه مدنی سهیم باشید؟ موسیقی بیاموزید، سازتان را نه در (خلوت انس) بلکه بر سر کوچه بنوازید و شاد بنوازید (۱)!

وی در ادامه، تعطیلی تمام نشریات حکومتی و دادن استقلال به رادیو و تلویزیون را یکی از راهکارهای جامعه مدنی پنداشته است، افزایش مشارکتهای اجتماعی در عرصه های خصوصی و به تبع آن در عرصه های عمومی (۲)، برداشتن نقش بسیج گر نهادهای مذهبی (۳) برداشتن تفکر انقلابی و انحصارگری (۴) و بیرون آمدن افراد سازمانها و گروهها از حوزه تقدس (۵)، تعلیم و تربیت تعلیمات مدنی به دانش آموزان (۶)، توسعه اصناف (۷)، جدا کردن فقه و احکام دینی از حقوق اجتماعی (۸) و نیز شروع تحقق جامعه مدنی در دانشگاهها و نه در مساجد (۹)، از دیگر اولویتهایی بود که نویسندگان به عنوان راهکار تحقق جامعه مدنی در ایران مطرح کردند.

پروفسور رفیع پور در مورد موسیقی غربی و سنتی ایران می نویسد:

(در کشورهای پیشرفته غربی بالاخص اروپایی از موسیقی بیشتر به عنوان وسیله در جهت رشد شخصیت فردی و تحکیم ساختار و نظام اجتماعی (و نه به عنوان وسیله (غنا) وتحریک کننده امیال شیطانی) استفاده می کنند، آن هم از طریق:

۱- انتخاب آهنگ (مایور) (هم آهنگ و هم ریتم آن انسان را به سوی حالات روحانی سوق می دهد)

۲- انتخاب ساز (بادی) (مثل فلوت و کلارینت، هورن و ...)

۳- کنترل ریتم ها (نداشتن تمبک) ۷.

۱- . محمد رضا نیکفر، (مفهوم ایرانی جامعه مدنی) نگاه نو، ش ۳۶.

۲- . پرویز پیران، (شهر شهروند مدار) اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش ۱۳۱ و ۱۳۲.

۳- . جلائی پور، (نهادهای مستقل از حکومت در جامعه انقلابی و مدنی) خرداد، ۷/ ۱۰/ ۷۷.

۴- . علی محمد نجاتی، (پیشینه شناسی و آفات جامعه مدنی) خرداد، ۲۱/ ۱۰/ ۷۷.

۵- . علیرضا زمانی، (کارکرد مثبت مطبوعات مستقل در جامعه مدنی) جامعه، ۲۸/ ۲/ ۷۷.

۶- . محرم آقازاده، (تعلیمات مدنی پیش نیاز جامعه مدنی) همشهری، ۲۹/ ۱۰/ ۷۷.

۷- . (اصناف زیر بنای جامعه مدنی)، عصر ما، ۷/ ۵/ ۷۷.

۸- . هوشنگ ماهرویان، (ما و جامعه مدنی)، فرهنگ وتوسعه، ش ۳۲.

۹- . مسعود پدرام، صبح امروز، ۲۳/ ۱۱/ ۷۷.

۴- موسیقی بیشتر جمعی ونه فردی

مهم ترین موسیقی که تأثیر سازنده بر نظام اجتماعی دارد، موسیقی مذهبی ماست که بسیار پیشرفته و تکامل یافته است. اما از آنجا که فرهنگ سنتی ما در مقابل فرهنگ مدرن که با دست خودمان از غرب آورده ایم (و به نام توسعه) و با ابزار خودمان گسترش می دهیم در حال نابودی و بی ارزش شدن است (۱)).

جامعه مدنی و مدینه النّبی

برخی برای اینکه میان دین و جامعه مدنی سازگاری ایجاد نموده و برای آن ریشه و مبنای (۱). رفیع پور، فرامرز، جامعه، احساس وموسیقی، ص ۴۴- ۴۵. - کنسرت موسیقی در فرهنگسرای بهمن، ۶/ ۹/ ۷۶ و ۲۴/ ۷/ ۷۶ - کنسرت موسیقی کلاسیک در فرهنگسرای اندیشه، ۶/ ۹/ ۷۶ و ۲۸/ ۸/ ۷۶ - اجرای موسیقی سنتی در فرهنگسرای ابن سینا، ۲۶/ ۹/ ۷۶ - کنسرت موسیقی در تالار وحدت، ۲۷/ ۹/ ۷۶ و ۱۱/ ۱۲/ ۷۸ و ۳۱/ ۶/ ۷۸ - کنسرت موسیقی کلاسیک در فرهنگسرای سرو، ۲۷ و ۲۸/ ۹/ ۷۶ و ۳۰/ ۷/ ۷۶ و ۷/ ۱۲/ ۷۸ - زنده باد مکزیکو، موسیقی آزتکها در تهران، آزتکها با اجرای ۱۶ قطعه موسیقی گرمای مکزیک را به تالار وحدت آوردند ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۳ و ۲۴/ ۱۱/ ۷۶ به ترتیب در تالارهای فردوسی، وحدت، فرهنگسرای نیاوران، حرکت و فارابی. - رستیال پیانو در فرهنگسرای نیاوران توسط خانم بریژیت مایر پیانیست سوئیسی. ۲۳/ ۱/ ۷۸ - کنسرت موسیقی آذربایجان در ایران (ویژه بانوان) در سینما سپیده. ۱۲/ ۱۲/ ۷۸/ - گیتار در کاخ سعدآباد. ۳۱/ ۴/ ۷۸ و ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶/ ۵/ ۷۸ و ۲۹/ ۴/ ۷۸ - گروه موسیقی سنّتی هور در تالار محراب ۱۹/ ۱۲/ ۷۸ - کنسرت موسیقی هنگامه اخوان در تالار فرهنگ ۲۸/ ۵/ ۷۸ - اجرای موسیقی ایرانی در تالار رودکی ۳۰/ ۶/ ۷۸ - اجرای موسیقی سنّتی در فرهنگسرای اشراق ۲۴/ ۷/ ۷۶ و ... - اجرای موسیقی (برنامه کنسرت) پیام نو (امپرسیونیزم و رمانتیزم) توسط فردریک رزانس موسیقی دان فرانسوی. ۳ و ۵/ ۴/ ۷۸، فرهنگسرای نیاوران - کنسرت شب اشتراوس ۶/ ۴/ ۷۸ - کنسرت برگزیدگان اعضای انجمن موسیقی لارک در باشگاه، ورزشی آرارات. ۱۳/ ۱۱/ ۷۸ - کنسرت خشایار اعتمادی در نمایشگاه بین المللی ۱۶/ ۴/ ۷۸ - گیتار در موزه هنرهای معاصر، ۳۰/ ۴/ ۷۸ - و همچنین جشنواره های برگزار شده در شهرهای اصفهان و شیراز با دعوت از بازیگران مبتذل خارجی.

دینی درست نماینـد، جامعه مـدنی را به مـدینه النبی نسبت دادند. قائلین به این نظر که تعدادشان اندک است، برای ایجاد این سازگاری برخی در معنای دین و برخی در تعریف جامعه مـدنی تصرف کردند، لذا این دو مقوله جدا از هم را به هم نزدیک کرده و به مدینه النبی نسبت دادند.

البته این مسئله نیز مناقشات و سوء استفاده های سیاسی داشته و موافقان بدون توجه به تعاریف و اصول نظری جامعه مدنی در غرب و اصول حاکم بر مـدینه النبی این بحث را دامن زدنـد. این بحث موضوعی بوده که در رنـگ و صبغه اسلامی زدن به چهره جامعه مـدنی صـد در صد غربی، سـهم بیشتری داشـته و در سـردرگمی اذهان عمومی در تشـخیص درست موضوع مؤثر بوده است. برخی سعی نموده انـد ریشه هایی از جامعه مـدنی را در مـدینه النبی بیابند و یا بسازند. حال چه اجباری به این کار هست که حتماً ریشه جامعه مـدنی را بایـد به مـدینه النبی رسانـد، حکمتی دارد که در صـفحات اول و آخر این پژوهش معلوم شـده است. آنچه از تعاریف و شاخص های مـذکور در این پژوهش و بررسـی موارد تحقق یافته جامعه مـدنی بر می آیـد، این است که اصول و شاخص های ایده جامعه مدنی که توضیح هر یک از آنها خواهد آمد، با دین، بویژه دین اسـلام ناسازگاری داشـته و قابـل جمع نیست، زیرا قانونی که در جامعه مـدنی مـد نظر است برخاسـته از رأی اکثریت و قرارداد اجتماعی بر مبنای عقلانـیت جمعی و اراده و خواست افراد بـدون محـدودیت دینی و حتی اخلاقی است، اما قانون مورد نظر در مـدینه النبی تنها قانون و حکم خـدا و رسول اوست. همین مورد تفاوت ماهوی بین این دو ایجاد می کنـد. از سویی در جامعه مدنی دین مسئله ای شخصـی و خصوصـی محسوب می شود سکولاریسم و تکثر گرایی دینی (پلورالیسم) و تساهل و تسامح [(۱)] (سهل انگاری و چشم پوشـی از انجام وظایف شـرعی و حفظ ارزشـهای دینی) از اصول مبنایی جامعه مـدنی است که هم از بعـد نظری و هم بعـد عملی (تحقق)، تفاوت ماهوی دارنـد. آزادی در اسـلام محدود به رعایت موازین شـرعی و رعایت حقوق کلیه مسـلمین و مصالح حکومت اسلامی است، در ۸.

۱- . اصل تسامح و تساهل: طبق این اصل در جامعه ای که آرا و باورهای گوناگونی وجود دارد هیچکس از افراد جامعه نمی توانـد خود را مطلق برتر و قدسـی کنـد و گرنه همواره نزاع و جدال رخ خواهد داد. باری بهترین راه همزیستی برای رسـیده به غـایت مطلوب که رفاه و سـعادت دنیوی و برخورداری مادی و امنیت است مسامحه و آسان گیری در باورها و انـدیشه هاست! ایازی، علی، مفهوم جامعه مدنی، روزنامه همشهری ۲/ ۳/ ۱۳۷۷ ش ۱۵۴۸.

حالیکه در لیبرالیسم که از اصول جامعه مـدنی است چنین قیـد ومحدودیتی وجود ندارد و آزادی هم در اخلاق هم در اندیشـه مـورد نظر است. بطـوری که در جـامعه مـدنی بر مبنـای آزادی انـدیشه هرگونه فکر و نظر، قابـل طرح در مطبوعـات و کتب و محافل رسـمی و ... می باشد با اینکه متصدیان امور بهداشتی از عرصه مواد غذایی مسموم جلوگیری بعمل می آورند، تا جسم انسانها از خطر مصون بماند، اما در جامعه مدنی غذای فکر و روح به اندازه غذای جسم اهمیت نداشـته و هیچگونه محدودیتی در عرضه افکـار و انـدیشه هـا اعمـال نمی شود. قلم های زهرآگین به افکار مسـموم، اجازه نشـر عقایـد خود را دارنـد، توسـعه فرهنگی و توسعه سیاسی دو مقوله ای است که این اهداف را در جامعه مدنی پیش می برد.

مرجع حـل اختلاـف و قانونگـذاری در جامعه مـدنی رأی اکـثریت است و خواست آنهـا، حـال اگر اکـثریت خواسـتار آزادی همجنس بازی که یک امر صددرصـد غیر اخلاقی است شوند، که در برخی جوامع شده اند- این خواست و اراده عمومی باید به صورت قانون درآیـد تا اکثریت راحت و آزاد باشـند. اکثریت هر تصـمیمی گرفتند چه ضد دین و چه دینی قابل اجرا است، در حالیکه در حکومت اسـلامی و مـدینه النبی تنها حکم خـدا و رسول گرامی اسـلام نافـذ و جاری بود. بنابراین مدینه النبی و جامعه مـدنی دو مقوله کاملًا جدا از هم بوده و هیچ ربطی به هم ندارند. اما چرا از این عنوان اسـتفاده شده است جای سـئوال و تأمل بسیار دارد.

از جمله سئوالات مطرح عبارتند از:

۱- اگر جامعه مـدنی همان مـدینه النبی است یا حـداقل ریشه در مـدینه النبی دارد تا مجوّزی بر اطلاق جامعه مـدنی دینی شود چرا کلمه جـامعه مـدنی از غرب با آن معانی کاملًا روشن و متضاد با اسـلام، انتخاب شـده است؟ اصـلًا چه اجباری به این اسـم گذاری جدید هست، مگر خود واژه های امت اسـلامی و حکومت اسـلامی که در هزار و چهارصد سال، اسـتعمال شده اسـت وکاملًا مطابق با ویژگیهای اسـلام است، چه ایرادی دارنـد که باید در قرن ۲۱ عوض شوند؟ چرا خود پیامبر اسـلام این کلمه را اسـتعمال نکردند و یک دفعه بعد از چهارده قرن برخی مسلمانان در مدینه پیامبر، این اسم را کشف کرده و تحسین و مریزاد و ...

غربیان را برانگیختند که سرپوشی معتبر در بین مردم، برای اجرای امیال و اهداف آنها توسط خود مسلمانان کشف شده است؟

۲- چه اصراری به وجود پسوند دینی برای جامعه مدنی هست؟ جامعه مدنی که دین را به عنوان مسئله شخصی و خصوصی می شناسد چه دلیلی دارد واژه دین را برای موردی بکار ببریم که کاملًا متضاد با آن است؟ آیا این نحو استعمال، تلاشی در جهت حساسیت زدایی از مسلمانان و القاء و اجرای بی کم و کاست اصول و شاخص های مدنظر حامیان جامعه مدنی بدون مقاومت مردمی نیست؟ آیا یک مسلمان معتقد و مؤمن حاضر به پذیرش این مبناها برای جامعه خود می شود؟

برای اطلاع بیشتر از نظریات موافقان ومخالفان که جامعه مدنی، همان مدینه النبی است، چند نظر را بیان نموده و برخی از مواد پیمانی که پیامبر اسلام با مردم مدینه منعقد نمودند یادآور می شویم تا با مقایسه تعاریف و شاخص ها و این مواد افراد منصف و متدین پی به میزان اختلاف بین دین و جامعه مدنی ببرند، هر چند در گفته های قبلی اثبات شده است.

آقای خاتمی در کنفرانس سران کشورهای اسلامی، جامعه مدنی را اینگونه توصیف کردند:

۱- (جامعه مدنی که خواستار استقرار و تکامل آن در درون کشور خود هستیم و آن را به سایر کشورهای اسلامی نیز توصیه می کنیم، به طور ریشه ای و اساسی با جامعه مدنی که از تفکرات فلسفی یونان و تجربیات سیاسی روم سرچشمه گرفته، اختلاف ماهوی دارد، گر چه الزاماً در همه نتایج وعلایم میان این دو نباید تعارض و تخالف وجود داشته باشد. جامعه مدنی غربی از حیث تاریخی ومبانی منشعب از دولت شهرهای یونانی و بعد نظام سیاسی روم است در حالیکه جامعه مدنی مورد نظر ما از حیث تاریخی و مبانی نظری ریشه در مدینه النبی دارد. ((۱))

۲- امیر محبیان در بیان تفاوت ماهوی جامعه مدنی و جامعه دینی و ولایی می نویسد:

(اختلاف جامعه مدنی و جامعه ولایی، اختلافی اصولی در مبادی و مبانی است. جامعه مدنی بر مبنای مشروعیت حکومت، با منشاء آرای مردم پدید آمده و جامعه ولایی بر مبنای نظام با منشأ الهی بنا شده است. ((۲)) ۰.

۱- . لاریجانی، صادق، مقاله نسبت دین و جامعه مدنی، سخنان آقای خاتمی درکنفراس سران اسلامی، اندیشه حوزه، ش ۲، ص ۱۱۹، پاییز ۱۳۷۷.

۲- . محبیان، امیر، ایران فردا، ش ۴۰.

۳- برخی با جامعه مدنی بر این اساس موافقت می کنند که آن را مترادف با مدنّیت می گیرند.

اینها بیشتر مقصدشان مجتمع مدنی است. به هر حال مدنّیت جزو طبع بشر است. خود اسلام هم از این حیث تّمدن آفرین بوده است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله، خود اولین مجتمع مدنی اسلامی را تشکیل دادند. اما مدینه النبی را نمی توان بر اساس تعاریف مصطلح یک جامعه مدنی دانست. بر اساس نظریه پردازی های رایج، بدو پیدایش جامعه مدنی اساساً متعلق به دوران پیدایش شهرهای مستقل و نظام حقوقی مستقل در بطن نظام فئودالی است. (۱) ۴- به نظر مقصود فراستخواه، (جامعه مدنی دنباله مدینه پیامبر اسلام نیست. مدینه النبی مبتنی بر شیوه زندگی عرب حجاز در ۱۴- ۱۵ قرن پیش و مقتضیات خاص آن زمان ومکان بوده است، که پیامبر و قرآنش آن را بنا بر ویژگی های ساختاری، اجتماعی و فرهنگی آن روزگار و با تأیید و امضای عرف پیشرو و سالم آن دوره عرب (مثل شورا و بیعت و ...) تشکیل داده بودند و با دریافت و حیانی، فرهنگ سامی و سنتها و مناسبات عربی را بیهوده و تعالی می بخشیدند. البته ممکن است امروز مسلمانان با چشم اندازهایی از زندگی مدنی جدید و با استفاده و اقتباس از تجارب نوین غربیها، قرآن و سیره پیامبر اکرم را از نوباز خوانی کنند و در این قرائت ها وتفسیرها و تأویل های تازه خود، مایه هایی از تفکر مدنی را در مدینه النبی نشان دهند، مثلًا استدلال کنند که از نظر قرآن و اسلام، دین و ایمان باید با آزادی و بدون اکراه باشد، حقوق بشر محترم شناخته شود، اقلیت ها آزاد باشند، ... نظام سیاسی بر اساس رضایت و قرار داد و توافق اجتماعی- بیعت- بر پا شود، مردم آزادی مخالفت و انتقاد داشته باشند و ... اینها همه برداشت هایی بسیار بالنده و پیشرو و نشان دهنده توسعه فرهنگ مسلمانی در جامعه ما و بسط و گسترش نو اندیشی اسلامی است. ((۲))

ناگفته پیداست نویسنده محترم احتمالًا آشنایی کاملی با دین اسلام ندارند که می خواهند مقوله هایی چون آزادی در دین و رعایت حقوق بشر و آزادی اقلیت ها و ... را با قرائت جدید وارد اسلام نمایند.

اولین محور مبارزه پیامبران همواره خداپرستی و آزاد ساختن انسانها از اسارت نفس و ه.

۱- . حجّاریان، سعید، (مقاله) و جامعه مدنی و ایران، جامعه مدنی و ایران امروز. ص ۳۱۷، چاپ اول ۱۳۷۷.

۲- . فراستخواه، مقصود، جامعه مدنی و جوانان، ص ۱۱۴، ۱۱۵ نشر قطره.

رفع ظلم و اسارت مردم از یوغ ستمگران و آزادی مردم بوده است. ایشان مسئله جزیه را نادیده گرفته اند که اقلیت های دینی که در سرزمین های اسلامی زندگی می کنند کاملًا در دین و مناسک خود آزادند و با پرداخت جزیه به حکومت اسلامی می توانند کنار مسلمانان زندگی کنند و حکومت اسلامی وظیفه دارد به امور آنان رسیدگی نماید، در حکومت اسلامی آنقدر حقوق اقلیت های دینی اهمیت دارد که در زمان حکومت حضرت علی علیه السلام، وقتی جریان درآوردن خلخال از پای دختری یهودی را شنیدند بشدت ناراحت شده، فرمودند اگر مرد بخاطر این کار از غصه بمیرد، جا دارد. در حال حاضر نیز اقلیت های دینی در انجام مراسم دینی خود آزادند و کنار مسلمانان زندگی می کنند. سئوال این است که چرا برخی عدم وجود آزادی در ایران را القاء می نمایند؟ آیا گفته های شان بهترین دلیل بر آزادی قلم و اندیشه در ایران نیست؟

۵- محسن سعید زاده می گوید: (مدینه پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ ربطی به جامعه مدنی ندارد. البته این افکار به معنی نادیده گرفتن اصول و مبانی جامعه مدنی در قرآن و احیاناً روایات تلقی نمی شود ... مدینه پیامبر را باید از وحی بر او، جدا کرد. جامعه مدنی دستاورد متفکران بشری است و نه فیلسوفان غربی، میراثی متعلق به همه بشر است. (۱))

در قرآن و روایات از جامعه مدنی صحبتی به میان نیامده است تا ایشان نادیده نگیرند.

پیمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مردم مدینه

در قانون اساسی و عقد و پیمان سیاسی و اقتصادی واجتماعی که پیامبر با مردم مدینه منعقد نمود شامل ۴ بند و ۳۷ ماده می باشد. برخی از مواد آن بدین شرح است:

۱- پیمان و عهد خداوند با تمام مسلمانان یکی است، از این رو اگر دون پایه ترین آنها پیمان یا تعهداتی در برابر کفار به ذمّه بگیرد، محترم و مقبول است.

۲- مسلمانان دوستان و پشتیبان یکدیگرند.

۳- هر فردی از یهودیان از ما پیروی کند و اسلام بیاورد، از کمک و یاری ما برخوردار ۷.

۱- . جامعه مدنی و جوانان، گردآوری نظریات، ص ۱۱۳، چاپ اول ۱۳۷۷.

خواهد بود و تفاوتی میان او و مسلمانان دیگر نخواهد بود، و کسی حق ندارد بر او ستم کند یا دیگری را علیه او تحریک کند و دشمن او را یاری دهد.

۴- در عقد پیمان صلح، باید مسلمانان متحد شوند و هیچ مسلمانی بدون جلب نظر مسلمان دیگر- جز عدالت و مساوات- نمی تواند صلح برقرار کند.

۵- گروههای مسلمان به تناوب به جهاد می روند تا خونی که از آنان در راه خداوند ریخته می شود، به طور مساوات باشد.

۶- مسلمان بهترین مسلک و مهمترین آیین را دارد.

۷- هیچ مشرکی (از مشرکان مدینه) حق ندارد از جان و مال مشرکان قریش حمایت کند و مسلمانی را از دست یافتن بر آنها مانع شود.

۸- مرجع حل اختلاف همیشه خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۹- یهودیان بنی عوف (بنی عوف تیره ای از انصارند) با مسلمانان متحد، و در حکم یک ملتند و مسلمانان و یهودیان در آیین و دین خود آزادند و بندگان آنها نیز از این بند مستثنی نیستند. یعنی آنها هم در آیین خود آزادند، مگر گناهکاران و بیدادگران که آنها فقط خود و اهل بیت خود را هلاک می کنند. (زیرا معمولًا اهل بیت ظالم از خود او پیروی می کنند) در ضمن منظور از استثنا این است که روابط و اتحاد میان آن دسته از یهود و مسلمان برقرار می شود که ظالم و بیدادگر نباشند.

۱۰- کسانی که با یهودیان هم سرّ و هم رازند، حکم خود آنها را دارند.

۱۱- هیچ کس حق ندارد بدون اجازه محمد صلی الله علیه و آله از این اتحادیه خارج شود.

۱۲- هیچ کس نباید در حق هم پیمان خود ستم کند، در چنین صورتی باید ستمدیده را یاری کرد.

۱۳- داخل یثرب برای امضا کنندگان این پیمان، منطقه حرام اعلام می شود.

۱۴- جان همسایگان کسانی که پناه دار شده اند بسان جان ماست و نباید به آنان آسیب برسانند.

۱۵- مرجع اختلافات برای امضاکنندگان این پیمان اعم از مومن و غیر مومن، محمد صلی الله علیه و آله است و خداوند با کسانی است که این پیمان را بیشتر محترم می شمارند.

۱۶- این قرارداد از ظالم و مجرم حمایت نمی کند

۱۷- پیمان با این جمله ختم می شود: و انّ اللَّهَ جارُ لِمَنْ بَرَّ واتّقی وَ مُحُمِّدٌ رَسوْلَ اللَّه، به درستی که خداوند پناه دهنده نیکوکاران و پرهیزکاران است و محمد پیامبر خداست (۱).

این قرارداد سیاسی و قانون آن روز اسلام است که قسمتهایی از آن مورد ترجمه قرار گرفت که بیانگر روح آزادی عقیده و رفاه تأمین اجتماعی و لزوم همکاری در اسلام است و مهمتر از همه اینکه حدود اختیارات رهبر و تمامی امضا کنندگان را آشکار می کند که با ایده جامعه مدنی قابل جمع نیست. (۱) بحارالانوار ج ۱۹ ۱۱۰ ۱۱۱ سیره ابن هشام ج ۱ ص ۵۰۴ ۴ ۵۰۵ ۵۰۵ الاموال ص ۲۲۵ نبردهای محمد بختور تاش ص ۶۷ ۶۲ الوثائق السیاسیه از پرفوسور محمد حمیدالله وی مواد پیمان را بیش ازپنجاه ماده میداند

بررسی و نقد معیارهای لیبرالیسم

اشاره

بررسی و نقد معیارهای لیبرالیسم قبل از انقلاب عده ای راه نجات از ظلم و استبداد را دوری از اسلام و توسل به ایسم های مختلف از جمله مارکسیسم، ناسیونالیسم، پان عربیسم، پان ترکیسم، فروید یسیم و ...

می دانستند که خاستگاه این مکاتب فکری بجز مارکسیسم، غرب بوده است.

لیبرالیسم از دوره مشروطه، توسط میرزا ملکم خان، محمد علی فروغی، تقی زاده، پیرنیا و ... به ایران وارد شد که محمد مصدق یکی از مبلّغین لیبرالیسم در ایران بود.

عناصر و معیارهای مکتب لیبرالیسم در ایران (۱) عبارتند از:

۱- آزادی و فرویدیسیم

۲- پلورالیسم (تکثر گرایی و قرائت های جدید از مفاهیم دینی)

۳- دمکراسی (مردم سالاری)

۴- سکولاریسم (جدایی دین از سیاست)

۵- جامعه مدنی (جامعه مدنی محصول لیبرالیسم است)

هرچند درجامعه ما، عناصر فوق به تنهایی و به ظاهر بی ارتباط با لیبرالیسم مطرح گردید، اما نهایت اهداف عناصر مذکور در روش و بینش به نفی دین و دین سالاری برمی گردد. البته این مفاهیم درغرب نیز بی ارتباط با هم نبوده است.

ازآن رو که این معیارها درمطبوعات و کتب درمدت زمان خاصی (۷۸- ۷۶) ازسوی قائلین به آنها به صورت یک سویه به افکارعمومی ارائه شد و تبیین صحیح و میزان سازگاری آنها ی.

۱- . محمدی، منوچهر. تحلیل ریشه های انقلاب اسلامی.

بادین اسلام ازسوی مراکز علمی خیلی اندک بوده است، لذا جهت روشن شدن علل ظهور و منشاء و پیدایش افکار وارداتی برآن شدیم، تا مفاهیم پلورالیسم ودمکراسی و سکولارسیم و دمکراسی را بطور عمقی مورد بررسی قراردهیم، تا مبانی نظری پایه های اصلی مکتب لیبرالیسم وهمچنین مبنای نظرایده جامعه مدنی معلوم گردد. هرچند منشاء لیبرالیستی ازبیانات وفعالیتهای قائلین به جامعه مدنی پیداست اما با تأملی می توان در تعاریف و شاخص های ارائه شده آن را یافت.

منشأ ظهور نظریه پلورالیسم

جان هیک فیلسوف ودین شناس معاصر انگلیسی (۱۹۹۲– ۱۹۵۹)، عضو کلیسای متحد مشایخی (۱) (دارای منصب کشیش) برونزویک (۲) انگلستان درباره خلقت جهان در شش روز، تقدیر ازلی بسیاری از مردم به ورود به آتش جهنم، جنبه وحیانی کتاب مقدس و تولد عیسی مسیح علیه السلام از مادر باکره بحث هایی در کلیسا کرده بود که نکته آخر، اقلیت نیرومند بنیادگرا را واداشت تا بر ضد رأی کلیسای مشایخی (۳) در آوریل ۱۹۶۱ در مورد پذیرش عضویت وی طغیان نموده بعد از شکایت رسمی هجده نفر ازصاحبان منصب، کشیش و شیوخ کلیسای مزبور، حق منصب استاد فلسفه مسیحی در دانشکده الهیات که متعلق به کلیسا بود از او سلب شده و تقاضای عضویت دراین کلیسا رد شود. جان هیک بعد ازاعلام نظرشورای کلیسای نیوجرسی بیانیه زیررا صادر نمود که حاوی عقاید مورد مناقشه وی می باشد:

(سؤال کلامی مورد مناقشه این است که آیا هر مقام روحانی کلیسای مشایخی باید در رابطه با تولد حضرت مسیح علیه السلام یک معجزه بیولوژیک زیست شناسی را مورد تأئید قراردهد، و یا اینکه این یک مطلب ثانوی است که راجع به آن بعضی از ما حق دارد از موضعی نامطمئن برخوردار با شد. من بین این اعتقاد محوری مسیحی درمورد تجسّد الوهیت در عیسی مسیح علیه السلام (۴) و داستان از لحاظ الهی تولد وی از مادر باکره تمایز قائل می شوم، و به پیروی از ..

۱- . ۱..

۲- . ۲..

۳- . ۳..

۴- . ۴..

کسانی چون پولس مقدس، یوحنّای مقدس، مرقس مقدس واکثر نویسندگان دیگر عهد جدید، اعتقاد خویش به حلول و تجسّد الهی عیسی مسیح علیه السلام را بر پایه روایت دینی تولد از مادر باکره قرار نمی دهم. بنابراین، من کسانی را که معتقدند انجیل مسیحی ممکن است در یک موضوع غیر اساسی (نظیر این مطلب) در معرض صحت و یا خطا قرارداشته باشد از منصب روحانی کلیسای مشایخی مستثنا نمی دانم و پیش بینی می کنم که وقتی بالاخره این مطلب مورد تصمیم گیری نهایی مجمع عمومی کلیسا قرار گیرد، دیدگاه گسترده تر، حاکم خواهد گردید.

در دادخواهی که جان هیک از مجمع عمومی کلیسا برضد تعلیم شورای محلی صورت داد که با امضای بن اندرسون (۱) شیخ و رهبر روحانی کلیسای خود مادر ویتراسپون (۲) پرنیستون. که جماعتی از مسیحیان بودند که ۹۵٪ آنها را سیاه پوستان تشکیل می دادند، همراه بود که اینان در اصل متشکل از بردگانی بودند که صاحبان آنها، در فاصله ای نه چندان دور، در (اولین کلیسای مشایخی) ایالت به نیایش می پرداختند و در این اجتماع سه یا چهار خانواده سفید پوست وجود داشت که جان هیک یکی از آنها بود، در نتیجه رأی بر ابقاء وی در کلیسای مزبور صادر شد. کل ماجرا بیش از یکسال طول کشید و از جمله نتایج حاصله از این جریان، یکی قبول اصل تسامح وبردباری در موضوعات کلامی ثانویه از جانب کلیسای مشایخی (پرسبیتری) بود، و این که از آن پس، اعمال فشارهای محافظه کارانه بر محصلین لیبرال تر مدارس دینی سخت تر شد و بالاخره این که تصویر مدرسه دینی پرینستون از دید بخشهای لیبرال تر کلیسای مزبور، تا حدودی بهتر شد.

در سال ۱۹۶۷ کرسی تدریس ه. گ. وود (۳)، در دانشگاه بیرمنگام را اشغال کرد. بیرمنگام از نظر جان هیک به لحاظ اینکه از نظر نژادی، فرهنگی و مذهبی شهری کاملًا پلورالیستی بود جای بسیار جالب و هیجان انگیزی بود. حدود یک دهم از یک میلیون نفر ساکنین آن سیاه بودند که شامل پوست قهوه ای ها هم می شد. در خلال دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تعداد قابل توجهی ..

۱- . ۱..

۲- . ۲..

۳- . ۳....

از مردم از سـرزمین هندوسـتان و جزایر هنـد غربی بـه کشـور انگلسـتان مهـاجرت کردنـد و در نـتیجه جمـع کـثیری از اهـالی کشورهـای مشترک المنافع در زمره جمعیت این کشور در آمدنـد که وجودشان به ویژه جهت انجام پاره ای از مشاغل سـخت تر، در یک اقتصاد رو به توسـعه، بسـیار ضـروری بوده و بیرمنگام یکی از مراکز اصـلی این مردم مهاجر پوست سیاه و قهوه ای بـود. این تنـوع و گـونه گـونی جدیـد دارای جنبه هـای دینی و سیاسـی بـود که هنـوز هم هست. از نظر دینی، این مهـاجران را مسـلمانان پاکسـتان و بعدها بنگلادش، سیکهای ایالت پنجاب هند، هندوهای گجرات و سایر نقاط هندوسـتان و مسـیحیان دو آتشه معتقـد به عید پنجاهه (۱) از جامائیکا، ترینیـداد، و سایر جزایر دریای کارائیب تشـکیل می دادنـد. موضوعات سیاسـی از اختلاـط نژادی و فرهنگی و در تعامل انفجار آمیز این گروهها با نژاد پرستی غالبی که در اثر قرنها قلـدری و جهانگشایی عمیقاً در ذهن انگلیسی ها ریشه دوانیده بود سرچشمه می گرفت.

تنها حدود ۷۰ سـال پیش از آن و یا در همین حـدودها بود که بریتانیای کبیر، در دوران سـلطنت ملکه ویکتوریا در مرکز یک امپراتوری بزرگ قرار داشت که تقریباً یک چهارم کره زمین و یک چهارم جمعیت آن را زیر سـلطه خویش گرفته بود. پسران جوان خانواده های بالا و حتی متوسط انگلیسـی برای نسل های متمادی به سـرزمین های ماورای بحار رفته بودند. تا هر یک بر میلیون ها نفر از افراد مسـتعمره خویش که تقریباً همگی سـیاه پوست و یا قهوه ای بودند، حکومت کنند. به عنوان یک سیاست کلی، افراد مسـتعمرات مزبور برای ایفـای مشاغـل پست تر تعلیم می دیدنـد، و تـا زمانیکه حرکتهای اسـتقلال طلبانه کشورهای مسـتعمراتی از توان مردمی کـافی جهت تحقق اهـداف خویش برخوردار شـد، آنهـا در شـرایطی قرار داده شـده بودنـد که این وضعیت را به صورت شأن و منزلت طبیعی خود ببینند.

این تاریخ طولانی اسـتعمار بر روی لندن و بیرمنگام و سایر شـهرهای انگلیس که در آنها مهاجرین جدید سـکنا کرده بودند به صورت تبعیض بر ضد رنگین پوسـتان افتاده بود. علیرغم سیاست رسمی همه دولت های بعد از جنگ در انگلیس مبنی بر عدم تبعیض، وضعیت حقیقی حاکم بر جامعه از نوع تبعیض گسترده بر مبنای رنگ پوست بود. (۱). ۱..

در واکنش نسبت به این وضع بود که تعدادی سازمانها و تشکیلات رسمی و داوطلبانه پیدا شدند که در آنها افراد آزاد اندیش (لیبرال) و رادیکال سفید و سیاه پوست در صدد برآمدند تا با این گونه تبعیضات مقابله و به برقراری جامعه ای عادلانه تر و مبتنی بر تساوی بیشتر کمک کنند. در بیرمنگام جان هیک عضو و یکی از بنیانگذاران و اولین رئیس تشکیلات گروه داوطلبانه ای بود که به نام (تمام ادیان نژاد واحد) و یا به طور ملخّص (افور (۱)) خوانده می شد.

کمیته مدیریت آن از مسیحیان، مسلمانان، یهودیان، هندو، سیکها و حتی افراد دیگری که باورهای اومانیستی (انسان مداری) و مارکسیستی داشتند، تشکیل می شد که از بنیادهای مختلف کمکهای مالی دریافت می کردند و به اموری از قبیل کمک به اقلیت های نژادی در خدمات درمانی، کمک به مسلمانان در کسب مجوز، تبدیل منازل مسکونی به مسجد، کارهای آموزشی در مدارس و دانشکده ها با کسب وقت از رادیوهای محلی برای اقلیت های دینی، کوشش در جهت تأثیر گذاری بر کلیساها در جهت مشارکت بیشتر در تلاش به منظور ایجاد یک بریتانیای چند فرهنگی و چند دینی موفق و ... می پرداختند. از نظر جان هیک سالهای اخر دهه ۱۹۷۰ در بسیج افکار مسیحیان انگلستان بر ضد نژاد پرستی سازمان یافته نقطه عطفی به حساب می آمد و شاهد تعهد روز افزونی به ایجاد جامعه پلورالیستی عادلانه ای بود. این وجدان و آگاهی جدید در میان مسیحیان انگلستان همواره رو به رشد بوده است، هر چند امروزه نیز در بین کلیساها تنها بر اقلیتی از افراد تأثیر گذاشته است. به همراه این تحول، گشاده رویی جدیدی نسبت به پیروان باورهای دینی دیگر و علاقه و توجه جدیدی نسبت به اسلام، یهودیگری، سیکیسم، هندولیسم و بودیسم به وجود آمده است. این شیوه برخورد ونگرش جدید متضمن انواع و اقسام تبعات عملی بوده که تحولات در امر آموزش و پرورش یکی از آنهاست. جان هیک همزمان با ریاست تشکیلات افور ریاست تشکیلات دولتی هیأت مذهبی و فرهنگی کمیته روابط جامعه بیرمنگام را نیز به عهده داشت. هیأت مزبور بازنویسی مطالب درسی آموزشی در زمینه مذهب را به جان هیک پیشنهاد می کند. از آنجا که کلاسهای متعددی در مدارس درون شهری وجود داشت که اکثریت بچه ها راعلاوه بر مسیحیان، ۱.

۱- . ۱.

پیروان ادیـان دیگر را نیز تشـکیل می داد. وجـود یـک برنـامه درسـی مبتنی بر ادیـان مختلـف به شـدت مورد نیـاز بود. در بین نماینـدگان کلیساهای غیر انگلیکن، نماینـده ای هم از مسیحیان کاتولیک رومی، یک نفر یهودی، یک مسلمان، یک هندو و یک فرد سیک اضافه شد و ریاست کمیته هماهنگ کننده سازماندهی و نظارت بر کار کمیته بر عهده جان هیک قرار گرفت.

در نتیجه طبق یـک برنـامه تـدریس هر بچه در مورد بیش از یک مـذهب مطلب فرا می گرفت در حالی که قادر می شـد تا در دین خاص خود نیز اطلاع کافی پیـدا کنـد. به نظر جان هیک حصول اجرای طرح همکاری وهماهنگی بین نماینـدگان چندین علاقه و منـافع گونـاگون نشانه ای از تغییر در شـیوه نگرش کشور میزبان نسبت به پیروان سایر ادیان بود و در عمل این مطلب پذیرفته شد که سایر جریانهای عظیم حیات و تفکر دینی نیز هر یک مستقلًا زمینه های معتبر و با ارزشـی از وحی و رسـتگاری الهی را به دست می دهند، و لذا این سیاست قدیمی که مسیحیان بدنبال تغییر مذهب همه انسانهای غیر مسیحی باشند باید به کلی کنار گذاشته شود.

اما اکثر مسیحیان به همان حکمت الهی قـدیمی معتقدنـد که در آن تنها یک راه نجات و رسـتگاری وجود دارد و لازمه چنین اعتقادی نیز احساس تکلیف آنان در زمینه تلاش به منظور هدایت همه انسانها به راه واحد نجات و رستگاری است. جان هیک بـا این پنـدار که خیلی از مسیحیان خود را در موقعیتی می یابنـد که رفتارشـان به گونه ای است و تفکر الهی شأن به گونه ای دیگر است، به عنوان عالم دینی خود را موظف می داند تا در زمینه حکمت الهی جدیدی کار کند که در بردارنده رفتار دینی پلورالیستی باشد.

جان هیک می گوید: به نظر من میل به مقصود مستلزم تصدیق صـریح و صادقانه این امر است که در مقوله پیامهای وحیانی و متـون مبتنی بر نجـات و رسـتگاری انسـانی بایـد به تفکر تکـثر گرایـانه پلورالیسـتی روی آوریم. تحت تـأثیر و تحریـک مسأله پلورالیسم دینی در ملاحظه خصـلت منطقی زبـان مبتنی بر اعتقاد به تجسـد و حلول، من به این نتیجه رسـیده بودم که اعتقاد به حلول و یا تجسد لاهوت در ناسوت خداوند در عیسی مسیح را باید به عنوان مطلبی نمادین، مجازی و یا اساطیری پذیرفت و نه اینکه قضیه صورت یک حقیقت موضوعی صرف را داشته باشد.

دیگران نیز در عالم حکمت الهی انگلستان با مطالعه عهد جدید و مطالب نوشته شده

توسط اولیاء و قدسیان مسیحی به موضع اساساً مشابهی رسیده بودند. جان هیک اضافه می کند که هفت نفر اساتید برجسته در دانشگاه بیرمنگام و آکسفورد و کمبیریج در خلال مطالعات تاریخی خود به این نتیجه دست یافتند که این فکر که عیسی مسیح علیه السلام تجسد و تجسم خداوند، و یا اولین شخص از یک تثلیث الهی است که به زندگی انسانی روی کرده است، از ساخته های کلیسا است که از مضامین و دست مایه های سنتهای دینی یهودی و یونانی الهام گرفته است که مشابه آنها را در سایر تعابیر تفکر دینی در مدیترانه عهد باستان نیز می بینیم. این هفت نفر در سال ۱۹۷۷ میلادی کتابی تحت عنوان (ارسطو حلول خداوند) به چاپ رساندند.

هدف این کتاب این بود که بدنه اصلی افرادی را که به کلیسا می رفتند و نیز عموم مردم را از مباحث و موضوعات تاریخی و کلامی مورد نظر آگاه سازد و با استقبالی که روبرو شد به این اهداف دست یافتند و پس از آن جلد دوم آن تحت عنوان (حلول خداوند و اسطوره) به چاپ رسید و این گونه نگاه نقادانه تاریخی به مسأله تجسد و حلول، باعث شد دیگر نویسندگان علم کلام و یا خطبای کلیسای انگلیسی نتوانند تعابیر سنتی (پسر خداوند) و یا (خدای مجسم) را به سهولت پیش از آن، فارغ از ابهام و مسأله بکار برند (۱).

پلورالیسم از منظر برون دینی

در بررسی مسیر شکل گیری نظریه پلورالیسم توسط جان هیک نکاتی قابل تأمل است و آن اینکه جان هیک به عنوان فیلسوف و عالم دینی در جامعه خود نسبت به دین رایج در کشورش حساسیت های لازم را نشان داده و رسالت خود را مبنی بر زدودن پیرایه ها و خرافات و تحریف از چهره دین به خوبی ایفا نموده است و مسئولیت روشنگری و آگاهی رساندن به مردم از مبانی تحریف نشده دین عیسی علیه السلام را نیز به انجام رسانده است.

او همچون عالمی توانا بر فراز عقاید و باورها نشسته و خود به دور از تعصبات مذهبی موجود با توجه بر عقلانیت و وجدان و آگاهی خویش آنها را غربال نموده و آنچه را که با توحید و وحدانیت مغایر می نمود به دور ریخته و به فراست تحریفات و ریشه آنها را پیدا ۶.

۱- . هیک، جان، مباحث پلورالیسم دینی، (۱۹۹۲)، ترجمه عبدالکریم گواهی، ص ۱۸- ۲۴ و ۳۱- ۳۳ و ۳۶.

نموده است که نظریه عدم تجسّد الوهیت در عیسی مسیح با آیات قرآنی نیز مطابقت دارد.

(سوره مریم/ ۲۰)

نظریه پلورالیسم وی، در راستای همین عقلانیت و وجدان بر اساس دین مسیحیت که تعالیم جهان شمول و همگانی و همه جانبه اسلام را ندارد، به عنوان عالم دینی تلاشی در امکان زیستن صاحبان عقاید و ادیان مختلف در یک مکان بدون تزاحم بر یکدیگر کرده و نظریه پلورالیسم را ابداع نموده است که این ابداع در انگلستانی که استعمارگر آن زمان بوده است و تعالیم و تعیین خط مشی اندک دین مسحییت در زندگی انسان و جامعه بشریت تا حدودی منطقی به نظر می رسد، چرا که بدون وجود این نظریه نیز مسیحیت تضاد و تزاحمی با دیگر ادیان و دولتها و استعمارگرها و ... نداشته است و همواره به عنوان عنصر منفعل و خنثی و در بیشتر موارد کمک و دستیار استعمارگران به شمار رفته و تسامح و تساهل بویژه با وجود تحریفات عدیده در کتاب آسمانی دین مسیح، مشکل خاصی برای دینداری متدینین به دین مسیحیت، ایجاد نمی کند.

بنابراین به خاطر ابداع این نظریه نمی توان وی را خائن به دین خود نامید که وی با بررسی خود در دین و کشورش به این نتیجه رسیده است. اما طرح این نظریه در کشور ایران با نظامی مبتنی بر قوانین متعالی اسلام در قالب نظام ولایی و قانون اساسی و در بستر فرهنگی شیعی بر اساس سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیه السلام که مردم از اعتقادات و باورهای عمیق مذهبی برخوردار بوده و خط مشی امور مردم را دستورات اسلام تشکیل می دهد، در قالب ایده جامعه مدنی خالی از اشکال نبوده و تضعیف ارزشهای دینی را به همراه دارد. از اینرو از منظر یک مسلمان ضمن بیان این نظریه تعارض آن با آیات و احادیث بررسی شده و نتایج تکثر گرایی در ایران تبیین خواهد شد.

(جان هیک در بیان فلسفه پلورالیسم دینی می گوید: (اگر بپذیریم که نجات و آزادی انسانی در درون همه سنّتهای دینی بزرگ عالم صورت می گیرد، پس چرا صادقانه نپذیریم که در بازتابهای نجات بخش انسانی در مقابل حقیقت الهی غایی، گونه ای پلورالیسم وجود دارد، در این صورت، پلورالیسم عبارت است از: قبول و پذیرش این دیدگاه که تحویل و تبدیل وجود انسانی از حالت خود محوری به خدا (حقیقت) محوری به طرق گوناگون در

درون همه سنتهای دینی بزرگ عالم صورت می گیرد. به عبارت دیگر، تنها یک راه و شیوه نجات و رستگاری وجود ندارد، بلکه راههای متعدد و متکثّری در این زمینه وجود دارند (۱).)

دینی که با اندیشه های متغیر انسانها همواره در حال دگرگونی باشد دین ساخت بشر است و نمی تواند مورد مناقشه قرار گیرد زیرا هرگروه یا فردی متناسب با شرایط جامعه خود می تواند باورهایی برای خود داشته باشد اما بحث در اینجا ادیان آسمانی است که قابل تغییر نیستند. در صورتی که راه رستگاری متعدد و متکثّر باشد و همه ادیان جزیی از صراطهای مستقیم تلقی شوند، همه رهروان ادیان ره یافته خواهند بود، لذا مجازات اخروی بی معنا خواهد بود، زیرا اکثر مردم پیرو یکی از ادیان ها هستند، بنابراین وجود قطعی معاد، وجود یک دین حق و یک راه رستگاری با قوانین و مقررات ثابت و متغیر برای بشریت را الزامی می نماید، تا بر اساس آن پاداش و کیفر مردم تعیین گردد و همه مردم نیز به آن معیار دسترسی داشته و آگاهی کافی از آن ملاکها داشته باشند.

جان هیک می گوید:

(این بر عهده پیروان هر یک از سنّتهای دینی بزرگ عالم است که بگونه ای نقادانه اصول جزمی باورهای دینی خویش را، در پرتو تجربه جدید خود در جهانی که از نظر دینی پلورالیستی (تکثر گرایانه) می اندیشد، مورد تجدید قرار دهند. (۲))

جان هیک برای حل دشواری اثبات برتری یک دین خاص از ادیان دیگر پلورالیسم را پیشنهاد کرده و آنرا به زبان فلسفی این چنین بیان می نماید:

(ایمانهای دینی بزرگ عالم، از درون انواع عمده شیوه های فرهنگی انسان بودن، حاوی ادراکات و پندارها یا تصوراتی گوناگون، و متناظر با آن نیز دارای عکس العمل هایی متفاوت، نسبت به حقیقت مطلق با وجود غایی می باشند، و نیز این که در داخل هریک از این سنتهای دینی، تبدیل و تحویل وجود انسانها از حالت خود محوری به حقیقت محوری به طور آشکار صورت می گیرد و این صورت گرفتن، تا جایی که مشاهده بشری می تواند بیان کند تا حدود ۵.

۱- . هیک، جان، مباحث پلورالیسم دینی، ترجمه عبدالکریم گواهی، ص ۶۹.

۲- . همان مأخذ ص ۹۵.

زیادی مشابه می باشند. بدین ترتیب سنتهای دینی بزرگ را می توان به عنوان یک عده (فضاهای) جایگزین همدیگر دانست که در درون آن فضاها راههایی وجود دارد که از طریق آنها، مردان و زنان عالم می توانند به نجات و رستگاری، آزادی روحی، تنویر، و با تکامل معنوی دست یابند).

جان هیک در توضیح این مسئله اساسی و محوری که در فلسفه پلورالیسم دینی مورد توجه قرار می گیرد که حقیقت (واقعیت) از ناحیه انواع گوناگون ذهنیات بشری، به صور مختلفی مورد درک و تجزیه واقع می شود می گوید: (نظریه ای که بطور طبیعی مطرح می شود وجود واقعیتی الهی را مسلّم می گیرد که مخالف نامحدود می باشد و از حیطه تصور و زبان بشری فراتر می رود، اما به شیوه های گوناگون محدود ومشروطی، موضوع تفکر وتجربه انسانی قرار می گیرد. این حقیقت (واقعیت) الهی هم تحت عنوان مفهوم عام خداوند یا حق، به صورت وجودی شخصی، که از نظر تاریخی در درون جریانهای گوناگون تجربه دینی به عنوان یهوه، وشنو، الله، پدر آسمانی و غیره عینیت پیدا می کند، مورد تفکر و تجربه واقع می شود و هم تحت مفهوم عام مطلق و یا حق در وجه غیر شخصی آن، که تمثّل و تجسم آن را در برهمن، دهارمه، تائو، دهارمه کاریا، نیروانا، شونیاتا و از این قبیل می بینیم.

پیرامون این راههای مختلف پنداشت، تجربه و پاسخ انسانی به امر حق، انواع و اقسام سنتهای دینی مختلف عالم رشد پیدا کرده اند که هر کدام اساطیر و نمادها، فلسفه ها و الهیات، ادعیه و مناجات و هنرها و بالاخره اخلاقیات و شیوه های زندگی خاص خود را دارند. درون همه آنها نیز فرآیند نجات بخش اساساً واحدی جریان دارد، یعنی تحول و دگرگونی وجود انسانی از خود محوری به حقیقت محوری. به دین ترتیب، هر یک از سنّتهای بزرگ دینی شامل بستر معتبری از نجات و آزادی است، اما هیچ کدام بستری منحصر به فرد نیست و هر کدام می تواند با توجه کردن به گزارشات و ادراکات بقیه، به فهم و ادراک گسترده تری از حق دست پیدا کند، وی اضافه می کند این اعتقاد که تجربه دینی تنها توسط عوامل انسانی ایجاد نمی شود، بلکه همچنین حاصل مواجه و تأثیر حقیقی متعالی بر روی ماست، به تئوری وجود یک حقیقت ذات الهی وغایی رهنمون می شود که از جهات بشری، به عنوان طیف گسترده ای

از پدیده های الهی شناخته می شود. (۱)

جان هیك بعد از تشریح مطلب فوق می افزاید: (فلسفه پلورالیسم دینی که من مطرح ساخته ام از مزایای متعدد نه چندان کم اهمیتی، اعم از مزایای آکادمیک و دینی برخوردار است. از لحاظ آکادمیک، تصدیق به وجود عنصر فرهنگی غیر قابل اجتناب در درون انواع صور و اشکال دین، ما را از مشاهده موارد اختلاف و تفاوت بین سنتهای دینی مختلف و جذب شدن به این اختلافات بر حذر می دارد، بدون اینکه هیچ فشاری در جهت یکدست کردن آنها یا توصیف موضوعات تجربه دینی سنتهای مختلف به عنوان حقایقی که از نظر پدیدار شناختی یکسان هستند به عمل آورد. از این قرار، در داخل این تئوری، مطالعه تاریخی و پدیدار شناسانه دین می تواند به آزادی شکوفا شود. همچنین ما توانسته ایم که به طور واقع بینانه عنصر فرافکنی انسانی در درون آگاهی دینی را مورد تصدیق قرار دهیم و به عنوان نتیجه منطقی آن نیز امکان وجود صور انحرافی تجربه و عمل دینی را در درون و بیرون سنتهای دینی بزرگ تصدیق کنیم، هیچ ضرورت ندارد که فرض کنیم دین همواره یا الزاما خوب و خیر است (۲)).

جان هیك و حامیان این نظریه این نکته را از نظر دور داشته اند که فلسفه ارسال از زمان پیدایش انسان تا ختم نبوت هدایت انسانها به سوی توحید و یگانگی خدا بوده است، اما چون قدرت فکری بشر و حفظ تعالیم آسمانی از تحریف در زمانهای مختلف ممکن نبوده و به مرور زمان و ارتقاء سطح فکری انسان و هدایت پیامبران اولوالعزم و غیر اولوالعزم توان حفظ و نگهداری آیین آسمانی را به صورت مکتوب پیدا کرده است، از این رو ادیان قبل از اسلام تعالیمی در حد زمان خود و فهم بشر داشته و ادیان در ادامه و طول یکدیگر قرار داشتند نه در عرض یکدیگر.

در صورتیکه ادیان را در عرض هم تصور کنیم ممکن است منشأیی برای اختلاف وجود ۶.

۱- . هیک، جان، مباحث پلورالیسم دینی، ترجمه گواهی، عبدالحسین ص ۱۸۱- ۱۸۲ و ۱۸۶.

۲- . هیک، جان، مباحث پلورالیسم دینی، ترجمه گواهی، عبدالحسین، ص ۱۸۲ و ۱۸۶.

داشته باشد. با بعثت پیامبر اسلام و توان حفظ و نگهداری قرآن از تحریفها و بدعتها و ...

توسط مسلمانان دین اسلام از طرف خداوند به عنوان آخرین و کاملترین دین جهانی برای بشریت اعلام شده و خداوند متعال خود حافظ این دین می باشد، (إِنّا لَهُ لَحافِظُونَ) (۱)

، بنابراین اسلام ضمن اینکه تعالیم ادیان دیگر را در خود دارد، متناسب با فطرت و عقل انسان نیز بوده و توحید و وحدانیّت را به کل جامعه بشری تعمیم داده است.

در صورتیکه جان هیک و دیگران از منظر دین اسلام به مسئله تکثرگرایی و پلورالیسم نگاه می کردند، یقیناً سؤالات بجای آنان که ناشی از نقص و ناتوانی کلیسا در پاسخگویی به آنان و تلقی کلیسا به عنوان واسطه بین مردم و خدا بود، پاسخ داده می شد. در تأییدیه شورای فلورانس در فاصله سالهای ۱۴۳۸ تا ۱۴۴۵ به شرح زیر عنوان گردید:

هر کس که از قلمرو کلیسای کاتولیک بیرون مانده باشد، نه فقط کفار و مشرکین، بلکه همچنین یهودیان یا رافضیها یا اختلاف کنندگان در کلیسا، نمی تواند در زمره مشارکت کنندگان در حیات جاودان باشد؛ بلکه همه آنها جه (آتش ابدی که برای شیطان و اعوان و انصارش فراهم شده است) خواهند رفت، مگر اینکه ایشان قبل از پایان حیات خویش، به کلیسا ملحق شده باشند. این نظریه را با فطرت خود و توحید و خدا محوری انسان در تضاد می دیدند. ادیان همگی مردم را به توحید و وحدانیت دعوت کرده اند، آنچه این مسیر را تغییر داده و حقیقتی ثابت و واحد را متکثر نموده است، دست تحریف و بدعت بوده است نه فهم متفاوت از یک حقیقت غایی.

اینان دینداران را ملاک قضاوت قرار داده اند نه خود ادیان را، که هیچکدام با یکدیگر تضادی نداشته و با بررسی دقیق می توان سیر تکاملی ادیان را در تعالیم و کتاب آسمانی تحریف نشده به وضوح دریافت و سؤالاتی که جان هیک سؤال بنیادین می نامد پاسخ داده و با غور و تأمل در آیات قرآن به حقیقت غایی واحدی پی برد. این گرایش و تمایل اساسی را فطرت انسان درخواهد یافت، که گرایش به خداجویی و کمال جویی از ویژگی و خصوصیات انسانی است که به دلیل بی جواب ماندن این سؤال از طرف کلیسا که خود را متولیان و واسطه های الهی می دانند، این چنین نمودی پیدا کرده است.

جان هیک می گوید: (اگر این سؤال خیلی بنیادین را مطرح سازیم که اصلًا چرا دید و منظری دینی از عالم باید برای انسانها موجه و مستحسن باشد، تنها می توانیم به این حقیقت ۹.

۱- . سوره حجر آیه ۹.

آشکار متوسل شویم که ما انسانها حیواناتی دینی هستیم و لذا از این گرایش و تمایل اساسی برخورداریم که می خواهیم در مورد جهان، بر حسب حقیقتی (واقعیتی) غایی تر از آگاهیهای معمولی روزمره خویش، بیندیشیم و تجربه کنیم).

آن حقیقت غایی که جان هیک و دیگران به دنبالش هستند، حقیقتی ثابت است که فطرت هر انسانی به این حقیقت ثابت گواهی می دهد و سوره توحید و آیات دیگر قرآن معِرّف همین حقیقت هستند. آنچه فهم این حقیقت را متغیر و متکثر نموده است، فهم های آلوده به تعصب و جهل و آلت دست بیگانگان و تبلیغات مسموم دشمنان خدا و ظالمان بوده است که هر ندای توحیدی همواره با هر گونه ظلم و ستم و شرکی در ستیز بوده است. از این رو اینگونه مشوش کردن اذهان در فهم حقیقت غایی واحد به نفع استعمارگران بوده است، چرا که سلطنت و حکومت آنان را حمایت کرده و راه را بر استیلای بیشتر هموار می نماید.

پیامبران و تعالیم ادیان بزرگ با یکدیگر هیچگونه تضاد و اختلافی نداشته که مکمل یکدیگر بوده اند. آنچه اختلاف و تضاد بین ادیان ایجاد کرده، در وهله اول عامل نبودن دینداران هر یک از ادیان به تعالیم دینی خود و اعمال تفسیر به رأی شخصی در فهم تعالیم آسمانی و در مورد ادیان قبل از اسلام تحریف در کتاب بوده است. ادیان آسمانی هرگز آمیخته به باطل نبوده اند که دینداران مجاز به تسامح و تساهل و تکثرگرایی در امر دین خود گردند.

پاپ ژان پل دوم رهبر کاتولیکهای جهان در کتاب جدید الانتشارش در باب روابط کلیسا و جهان اسلام به مشترکات دو دین الهی اشاره نموده و می نویسد:

(کلیسا برای مسلمانان که خدای واحدی را که حیّ، قیوم، رحمان، فعّال مایشاء و خالق آسمان و زمین است عبادت می کنند، احترام بسیاری قائل است. آنها به دلیل اعتقاد به وحدانیت خدا، به ما به ویژه نزدیکترند (۱)).

وقتی به دلایل فوق، تفرقه و اختلاف بین دینداران افتاد، این مسئله روبنایی به عنوان مسئله زیر بنایی و اساسی در ادیان جلوه کرد که برخی معتقد به حقایق متعدد و صراطهای متعدد شدند. در حالیکه با تأملی در فطرت انسان پی می بریم که هر گونه تضاد و اختلاف و ۰.

۱- Grossingthet hreschol dofhope به نقل از نظریه برخورد تمدن ها، هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه مجتبی امیری، ص ۴۰.

تفرقه با وجدان و عقل و فطرت انسان سازگار نبوده و بر عکس با وحدت و یگانگی و یگانه بودن راه هدایت سازگاری دارد.

فهم متفاوت انسان از یک پدیـده واحـد الزاماً دلیل بر تفاوت ماهوی و ذاتی آن پدیـده نمی باشـد. جان هیک در اثبات وجود اختلاف بین ادیان در کتاب مباحث پلورالیسم دینی ضـمن بر شـمردن اختلاف در اعتقاد تاریخی بین پیروان ادیان مختلف، در اختلاف شـیعه و سـنی می گوید: (در سنّت اسلامی نیز این مشاجره حل نشده باقی است که آیا حضرت محمد صلی الله علیه و آله، علی را به عنوان جانشـین خویش منصوب کرد یـا نه، اختلافی که اسـاس و پـایه تفاوت نظری دو مکتب تشیع و تسـنن را تشـکیل می دهد. اینگونه اختلاف نظرهای تاریخ، چه در این سنّتهای دینی باشد یا درون هر یک از آنها، تنها می تواند به نحو شایسـته و مناسبی از طریق شواهـد تاریخی فیصـله پیدا کند. اما از آنجایی که همگی آنها!! به حوادثی که پیش اتفاق افتاده اند اسـتناد می کننـد، حوادثی که دلایل و شواهـد موجود در مورد آنها نوعاً پراکنـده و غیر تعیین کننده است (۱). لذا معمولا این طور نیست که بشود آنها را صرفاً بر پایه داده های تاریخی حل و فصل کرد ... در این جا مایلم به اصرار از همه بخواهیم که ما باید خود را طوری تعلیم بدهیم که بتوانیم این قبیل عدم توافق ها را تحمل کرده و با آن زندگی کنیم (۲)).

آنچه جان هیک اختلاف اعتقاد تاریخی می نامد و جانشـینی پیامبر را صـرفاً یک امر غیر ضـروری و بی اهمیت تلقی می کند، جریـان حق و باطـل است. مسـئله اطـاعت امر خـدایی است که وی حقیقت غـایی می نامـد، اگر وجود خداونـد را پـذیرفتیم و پیـامبری را که فرسـتاده اوست به عنوان پیامبر خـدا پـذیرفتیم از چه رو اوامر خـدا و پیامبر را می توان نادیـده گرفت، جز هوای نفس و حکومت.

شواهد تاریخی تنها گوشه ای از دلایل اثبات جانشـینی حضرت علی هستند آیات فراوانی در قرآن و احادیث زیادی بر این امر اشاره دارنـد، مسـلمانانی که بی هیـچ تعصب و تحریفی در آیات قرآن و احادیث معتبری که شـیعه و سـنی نقل کرده انـد تدبر نموده اند، حق بر او آشکار خواهد شد. عامل نبودن مسلمانان بر آیات و احادیث دلیل بر تفاوت و اختلاف در ۷.

۱- . کلام و امر پیامبر بنابر دستور قرآن برجمیع مسلمین لازم الاتباع است.

۲- . هیک، جان، مباحث پلورالیسم دینی، ترجمه گواهی، عبدالرحیم، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۱۵۸- ۱۵۷.

ماهیت دین اسلام نیست.

فرقه سنّی از این رو به وجود آمد که جانشین پیامبر را با وجود آیات و روایات صریح و متعدد نادیده گرفته و غیر معصوم را منصوب نمودند. دلیل این امر هم فلسفه و کلام و اعتقاد و ... نبود، بلکه تنها حکومت بود و بس. دو فرقه شدن حاکی از این نیست که ذاتاً دو فرقه محق اند بلکه یکی از راه پیامبر خدا منحرف شده و جانشین معصوم وی را نپذیرفتند و برای حفظ مصالح شخصی پیروانشان فرقه ای دیگر تشکیل دادند. منتهی چون مسلمان بودن را پذیرفته اند، مسلمان ماندن را رها نموده اند، لذا دو فرقه در عرض هم، از دین اسلام جلوه کرده است. بنابراین انحراف از مسیر اصلی را نمی توان به عنوان اختلاف ماهوی مطرح نموده و مستمسکی برای قائل شدن به پلورالیسم قرار داد. از سویی جان هیک بر حقیقت غایی نامحدود تاکید نموده و آنرا اذعان دارد. سؤال این است که این حقیقت غایی هیچ دستور العملی بر بندگان خود ندارد؟ گویی تنها وظیفه انسانها اعتقاد قلبی و تجربه عملی این حقیقت غایی است بدون اینکه از طرف او برنامه و دستوری برای افراد بشر آمده باشد؟

اگر پیامبری حضرت عیسی علیه السلام و دیگر پیامبران ادیان بزرگ را می پذیرند چگونه تعالیم وی را تجربه های ذهنی افراد می نامند که بنا به ظرفیت ادراکی افراد متغیر و متکثر می باشد؟

آیا این حقیقت غایی هیچ مسئولیتی جز خلقت انسانها ندارد و مسئولیت هدایت و ارشاد با وجود عقول مختلف و هواهای نفسانی و فطریات متضاد (بعد روحی و جسمانی انسان) به چه وسیله صورت می گیرد؟ آیا این در حیطه قدرت خداوند با ارسال رسل به سوی بندگان خود نیست؟ جان هیک حقیقت غایی را یک امر ذهنی و اعتقادی نا محدود تصور کرده که تنها در ذهن افراد حضور داشته و در تعیین خط مشی زندگی افراد غایب است این تجربه ها و ادراک افراد است که روشها را تعیین می کند نه دستور خدا.

اگر وجود خدا و نبوت و پیامبران ثابت شده است چگونه می توان تعالیم و کتاب آسمانی آنان را که توسط وحی الهی بر آنها نازل شده است نادیده گرفت و ادیان را آمیخته به حق و باطل دانست و کتاب آسمانی آنان را زائیده ادراک بشر و ذهنیات مختلف تلقی نمود، لذا تساهل و تسامح پیش گرفت و وجدان یا عقل انسان می پذیرد پیامبری از طرف خدا بر مردم مبعوث شود و هیچ برنامه ای برای زندگی مردم نداشته و تنها اعتقادی قلبی و ذهنی را از آنان

خواستار شود؟ اگر توحید و یگانگی خدا حقیقت غایی است عقل اذعان می دارد که زندگی و برنامه انسانها نیز باید بر همین اساس پی ریزی شده و در تمام امور حضور و ظهور فعّال و تعیین کننده داشته و اهداف و مقاصدی را طی نماید.

نتیجه همین ادراکات ذهنی انسانها از تعالیم ادیان بزرگ براساس تجربیات روزمره و فهم انسان است که تعدادی از متکلمین به عنوان علمای الهی از دو سوی آتلانتیک به انکار معاد پرداخته اند، بطوریکه ولفهارت پاننبرگ (۱) از متکلمین اروپا می گوید: (مردم شناسی نوین اساس اندیشه جاودانگی روح را از میان می برد، و نیز اینکه امروزه مفهوم استمرار بدون مرگ روان آدمی، در حالی که بدن دستخوش زوال می شود، دیگر قابل حفظ و نگهداری نیست.) و گوردون کافمن (۲) می گوید: (مردم عصرها و فرهنگهای دیگر با تمسک به روان شناسیهای متفاوت، می توانستند به ایجاد نظریه های راجع به (خلود روح) دست بزنند که مطابق آن اصول و نظریات جوهر حقیقی انسان الهی بوده و پس از مرگ جسم وی باقی می ماند، اما از دید روان شناسی و طب جدید، انسان به صورت مجموعه واحدی از روان و تن مطرح شود که حیات روحی آن به گونه تفکیک ناپذیری با مبنای جسمانی پیوند دارد. بنابراین، پایان کار بدن به منزله پایان کار هر فرد است (۳)).

هر چند جان هیک وجود معاد را مسلّم انگاشته، می گوید (... نوع حیات پس از مرگی که ما مسلّم می گیریم، باید طوری باشد که در آن انتخابهای اخلاقی و روحی بیشتری ممکن باشد.

فکر می کنم که این به معنای وجود یک زندگی حقیقی و در جهانی حقیقی است که ویژگی و تاریخ ملموس خاص خود را داشته باشد، و نیز مقتضیات و بحرانها و ... دستاوردها و بدبختیها بتوانند درآن جهان واقع شوند همه اینها ما را به این فرضیه رهنمون می سازد که حیات بعدی فرد، مانند حیات فعلی او، دارای فضایی مقّید و محدود و شروع و پایان خاص خود خواهد بود، بنابر عقیده و پیشنهاد من، وجود فناپذیر دیگری خواهد بود. چرا که همین فناپذیری ماست که حیات فعلی ما را به شکل و معنای موجود آن در می آورد (۴)). ۰.

۱- . ۱.-، ۱۹۶۸- ۱۹۷۰.

۲- . ۲..

۳- . هیک، جان، مباحث پلورالیسم دینی، ص ۲۲۱.

۴- . مأخذ قبلی، ص ۲۳۹- ۲۴۰.

هیک در مسئله تجسد الوهیت در عیسی علیه السلام با استفاده از عقلانیت بخوبی توانسته است، حقیقت را از لابلای تحریفهای متعدد بیرون کشیده و با استدلال کافی و تلاشی قابل تحسین، تحریفی از دین مسیحیت را بزداید. اما در مسئله معاد که عقل انسان تنها در ضرورت وجود معاد می تواند جولان دهد و از درک ماوراء طبیعت عاجز است، و در چگونگی معاد باید به وحی آسمانی تمسک جوید، اینجا نیز راه عقلانیت پیش گرفته و بدون پشتوانه تعالیم دینی، فرضیاتی صرفاً ذهنی ناشی از تجربیات این جهانی ارائه نموده است، لذا پرسش هایی از قبیل پاداش و جزای انسانها و اعمال نیک و بد آنها و وضعیت انسان پس از مرگ و ... بی جواب مانده است. اگر جهان بعد از مرگ همانند این دنیاست، این سؤال باید پاسخ داده شود که چه نیازی به دو جهانی بودن جهان آفرینش است؟ و سؤال دیگر اینکه اگر تفاوتی بین وضعیت قبل از مرگ و بعد از مرگ انسانها وجود ندارد، چرا زندگی انسان به دو قسمت قبل از مرگ و بعد از مرگ تقسیم شده است؟ اینکه اگر بعد از مرگ نیز مقتضیات و بحرانها و مخاطرات خاص آن در تصمیمات و خطرکردنها، موفقیت ها و شکستها و دستاوردها و بدبختیها و فناپذیری وجود داشته باشد آیا پدیده مرگ بی فلسفه و غیر معقول نمی نماید؟

با این دیدگاه نسبت به مسئله معاد و انسان استنتاج پلورالیسم خیلی غیر معقول نمی نماید، چون پلورالیسم تنها در رابطه با این جهان بحث دارد و نسبت به مسائل ماوراء طبیعت سکوت کرده است، هر چند جان هیک که مبدع این نظریه است به این مسئله توجه دارد، اما از نظر وی نیز وحی لفظی و شریعت نازل اعتباری ندارد و همه چیز در تجلی واکنش های بشری در جوامع و شرایط مختلف فرهنگی و اقلیمی خلاصه می شود، ولی حامیان این نظریه آنچه را که در حیطه عقل است و قابلیت تجربه شخصی بیشتر مد نظر دارند.

پلورالیسم از منظر درون دینی

حضرت علی علیه السلام درباره معنی شبهه فرموده اند: (شبهه را از این رو شبهه نام نهاده اند که شباهت به حق دارد اما برای دوستان خدا نوری که آنان را در تاریکیهای شبهه راهنمایی کند یقین آنهاست و راهنمای آنها مسیر هدایت است ولی دشمنان خدا، گمراهیشان آنها را به

شبهات دعوت می کند و راهنمای آنها کوری باطن است ((۱)).

همچنین مولای متقیان در سرچشمه فتنه ها می فرماید: (همواره آغاز پیدایش فتنه ها پیروی از هوسهای آلوده و احکام و قوانین مجعول و اختراعی است، احکامی که با کتاب خدا مخالفت دارد و جمعی بر خلاف آیین حق به حمایت از آن برمی خیزند. اگر باطل از حق کاملا جدا می گردید بر آنان که پی جوی حقیقت اند پوشیده نمی ماند و چنانچه حق از باطل خالص می شد زبان معاندان از آن قطع می گردید، ولی قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می گیرند و به هم می آمیزند، اینجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می شود و تنها آنان که مورد رحمت خدا بوده اند نجات می یابند ((۲)).

در سه سال گذشته پلورالیسم دینی در داخل کشور حامیانی پیدا کرده و مباحثی در کتب و مطبوعات مطرح گردیده است، یکی از حامیان سرسخت این نظریه عبدالکریم سروش می باشد که خود را مبدع این نظریه و جان هیک را از حامیان پلورالیسم می نامد (۳). همچون حکیمی فرزانه صغری و کبرایی می چیند و از صغری و کبرایی بی پشتوانه علمی و دینی و غیر بدیهی، نتیجه ای قطعی و ضروری می گیرد. از جمله وی در مقاله صراطهای مستقیم می نویسد: (سخن در قبض و بسط این است که فهم ما از متون دینی بالضروره متنوع و متکثر است و این تنوع و تکثر قابل تحویل شدن به فهم واحد نیست و نه تنها متنوع و متکثر است، بلکه سیال است، دلیل اش هم این است که متن صامت است و ما همواره در فهم متون دینی و در تفسیر آنها خواه فقه باشد، خواه حدیث، خواه تفسیر قرآن، از انتظارات و پرسشها و پیش فرضهایی کمک می گیریم و چون هیچ تفسیری بدون تکیه بر انتظاری و پرسشی پیش فرض، ممکن نیست و این انتظارات و پرسشها از بیرون می آید و چون بیرون دین، متغیر و سیال است و علم و فلسفه و دستاوردهای آدمی مرتباً در حال تزاید و تراکم و تغییر تحول اند، ناچار ث.

۱- . نهج البلاغه، کلام ۳۸.

۲- . نهج البلاغه کلام ۵۰.

۳- . سروش، مقاله صراطهای مستقیم، مجله کیان ش ۳۶ و نیز نگاه کنید به سروش، عبدالکریم، صراطهای مستقیم، ص ۱۹، چاپ اول، اردیبهشت ۱۳۷۷ و نیز رجوع شود به منشأ ظهور پلورالیسم اول همین بحث.

تفسیرهایی که در پرتو آن پرسشها و انتظارها و پیش فرضها انجام می شوند، تنوع و تحول خواهند پذیرفت (۱)).

این که حکم فرموده اند فهم ما از متون دینی بالضروره متنوع و متکثر است، اگر منظور فهم خودشان است که صد البته سخنی بجا است، اما اگر منظور فهم مفسران متون دینی باشد این چنین نیست، زیرا تفسیر آیات روش و قواعد خاصی دارد که نحله های تفسیری را شامل می شود، که تفسیر قرآن به قرآن مثل تفسیر المیزان علامه طباطبایی رحمه الله، تفسیر قرآن به حدیث مثل تفسیر نور الثقلین و مقتنیات الدرر، تفسیر قرآن مبتنی بر صبغه کلامی و یا عرفانی از آن جمله می باشند که اختلاف در دستاورد تفسیری وجود دارد نه تناقض و تضاد در مفهوم آیات، اما این اختلاف سؤال برانگیز نبوده و تفسیر به رأی نامیده نمی شود زیرا این تفسیر روش مند و مضبوط است و از خود متون دینی مایه گرفته است نه فهم های مختلف و به دلخواه خواص و عوام.

قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۷ در این باره می فرماید: (هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ الکِتَابَ مِنْهُ آیَاتٌ مُحْکَمَاتٌ هُنَّ امُّ الکِتَابِ وَاخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الفِتْنَهِ وَابْتِغَاءَ تَأوِیلِهِ وَمَا یَعْلَمُ تَأوِیلَهُ إلَّااللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِی العِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا یَذَّکَّرُ إلَّااوْلُوا الألْبَابِ) اوست که قرآن را به تو فرو فرستاد که برخی از آن کتاب، آیات محکم هستند که آنها اصل و مرجع سایر آیات کتاب خواهد بود و برخی دیگر آیاتیست متشابه تا آنکه گروهی که در دل شان میل به باطل است از پی متشابه رفته تا با تأویل کردن آن در دین راه شبهه و فتنه گری پدید آرند. در صورتی که تأویل آن کسی جز خدا نداند و اهل علم گویند ما به همه آن کتاب ایمان آورده ایم که همه آن از طرف پروردگار ما آمده است).

سروش در این مورد به ذوبطون بودن قرآن استناد می کند. تصور می کنند ذوبطون بودن قرآن می تواند داعیه برای امثال ایشان باشد که قرائت های مختلف از قرآن را جایز دانسته و به تکثر گرایی روآورند. فهم هفتاد بطن که در حدیثی بدان اشاره شده است باید با ضابطه و قواعد خاص علم تفسیر صورت گیرد والّا تفسیر به رأی خواهد بود. ۵.

۱- . سروش عبدالکریم، قبض و بسط تئوریک شریعت، سال ۱۳۷۵.

سروش در جای دیگر می گوید: (اگر بتوانید به نحو مدلل نشان دهید که یک دین یا یک کتاب قطعا بر بقیه رجحان دارد، هیچ عاملی به سراغ مرجوح نمی رود و راجح را رها نمی کند.

لکن همه سخن در آن اگر است و آنچه در واقع رخ داد، نشان دهنده تحقق نیافتن آن اگر است و همه مدعی اند که دین شان راجح است و همین تعدد راجحها پلورالیسم را زاده است ... (۱))

مسلمانان به عنوان مسلمان به طور مدلل کتاب آسمانی اسلام و تاریخ و روش تربیتی آن را می بینند و به عنوان عاقل در مقایسه با ادیان دیگر برتری دین اسلام را در ایجاد تحول درونی در انسانها و جوامع می پذیرند اما عقلی که نتواند آیات واضح و روشن انسان ساز قرآن را ببیند و اثرات تقوای درونی را در ایجاد انقلاب و تحولات اجتماعی نادیده گیرد جزء عقلا محسوب نمی شود.

وی در توضیح پلورالیسم از نوع دیگری از کثرت سخن به میان می آورد. وی اضافه می کند: (... متن حقیقتاً و ذاتاً امر مبهمی است و چندین معنا برمی دارد. عالم معنا اصلًا و بالذات عالم پلورالی است. استثنائاً ممکن است معنای واحد پیدا شود. (معنای درست) وقتی حاصل می شود که شما شیوه های فهم متن را در وسع خودتان خوب تنقیح کرده باشید، نه اینکه به معنای واقعی متن برسید، چون (معنای واقعی) وجود ندارد و معناهای درست متعدد می توان داشت. در عالم متن (حق) به معنای انطباق با نیت مؤلف وجود ندارد، مؤلفی که زبان را برای افاده معنا انتخاب می کند، یکی از معناهایش را خودش فهمیده است و به آن دلیل آن را اختیار کرده است، والاـ معانی دیگری هم برای آن متن وجود دارد. متن فعلیت نیافته است و بالقوه است و این قوه، صورتهای معنایی بسیار می پذیرد (۲)).

اینکه گفته اند متن حقیقتا و ذاتاً امر مبهمی است و چندین معنا برمی دارد، خود این گفته مبهم و کلی است و هر گونه متنی را شامل می شود و صدور حکمی است بر امری کلی و مبهم، د؟

۱- . سروش، عبدالکریم، مقاله حقانیت، عقلانیت، هدایت، تازهای اندیشه، شماره ۴ ص ۹۲ منتشر شده در کیان ۴۰ با همین عنوان، بهمن و اسفند ۷۶ و نیز نگاه کنید به تازه های اندیشه شماره ۴، ص ۹۲، اسفند ۱۳۷۷.

۲- . مأخذ قبلی، ص ۹۲ سروش در نشریه کیان ش ۴۵ می گوید: (برای حذف خشونت در جامعه ما باید دین را از حضور در عرصه اجتماع منع کرد، زیرا متن دین خشونت است.) این حکم قاطعانه با ابهام ذاتی متن قابل جمع نیست. متنی که فعلیت نیافته چگونه می توان خشونت را به آن نسبت داد؟

در حالیکه متن واضح و روشن در خارج از ذهن وجود دارد. متن بدون ابهام جز یک معنا از آن فهمیده نمی شود، از اینروست که در قرآن از آیات محکم (امّ الکتاب (۱)) یاد شده است.

محکمات آیاتی هستند صریح و روشن که تعدد معنا برنمی دارند. از سویی مفهوم این جمله (معنای درست وقتی حاصل می شود که شما شیوه های فهم متن را در وسع خودتان خوب تنقیح کرده باشید (این است که ایشان شیوه های فهم متن را در وسع خودشان خوب تنقیح نکرده اند که در متنی واضح و روشن یک معنا را که همان معنای واقعی است نمی یابند. از کلمه (اطیعوالله) فقط یک معنا به ذهن متبادر می شود و آن جمله (خدا را اطاعت کنید) می باشد. در صورت نرسیدن به یک معنا باید دنبال علت عدم درک معنا بود نه اینکه وجود یک معنا را نفی نمود. اگر بنده روز را شب می بینم باید در وجود خودم موانع درک را ریشه یابی کنم نه اینکه وجود روز را انکار نمایم. علاوه بر این، بر اساس این سخن باید کتب لغت (۲) را هم کنار بگذاریم چون معنای واقعی وجود ندارد و در ادامه گفته اند در عالم متن (حق) به معنای انطباق با نیت مؤلف وجود ندارد ... بنابر این اصل، می توانیم بگوییم سخن ایشان نیز با نیت خودشان انطباق ندارد و خود یک معنا از این سخنان و دیگر گفته هایشان فهمیده اند و به همان دلیل اینگونه سخن گفتن را اختیار نموده اند والّا برای متن معانی دیگری وجود دارد از جمله اینکه بحث پلورالیسم جنگی است زرگری، برای ره گم کردن آن معنای به فعلیت رسیده در نّیت ایشان که همانا مشغول نمودن مردم با ایجاد شبهات دینی برای تضعیف ایمان مذهبی آنان و ارزشهای دینی در نظام جمهوری اسلامی است (۳)، این معنا به فعلیت رسیده است، البته معانی بالقوه دیگر نیز وجود دارد. اگر حکم ایشان در مورد متن قرآن و سایر متون دینی صادق است، چرا در مورد نوشته های خود ایشان صادق نباشد؟ چرا نتوانیم بگوییم آنچه ت.

۱- . سوره آل عمران، آیه ۷.

۲- . لغات با اینکه معنای وضعی و قرار دادی دارند با اینحال از ثبات مفهومی برخوردارند.

۳- . نوشته های عبدالکریم سروش مملو از تناقض و مغالطه گویی و مصّر به عدم رفع شبهه و فعّال در ایجاد شبهات مختلف است و بعد از اعلام دریافت پول از سازمان آمریکایی دیده بان حقوق بشر توسط وی و چند تن از نویسندگان ایرانی (کیهان ۲۶ و ۲۵/ ۴/ ۷۹) راز این اصرار بر پلورالیسم و سکولاریسم و مغالطه گویی ها برملا شد. این یکی از فواید تکنولوژی پست مدرنیسم است. این مسئله ما را از پاسخ گویی به مغالطه ها و تناقض های فراوان وی بی نیاز می نماید، چون دیگر بحث از علمی بودن خارج است، این مقدار جهت روشنگری اذهان جوانان کافی است.

ایشان می گویند معنای واقعی نیست چون معنای واقعی وجود ندارد؟

مولای متقیان علی علیه السلام چه زیبا فرموده اند: (عالم نمایان (خویش) را عالم خوانده، در صورتیکه عالم نیست. یک سلسله نادانیها را از جمعی نادان خوانده در صورتیکه عالم نیست، یک سلسله نادانیها را از جمعی نادان فراگرفته و مطالبی گمراه کننده از گمراهانی آموخته، دامهایی از طنابهای غرور و گفته های دروغین بر سر راه مردم افکنده، قرآن را بر امیال و خواسته های خود تطبیق می دهد و حق را به هوسها و خواهشهای دلش تفسیر می کند (۱)).

سروش در گفتگویی با محسن کدیور (۲) می گوید: (کسی که می گوید فقط ما حق ایم و بقیه به م.

۱- . نهج البلاغه.

۲- . وی نیز از جمله دریافت کنندگان پول از سازمان دیده بان حقوق بشر است که گفتگویی هماهنگ شده را بخاطرمواجبهای دریافتی مناظره نام نهاده اند. تا کنون معمول بر این بود که مخالفین اعتقادی با هم مناظره می کردند، در حالیکه مخالفتی ظاهری است که روزنامه سلام نیز در دوبار تجدید چاپ در عرض دو ماه مساعدت لازم را اعمال نموده است. تحصیلات محسن کدیور: رشته مهندسی برق از دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد فلسفه و کلام در دانشگاه قم، وی تحصیلات حوزوی خود را از سال ۱۳۵۸ شروع کرده و از سال ۶۰ به طور تمام وقت به تحصیل علوم دینی پرداخته و از ۲ تن از مراجع تقلید از جمله حسینعلی منتظری موفق به اخذ گواهی اجتهاد گردیده است. وی در نخستین سالهای تأسیس مرکز تحقیقات استراتژیک از سوی حجّه الاسلام خوینیی ها به سمت معاونت اندیشه اسلام منصوب شد. وی در ماههای میانی سال ۷۶ به جهت محدودیتها و فشارهای وارده از سوی برخی منابع ناگزیر به ترک قم و عزیمت به تهران شد. (ص ۹ و ۱۰ و ۱۱، مناظره درباره پلورالیسم دینی) این گفتگو با عنوان مناظره درباره پلورالیسم دینی سروش و کدیور در بهار ۱۳۷۸ چاپ اول با ۵۰۰۰ تیراژ و در بهار ۱۳۷۸ با همین تیراژ توسط روزنامه سلام بصورت کتاب منتشر شده است. در مقدمه چاپ اول این کتاب، این گفتگو مناظره علمی عنوان شده که بنا به نظر ناشر هیچ ترجیحی بین مطالب طرفین تأمل نشده است و حتی در ترتیب نامها در عنوان اصلی کتاب براساس حروف الفبا عمل کرده تا خواننده مشخصاً به ترجیح ادله طرفین مبادرت ورزد. سؤال اینجاست که چرا این گفتگو از سال ۱۱/ ۱۰/ ۷۶ تا اردیبهشت ۱۳۷۷ با عنوان گفتگو چاپ شده که گفتگو نیز هست اما یکدفعه همین گفتگو تغییر عنوان داده و در بهار سال ۱۳۷۸ تبدیل به مناظره علمی شده که سطور بالا تعمد در القاء مناظره به خوانندگان دارد؟ در این کتاب عنوان شده است که علت چاپ این کتاب قسمتی است که، چاپ نشده لذا بطور کامل و مستقل چاپ شده است. در بررسی از این کتاب معلوم گردید تمام مطالب در این کتاب تا ص ۷۹ و در صراطهای مستقیم عیناً چاپ شده است ولی در صفحه ۷۸ این کتاب کلمه خاتمه و جمع بندی از بحث در صفحه ۷۹، احتمالا به علت فراموشی ناشر و مناظره کنندگان! چاپ شده است، یعنی از این صفحه به بعد مطالب بعداً اضافه شده است چون این بحثها در ضمن بحثهای قبلی، کاملا منطقی و بجا بود. از جمله بحث عصمت (ص ۸۲) که بعداً اضافه شده است محل طرح آن در بحثهای صفحه ۵۴ بوده است و نیز بحث صفحه ۸۵ در مورد تکافوء ادله محل بحث ص ۳۱ بوده است و بحث صفحه ۵۰ در مورد شیعه و سنی و ... با بحث صفحه ۸۰ در همین مورد است، دلیلی ندارد بعد از گفتن در خاتمه و ... جمع بندی مطالب دوباره بحثهای قبلی

تکرار و در همان موضوعات بحث شود، آن هم به مقدار ۲۳ صفحه. بعد از جمع بندی و خاتمه نمی توان ۲۳ صفحه حرف زد مگر اینکه بعد اضافه شده باشد، زیرا برای انگیزه چاپ مجدد مصلحت بوده است! گفت و گویی درباره پلورالیسم دینی، محسن کدیور و عبدالکریم سروش منتشر شده در روزنامه سلام، گفتگو به همت این روزنامه انجام شده است، ۱۱/ ۱۰/ ۷۶، ۱۸/ ۱۰/ ۷۶، ۲/ ۱۱/ ۷۶، ۱۶/ ۱۱/ ۷۶ روزنامه سلام.

میزانی که به ما نزدیک انـد حق اند و به میزانی که از ما دورند باطل اند و در نهایت بیشترین سـهم حق از آن ماست و دیگران بر باطل انـد، او هم باید روشن کند که عقل مردم چگونه کار می کند که اکثریت مردم در این عالم به مطالب باطل پای بندند و به عقلشان نمی رسـد که این باطل است؟ و نیز بایـد روشن کنـد که آن باطل های پایـدار چگونه پیـدا شـده انـد و در عقول جاگرفته اند و بیرون نمی روند؟ (۱)

برای پاسخ به این سؤالات، عقـل حکم می کنـد چگونگی کـار عقل را از خالق عقلها سـراغ بگیریم چون سازنـده هر شـیئ و موجودی تنها کسـی است که اطلاعات کامل و صددرصـد صـحیح را در مورد آن شـیئ یا موجود دارد، لـذا چگونگی فطرت انسـان و موضع قرآن دربـاره عقـل انسان را از آیات قرآن بررسـی می کنیم تا علت پای بنـدی مردم به باطل روشن گردیـده و معلوم شود باطل های پایدار چگونه در عقول مردم جاگرفته اند و بیرون نمی روند. قبل از بیان آیات مذکور فرمایش حضـرت علی علیه السلام را که در هزار و چهارصد سال پیش در وصف حال اینگونه افراد ابراز نموده اند یادآور می شویم:

(نه هر کس مغز دارد اندیشمند است و نه هر صاحب گوشی شنواست و نه هر چشم داری بیناست، شگفتا چرا تعجب نکنم؟ از خطا و اشـتباه این گروههای پراکنـده با این دلایل مختلفی که بر مذهب خود دارند، نه گام به جای گام پیغمبری می نهند و نه از عمل وصـی پیغمبری پیروی می کنند، نه به غیب ایمان می آورند و نه خود را از عیب برکنار می دارند. به شـبهات عمل می کننـد و در گرداب شـهوات غوطه ورند، نیکی در نظرشان همان است که خود نیک می شـمارند و منکر و زشتی آن است که خود منکر بشمارند. در حل مشکلات به خود پناه ۴.

۱- . عبدالکریم سروش و محسن کدیور، مناظره درباره پلورالیسم دینی، ص ۳۴.

می برند و در مهمّات تنها به رأی خویش تکیه می نمایند. گویا هر کدام امام خویش اند که به دستگیره های مطمئن و اسباب محکمی که خود می اندیشند و خود ساخته اند چنگ زده اند (۱).

فطرت انسان از دیدگاه قرآن

به شهادت یک سلسله آیات قرآن، انسان دارای فطرت می باشد، از جمله آیات زیر است:

(زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالبَنِينَ وَالقَنَاطِيرِ المُقَنْطَرَهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ وَالخَيْلِ المُسَوَّمَهِ وَالأ نْعَامِ وَالحَرْثِ).

برای مردم علاقه به زنان و فرزندان و اموال فراوان از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت زینت داده شده است. (آل عمران ۱۴)

در این آیه لفظ (حبّ) که به معنای علاقه و گرایش است و همچنین لفظ زیّن به معنای زینت داده شده، نشانگر آن است که تمایلات مذکور در نهاد انسان قرار دارد و از جمله فطریات انسان به شمار می روند.

آیه دیگر در سوره رحمن آیه ۶۰ می باشد که می فرماید: (هَلْ جَزَاءُ الإحْسَانِ إلَّا الإحْسَانُ).

آیا جزای احسان چیزی جز احسان است؟ یعنی اگر انسان به فطرت خود رجوع کند، فطرت با زبان حال او، خواهد گفت که جزای احسان چیزی جز احسان نیست. این از فطریات اوست.

از دیدگاه قران، انسان موجودی است دوبعدی، هم دارای بعد مثبت و هم دارای بعد منفی.

انسان می تواند هم سیر صعودی پیدا کند (يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ المُطْمَئِنَّهُ* ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَهً مَرْضِيَّهً* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي* وَادْخُلِي جَنَّتِي). (فجر ۲۷- ۳۰)

(ای نفس ملکوتی به سوی پروردگارت باز گرد که هم تو از او خشنود باشی و هم او از تو، در زمره بندگان خاص من شو وارد بهشت من شو). و هم سیر نزولی (ثُمَّ رَدَدْ نَاهُ أسْفَلَ سَافِلِينَ* إلَّاالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ). سپس او را به پست ه.

۱- . نهج البلاغه.

ترین منازل بازگردانیـدیم، مگر آنان که ایمان آوردنـد و عمل صالـح انجام دادند سـپس بر ایشان مزدی بی منت است). (تین، ۶- ۷)

انسان در بعـد مثبت طبیعت خود گرایش به خـدا دارد (فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا) فطرت خـدایی که مردم را بر اساس آن آفرید. (روم، ۳۰) انسانهـا چه به این مسـئله اقرار بکننـد یا نخواهنـد، این نیاز در درون ذات آنها نهفته است. در آیاتی دیگر از حبّ خدا سخن به میان آمده است (وَالَّذِینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبّاً لِلَّهِ) (بقره ۱۶۶)

همچنین انسان از دیدگاه قرآن موجودی خودآگاه است (بَلِ الإنسَانُ عَلَی نَفْسِهِ بَصِیرَهٌ* وَلَوْ أ لْقَی مَعَاذِیرَهُ) بلکه انسان بر نفس خویش آگاه است، هر چند که عذر تراشی کند. (قیامت ۱۴- ۱۵)

انسـان خود بهتر از هر کس دیگر، از خود و بـاطن خویش آگـاه بوده و به اعمـال خود آشـناست. یکی دیگر از فطریات انسان ایـن است که انسـان می توانـد خـوب و بـد را تشـخیص دهـد و حسن و قبـح عقلی را درک نمایـد. انسـان از دیـدگاه فرهنگ اسلامی موجودی است ملهم از فجور و تقوی، (فَأ لْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا) (۱).

انسان از نظر آفرینش ترکیبی است از لجن و روح، مجموعه ای از حیوانیت و روحانیت، بالقوه توان صعود به مرحله (خَلِیفَةً فِی الأَرْضِ) و در مسیر نزولی امکان رسیدن به مرحله (بَلْ هُمْ أَضَلُّ) را داراست. از این رو انسان از نظر تعلیمات، آگاه بر فجور و تقوی است و قادر به تشخیص فجور، تمایلات بالفعل حیوانی و تقوی، روحانیت بالقوه می باشد، لذا برخی از مفسران گفته اند این آیه اشاره به حسن و قبح عقلی است که خداوند توانایی درک آنها را به انسان داده است. (تفسیر نمونه ج ۲۷، ص ۴۷)

جنبه حیوانیت نیـاز به آموزش نـدارد، چون بالفعل موجود است مثل توانایی خوردن و آشامیـدن و ... اما جنبه روحانیت نیاز به آموزش و تربیت دارد، چرا که موجودیتی بالقوه دارد، باید با تعلیم و تربیت به شکوفایی و منصه ظهور برسد.

(وَهَدَیْنَاهُ النَّجْدَیْنِ)، و دو راه (خیر و شر) را به او نشان دادیم) (بلد، ۱۰) ۸.

۱- . شمس، ۸.

از دیگر فطریـات انسان (وجـدان) یا (نفس لوّامه) است (لا ا قْسِمُ بِیَوْمِ القِیَامَهِ وَلا ا قْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَهِ) (قیامت ۱۲) قسم به روز قیامت و قسم به نفس ملامتگر. روان شـناسان نیروی ملامت کننـده درون انسان را وجـدان اخلاقی نامیـده اند و قرآن از آن به نفس لوامه تعبیر می کنـد، که بیـانگر این معنـاست که این نیرو از ابعاد نفس انسان به شـمار می رود و جزء ذات آدمی است و دارای نمودهای بی شـماری است، از جمله اینکه وجـدان قاضـی امین است، نظارت می کنـد و راهنمای امین و مطمئنی است، هم شـکنجه می دهد و هم شـکنجه می بیند، میزان سـنجش بسـیاری از امور است، حکم می کند و شـماتت می کند و آرامش می یابد و برخی بایدها و نبایدها را تفکیک می کند.

جنبه های منفی طبیعت انسان در قرآن:

همـانگونه که اشـاره شـده طبیعت انسـان دارای دو بعـد مثبت و منفی است، بعـد مثبت وی را بیـان نمودیم و حال به بعـد منفی انسان اشاره می کنیم. قرآن کریم یک بعـد نفس انسان را نفس امّاره می دانـد، که او را به سوی کارهای زشت و پست فرامی خوانـد. (إنَّ النَّفْسَ لأمَّارَهٌ بِالسُّوءِ إلَّا مَا رَحِمَ رَبِّی) همانا نفس به کارهای بـد امر می کنـد، مگر اینکه پروردگار به لطف خود رحم کند) (یوسف، ۵۳)

(وَلَقَدْ خَلَقْنَا الإنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ)، ما انسان را آفریـدیم و می دانیم آنچه را که نفس او به آن وسوسه می کنـد) (ق ۱۵- ۱۶)

نفس امّـاره به گـونه ای است که می توان تمـامی ابعـاد منفی طـبیعت انسـان را از شـئونات آن دانست. از نظر قرآن اگر انسـان احسـاس بی نیازی و توانگری کنـد به سرکشـی و طغیانگری خواهـد پرداخت. (کَلَّا إنَّ الإنسَانَ لَیَطْغَی* أنْ رَآ هُ اسْتَغْنَی) زنهار همینکه انسان خود را بی نیاز ببیند سرکشی می کند (علق، ۶۷)

یعنی اگر انسان به مقامی برسـد یا جاه و جلالی را بدست آورد یا به مال و ثروتی دست یابد، گمان می کند از خدا نیز بی نیاز است و از این رو به طغیانگری می پردازد.

از نظر قرآن انسـان ذاتـاً عجول است (کَانَ الإنسَانُ عَجُولًا) انسان موجودی شـتابگر است (اسـراء، ۱۱) انسـان موجودی حریص است، (إنَّ الإنسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً* إذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً

* وَإِذَا مَسَّهُ الخَيْرُ مَنُوعاً) همانا انسان سخت حریص آفریده شده است، چون شر و زیانی به او برسد سخت جزع می کند و چون خیری به او برسد منع احسان می کند. البته حرص شدید به خودی خود صفت نکوهیده ای نیست، چون وسیله ای است که اگر در جهت مثبت استفاده شود، انسان را به کمال وجودی می رساند و صفت پسندیده ای است و در صورتیکه در مورد هواهای نفسانی به کاربرده شود صفت نکوهیده ای است. انسان موجودی بخیل است (وَكَانَ الإنْسَانُ قَتُوراً)، انسان سخت بخیل است) (اسراء، ۱۰۰)

انسان موجودی کفران پیشه است. (وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الإنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الإنسَانَ كَفُورٌ)، هنگامی که ما رحمتی را از خود به انسان می چشانیم بر اثر آن خوشحال می شود و همین که آثار سوء اعمالش را می گیرد کفران می کند.

همانا انسان کفران پیشه است). (شوری، ۴۸).

انسان موجودی فخر فروش است، (إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ، همانا او بسیار شاد و فخر فروش است) (هود، ۱۰) از دیدگاه قرآن انسان با وجود فطریات مشترک، دارای استعدادهای مختلف هست. (أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِيّاً وَرَحْمَةُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ)، آیا آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند، مایه های معیشت را میان آنها در زندگی دنیا تقسیم نموده ایم و برخی را بر برخی دیگر (از نظر استعداد) برتری بخشیده ایم تا گروهی گروه دیگر را (بطور متقابل) مسخّر خویش قرار دهند، و رحمت پروردگار تو از آنچه که آنها گرد می آورند بهتر است. (زخرف، ۳۲)

به گفته مفسرین منظور از معیشت تقسیم شده، استعدادها و امکانها و شایستگیهای مختلفی است که خداوند در نهاد انسانها قرار داده است. همچنین از دیدگاه قرآن انسان موجودی متعادل است. ابعاد وجودی انسان دارای تناسب و هماهنگی است. (لَقَدْ خَلَقْنَا الإنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيم)، همانا انسان را در نیکوترین ترکیب و تعدیل آفریدیم). (تین، ۴) انسان مرکب از مقدمات فطری و غریزی فراوانی است که این مقدمات در نیکوترین صورت ممکنه آفریده شده اند تا انسان بتواند با استفاده از نیروی اختیار و انتخاب خود را به کمالات انسانی آراسته سازد. (وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ)، شما را به بهترین صورت نگاشت. (۱۵))

آنچه از مجموع این آیات برمی آید، این است که انسان دارای یک سلسله امور فطری مشترک و متفاوت ذاتی مؤثر در شکل گیری شخصیت می باشد که والدین و محیط در ایجاد آن هیچ گونه دخالتی نداشته و همه انسانها در وجود خود بطور ثابت و یکسان از این موهبت الهی بهره مندند. به بیان دیگر می توان گفت خداوند انسان را با زمینه های ذاتی خلق نموده است. تا در انتخاب راه خیر و شر و ضلال و صلاح حجت را بر او تمام نماید زیرا وسیله تشخیص را به همگان عطا نموده است و از سویی نیروی اختیار و انتخاب را وسیله آزمایش انسانها قرار داده است که کدامین طریق را برمی گزینند، پاسخ به خواهش های نفس امّاره یا هدایت رحمانی نفس لوامّه و نفس مطمئنّه.

مطلب قابل تأمل، توجه به عوامل تأثیر گذار در انتخاب و اختیار انسان است که از جمله این عوامل، تربیت خانوادگی و ویژگیهای روحی و روانی و رفتاری والدین است.

این دیدگاه مکتب اسلام در ماهیت انسان با فرهنگ غرب درست در نقطه مقابل است، زیرا برای انسان موجودیت و ماهیتی غیر از ماده و تمایلات حیوانی قائل نیست. دیدگاه اسلامی می گوید انسان باید از مرتبه بالفعل حیوانیت به مرحله کمال روحانی و خلیفه اللهی برسد که این شوؤن را ایجاب می کند و لزوم تربیت و تهذیب نفس از رذایل اخلاقی را اثبات می نماید، اما در دیدگاه غربی چون از غرایز حیوانی و نفوذ مادیت در وجود انسان چیزی متصور نیست، به اشباع هر چه بیشتر این غرایز قائل است. لذا از یک پدیده واحد تاثیرات متفاوت در دو فرهنگ می بینیم که نشان از تفاوت ماهوی فرهنگی است. بطور مثال مسأله حجاب در فرهنگ اسلامی برای امنیت و سلامت اجتماعی جامعه ما اهمیت فراوان داشته و یک ضرورت آشکار و غیر قابل انکار به شمار رفته و نوعی از ارزش می باشد، اما در غرب خطری برای امنیت و اهداف استعمار فرهنگی، که اصلی ترین وسیله آن زن می باشد محسوب شده، لذا با آن مقابله می شود. بروز دو تأثیر متفاوت از یک پدیده واحد نشانگر آن است که این دو فرهنگ نمی تواند جایگزین دیگری گردد، مگر اینکه دیدگاه خود را در ماهیت انسان تغییر دهد.

بنابراین با دقت در آیات مذکور معلوم می گردد که چرا فرهنگها مختلف است؟ چرا اصرار بر ادیان و مذاهب وجود دارد. چرا برخی حکم عقل را کنار نهاده و بر باطل مصّرند؟

و ...

سروش یکی از مروّجان نظریه پلورالیسم در دیباچه کتاب صراطهای مستقیم (اردیبهشت ۱۳۷۷) می نویسد:

(منطقی و معقول است که صاحب این قلم صمیمانه به نقد ناقدان خوشامد بگوید، نه فقط بخاطر قوّت درونی آنها، بل بدلیل اینکه کوره پلورالیسم را داغ تر می کنند). نگارنده بارها هنگام مطالعه نوشته های ایشان، تعمدی در ایجاد شبهات و تلاش در عدم رفع شبهه با مغالطه گویی و تناقضهای مکرر دریافته بود که سخن فوق، بر این دریافت گواهی است روشن، وی داعیه و درد دین و دینداری ندارد بلکه مشغولیت ذهنی و شبهه اندازی از اهداف اولیه می باشد، از این رو بیش از این به نقد نوشته های ایشان نمی پردازیم.

این مقدار جهت روشنگری اذهان متدینین و جوانان مسلمان بود که بدانند با اینکه وی متفکر و نظریه پرداز و روشنفکر و مصلح لقب داده شده ولی نظریات وی همچون تار عنکبوتی است که با تلنگری درهم می شکند هر چند به ظاهر غیر قابل نفوذ و مستحکم می نماید.

نقدهای دیگر نیز از علما و فضلای حوزه و دانشگاه به چاپ رسیده است که جهت اطلاع بیشتر و رفع شبهات بوجود آمده، مطالعه آنها مفید خواهد بود.

آیات و احادیث و پلورالیسم

اشاره

آیات و احادیث و پلورالیسم مفاهیم مورد مناقشه در نظریه پلورالیسم دینی در بین فیلسوفان و متکلمان مسیحی عبارتند از:

صراط یا صراطهای مستقیم و تکثر گرایی

انحصار گرایی و دین حق

شمول گرایی هدایت

با توجه به این مناقشات و مسائل مطروحه در پلورالیسم دینی از نظر قائلین داخلی و خارجی، موارد نقض آنها در بررسی تطبیقی با آیات و احادیث در ذیل بیان می گردد:

صراط مستقیم یا صراطهای مستقیم در قرآن

جان هیک در تشریح نظریه پلورالیسم می گوید: (تنها یک راه و شیوه نجات و رستگاری وجود ندارد، بلکه راههای متعدد و متکثری در این زمینه وجود دارند. در قالب اصطلاحات کلامی مسیحی، انواع پیامهای وحیانی الهی وجود دارند که در نتیجه، زمینه انواع بازتابهای انسانی نجات بخش را فراهم می کنند)، و در ادامه می افزاید:

(آنچه برای مسیحیان حرکت از موضع شمول و فراگیری (آیین نجات و رستگاری) به پلورالیسم را مشکل می سازد و امروزه اکثر متکلمین مسیحی معاصر را مجبور می سازد که، علی رغم نااستواری منطقی آشکار! نظریه شمول و فراگیری، همچنان بر حفظ آن موضع اصرار ورزند، البته وجود همان نظریه حلول و تجسّد (خداوند در وجود عیسی مسیح علیه السلام) به

همراه پوشش حفاظتی آن، نظریه تثلیث مسیحی است (۱)).

سروش نیز در نسخه برداری از بنیانگذار پلورالیسم دینی جان هیک دین اسلام را در قالب نظریه پلورالیسم دینی ریخته و می گوید: (این نکته را باید به گوش جان شنید و تصویر و منظر را باید عوض کرد و بجای آنکه جهان را واجد یک خط راست و صدها خط کج و شکسته ببینیم، باید آنرا مجموعه ای از خطوط راست دید که تقاطعها و توازیها و تطابقهایی با هم پیدا می کنند. بل حقیقت در حقیقت غرقه شد و آیا اینکه قرآن پیامبران را بر صراطی مستقیم (صراطٍ مستقیم)، یعنی از راههای راست نه تنها صراط مستقیم (الصراط المستقیم) می داند به همین معنا نیست؟)

در ادبیات عرب (ال) دلالت بر معرفه و تنوین دلالت بر نکره بودن کلمه دارد و ربطی به مفرد و یا جمع بودن کلمه ندارد، اما کلمات جمع، یا علامت جمع دارند یا جمع مکسّر هستند.

وقتی کلمه ای فاقد این علائم باشد مفهوم آن این است که کلمه مفرد است و در تمام موارد بصورت معرفه بیان شده است. یعنی صراط راهی است مشخص و معین. بنابراین صراط بدلیل نداشتن علامت جمع، مفرد بوده و جمع آن صُرّط (۲) می باشد. برای مشخص شدن سازگاری یا عدم سازگاری پلورالیسم با دین اسلام به بررسی آیات و احادیث معارض با نظریه پلورالیسم می پردازیم که ۷۶٪ از حامیان جامعه مدنی به این مبنای نظری قائل اند.

۱- (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) (۳)

(ما را به راه راست هدایت فرما)

در آیات قرآن کلمه صراط به معنی طریق و سبیل به معنی راه بارها تکرار شده است. سؤال این است که چرا از دو کلمه برای دو معنای نزدیک به هم استفاده شده است و در آیاتی سبیل به صورت جمع و نکره (غیر مشخص) (سُبُل) استعمال شده، در حالیکه کلمه صراط در تمام آیات بصورت مفرد ذکر شده است.

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید: (صراط مستقیم راهی است بسوی خدا، که هر راه دیگری که خلایق به سوی خدا دارند شعبه ای از آن است و هر طریقی که آدمی را بسوی ۶.

۱- . هیک، جان، مباحث پلورالیسم دینی، ص ۶۹.

۲- . فرهنگ ابجدی، ص ۵۵۱.

۳- . سوره حمد آیه ۶.

خدا راهنمایی می کند، بهره ای از صـراط مستقیم را داراست، با این معنا که هر راهی و طریقه ای که فرض شود، به آن مقدار آدمی را به سوی خدا و حق راهنمایی می کند، که خودش از صراط مستقیم دارا و متضمن باشد، اما خود صراط مستقیم بدون هیچ قید و شـرطی رهرو خود را به سوی خدا هدایت می کند و می رساند به همین جهت خدایتعالی نام آن را صـراط مسـتقیم نهـاد، چون کلمه صـراط به معنـای راه روشن است، زیرا از ماده (س ر ط) گرفته شـده که به معنای بلعیـدن است و راه روشـن کانّه رهرو خود را بلعیده و در مجرای گلوی خویش فرو برده که نمی گذارد از شکمش بیرون شود (۱)).

بنابراین صـراط همانند شاه راهی است که همه راههای فرعی متعدد نه متناقض به آن منتهی می شود، پس سبیل غیر از صـراط است. سبیل راههای متعدد است که تعدد از اختلاف رهروان راه عبادت ناشـی می شود در حالیکه صراط یک راه بیشتر نیست و خداونـد سبیل را به بندگان و صـراط را به خود و پیامبران نسبت داده است. در سوره زخرف آیه ۶۱ خداوند تبعیت خود را صراط مستقیم بیان نموده است.

۲- (وَا تَّبِعُو نِی هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیمٌ).

۳- (قَدْ جَاءَکُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَکِتَابٌ مُبِینٌ* یَهْدِی بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلامِ وَیُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ بِإِذْنِهِ وَیَهْدِیهِمْ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ). (مائده، ۱۶)

همانا از جانب خدا برای هدایت شـما نوری عظیم (رسولی بزرگ) و کتابی به حقانیت آشـکار آمد. خدا بدان کتاب هر کسی را که از پی رضا و خشـنودی او راههای سـلامت پویـد، هـدایت کند و او را از تاریکی جهل و گناه بیرون آورد و به عالم نور داخل گرداند و ایشان را به راه راست رهبری کند.

در کتاب معانی از امام صادق علیه السـلام روایتی است که فرمودند: (صـراط مسـتقیم طریق به سوی معرفت خداست و این دو صراط است، یکی صراط در دنیا و یکی در آخرت، اما صراط در دنیا عبارتست از امامی که اطاعتش بر خلق واجب شده و اما در آخرت، پلی است که بر روی جهنم زده شده، هرکس در دنیا از صـراط دنیا بدرستی رد شود یعنی امام خود را بشناسد و او را ۱.

۱- . المیزان، ج ۱، ص ۳۱.

اطاعت کند، در آخرت نیز از پل آخرت به آسانی می گذرد و کسی که در دنیا امام خود را نشناسد، در آخرت هم قدم اش بر پل آخرت می لغزد و به درون جهنم سقوط می کند).

۴- (وَإِنَّ هَـٰذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَأ نَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ) (۱) (و همانا این است امت شما (امت واحده) و من ربّ شما هستم پس تقوای مرا پیشه کنید).

۵- (إنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَأ نَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) (۲) (همانا این است امت شما، امت واحده است و من پروردگار شما هستم پس مرا عبادت کنید).

خداوند در معرفی صراط مستقیم در آیات دیگر می فرماید:

۶- (وَأنِ اعْبُدُونِی هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیمٌ) (۳) (مرا عبادت کنید، این صراط مستقیم است)

۷- (وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلا تُشْرِكُوا بِهِ شَیْئاً) (۴) ۸- (إنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّی وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیمٌ) (۵) (خدای یکتا پروردگار من و شما است، او را بپرستید که راه راست همین راه است).

این کلام حضرت عیسی علیه السلام به قوم خود است و یکی از دلایل وحدت نظری انبیاء با یکدیگر می باشد.

از مجموعه این آیات برمی آید که تبعیت و اطاعت از خدا و تقوا پیشگی، صراط مستقیم است.

همچنین در کتاب معانی از امام سجاد علیه السلام روایت آمده است که فرمودند: بین خدا و بین حجت خدا حجابی نیست و نه خدا از حجت خود در پرده و حجاب است. مائیم ابواب خدا و ماییم صراط مستقیم و مائیم مخزن علم او و ماییم زبان مترجم های وحی او و مائیم ارکان توحیدش و مائیم گنجینه اسرارش. ۱.

۱- . مومنون، آیه ۵۲.

۲- . انبیاء، آیه ۹۲.

۳- . یس، آیه ۶۱.

۴- . مریم آیه ۳۶.

۵- . آل عمران آیه ۵۱.

خداوند علیم در آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره انعام محرّماتی را که اختصاص به شریعت معینی از ادیان الهی ندارد بیان می کند که عبارتند از: شرک به خدا، ترک احسان به پدر و مادر، ارتکاب فواحش و کشتن نفس محترمه بدون حق که کشتن فرزند از ترس روزی از آن جمله است، نزدیک شدن به مال یتیم مگر به طریق نیکوتر، کم فروشی، ظلم در گفتار، وفا نکردن به عهد خدا و پیروی کردن از غیر راه خدا و بدین وسیله در دین خدا اختلاف انداختن.

علاوه بر محرّماتی که ذکر شد، حرام دیگری را که واگذاشتن صراط مستقیم و پیروی از راههای دیگر است بیان می کند:

۹- (وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَلا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (۱) (و این راه من است، یکراست (بدون اعواج و کجی) پس آن را پیروی کنید و به راههای دیگر نروید که شما را از راه وی پراکنده کند، اینها است که خدا شما را به آن سفارش کرده است، شاید پرهیزکاری پیشه کنید).

زمانیکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این ایه را تلاوت کردند، خطی را در مقابل خود رسم کرده و فرمودند: (این، راه خداست) سپس خطوط دیگری در جانب راست و چپ ترسیم نموده و فرمود: (این راهها که هریک از آنها، شیطانی است که مردم را به پیروی از آن فرامی خواند، پس دین نبی مصطفی همان صراط مستقیم است (۲)).

همچنین از ابن عباس روایتی در مورد این آیات نقل شده است که فرمود: (همانا این آیات از محکم هستند، چیزی از آنها نسخ نشده است و این محّرمات قدیم است و سخنی است بر تمامی بنی آدم و آن در امّ الکتاب است. هر کس به آن (محّرمات) عمل کند داخل بهشت شود و هرکس آن را ترک کند داخل آتش گردد (۳)).

فرمایش علی علیه السلام نیز به همین مضمون است که فرمودند: (گرایش به راست و چپ گمراهی است و طریق وسط (روش اهل بیت) جاده هدایت است و خواص و آثار نبوت بر آن ی.

۱- . انعام، آیه ۱۵۳.

۲- . تفسیر مقتنیات الدرر، ج ۴، ص ۲۸۸.

۳- . مأخذ قبلی.

قرار و پابرجا خواهـد بود، چنان که منفـذ و راه ورود به سـنّت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و راه رسـتگاری نیز همان اسـت ((۱)).

علی علیه السلام در فرمایش دیگری وسیله جداسازی حق از باطل را بیان می کند:

(وَ مَعْرِفَهٌ یَفْرِقُ بِها بَیْنَ الحَقِ وَ الباطِلِ). (۲) (خداوند به انسان، معرفتی عطا کرد که به واسطه آن حق را از باطل جدا می سازد)

این جمله ملهم از این آیه شریفه (فَأَ لْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا) است.

پس از تشریح معنای صراط مستقیم در قرآن به بیان برترین دین و انحصار راه هدایت در یک دین می پردازیم.

برترین دین و انحصارگرایی

جان هیک به عنوان فیلسوف و عالم مسیحی در بیان انحصارگرایی در همه ادیان و یکی از دلایل وجودی نظریه پلورالیسم می گویـد: (هر جـامعه دینی معتقـد است که نسـخه نجات بخش و یا کتاب مقـدس خود او مبتنی بر حقیقت است و آنچه متعلق به دیگران است، تـا جـایی که با این نظرات تفاوت دارد غلط و باطل می باشـد. هر دینی باور دارد که راه نجات و رسـتگاری که این دین بدان شهادت می دهد، راه اصیل و معتبر و تنها طریق مطمئن به سعادت ابدی است و لذا وقتی انسان با این مجموعه از ادعاهای گوناگون روبرو می شود سؤال مناسبی که به ذهن می رسد این است که کدامیک از اینها دین حقیقی است؟ (۳) این مسئله در دین اسـلام دلایل عقلی و نقلی فراوان دارد و جواب این نوع انـدیشه در هزار و چهارصـد سال قبل در قرآن کریم با دلایل متقن به همه عالم داده شده است.

از سویی آنچه عقل اذعان دارد این است که همواره برای صـحت و سـقم امری همچون دین و تعالیم الهی و تشـخیص آخرین دسـتورات، آخرین اخبار و دسـتورات و آخرین فرسـتاده خـدا، بایـد جسـتجو شود. افراد در مورد کنکاشـی در مورد حادثه ای همواره به دنبال آخرین شاهد و ۰.

۱- . نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

۲- . نهج البلاغه، خطبه ۱.

۳- . هیک، جان، مباحث پلورالیسم دینی، ص ۶۰.

آخرین مدارک می گردند تا اطلاعات دقیق و کاملی بدست آورند. وقتی در مورد یک حادثه معمولی، افراد دنبال آخرین مدارک و اسناد هستند، چگونه انسان برای دین خود این راه را پی نگیرد و معقول نداند؟ اگر فردی موحّد و یکتاپرست است، عقل او را به سوی تعالیم یگانه عالم رهنمون می سازد. وظیفه هر فرد موحِّد، این است که آخرین پیام و تعالیم را از آخرین فرستاده خدا جستجو نماید تا در زمان خود به وظایف خویش رهنمون گردد. این عمل انحصار گرایی نیست، بلکه حکم بدیهی عقل انسان است. حال اگر عده ای از حکم عقل سرپیچی می کنند، ایراد بر آنها وارد است و نمی توان وجود برتری یک دین را زیر سؤال برد. آیه ای از قرآن کریم ختم نبوت پیامبر گرامی اسلام را اعلام می دارد:

۱۰- (مَا کَانَ مُحَمَّدٌ أبَا أحَدٍ مِنْ رِجَالِکُمْ وَلَکِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِیِّینَ) (۱) (محمد پدر هیچیک از مردان شما نیست لیکن او رسول خدا و خاتم انبیاء است).

در کتاب عیون از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام روایت آورده که فرمود: (اولوالعزم از این جهت اولوالعزم نامیده شدند که دارای عزایم و شرایع اند، آری همه پیغمبرانی که بعد از نوح مبعوث شدند تابع شریعت و پیرو کتاب نوح بودند، تا وقتی که شریعت ابراهیم خلیل برپا شد، از آن به بعد همه انبیاء تابع کتاب و شریعت او بودند، تا زمان موسی علیه السلام شد و هر پیغمبری پیرو کتاب و شریعت موسی بود، تا ایام عیسی از آن به بعد هم سایر انبیایی که آمدند تابع شریعت و کتاب عیسی بودند، تا زمان پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله. پس این پنج تن اولوالعزم انبیاء و افضل همه انبیاء و رسل علیهم السلام بودند و شریعت محمد تا روز قیامت نسخ نمی شود و دیگر بعد از آن جناب تا روز قیامت پیغمبری نخواهد آمد، پس بعد از آن جناب هر کس دعوی نبوت کند و یا کتابی بعد از قرآن بیاورد، خون اش برای هر کس که بشنود مباح است (۲)).

و نیز در آیه ای دیگر می فرماید:

۱۱- (إنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللَّهِ الإسْلامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِینَ اوتُوا الکِتَابَ إلَّامِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ العِلْمُ بَغْیاً بَیْنَهُمْ وَمَنْ یَکْفُرْ بِآیَاتِ اللَّهِ فَإنَّ اللَّهَ سَرِیعُ الحِسَابِ) (۳) ۹.

۱- . احزاب، آیه ۴۰.

۲- . عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۸۰ و المیزان، ج ۲.

۳- . آل عمران آیه ۱۹.

(همانـا دین نزد خـدا تنهـا اسـلام است و اهـل کتـاب در آن اختلاف نکردنـد مگر بعـد از آنکه به حقانیت آن یقین داشـتند و خصومتی که در بین خود داشـتند وادار به اختلاف شان کرد و کسـی که به آیات خـدا کفر بورزد بایـد بدانـد که خـدا سـریع الحساب است).

تفسیر عیاشـی از محمدبن مسلم روایت آورده که گفت: (از امام علیه السلام معنای آیه (ان الذین عند الله الاسلام) را پرسیدم، فرمود: یعنی اسـلامی که توأم با ایمان باشد). (۱) ابن شـهر آشوب از امام باقر علیه السـلام روایت کرده است که در معنای آیه (إِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللَّهِ الإِسْلامُ) فرمود: (یعنی تسلیم شدن به ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام (۲))

همچنین ابن شـهرآشوب از علی علیه السـلام روایت کرده که فرمود: (اکنون برای اسـلام نسبی ذکر می کنم (تعریف می کنم) که نه احـدی قبل از من چنین تعریفی کرده و نه بعد از من و آن این است که: اسـلام عبارتست از تسـلیم و تسـلیم عبارتست از یقین و یقین عبارتست از تصـدیق و تصـدیق عبارتست از اقرار و اقرار واقعیت اش ادا است و ادا، عمل است. مؤمن دین خود را از پروردگار خود می گیرد، مؤمن ایمانش از عمل اش شناخته می شود، همچنان که کافر کفرش از انکارش هویدا می گردد، ای مردم بر شـما بـاد دین تان که گناه در دین بهتر است از کار نیک در بی دینی، برای اینکه گناه در حال دینـداری آمرزیـده می شود ولی کار نیک در بی دینی پذیرفته نمی شود (۳)).

علاوه بر این احادیث، عقل نیز یکی بودن راه هـدایت را اذعان دارد. زیرا اگر راههای هـدایت و ارشاد الهی مختلف بود، طبعاً ویژگیهـای متفاوت از یکـدیگر می داشـتند، لـذا حجت بر بنـدگان تمام و کامل نبود زیرا معیّن نبود، منظور خـدا کـدامیک از راههـای هـدایت است تـا بـدان وسـیله اهل نجات گردنـد و امکان آمیختگی حق و باطل وجود داشت. وقتی تفرق آرا در یک صراط این چنین باشد، در صورت گوناگونی صـراطها و دین های مختلف وضع معلوم است، در این صورت منشأ اختلاف بین مردم، خود ادیان الهی و صـراطهای مختلف بود که هر کسـی به آن در حقانیت خود احتجاج می نمود و این از علم و حکمت خدا دور است. اما ۵.

۱- . تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۶، حدیث ۲۲.

۲- . مناقب، ج ۳، ص ۹۵.

۳- . اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵.

ادیان الهی و کتابهای آسمانی کم ویک صراط قرار داده شده است تا بین مردم وحدت اندیشه و عمل ایجاد گردد.

در آیه دیگر عدم پذیرش دینی جز دین اسلام مطرح می گردد:

۱۲- (أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) (۱) (آیا (این فاسقان) غیر دین خدا را می طلبند با اینکه تمام ساکنان آسمانها و زمین چه بر طوع و چه بر کره تسلیم اویند و همه به سوی او بازمی گردند).

بنابر آیه ۸۱ سوره آل عمران دین خدا واحد است و خدا از همه انبیاء پیمان گرفته است که هر پیغمبر متقدم به آمدن پیغمبر بعد خود بشارت دهد و به آنچه او ایمان آورده ایمان آورد و تصدیقش کند. در آیه ۸۲ همین سوره می فرماید: (فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِکَ فَاوْلَئِکَ هُمُ الفَاسِقُونَ)

(پس بعد از این (بعد از پیمان گرفتن از انبیاء) هر کس اعراض کند، بجز انحراف از طریقه فطرت، یعنی به جز فسق انگیزه ای ندارد و اصولًا فاسقان همین ها هستند.)

علامه طباطبایی رحمه الله در بیان معنا، تقدیر کلام را این چنین بیان می کنند که تعبیری واضح است: (آیا غیر اسلام را می جویند؟ با اینکه اسلام دین خداست، چون هر کس که در آسمان و زمین است، تسلیم او و منقاد امر اوست. پس اگر به امر او رضایت دهند، انقیادشان طوعی (رضایت) است از ناحیه خود آنان و اگر آنچه را خدا می خواهد کراهت داشته و غیر آن را بخواهند، امر، امر اوست و امر خود را به کَره (کراهت) جاری می فرماید. (وَ الَيْهِ يُرْجَعوُن) اشاره به این است که برگشت همه به سوی خداست نه به سوی کفر و شرک (۲)).

۱۳- (وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلامِ دِيناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الآخِرَهِ مِنَ الخَاسِرِينَ) (۳) (و هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است).

این آیه فصل الخطاب قرآن بر همه عالمیان و ادیان است. ۵.

۱- . آل عمران، آیه ۸۳.

۲- . المیزان، ج ۳، ص ۵۱۹.

۳- . آل عمران، آیه ۸۵.

ابن جریر از علی بن ابیطالب رضی الله عنه روایت کرده است که فرمود:

(از آدم تا کنون خدایتعالی هیچ پیغمبری را مبعوث نکرد، مگر اینکه درباره محمد صلی الله علیه و آله از او پیمان گرفت که اگر در زمان او این پیامبر بزرگ مبعوث شد باید به او ایمان آورد و یاری اش کند و دستور داد که او نیز این پیمان را از امّت خود بگیرد، آنگاه امام علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود: (وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ...) (۱) همچنین امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه می فرمایند: (بیاد آر زمانی را که خدای تعالی میثاق امت انبیاء را گرفت، به اینکه هر امتی پیغمبر خود را تصدیق نموده به آنچه آن پیغمبر آورده عمل کنند. لیکن امتها به این عهد وفا نکرده و بسیاری از شرایع آن را ترک نموده، بسیاری از آنها را تحریف نمودند (۲)).

در توصیف دین اسلام قرآن کریم می فرماید:

۱۴- (وَمَنْ أَحْسَنُ دِيناً مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا) (۳) (کیست آنکه به جان، مطیع خدا شده و نیکوکار است و آیین معتدل ابراهیم را پیروی کرده است خوبتر باشد؟ در حالی که خدا ابراهیم را دوست خود گرفته)

علامه طباطبایی رحمه الله در ذیل این آیه می فرماید: خداوند با این استفهام از طریق اصطلاحی (ارسال مسلِم) این معنا را مسلم داشت که اسلام بهترین دین است.

در این آیه دو ویژگی برای مسلمان بیان شده است، هم از بعد اعتقادی دین اش دین اسلام است و از بعد رفتار نیکوکار است.

۱۵- (بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ) (۴) (بلی هر کس که از هر جهت تسلیم حکم خدا گردید و نیکوکار گشت، مسلماً نزد خدا ۲.

۱- . الدر المنثور، ج ۲، ص ۴۷.

۲- . مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۶۸.

۳- . نساء، آیه ۱۲۵.

۴- . بقره، آیه ۱۱۲.

اجرش محفوظ خواهد بود و اندوه و ترسی نخواهد داشت).

مجموع آیات فوق بر برتری دین اسلام و انحصار راه هدایت و صراط مستقیم در این دین دلالت دارد. گوهر اساسی و ماهیت دین در آن است که می تواند وجود انسان را متحول ساخته و انسان را از خود محوری و هوا پرستی به خدا محوری و خداپرستی و طریق حق برساند.

برای تبدیل به انسان خدا محور لازم است در مسیر شدن تعالیمی خاص و جاودانی و همگانی از طرف خدا بر بنده نازل آید، تا مسیر هدایت و شدن، روشن تر شده و راه حق و باطل بر همگان مشخص گردد، تا به نیروی اختیار و انتخاب خود راه حق و خداپرستی گزینند که عبادت اجباری فاقد ارزش است. انسان از آن رو بر ملائک برتری یافته است که خصوصیت طبیعی آنها عبادت خداست حال آنکه انسانها از روی اختیار و با انتخاب خدا را عبادت می نمایند. از طرفی هیچ دینی همانند اسلام تاریخ مدّون و مکتوب و ثبت لحظه به لحظه با اسناد فراوان در وقایع مهم را ندارد و هیچ یک از ادیان دارای کتاب آسمانی که از جنبه شمولیت و همگانی بودن که با دستورالعمل خاص در زندگی فردی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی بدون محدودیت های زمانی و مکانی برخوردار باشد، نیست. در بی همتایی و معجزه آسا بودن دین اسلام همین بس که دین اسلام تنها دینی است که در مدت ۵۰ سال در میان قومی نیمه وحشی ظهور کرده و آنها را به ملتی دارای تمدن و فرهنگ و اخلاق و ... تبدیل ساخت. شاید ظهور دین اسلام در میان قومی نیمه وحشی از دلایل اثبات حقانیت دین اسلام باشد که توان و قدرت متحول سازی و دگرگونی در تمام ابعاد جامعه را در عمل به اثبات برساند، برخلاف نظریه ها و فرقه هایی که از افکار و تئوریهای انسانها مایه گرفته و قابلیت تحقق خارجی ندارند. دین اسلام از اولین روز ظهور خود تا کنون همواره هر جامعه و فردی که به دستورات قرآن و سنت پیامبر و ائمه علیهم السلام عمل نموده، شاهد تحولی عظیم در خود و اجتماع خود بوده است که در پی همین تحول و خدامحوری و حق پرستی، دشمنانی قدرتمند پیدا کرده است. اساساً یکی از دلایل اثبات حقانیت دین اسلام وجود دشمنی است، اگر اسلام دینی بی تفاوت و فاقد تأثیر و قدرت تحول و دگرگونی بود کسی با آن دشمنی نمی ورزید. قدرت متحول سازی دین اسلام است که در جوامع مختلف دوستان و دشمنانی پیدا کرده است، ترس دشمنان از این است که نکند اسلام قلمرو آنها را نیز درنوردد و مردم را

متحول گردانیده، قدرتی در برابر قدرتمندان گردد.

(فالـدین الالـهی هو السبب الوحیـد لسعاده هـذالنّوع الانسانی و المصـلح لَامرِ حیوته یصـلح الفطره و یعـدل قواها المختلفه عند طغیانها و ینظم الانسان سلکك حیوته الدنیویه و الاخروّیه و المادّیه والمعنویه)

(دین خدا تنها دینی است که وسیله سعادت برای نوع بشر است و یگانه عاملی است که حیات بشر را اصلاح می کند، چون فطرت را با فطرت اصلاح می کند و قوای مختلف فطرت را در هنگام کوران و طغیان تعدیل نموده، برای انسان رشته سعادت زندگی در دنیا و آخرتش را منظم و راه مادیت و معنویت اش را هموار می نماید (۱)).

امیرمؤمنان، علی علیه السلام در فضیلت اسلام می فرمایند:

(اسلام آیینی است که خداوند برای خویشتن انتخاب فرموده و آن را با دید علم خویش آماده ساخته (و سخت به آن اهتمام ورزیده است) و بهترین مخلوقش را (یعنی محمد ص) برای تبلیغ آن برگزیده است، پایه های آن را بر محبت خویش قرار داده و ادیان و مذاهب، را با قدرت اسلام ضعیف نمود، مذاهب دیگر را با اعتلای آن پائین قرارداد و با احترام و نفوذآن دشمنانش را خوار گردانیـد و با نصرت و یاری آن مخالفان سرسختش را مخـذول کرد و با نیرومنـد ساختنش ارکان ضلالت را در هم کوبید وتشنگان را ازچشمه زلال آن سیراب ساخت وآبگاهش را پرآب ساخت.

(خداوند) اسلام را طوری قرارداده که هرگز پیوندهایش شکسته نشود، حلقه هایش گسسته نگردد، اساس و ریشه اش ویرانی نپذیرد، در پایه هایش زوال راه نیابد، درخت وجودش برکنده نشود و مدتش پایان نگیرد و قوانین اش غبار کهنگی به خود راه ندهـد، شاخه هـایش قطع نگردد وضیق و تنگی در راههـایش یـافت نشـود و سـهولت آن موجب دشواری نگردد، تیرگی در روشنائیش به چشم نخورد و در طریق مستقیم اش کژی راه نیابد و ستون اش پیچیدگی نبیند و درجاده های وسیع آن لغزندگی نباشد، درچراغ اش خاموشی و در شیرینیش تلخی پیدا نشود. بنابراین آیین اسلام ستونی است که خداوند آن را در اعماق حق ۵.

۱- . طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۱۵.

استوارساخته و اساس و پی آن را ثابت قرارداده و چشمه ای است که آب فوران می کند و چراغی است که شعله های آن برافروخته شده و منارهدایتی است که مسافران راه حق باآن رهبری می شوند و پرچمی است که برای راهنمایی پویند گان (راه خدا) نصب گردیده و آبگاهی است که واردان آن سیراب می شوند. خداوند منتهای خشنودی خود، بزرگترین ستونهایش (یعنی عبادات) و قله بلند اطاعتش (یعنی جهاد) را در آن قرارداده است. اسلام در پیشگاه خداوند دارای ارکانی مطمئن، بنایی بلند، دلیلی درخشنده، شعله روشنی بخش، برهانی نیرومند و مناره ای بلند پایه است که ستیز و معارضه با آن امکان پذیر نیست، پس آن را گرامی دارید از آن تبعیت کنید و حق آن را ادا نمائید و آن را در جایگاه مناسب و شایسته خود قراردهید و آنچنانکه هست آن را بپذیرید).

در آیه ای دیگر در رابطه با شکست مسلمانان در جنگ احد، برتربودن مسلمانان مشروط بر حفظ ایمان ملازم با تقوی، بیان شده است:

۱۶- (وَلاـ تَهِنُوا وَلا تَحْزَنُوا وَأ نْتُمُ الأعْلَوْنَ إنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (۱) شما مسلمانان نه درکاردین سستی کنید و نه از فوت غنیمت و متاع دنیا اندوهناك باشید، زیرا شما فاتح و پیروزمند ترین مردم و بلند مرتبه ترین ملل دنیا هستید اگر در ایمان خود ثابت و استوارباشید.

۱۷- همچنین می فرماید: (فَلاـ تَهِنُوا وَتَدْعُوا إلَی السَّلْمِ وَأ نْتُمُ الأعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ) (۲) سپس شما مسلمانان درکاردین سستی روا ندارید، مشرکین را به صلح و صفا دعوت نکنید، در حالیکه شما بلند مرتبه هستید و خدا با شماست. دراین آیه به علت برتری مسلمانان، پرهیز ازصلح بامشرکین خواسته شده که ازروی ترس ازکافران با آنها صلح نکنند.

البته این برتری صرفاً بخاطر نام گذاری نیست بلکه با شرط عبودیت و بندگی خدا و اعتقاد به معاد و انجام اعمال صالح متحقق است.

چنانکه درآیه شریفه ۶۲ سوره بقره به این مطلب اشاره شده است. ۵.

۱- . آل عمران آیه ۱۳۹.

۲- . محمد آیه ۳۵.

۱۸- (إنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَالَّذِینَ هَادُوا وَالنَّصَارَی وَالصَّابِئِینَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالیَوْمِ الآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحاً فَلَهُمْ أجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلا هُمْ یَحْزَنُونَ)

همانا کسانی که مومن اند و کسانی که یهودی ونصرانی و صائبی هستند هرکدام به خدا و روز آخرت معتقد باشند و کارهای شایسته کنند، پاداش آنها پیش پروردگارشان است، نه بیمی دارند و نه غمگین شوند.

علامه طباطبایی رحمه الله ایمان دومی در آیه فوق را حقیقت ایمان دانسته و در معنای این آیه می فرمایند: این نام ها و نام گذاری ها که دارید از قبیل مؤمنین، یهودیان، مسیحیان، صائبیان، اینها نزد خدا هیچ ارزشی ندارد، نه شما را مستحقق پاداشی می کند و نه از عذاب او ایمن می سازد مگربا لزوم عبودیت.

قرآن در توصیف مسلمانان می فرماید:

۱۹- (وَکَذَلِکَ جَعَلْنَاکُمْ امَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ وَیَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً) (۱) و ما، شما (مسلمین) را این چنین امتّی وسط قرارداریم تا شاهدان برسایر مردم باشید و رسول برشما شاهد باشد.

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید: کلمه جعلنا ثابت می کند امّت وسط بودن مسلمانان یک امرتصادفی و طبیعی نبوده است که بعد از بعثت پیامبرعده ای در مدینه دورپیامبرجمع شدند و امّت اسلامی را تشکیل دادند، بلکه خداوند حکیم خود مسلمانان را به صورت امت قرارداده است. درکتاب لسان العرب و فرهنگ جامع نوین واژه امّت را از ماده امّ و همچنین در المیزان راز ماده امَّ یأمّ به معنی قصد آمده است. امّت، واحد اجتماعی که قاصد هست به سوی یک هدف و مقصد، این معنا دو عنصر را در امّت می رساند، یکی حرکت و دیگری قصد.

مقصد واحد رابطه واحدی بین افراد ایجاد می کند. حرکت امت پیشوا می خواهد، همچون قافله ای که قافله سالار برای حرکت و هدایت قافله در مسیر تعیین شده لازم است برای امت ۳.

۱- . بقره آیه ۱۴۳.

نیز رهبری لازم است که مردم را برای هدف از پیش تعیین شده (عبادت و بندگی خدا و رسیدن به کمالات انسانی) رهبری نماید. بنابراین معنا، کلمه امت هم قصد و هم حرکت و هم وجود رهبر را در امت اسلامی اثبات می نماید رهبر باید کسی باشد که توانایی هدایت مردم در مسیر از پیش تعیین شده را داشته باشد.

منظور از شهادت، شهادت بر اعمال امتّها، و نیز برتبلیغ رسالت است همچنانکه آیه (فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ) (۱)

. سوگند که از مردمی که فرستادگان به سویشان گسیل شدند و نیز از فرستادگان پرسش خواهیم کرد، نیز به این معنا اشاره می کند.

شهادت عبارتست ازتحمل دیدن حقایق اعمال که مردم در دنیا انجام می دهند، چه آن حقیقت سعادت باشد چه شقاوت، چه رد و چه قبول، چه انقیاد و سپس در روز قیامت برطبق آنچه دیده شهادت دهد، روزی که خدای تعالی از هرچیز استشهاد می کند، حتی از اعضای بدن انسان شهادت می گیرد. معلوم است چنین مقام کریمی شأن همه امت نیست. چون کرامت خاصه ای است برای اولیاء طاهرین ازایشان (امت) و اما صاحبان مرتبه پایین تراز اولیاء که مرتبه افرادعادی مؤمنین متوسط درسعادت است، چنین شهادتی ندارند. (۲) همچنین تفسیر مقتنیات الدرر در ضمن احادیثی معنای وسط و شهداء را بدین گونه بیان می دارد:

ازابا عبدالله علیه السلام نقل شده است که در قول خداوند تعالی (وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ) گفت: ماشاهدان برمردم هستیم ازآنچه از حلال و حرام نزد ایشان هست وازآنچه ضایع کرده اند ازآن (حلال و حرام).

این حدیث در اصول کافی نیز آمده است که ابا عبدالله علیه السلام فرمود: نحن الامه الوسطی و نحن شهداء الله علی خلْقه، وَ حججه فی ارْضه.

در تفسیر مجمع البیان و تفسیر عیاشی و کتاب مناقب بن شهرآشوب این احادیث ذکرشده است. (۳) ۵.

۱- . اعراف آیه ۶.

۲- . المیزان ج ۲، ص ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹.

۳- . تفسیر مقتنیات الدرر ج ۱ ص ۳۲۵.

حاکم ابوالقاسم حسکانی در کتاب شواهد تنزیل به اسناد ازسلیم بن قیس روایتی را از امیرالمؤمنین علیه السلام، نقل کرد که حضرت فرمود: به فرمایش خود (لِتَکُونُوا شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ) مارا قصد نمود به اعمال ایشان سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله شاهد برماست و ما گواهان خدا بر خلق اش هستیم وحجت او برزمین و ما کسانی هستیم که فرمود (لِتَکُونُواشُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ) (۱) ۲۰- (کَانَ النَّاسُ امَّهً وَاحِدَهً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرِینَ وَمُنذِرِینَ وَأنزَلَ مَعَهُمُ الکِتَابَ بِالحَقِّ لِیَحْکُمَ بَیْنَ النَّاسِ فِیمَا اخْتَلَفُوا فِیهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِیهِ إلَّاالَّذِینَ اوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ البَیِّنَاتُ بَغْیاً بَیْنَهُمْ فَهَدَی اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِیهِ مِنَ الحَقِّ بِإذْنِهِ وَاللَّهُ یَهْدِی مَنْ یَشَاءُ إلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ) (۲) مردم قبل از بعثت انبیاء همه یک امّت بودند، خداوند به خاطر اختلافی که در میان آنان پدید آمد انبیایی به بشارت و انذار برگزید و با آنان کتاب را به حق نازل فرمود تا طبق آن در میان مردم و در آنچه اختلاف کرده اند حکم کنند، این بار در خود دین و کتاب اختلاف کردند

و این اختلاف پدید نیامد مگر از ناحیه کسانی که اهل آن بودند و انگیزه شان در اختلاف، حسادت و طغیان بود، در این هنگام بود که خدا کسانی را که ایمان آوردند در مسائل مورد اختلاف به سوی حق رهنمون شد وخدا هرکه را بخواهد به سوی صراط مستقیم هدایت می کند.

این آیه سبب تشریح اصل دین را بیان می کند، فطرت انسان، وی را وادارکرد تا برای اختصاص منافع، با یکدیگر به اختلاف بپردازند لذا قوانینی لازم آمد تا این اختلافات را رفع نماید که این قوانین در قالب دین از طرف خالق حکیم توسط رسولان خود، به مردم ارائه شد و برای بشارت وانذار و تهذیب مردم، پیامبران مبعوث شدند تا بوسیله دین اختلافات بین مردم (اختلافات غریزی و بشری و اختلاف در امور دنیوی) را حل نمایند.

۲۱- (وَمَا کَانَ النَّاسُ إلَّاامَّهً وَاحِدَهً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلا کَلِمَهٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ فِیمَا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ)

مردم (درفطرت توحید) یک طایفه بیش نبودند. پس از آن فرقه فرقه شدند، و اگر کلمه ای ۳.

۱- . ماخذ قبلی.

۲- . بقره آیه ۲۱۳.

که در ازل و از حق سبقت یافته (که برای آزمایش مهلت یابند) نبود البته اختلافاتشان خاتمه می یافت. (۱) ۲۲- (لَقَدْ أرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالبَيِّنَاتِ وَأ نْزَلْنا مَعَهُمُ الكِتَابَ وَالمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالقِسْطِ) (۲) همانا ما پیغمبران خود را با ادّله و معجزات به خلق فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.

۲۳- (هُوَ الَّذِی أرْسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدَی وَ دِینِ الحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ المُشْرِكُونَ) (۳) ۲۴- (آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا انزِلَ إلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأطَعْنَا)

۲۵- (يَا أ يُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالكِتَابِ الَّذِی نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالكِتَابِ الَّذِی أنزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَاليَوْمِ الآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالًا بَعِيداً) (۴) ای کسانی که (بطور اجمال) ایمان آورده اید، (بطور تفضیل) به خدا و رسول او و کتابهایی که قبل از او نازل کرده، ایمان آورید و کسی که به خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و به روز جزا کفر بورزد، در ضلال افتاده است، ضلالتی دور از طریق حق.

۲۶- (رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ) (۵) (و رسولان را فرستاد تا نیکان را (به رحمت خدا) بشارت و بدان را از قهر خدا بترساند تا آنکه پس از فرستادن این همه رسولان برای مردم، بر خدا حجتی نباشد)

۲۷- (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى المُؤْمِنِينَ إذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الكِتَابَ وَالحِكْمَةَ وَإنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلالٍ مُبِينٍ) (۶) ۴.

۱- . یونس آیه ۱۹.

۲- . حدید آیه ۲۵.

۳- . توبه آیه ۳۳ و تکرار همین آیه در سوره صف آیه ۹.

۴- . نسا آیه ۱۳۶.

۵- . نسا آیه ۱۶۵.

۶- . آل عمران آیه ۱۶۴.

(خدا بر اهل ایمان منّت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان بر انگیخت که بر آنها آیات حکمت بیاموزد هر چند قبلا گمراهی آنان آشکار بود).

امام باقر علیه السلام در باره امّت واحده فرمودند:

(مردم قبل از نوح همه یک امت بوده و هدایتشان هدایت فطری بود و از نظر دین داری و بی دینی و اهتدا و ضلالت دو قسم نبودند، تا آنکه خدا انبیاء را مبعوث کرد، آن وقت دو طایفه شدند). (۱) هشام بن حکم در اثبات انبیاء و رسل گفت: (زندیقی که نزد امام صادق علیه السلام آمده بود، از آن جناب پرسید، از چه راهی انبیاء و رسل را اثبات می کنیم؟

امام صادق علیه السلام فرمود: (ما بعد از آن که اثبات کردیم که آفریدگاری صانع داریم، که مافوق ما، و مافوق تمامی مخلوقات عالم است، و صانعی است حکیم، چنین صانعی جایز نیست که به چشم مخلوقاتش دیده شود و او را لمس کند و با او و او با مخلوقات خود نشت و برخاست کند خلق با او و او با خلق بگو و مگو داشته باشد.

سپس ثابت شد که باید سفرایی در خلق خود داشته باشد، تا آنان خلق را بسوی مصالح و منافع شان و آنچه مایه بقا یشان است و ترکش باعث فنایشان می شود هدایت کنند، پس ثابت شد که خدا در میان خلق افرادی دارد که خلق را از طرف او و که حکیم و علیم است به سوی نیکی ها امر می کنند و از بدی ها نهی می نمایند. در اینجا ثابت می شود که خدا در خلق زبان هایی گویا دارد، که همان انبیاء و برگزیدگان از خلق اویند، حکمائی هستند مؤدب به حکمت او، و به همان حکمت مبعوث شده اند ودر عین اینکه از نظر خلقت ظاهری مانند سایر افرادند از نظر حقیقت و حال غیر آنهایند، بلکه از ناحیه خدای حکیم علیم مؤید به حکمت و دلایل و براهین و شواهدند، شواهدی چون زنده کردن مردگان و شفا دادن جزامیان و نابینایان، پس هیچ وقت زمین از حجت خالی نمی ماند، همواره کسی هست که بر صدق دعوی رسول و وجوب عدالت خدا دلالت کند) (۲) توحید صدوق ص ۲۴۹ و احتیاج طبرسی ص ۷۷ و اصول کافی ج ۱ ص ۱۶۸ و المیزان ج ۲.۲.

۱- . نور الثقلین ج ۱، ص ۲۰۸ و مجمع البیان ج ۲، ص ۳۰۷ و مقتنیات الدرر ج ۲ ص ۵۰ و نیز المیزان ج ۲.

۲- . توحید صدوق ص ۲۴۹ و احتیاج طبرسی ص ۷۷ و اصول کافی ج ۱ ص ۱۶۸ و المیزان ج ۲.

۲۸- (هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الاـمِّیِّینَ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الکِتَابَ وَالحِکْمَهَ) (۱) (اوست خدایی که میان عرب امِی پیغمبری بزرگوار از همان مردم بر انگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا را تلاوت کند و آنها را از لوح جهل و اخلاق زشت پاک سازد و شریعت کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد).

۲۹- (رَبَّنَا وَابْعَثْ فِیهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِکَ وَیُعَلِّمُهُمُ الکِتَابَ وَالحِکْمَهَ وَیُزَکِّیهِمْ)(۲). (پروردگار ما در میان آنان رسولی از خودشان بر انگیز تا آیات تو را بر آنان تلاوت کند و کتاب و حکمت بیاموزد و تزکیه شان کند). رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمودند: (من دعای ابراهیم هستم) (۳) ۳۰- (کَمَا أرْسَلْنَا فِیکُمْ رَسُولًا مِنْکُمْ یَتْلُو عَلَیْکُمْ آیَاتِنَا وَیُزَکِّیکُمْ وَیُعَلِّمُکُمُ الکِتَابَ وَالحِکْمَهَ) (۴) (همانطور که رسولی در میان شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و تز کیه تان کند و کتاب و حکمت تان بیاموزد).

آیات فوق نشان می دهند آنگونه که حامیان پلورالیسم می گویند دین صامت نیست، تعالیمی روشن و سازنده دارد که توسط فرستاده خدا بر مردم ابلاغ می شود. دین با رفتار و اعمال باورها و نگرشهای انسانها در جهت خدا پرستی سرو کار دارد.

همچنانکه پیش تر گفته شد ارسال رسل بدون وجود تعالیمی در جهت اصلاح امور مردم در جهت خداپرستی ممکن نیست. توحید و خداپرستی هم بعد نظری دارد هم بعد علمی (توحید افعالی). در این آیات نیز تزکیه نفس از پلیدی ها از جمله شرک و کفر و رذائل اخلاقی و تلاوت آیات قرآن و تعلیم حکمت (کلامی که باطل و و کذبی که در آن نباشد، در صداقت ۱.

۱- . جمعه آیه ۲.

۲- . بقره آیه ۱۲۹.

۳- . المیزان ج ۲.

۴- . بقره آیه ۱۵۱.

محکم باشـد) از جمله رسالت رسولان عنوان شـده است. مولای متقیان حضـرت علی علیه السـلام در وصف پیامبران و رسالت آنها می فرمایند:

(خداونـد هرگز بنـدگان خود را از پیـامبران رسل و کتب آسـمانی و یا دلیلی قاطع و یا راهی صاف و مسـتقیم خالی نگـذارده، پیـامبرانی که بـا کمی نفراتشـان و فراوانی دشـمنان و تکـذیب کننـدگان هرگز در انجـام وظـایف خود کوتـاهی نمی کردنـد، پیامبرانی که بعضـی بشارت به ظهور پیغمبر آینده دارند و بعضـی به خاطر پیامبر پیشـین شـناخته شده بودند. عصـر بعثت محمد صلی الله علیه و آله، به همین حال قرنها گذشت و روزگاران سپری شد، پدران در گذشتند و فرزندان جانشین آنها گردیدند تا اینکه خداونـد سـبحان برای وفای به عهـد خود و کامل گردانیـدن نبوت محمـد صـلی الله علیه و آله، رسول خویش را مبعوث ساخت، کسی که از همه پیامبران برای بشارت به آمدنش پیمان گرفته شده بود، نشانه هایش مشهور و میلادش پسندیده بود.

در آن روز (که او قدم به جهان گذارد)، مردم زمین دارای مذاهب پراکنده و خواسـته های ضد و نقیض و جمعیتهایی متشـتت بودنـد. عـده ای را خدا هدایت نمود و با موقعیت خود آنان را از جهالت نجات بخشـید. سـپس خدای سـبحان بقای خویش را برای محمد صلی الله علیه و آله اختیار کرد و آنچه را نزد خود داشت برای او پسندید و او را با انتقال از دنیا گرامی داشت و از گرفتاری با مشـکلات نجات داد، وی را در نهایت احترام قبض روح کرد و به سوی خویش فرا خواند او هم آنچه را که انبیای پیشـین برای امّت خود گـذارده بودنـد در میان امت خویش به جای گـذاشت (کتاب خـدا و اوصـیای خویش را میان آنها قرار داد)، زیرا آنها هرگز امّت خود را مهمل و بی سـرپرست رها نساختند و بدون اینکه راهی روشن و دانشـی پایدار به آنها بدهند از میان آنها بیرون نرفتند. قرآن و احکام دینی، هم اکنون کتاب پروردگار شـما در میان شـماست، حلال و حرام اش آشـکار و فریضه هـا و مسـتحبات و ناسـخ ومنسوخ و مبـاح و ممنوع، خـاص وعـام، پنـدها و مثلهـا، مطلق هـا و محـدود هـا، محکمـات و متشابهـاتش همه معلوم است. مجملات آن به برکت محکمـات و آیـات روشن تفسـیر شـده نکات پیچیـده آن (در پرتو آیات دیگر) واضـح است وآنچه را که پیمان معرفت آن از همه گرفته شـده معلوم است و نیز آنچه بنـدگان موظف به آگاهی از آن نیسـتند. (ماننـد کنیه ذات خـدا) آشـکار است قسـمتی از احکام در کتاب خـدا (برای مـدتی محدود) الزام شده و ناسخ آن در سنت پیامبر آمده و بعضی در سنّت واجب شده در

حالیکه قبلا در کتاب خدا (برای مدت محدودی) ترک آن مجاز بوده و بعضی در اوقات معینی است و بعضی وجوب آن در آینده از بین رفته است، محرمات آن از هم جداست، یک قسمت گناه کبیره است که کیفرش را آتش قرار داده و قسمتی صغیره است که غفران اش را برای آن مهیا ساخته و برخی انجام کم اش مقبول و مراحل کتاب پروردگار شما است حلال و حرام اش آشکار (۱).

۳۱- (تَبَارَکَ الَّذِی نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَی عَبْدِهِ لِیَکُونَ لِلْعَالَمِینَ نَذِیراً) (۲) (خجسته باد خدایی که فرقان را بر بنده اش نازل نمود تا انذارگر جهانیان باشد).

۳۲- (نزلنا علیك الکتاب مبینا لکل شیئی) (۳) (قرآن را بر تو نازل کردیم که روشنگر (بیان کننده) هر چیزی است).

۳۳- (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِی کُلِّ امَّةٍ رَسُولًا أنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ) (۴) (هر آینه در هر امّتی پیامبری را برانگیختم تا آنان را به پرستش خدا و دوری از طاغوت دعوت کند)

آیه بعدی نیز با کلمه جَعَلنا، قرار دادن پیشوا و امام، توسط خدا را اثبات می کند، یعنی پیشوایی تصادفی و تابع نظر مردم و یا قرار داد اجتماعی نبوده است.

۳۴- (وَجَعَلْنَاهُمْ أئِمَّةً یَهْدُونَ بِأمْرِنَا وَأوْحَیْنَا إلَیْهِمْ فِعْلَ الخَیْرَاتِ وَإقَامَ الصَّلاهِ وَإ یتَاءَ الزَّکَاهِ) (۵) (و آنان را (فرزندان ابراهیم علیه السلام و اسحق و یعقوب) را پیشوای مردم ساختیم تا خلق را بر امر ما هدایت کنند و هر کار نیکو را بخصوص اقامه نماز و ادای زکات را بر آنها وحی کردیم).

همانگونه که پیشتر ذکر شد امّه یعنی جماعتی که قصد حرکت دارند این معنا با (یهدون بامرنا) سازگار است، امّتی که به وسیله امامی از طرف خدا به امر خدا (هدف از پیش تعیین ۰.

۱- . نهج البلاغه.

۲- . فرقان آیه ۱.

۳- . نحل آیه ۸۹.

۴- . نحل آیه ۳۶.

۵- . انبیاء آیه ۷۰.

شده) هدایت می شود. هدایت کردن امّت، حرکتی بسوی رشد و تعالی در جهت اهداف الهی در مردم ایجاد می کند.

۳۵- (یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَلاَ تُبْطِلُوا أَعْمَالَکُمْ) (۱) (ای کسانی که ایمان آوردید خدا را و پیامبر را اطاعت کنید و اعمالتان را باطل نکنید)

در کتاب ثواب الاعمال از ابی جعفر علیه السلام نقل شده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بگوید (سبحان الله) خداوند با آن برایش درختی در بهشت می نشاند و هر کس بگوید (الحمدالله) خداوند با آن برایش درختی در بهشت غرس می کند و هرکس بگوید (لا اله الا الله) خدای تعالی برایش درختی در بهشت می نشاند و هر کس بگوید (الله اکبر) خداوند با آن درختی در بهشت برایش می کارد. مردی از قریش گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله پس در بهشت درختان زیادی داریم. فرمود: بله ولیکن بپرهیزید از اینکه آتشی بفرستید و همه را بسوزانید، چون خدای عزوجل می فرماید:

(یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَلاَ تُبْطِلُوا أَعْمَالَکُمْ). این آیه شرط قبولی اعمال مسلمانان را اطاعت از خدا و اطاعت از رسول اعلام می کند. اطاعت از خدا یعنی اطاعت احکام ثابت و او امر خدا و اطاعت از رسول اطاعت از دستورات رسول در اموری که زعامت آن از طرف خدا به عهده وی گذاشته شده است.

۳۶- (یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَاوْلِی الأَمْرِ مِنْکُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ کُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالیَوْمِ الآخِرِ ذَلِکَ خَیْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِیلًا) (۲) ای کسانی که ایمان آوردید خدا را اطاعت کنید و رسول و کارداران خدا و رسول معیار ولایت آنان را و چون در چیزی کارتان به گفتگو و نزاع کشد به حکم خدا و رسول باز گردید و اگر به خدا وروز قیامت ایمان دارید این کار (رجوع به حکم خدا و رسول) برای شما از هرچه تصور کنید بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود.

مولای متقیان در ارجاع مشکلات به خدا و رسول می فرمایند: (مشکلاتی که در احکام ۹.

۱- . سوره محمد صلی الله علیه و آله آیه ۳۳.

۲- . سوره نساء آیه ۵۹.

برایت پیش می آید و اموری که بر تو مشتبه می شود به خدا و پیامبرش ارجاع ده چرا که خداوند بزرگ به گروهی که علاقه داشته ارشادشان کند فرموده: ای کسانیکه ایمان آوردید اطاعت خداوند کنید و اطاعت پیامبرش اولوالامری که از خود شماست و اگر در چیزی نزاع کردید آنرا به خدا ورسولش باز گردانید. باز گرداندن چیزی به خدا متمسک شدن بقرآن کریم ویافتن دستور از آیات محکم آن است و باز گرداندن به پیامبر صلی الله علیه و آله همان تمسک به سنّت قطعی مورد اتفاق آن حضرت است. (۱)

در کتاب توحید از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده است که فرمودند: امیرالمومنین علیه السلام فرمودند خدا را به خدا ورسول را از رسالت و اولی الامر را از امر به معروف و عدل و احسان بشناسید. ارجاع دادن اختلاف به خدا این است که کتاب اش را حاکم قرار دهیم و ارجاع اختلافات به پیامبرش به این است که به سنّت اش متمسک گردیم. هرگاه به راستی کتاب خدا به داوری طلبیده شود ما سزاوار ترین مردم به آن هستیم (و به حکم قرآن از همه شایسته تر برای خلافتیم) و اگر سِنت پیامبر حَکَم گردد ما سزاوارترین و برترین آنها به سنت او هستیم (بنابر این در هر حال حق با اوست).

در تفسیر علی ابن ابراهیم از ابی عبدالله علیه السلام نقل شده است که فرمودند: پس اگر در چیزی اختلاف پیدا کردید آن را به خدا ورسول و اولی الامر ارجاع دهید (۲).

امامِیه از حضرت باقر و صادق علیهما السلام روایت کردند که همانا اولی الامر امام هایی از آل محمد علیهم السلام است که خداوند اطاعت از ایشان را به طور مطلق واجب کرده است همچنانکه اطاعت از خداوند و اطاعت رسول را واجب کرد و جایز نیست اینکه خداوند اطاعت کسی را بطور مطلق واجب بکند مگر اینکه عصمت او ثابت شود ..... و این صفت ائمه هدی از آل محمد است، کسانیکه امامت شان و عصمت شان ثابت شده است و امّت بر عُلوّ درجاتشان اتفاق نظر دارند (۳).

علی ابن ابراهیم در تفسیرش که منصوب به امام صادق علیه السلام است میگوید: فرمود: ۳.

۱- . نهج البلاغه، فرمان مالک اشتر.

۲- . نورالثقلین.

۳- . تفسیر مقتنیات الدرر ج ۳، ص ۱۲۳.

(النَّبِيّن رسول خدا صلی الله علیه و آله است و صّدیقان علی علیه السلام و شهیدان حسن وحسین و صالحان ائمه علیه السلام می باشند ونیکو رفیقان قائم از آل محمد صلی الله علیه و آله است)

۳۷- (وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (۱).

از حکم خدا و رسول او فرمان برید که مشمول رحمت ولطف خدا شوید.

خدا هر چه شما را امر کرد و از هر چه شما را نهی کرد اطاعت کنید و در سنّت از رسول پیروی کنید.

علّامه طبا طبایی رحمه الله در ذیل آیه ۵۹ سوره نساء می فرماید: جای هیچ تردیدی نیست که آیه (وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ) جمله ای است که به عنوان زمینه چینی برای مطلب بعدی (فان تنازعتم ..). آورده شده وآن اینکه دستور دهد مردم در هنگام بروز نزاع به خدا ورسول او مراجعه کنند.

جای هیچ تردیدی نیست که خدای تعالی از این دستور که مردم اورا اطاعت کنند منظوری جز این ندارد که ما او را در آنچه از طریق پیامبر عزیزش به سوی ما وحی کرده است اطاعت کنیم و معارف و شرایع اش را به کار بندیم. رسول گرامی اش دو جنبه دارد. یکی جنبه تشریع، بدانچه پروردگارش از غیر طریق قرآن به او وحی فرموده، یعنی همان جزئیات و تفاصیل احکام که آن جناب برای کلیات و مجملات کتاب و متعلقات آنها تشریح کردند، خدای تعالی در این باره فرموده: (وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ). ما کلیات احکام رابه تو نازل کردیم تا تو برای مردم جزئیات آنها را بیان کنی (۲).

دوم، یک دسته دیگر از احکام و آرایی است که آن جناب به مقتضای ولایتی که بر مردم داشتند صادر می کردند و خدای تعالی در این باره فرموده: (لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ) (۳) (تا در بین مردم به آنچه خدای تعالی به فکرت می اندازد حکم کنی). این همان رأیی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن بر ظواهر قوانین قضا در بین مردم حکم می کرد و همچنین آن رأیی است که در امور مهم به کار می بست و خدای تعالی به وی دستور داده بود که وقتی می خواهد ۵.

۱- . آل عمران آیه ۱۳۲.

۲- . نحل، آیه ۴۴.

۳- . نساء، آیه ۱۰۵.

آن رأی را به کار برند قبلا مشورت بکند و فرموده:

(وَشَاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ) (۱) (با مردم در هر امری که می خواهی در باره آن تصمیم بگیری نخست مشورت کن همین که تصمیم گرفتی بر خدا توکّل کن). ملاحظه می فرمائید که مردم را در مشورت شرکت داده ولی در تصمیم گرفتن شرکت نداده و تصمیم خود آن جناب (به تنهایی) را معتبر شمرده است. ((۲))

۳۸- (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الإِسْلامَ دِيناً) (۳) (امروز است که دین شما را تکمیل کردم و نعمت خود را به شما تمام نمودم و امروز است که دین اسلام را برای شما پسندیدم).

در کتاب مناقب الفاخره، تالیف سید رضی رحمه الله از محمدبن اسحاق از ابی جعفر از پدرش از جدّش روایت شده است که گفت بعد از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله از کار حجهالوداع فارغ شد در مراجعت در سرزمینی که آن را ضو جان می گفتند پیاده شد و در آنجا بود که آیه شریفه (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا انزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) نازل شد، همین که مصونیت اش از شرو دشمنی مردم نازل شد ندا در داد که: الصلوه جامعه- مردم برای نماز جمع شوید- مردم همه گردش جمع شدند، آنگاه فرمود: چه کسی نسبت به شما اختیاردارتر از خود شما هست؟ صدای گریه از همه جا برخواست و گفتند: خدا و رسول اش پس آنگاه دست علی بن ابیطالب را گرفت و فرمود: هر کس که من مولای او بودم علی مولای اوست، بارالها دوست بدار هرکس که او را یاری کند، و بی یاور بگذار کسی را که از یاری او دریغ نماید، برای اینکه او از من است و من از اویم، و نسبت به من به منزله هارون است نسبت به موسی، با این تفاوت که بعد از من پیغمبری نخواهد بود، و این- یعنی ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام- آخرین فریضه ای بود که خدای تعالی بر امت محمد صلی الله علیه و آله واجب کرده و بعد از انجام این جریان بوده که خدای عزوجل این آیه را نازل کرد: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الإِسْلامَ دِيناً) ۱۱۰ راوی شیعه از معصوم و اصحاب ۱.

۱- . آل عمران آیه ۱۵۹.

۲- . المیزان، ج ۵، ص ۶۱۹.

۳- . امینی، الغدیر، ج ۱.

حدیث ولایت را نقل کرده اند همچنین ۸۴ نفر از تابعین نیز این حـدیث را نقل کرده اند. علاوه براین احادیث از علماء محقق از قرن دوم هجری ۵۶ نفر دوم و قرن سوم ۹۲ نفر و در قرن چهارم ۴۲ نفر و در قرن پنجم ۲۳ نفر از علماء و قرن ششم ۱۵ نفر ودر قرن دهـم ۱۳ نفر و در قرن یـازدهم ۱۱ نفر وقرن دوازدهـم ۱۲ نفر و در قرن سـیزدهم ۱۱ نفر و در قرن چهـاردهم ۱۸ نفر حدیث غدیر را نقل کرده اند که اسامی همه راویان در کتاب الغدیر آمده است (۱).

در حـدیث ثقلین رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: این حدیث شـریف ار اخبار متواتری است که شـیعه و سـنی در نقل و روایت آن اتفـاق نظر دارنـد و بعضـی از علمـاء عـدد راویان آن را از میان صـحابه تاسـی و پنـج راوی- چه زنان و چه مردان- رسانده و جمعیت کثیری را از راویان و اهل حدیث آن را روایت کرده اند. (۲) حضرت رضا علیه السلام در مورد عترت پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند:

(عترت پیـامبر صـلی الله علیه و آله آگـاه ترین مردم به قرآن و سـنّت و در قضاوت و داوری عادل ترین، و در هر زمان و عصـر برای امامت شایسته ترین مردم هستند، آنان ریسمان محکم و مطمئن و پیشوای هدایت اند (۳)).

مولای متقیان علی علیه السلام در کلام ۱۱۸ در مورد عترت می فرمایند:

(چرا سـر گردان هستیـد در حـالی که عترت پیامبران تان در میان شـماست، آنها زمام های حق انـد و پرچم های دین و زبانهای صدق، آنها را در بهترین جایی که قرآن را در آن حفظ می کنید جای دهید (در دلها و قلوب پاک) و همچون تشـنگانی برای سیراب شدن به سـر چشـمه زلال آنان هجوم آورید. ای مردم این حقیقت را از خاتم انبیاء صـلی الله علیه و آله بیاموزید که هر کس از ما می میرد در حقیقت نمرده است و چیزی از ما کهنه نمی شود پس آنچه نمی دانید مگویید که بسـیاری از حقایق در اموری است که انکار می کنید).

۳۹- (لَقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ اسْوَهٌ حَسَنَهٌ) (۴) ۱.

۱- . امینی، الغدیر، ج ۱.

۲- . الاحتجاج ج ۱ ص ۲۲۹ مطبعه النعمان نجف.

۳- . تحف العقول ص ۴۸۷.

۴- . احزاب آیه ۲۱.

هر آینه شما در مورد رسول خدا اسوه و الگویی نیکو دارید.

یکی از احکام رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله این است که هم در گفتار و هم در رفتار به او تأسی کنیم. این اسوه بودن منحصر در رسول الله است.

در کتاب خصال از ابوذر نقل شده است که فرمود: (علی علیه السلام در مسجد بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد و کنار اونشست پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بر تو باد تلاوت کتاب خدا و ذکر زیاد خدا پس همانا (ذکر زیاد) در آسمان برای تو ذکری است و نوری است در زمین (۱)).

بعد از بیان وجوب اطاعت از رسول خدا، این آیه اسوه و الگویی برای مسلمانان معرفی می نماید تا در زندگی خود به روش و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله تأسی جویند، زیرا رسولی از جنس خودشان هست و می توانند او را سرمشق و الگوی خود قرار دهند.

ملاک داوری در قرآن

در این آیات نحوه داوری بین مردم بیان شده است. داوری بر اساس حکم خدا و رسول و پیامبران پیشین، نه بر اساس خواست اکثریت مردم و قرار داد اجتماعی که در دموکراسی و لیبرالیسم بی هیچ قید و شرطی خواسته ها و اراده های اشخاص باید صورت قانون به خود گرفته و ملاک قضاوت قرار گیرد. هر چند این خواسته هاضد اخلاقی وضد دینی باشند.

خداوند میزان وملاک داوری در بین مردم رادر کتاب خدا معرفی می نماید.

۴۰- (يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاکَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْکُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّکَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ) (۲) (ای داوود ما تو را جانشین خود در زمین کردیم پس بین مردم به حق داوری کن و به دنبال هوای نفس مرو که از را خدابه بیراهه می کشد).

در نورالثقلین روایتی نقل شده است که عمار ساباتی گفت: (به ابی عبدالله علیه السلام گفتم منزلت ائمه چیست؟ فرمود، مانند منزلت ذی القرنین و یوشع و آصف صاحب سلیمان است. گفتم ۶.

۱- . نورالثقلین ج ۴ ص ۲۵۵.

۲- . سوره ص، آیه ۲۶.

چگونه حکم می کنید؟ فرمود: به حکم خدا و حکم داوود و حکم محمد و روح القدس به این، حکم را به ماالقاء می کند.((۱))

(همچنین در کتاب خصال از جابربن حیان عبدالله نقل شده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود همانا ترسناک ترین چیزی که می ترسم بر امتّم هوای نفس و طولانی بودن آرزوست اما هوای نفس راه حق رامی بندد و امّا طولانی بودن آرزو (در نتیجه) و آخرت را فراموش می کند. (۲))

۴۱- (وَأنزَلْنا إلَيْکَ الکِتَابَ بِالحَقِّ مُصَدِّقاً لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الکِتَابِ وَمُهَيْمِناً عَلَيْهِ فَاحْکُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أنزَلَ اللَّهُ وَلا تَتَّبِعْ أهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَکَ مِنَ الحَقِّ لِکُلٍّ جَعَلْنَا مِنْکُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجاً وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَکُمْ امَّةً وَاحِدَةً وَلَکِنْ لِيَبْلُوَکُمْ فِي مَا آتَاکُمْ فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ إلَى اللَّهِ مَرْجِعُکُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُکُمْ بِمَا کُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ) (۳).

(این کتاب را هم که به حق برتو نازل کرده ایم مصّدق باقیمانده از کتابهای قبلی و مسلّط بر حفظ آنهاست پس در بین مسلمانان طبق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و پیروی هوا و هوس آنان تو را از دین حقی که نزدت آمده باز ندارد، برای هر ملتی از شما انسانها، شریعتی قرار دادیم و اگر خدا می خواست همه شما را امتّی واحد می کرد و لیکن خواست تا شما امّت را با دینی که برای هر فرد فردتان فرستاده بیازماید بنابراین بسوی خیرات از همدیگر سبقت بگیرید، که بازگشت همه شما به سوی خداست، در آن هنگامه، شما را بدانچه در آن اختلاف می کردید خبر می دهد).

در تفسیر قمی در ذیل آیه شریفه (لِکُلٍّ جَعَلْنَا مِنْکُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجاً) از قول امام علیه السلام گفت:

یعنی برای هر پیغمبری شریعتی و طریقه ای است. (۴) در آیه بعدی همین سوره حکم بر اساس کتاب خدا و پرهیز نمودن از تبعیت از هواها و خواسته های مردم را تکرار می فرماید:

۴۲- (وَأنِ احْکُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أنزَلَ اللَّهُ وَلا تَتَّبِعْ أهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أنْ يَفْتِنُوکَ عَنْ بَعْضِ مَا م.

۱- . نورالثقلین ج ۴ ص ۴۵.

۲- . مأخذ قبلی، همان صفحه.

۳- . سوره مائده آیه ۴۸.

۴- . تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۶۹- ۱۷۰ و نیز نورالثقلین ج ۱ ص ۶۳۸. رجوع شود به بحث صراطهای مستقیم.

أنزَلَ اللَّهُ إلَيْکَ فَإنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أ نَّمَا يُرِيـدُ اللَّهُ أنْ يُصِـيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإنَّ کَثِيراً مِنَ النَّاسِ لَفَاسِـقُونَ) (۱) (در بين مسلمانان بدانچه خدا نازل کرده حکم کن، واز هوا وهوس آنان پيروی مکن وبترس از اينکه نسبت به بعضـی از احکامی که نازل شده، غافل و دچار فتنه ات سازنـد و اگر از قبول دعوت ات اعراض می کننـد بايـد بدانی که علتش اين است که قبلا گناهانی کرده بوده اند، و خدا می خواهد اثر بعضـی از آن گناهان رابه ايشان برساند- و آن همين است که حق را نپذيرند- آری بسياری از مردم عصيانگرند).

۴۳- (وَمَنْ لَمْ يَحْکُمْ بِمَا أنزَلَ اللَّهُ فَاوْلَئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ) (۲).

۴۴- (وَمَنْ لَمْ يَحْکُمْ بِمَا أنزَلَ اللَّهُ فَاوْلَئِکَ هُمُ الکَافِرُونَ) (۳).

۴۵- (وَمَنْ لَمْ يَحْکُمْ بِمَا أنزَلَ اللَّهُ فَاوْلَئِکَ هُمُ الفَاسِقُونَ)(۴).

اين آيات برای کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند ظلم و کفر و فسق (خارج شدن چيزی از جايگاه اصلی اش) را ثابت می کند.

علامه طبا طبائی رحمه الله در ذيل اين آيات در معنای کفر و فسق و ظلم می فرماينـد: (مخالفت حکم شـرعی و يا هر امری که در دين خـدا ثابت شـده باشد، در صورتی که انسان علم به ثبوت آن دارد و آن را رد نمی کند بلکه تنها در عمل مخالفت می کنـد کافر نمی شود بلکه تنها باعث فسق می شود، برای اينکه در امر آن قصور کرده، و در صورتی که علم به ثبوت آن ندارد نه رد آن بـاعث کفر و نه مخـالفت آن بـاعث فسق می شود، چون در اين صورت قصورش معـذور است مگر آنکه در پاره ای مقدمات آن تقصير کرده باشد مثلا، با وجود توان کسب علم به وظايف دنبال علم نرفته باشد.

موضع قرآن در پيروی از رأی اکثريت و هوای نفس

موضع قرآن در پيروی از رأی اکثريت و هوای نفس ۷.

۱- . مائده آيه ۴۹.

۲- . مائده آيه ۴۵.

۳- . مائده آيه ۴۴.

۴- . مائده آيه ۴۷.

۴۶- (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا) (۱) (و همگی به وسیله حبل خدا خویشتن را حفظ کنید و متفرق نشوید).

در تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: (حبل الله که خدای تعالی مردم را امر فرموده که به آن تمسک کنند و فرموده (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا) آل محمد علیهم السلام اند. ((۲))

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است از معصوم علیه السلام در معنای (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً) فرمودند توحید و ولایت .(۳)

و نیز در درّ المنثور آمده است که از (ابن ماجه، و ابن جریر و ابن حاتم، از انس روایت کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنی اسرائیل هفتاد و یک گروه شدند و به زودی امّت من به هفتاد و دو دسته متفرق خواهد شد که همه آنان در آتش اند، به جز یک فرقه، اصحاب پرسیدند: آن یک فرقه کدام است؟ فرمود: جماعت است، آنگاه این آیه را تلاوه فرمود:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً) (۴)

. این روایت نیز از احادیث مشهور است.

۴۷- (وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّاالظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ) (۵).

(و اگر اکثر مردم روی زمین را اطاعت کنی تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد که جز گمان را پیروی نمی کنند و جز تخمین نمی زنند.)

(معنای آیه چنین می شود که، بیشتر اهل زمین از آنجا که پیرو حدس و تخمین هستند نباید ایشان را در آنچه بدان دعوت می نمایند و طرقی که برای خداپرستی پیشنهاد می کنند اطاعت نمود، برای اینکه حدس و تخمین آمیخته با جهل و عدم اطمینان است و عبودیت با جهل به مقام ربوبی سازگار نیست. ((۶)) ۷.

۱- . آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲- . تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۹۴.

۳- . نورالثقلین ج ۱، ص ۳۷۷.

۴- . الدر المنثور ج ۲ ص ۶۰- ۶۱.

۵- . انعام، آیه ۱۱۶.

۶- . المیزان ج ۷.

عقل نیز به همین معنا حکم می کند همچنانکه در آیه شریفه می فرماید (وَلا تَقْفُ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ) چیزی را که به آن علم (یقین) نداری پیروی مکن. (۱)) زیرا امیال و آرزوها وطبیعت انسان عقل را اغفال می کند. آیات ذیل نیز بدان اشاره دارند:

۴۸- (وَإِنَّ كَثِيراً لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ) (۲).

بسیاری به هوای نفس خود از روی جهل و نادانی به گمراهی می روند.

خداوند در آیه ای دیگر به حضرت داوود سبب گمراهی را پیروی از هوای نفس اعلام می دارد:

۴۹- (وَلا تَتَّبِعِ الهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ) (۳) هرگز هوای نفس خود را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه می سازد.

بنابراین آیات نظر و خواست هر نوع عقلی را نمی توان پیروی نمود.

ولایت و امر به معروف و نهی از منکر

۵۰- (كُنْتُمْ خَيْرَ امَّةٍ اخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ المُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ) (۴) (شما از ازل بهترین امّتی بودید که برای مردم پدید آمدید، چون امر به معروف ونهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید).

(در مجمع البیان و تفسیر عیاشی در ذیل این آیه از ابی عمروز بیری از امام صادق علیه السلام روایت آمده که فرمود:

(یعنی امّتی که دعای ابراهیم در حق شان مستجاب شده، اینان امّتی هستند که انبیاء در میان آنها و از خود آنها و به سوی آنها مبعوث می شدند، و آنان امّت وسطی هستند (كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ ۰.

۱- . اسراء آیه ۳۹.

۲- . انعام، آیه ۱۱۹.

۳- . ص آیه ۲۶.

۴- . آل عمران، آیه ۱۱۰.

امَّهَ وَسَطاً) و هم آنانند بهترین امّتی که برای مردم (و هدایت آنان) برانگیخته شدند. ((۱))

(در المنثور ابن حـاتم از ابی جعفر علیه السـلام روایت کرده است که در معنـای (کُنْتُمْ خَیْرَ امَّهٍ اخْرِجَتْ لِلنَّاسِ) فرمود منظور از بهترین امّت، اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

و نیز در همین کتـاب از علی علیه السـلام روایت شـده است که فرمود: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: به من چیزهایی داده اند که به احدی از انبیاء نداده اند، یکی اینکه وحشتی از من، در دل دشمنان انداخته اند و به این وسیله یاری ام کرده اند، و یکی دیگر اینکه، کلیـدهای زمین را در اختیارم نهاده انـد. و دیگر اینکه احمدم نام نهادند و خاک را برایم مایه طهارت قرار دادند و امت ام را بهترین امت کردند. ((۲))

امام خمینی رحمه الله درباره قلمرو معروف و منکر می فرماید:

(آنچه عقلًا یا شـرعاً واجب است امر به آن واجب است و آنچه که عقلًا زشت است و شرعاً حرام است، نهی از آن واجب است و آنچه مستحب است امر به آن مستحب و آنچه مکروه است نهی از آن مستحب می باشد. ((۳))

بهترین ملاکهای شناخت معروف و منکر به شرح زیر است:

۱- شرع مقدس

۲- عقل سلیم

۳- فطرت پاک

امر به معروف و نهی از منکر آثاری در بعد فردی و اجتماعی و اخروی دارد.

از جملـه آثـار اجتمـاعی امر بـه معروف و نهی از منکر اجرای احکـام اسـلامی، عـدالت اجتمـاعی، سازنـدگی، اسـتواری نظـام اسـلامی، امنیت، خیر و سـلامتی، قدرتمندی مؤمنان، تضـعیف جبهه نفاق، پاکیزگی کسب و کار و مصـلحت عمومی جامعه را می توان نام برد (۴).

دو فریضـه امر بـه معروف و نهی از منکر بر همـه مسـلمانان واجب بـوده و حیطـه آن محـدودیتی نداشـته و شامـل همه مسائل اعتقادی و فرهنگی و سیاسی می شود و وسیله ای مؤثر در اعمال نظارت همگانی و اصلاحات لازم هست. ه.

۱- . مجمع البیان ذیل آیه ۱۱ آل عمران و بقره ۱۴۳ وتفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۹۵ و المیزان ج ۳ ذیل همین آیه.

۲- . در المنثور ج ۲ ص ۶۴.

۳- . تحریر الوسیله ج ۲ ص ۴۶۳.

۴- . برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به جزوه امر به معروف و نهی از منکر مرکز تحقیقات اسلامی سپاه.

۵۱- (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ امَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الخَيْرِ وَيَأمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ المُنْكَرِ وَاوْلَئِكَ هُمْ المُفْلِحُونَ) (۱) (باید از میان شما طائفه ای باشند که مردم را به سوی خیر دعوت نموده، امر به معروف ونهی از منکر کنند واین طائفه همانا رستگارانند.)

عبارت و لتکن منکم امهٌ اشاره به متخصصین این امر دارد. دین خیر ومعروف و شّر منکر است.

امر به معروف ونهی از منکر خود یک اصل عبادی، سیاسی، اجتماعی واخلاقی است واصل مسئولیت استقرار حکومت اسلامی، جهاد در راه حفظ استقلال امّت و سرزمینهای اسلامی هم اساسا براصل امر به معروف ونهی از منکر استوار می باشد.

این آیه بروجوب امر به معروف ونهی از منکر دلالت دارد.

امام خمینی رحمه الله در مسئله ۴۳۴ تحریر الوسیله در حکم سکوت در موارد مهم می فرمایند:

(اگر در سکوت علمای دین وپیشوایان مذهب، ترس این باشد که معروف به منکر و منکر معروف شود، برایشان واجب است علم خود را آشکار نمایند، وسکوت جایز نیست هرچند بدانند انکار آنان در جلوگیری از فاعل مؤثر نیست، واگر موضوع از اموری است که شارع به آن اهمیت فراوان می دهد، توجه به زیان و تنگنا نمی شود).

(لا- تَترکُوا الامر بِالمَعرُوفِ وَ النَّهیِ عَنِ المُنْکَرِ فَیُولی عَلَیْکُمْ اشْرارکُم) (۲) امر بـه معروف ونهی از منکر را ترک نکنید که تبهکاران بر شما چیره می گردند.

همچنین امام باقر علیه السلام در ضرورت انجام امر به معروف و نهی از منکر می فرمایند ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء فریضه عظیمه، بها تقام الفرایض و تامن المذاهب وتحل المکاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ینتصف من الاعداء و یستقیم الامر. (۳) (امر به معروف ونهی از منکر را پیامبران و روش صالحان است. فریضه بزرگی است که ۵.

۱- . آل عمران آیه ۱۰۴.

۲- . نهج البلاغه فیض السلام، نامه ۴.

۳- . وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵.

بسبب آن فرائض بر پا، راهها امن، کسبها حلال، مظالم (صاحبانشان) بازگردانده، زمین آباد، حق دشمنان گرفته میشود و امر (حکومت) تحکیم می یابد.) امام خمینی رحمه الله در امر به معروف و نهی از منکر بذل جان و مال را نیز برای حفظ عقاید مسلمانان یا حفظ احکام ضروریه اسلام واجب می دانند.

(اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس به آن اهمیت زیاد می دهد مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقاید مسلمانان یا احکام ضروریّه، باید ملاحظه شود، و مجرد ضرر، موجب واجب نبودن نمی شود، پس اگر توقف داشته باشد حفظ عقاید مسلمانان یا حفظ احکام ضروریّه اسلام بر بذل جان و مال واجب است بذل آن (۱))

و همچنین امر به معروف و نهی از منکر در بدعت گذاری در اسلام می فرمایند:

(اگر بدعتی در اسلام واقع شود مثل منکراتی که دولتهای جائر انجام می دهند به اسم دین مبین اسلام واجب است خصوصا بر علماءاسلام اظهار حق و انکار باطل، و اگر سکوت علماء اعلام موجب هتك مقام علم و موجب اسائه ظن به علماء اسلام شود واجب است اظهار حق به هر نحوی که ممکن است اگر چه که بدانند تاثیر نمی کند. (۲))

ولایت مؤمنان بر یکدیگر

۵۲- (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ المُنكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ) (۳) مردان و زنان مومن بعضی از ایشان اولیاء بعض دیگرند امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و نماز به پا می دارند و زکات می پردازند و خدا و رسول اش را اطاعت می کنند.

لازمه امر به معروف و نهی از منکر، قیام بندگان به وظیفه عبودیت و خضوع نسبت به پروردگار یعنی نماز و قیام به وظیفه دستگیری از فقرا یعنی زکات الهی و نیز اطاعت خداوند و زنده شدن همه دستورهای دینی است. ۱.

۱- . توضیح المسائل مسئله ۲۷۹۲.

۲- . توضیح المسائل مسئله ۲۷۹۳.

۳- . توبه، آیه ۷۱.

در این آیه ولایت داشتن مؤمنان بر یکدیگر ثابت می شود.

ترتیب عبارت در آیه فوق نکته ظریفی را می رساند و آن اینکه دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، از ایمان به خدا و اقامه نماز و اداء زکات و اطاعت خدا و رسول او اولی تر است وبیانگراین است که این دو واجب، ضامن گسترش و اجرای موارد مذکور در جامعه است.

حجاب و روابط زن و مرد در قرآن

۵۳- (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ) (۱) (به مردان بگو دیدگان خویش را از نگاه به زنان اجنبی باز گیرند و فرجهای خویش را نگهدارند این برای ایشان پاکیزه تر است.)

۵۴- (وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّامَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّالِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ ...) (۲) (و به زنان مومن بگو دیدگان خویش را از نگاه به مردان اجنبی فرو ببندند و فرجهای خویش را حفظ کنند و زینت خویش را جز آنچه آشکار است آشکار نسازند و باید روپوش هایشان را به گریبان ها کنند و زینت خویش را نمایان نکنند و ...)

(در کتاب کافی از بعضی از اصحاب امامیه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که گفت به وی عرض کردم زنی که به انسان محرم نیست چه مقدار نگاه به او حلال است؟ فرمود: صورت و کف دو دست و دو قدم ها (۳))

(روایتی در درالمنثور از جمعی از اصحاب جوامع حدیث نقل شده است: که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

دنبال نگاه به نامحرمان نگاهی دیگر مکن، که اوّلی برایت بس است و دومی را حق نداری. (۴)) ۵.

۱- . سوره نور، آیه ۳۰.

۲- . سوره نور، آیه ۳۱.

۳- . اصول کافی ج ۵، ص ۵۲۱ و الخصال ص ۲ و ۳ و قرب الاسناد ص ۱۰۲

۴- . الدرّ المنثور ج ۵ ص ۴۰ و المیزان ج ۱۵.

با تأمل و دقت در این آیات در می یابیم خداوند به مردان جداگانه می فرماید: (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ ...)، در آیه بعد بلافاصله به زنان می فرماید: (وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أ بْصَارِهِنَّ ...) و بلافاصله می فرماید: (وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إلَّاما ظَهَرَ) به هر دو زن و مرد دستور حفظ چشم و اندام را از ناروا می فرماید و رعایت حجاب را بلافاصله بعد از اینها می آورد یعنی چشم و اندام و حجاب هر سه باید هماهنگ و توأم با هم مراقبت شوند. بدون حجاب حفظ اندام از نگاه ناروا و ... میسر نیست، از جهتی اگر نگاه ناروای زن و مرد به یکدیگر اشکال دارد و باید پرهیز کرد چگونه ممکن است حرف زدن ناروا و راه رفتن کنار هم برای عمل و حرف ناروا بی اشکال باشد (دقت کنیم). دستور حجاب و روابط دختر و پسر در قرآن صریح بوده و کاملًا مشخص است [(۱)].

نظر فقهاء درباره حجاب

۱- بر زنان واجب است تمام بدن خود را به استثناء وجه و کفین از نامحرم بپوشانند مشروط بر آنکه ۱- وجه و کفین آنها زینت نداشته باشد ۲- کسی به قصد لذت و ریبه به وجه و کفین آنها نگاه نکند. امام: با استفاده از عروه الوثقی ستر و ساتر مسئله ۵ و استفتاء از کتاب احکام بانوان ص ۱۱ سوال ۶ و استفتاء اراکی: توضیح المسائل مسئله ۲۴۴۹ گلپایگانی.

۲- نگاه کردن زنها به بدن مرد نامحرم به استثنای وجه و کفین و مقداری که بطور معمول مردان نمی پوشانند حرام است.

امام: با استفاده از تحریر نکاح مسئله ۱۹ و توضیح المسائل مسئله ۲۴۳۳ و استفتاء گلپایگانی: توضیح المسائل مسئله ۲۴۴۲ و مجمع المسائل جلد ۲ سئوال ۶۴۴ و استفتاءاراکی:

توضیح المسائل مسئله ۲۴۴۷ و استفتاء.

۳- اگر خانم مسلمان کاملًا حجاب خود را رعایت کرده بود نگاه کردن به وجه و کفین او برای مرد با شرایط ذیل اشکال ندارد:

۱- وجه و کفین زینت نشده باشد ۲- نگاه به قصد لذت و ریبه نباشد. ۲.

۱- . رجوع شود به نظر فقهاء، ص ۸۲.

ص: ۱۷۱

امام: عروه نکاح مسئله ۳۱ و تحریر نکاح مسئله ۱۸ و استفتاء و توضیح المسائل مسئله **۲۴۳۳**- گلپایگانی.

نظریات حامیان دمکراسی

اشاره

نظریات حامیان دمکراسی ۱- دیوید هلد در معنی واژه دمکراسی می نویسد:

دمکراسی واژه ای اصلًا یونانی است که در قرن شانزدهم از طریق واژه فرانسوی دمکراتی (eitarcomed) وارد زبان انگلیسی شد. دمکراسی از واژه دموکراسیا (aitarkomod) مشتق شده که ریشه های آن دو واژه دمو (به معنی مردم) و کراتوس (به معنی حکومت) است. دمکراسی به معنی نوعی از حکومت است که در آن به خلاف حکومتهای مونارشی و اشرافی، مردم حکومت می کنند. (حکومت بوسیله مردم) شاید مفهومی عاری از ابهام به نظر آید، اما ظواهر همیشه گمراه کننده اند و تاریخ اندیشه دمکراسی پیچیده و حاکی از دریافتهای متضاد است.

عرصه های عدم توافق بسیار گسترده است و در واقع هر یک از اجزاء عبارت فوق (حکومت به وسیله مردم (دشواریهای مربوط به تعریف را دارد (۱)).

۲- دکتر دومینیک اشناپر درباره ساختار دمکراسی می گوید:

(دومین وجه ساختاری دمکراسی مدرن، وجه مادی شهروند است. شهروند با وجه مادی خود معنی پیدا می کند و استحکام می یابد. در واقع منزلت شهروند با وضع اقتصادی اجتماعی او تطابق دارد. وضع اقتصادی اجتماعی پایه عینی یک شهروند واقعی است (۲)).

بنابراین تعریف، شهروند بی درآمد و کم درآمد که از نظر اقتصادی و اجتماعی طبقه ای محسوب نمی شود و اکثریت قشرهای جامعه را شامل می شود جزء شهروند محسو۵.

۱- . هلد، دیوید، مدل های دمکراسی، عباس مخبر، ص ۱۴.

۲- . مصاحبه با دکتر دومینیک اشناپر استاد جامعه شناسی دانشگاههای فرانسه و مدرس مدرسه عالی علوم اجتماعی پاریس نویسنده کتاب اجتماع شهروندان، مجله کیان، ش ۳۳، ص ۳۹، آبان و آذر ۷۵.

نمی شونـد زیرا از نظر اجتماعی و اقتصادی اقشار مرفه و پردرآمـد منزلت دارنـد و بقیه اقشار دارای منزلت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی که به حساب آیند نیستند.

۳- دموکراسی در معنای ممکن و حقیقی آن عبارت است از شیوه کارآمد و صلح آمیز اعمال نظرات از سوی مردم بر عملکرد حاکمان ... جامعه مـدنی شـرط عینی پدیدار شدن دمکراسـی به عنوان شـیوه حکومتی است زیرا تنها در جامعه مدنی است که آزادیهای سیاسـی معنای حقیقی خود را پیـدا می کننـد. دموکراسـی بـدون جامعه مدنی یک شـعار تو خالی است، اما از سوی دیگر دموکراسـی تنها شـیوه حکومتی قابل تصور است که بیشترین سازگاری را با جامعه مـدنی و تداوم آن دارد). (۱) مفاهیم مورد اسـتعمال در این تعریف، دارای ابهام بوده و انحصار آزادیهای سیاسـی در جامعه مـدنی خالی از اشـکال نیست، علاوه بر این مفـاهیم، ابهـام نظری و مصـداقی آشـکار داشـته و معلوم نیست شـیوه اعمـال نظرات چگونه بایـد باشـد. خود جامعه مـدنی چیست و انحصار معنای دمکراسی به این تعریف از جمله اشکالات دیگر این تعریف است.

۴- (در زمینه حقوق و آزادیهای فردی که مشـخصه جامعه مـدنی است در طول تاریخ و بویژه در سه سده گذشـته نوشـته ها و اسـناد ارزشـمند فراوان است و وارد شـدن به آنهـا گشودن فصـلی جـالب از انـدیشه های جان لاک، اسـتوارت میل، ژان ژاک روسو، مونتسـکیو و دیگران است. اما تنها سـندی که به صورت یک میثاق جهانی درآمـده و مورد قبول نمایندگان کشورهای جهان قرارگرفته همان اعلامیه جهانی حقوق بشر است (۲)).

در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

(هر شخصـی حق دارد از آزادی انـدیشه، وجـدان و دین بهره منـد شود، این حق مسـتلزم آزادی تغییر دین یـا اعتقاد و همچنین آزادی اظهـار دین یـا اعتقـاد در قـالب آمـوزش دینی عبادتهـا اجرای آیین یـا به صـورت جمعی، به طور خصوصـی یـا عمومی است).

در ماده ۲۹ بند ۱ این اعلامیه آمـده است: (هر فردی فقط در برابر آن جامعه ای وظایفی برعهـده دارد که رشـد آزادانه و همه جانبه او را ممکن می سازد). ۷.

۱- . غنی نژاد، موسی، (نظرات پیرامون جامعه مدنی، دین، دموکراسی و موانع آن) ایران فردا، ش ۴۰، ص ۳۳، ۱۱/ ۱۳۷۶.

۲- . برزگر، علی، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ص ۲۷.

در ماده ۲۹ بند ۳ اعلامیه در محدود نمودن کلیه آزادیهای مذکور در ماده ۱۸ و بندهای دیگر، اعلام می دارد این حقوق و آزادیها در هیچ موردی نباید برخلاف هدفها و اصول ملل متحد اعمال شوند).

نقض آشکار و متعدد این میثاق جهانی توسط خود امضاء کنندگان اعلامیه ثابت می کند تنها ماده ای که همواره بدان عمل شده است همین ماده بوده است یعنی هر جا منافع و مصالح ملل متحد که بطور مشخص جهان غرب و در رأس آنها آمریکا، ایجاب نماید می تواند بر علیه آزادی دیگران و محدود نمودن آنان با ایجاد جنگ نظامی و فرهنگی و ...

اقدام قانونی و رسمی نماید. اجرای سیاست مالی و تخصیص بودجه برای مبارزه با گسترش انقلاب اسلامی از طرف مجلس آمریکا، دخالت و زیر پاگذاردن حقوق و آزادیهای ملت مسلمان دلیلی روشن بر نقض مواد مندرج در ماده ۱۸ و مواد قبلی می باشد.

۵- (در واقع در بحثهای توسعه ای این پدیده را داریم که در مراحل اولیه حرکتهای توسعه ای، ما خیلی نمی توانیم به جامعه مدنی متکی باشیم زیرا مراحل اولیه مراحلی است که جامعه سنّتی غالب است. در چنین حالتی نه فرهنگ و نه اقتصاد جامعه سنّتی هیچ گونه سازگاری با جامعه مدنی و فضای عمومی ندارد. به این علت است که همیشه مراحل اولیه توسعه، مراحل القایی است!! یعنی از یک جایی فشاری باید وارد شود تا تغییراتی انجام گیرد.

به همین دلیل است که در مراحل اول توسعه، دموکراسی کارساز نیست. ولی به هیچ وجه نباید نتیجه گرفت که این مسئله همیشه این طور است. نظریه توسعه به ما می گوید که وقتی شما در این جریانات حرکت می کنید، آهسته آهسته در جامعه زیرساختهایی ایجاد می شود که امکان سازگاری با سیستم های سنتی نمی توانید توسعه را دنبال کنید، مگر آنکه جامعه مدنی تان تحقق پیدا کند. در این مقطع دموکراسی برای جامعه اساسی می شود، اگر وجود نداشته باشد، اقتصاد نمی تواند عمل کند و خودش را نشان دهد. تصور من این است که جامعه ایران از مراحل اولیه گذر توسعه ای خوش مدتها پیش گذشته است (۱).

مفهوم جملات فوق این است که برای سازگار نمودن جامعه سنّتی غالب با جامعه مدنی ۶.

۱- . عظیمی، فخرالدین، (نظرات پیرامون جامعه مدنی، دین، ایدئولوژی، دموکراسی و موانع آن) ایران فردا، ش ۴۰ ص ۳۳، ۱۱/ ۱۳۷۶.

چاره ای جز اعمال فشار و اجبار برای خارج ساختن زیر ساختهای جامعه سنّتی از حالت خود به صورت زیرساختهای جامعه مدنی نیست. پرواضح است همان گونه که از نظریات قبلی نیز پیداست حتی حامیان دمکراسی نیز در مراحلی اعمال فشار و القاء عقاید خود را برای تحقق جامعه مدنی و دمکراسی بدیهی و اجتناب ناپذیر می دانند، در حالیکه یکی از ایرادهای وارده بر جوامع سنّتی، استبداد و زورگویی از بالا ـ به پایین است. اگر استبداد بد است حال به عنوان مراحل القایی هم نام گذاری گردد، ماهیت زور و استبداد همان است و اسم گذاری چیزی را عوض نمی کند. آیا مردم جوامع سنّتی می خواهند در همان حال خود بمانند اینجا مطرح نشده است. اگر خواست مردم جامعه سنّتی است به چه دلیل باید به اعمال فشار گروهی اندک، به تحقق جامعه مدنی بیانجامد؟ اگر دمکراسی به مفهوم مردم سالاری است، باید اکثریت مردم نوع حکومت و شیوه حکومت کنندگان را تعیین کنند نه اینکه عده ای اندک بجای مردم تصمیم بگیرند.

۶- (جهان متحد و مبتنی بر صلح و تعادل، جهانی نیست که مدار و محور آن سلطه بی چون و چرای قدرتهای بزرگ باشد، بلکه جهانی است که در آن مرجع اقتدار و منبع مشروعیت حقوق شهروندی برابر، جامعه مدنی جهانی و دمکراسی بین المللی و عدالت و آزادی همگانی است (۱)).

گفتنی است منبع مشروعیت در کشورهای مسلمان و غیر مسلمان متفاوت است چرا که نظام سیاسی اسلام با دیگر ادیان و نظامها متفاوت است، علاوه بر این مفاهیم مورد استعمال از جمله مفاهیم مورد مناقشه بوده و تعاریف متعدد و متضادی از آنها ارائه شده است، لذا منظور روشن نیست.

۷- (ما خواستار یک جامعه مدنی جهانی هستیم باید بکوشیم که در قرن جدید، اسلام با صلح بشری حقوق همه ملتها و عدالت و تفاهم سازگاری باشد و غرب هم باید با تأمل در مبانی نظری و ارزشی تمدن خودش، دمکراسی و حقوق را برای همه انسانها بخواهد و به صلح بشری و حقوق همه انسانها در سراسر جهان احترام بگذارد، غرب باید کمک کند که ۶.

۱- . خاتمی، محمد، در پارلمان ایتالیا، سلام، ۱۹/ ۱۲/ ۷۷، ص ۱، ش ۲۲۵۶.

کشورهای جنوب هم پیشرفت کنند(۱)

در این مطلب جامعه مدنی و اسلام مترادف تلقی شده است که موارد تناقض و تضاد هر دو در صفحات قبلی و آینده آمده است. اما توصیه به غرب جهت کمک به کشورهای جنوب برای پیشرفت توصیه ای خوش بینانه بیش نیست، چرا که ماهیت غرب همین است که جلوی پیشرفت جهان سوم را بگیرد و خود تنها قدرت پیشرفته در جهان باشد. بین گرگ و گوسفند هرگز نمی توان سازگاری و تفاهم ایجاد کرد مگر اینکه گرگ ماهیت خود را از دست داده باشد.

۸- (حاکمیت قانون، تنها در یک نظام مردم سالار ممکن است زیرا اگر مردم نتوانند بر مجریان قانون نظارت داشته باشند، طبیعی است که مجری قانون طبق اراده خود رفتار کند، نه به اراده مردم ... عامل دیگری که موجب می شود قانون متناسب با نظم عمومی نباشد، این است که قانون، منشأیی غیر از افکار عمومی و مردم داشته باشد. چرا که اگر قانون منشأ غیر مردمی داشته باشد، تنها نام اش قانون است ولی ماهیت اش قانون نیست (۲))

از آنجا که اراده افراد همواره متغیر است، قانونی که ناشی از اراده های مردم باشد نیز متغیر خواهد بود. لذا امر ثابتی را به عنوان زیرساخت جامعه نمی توان یافت و تا ساختار و شالوده جامعه بر آن محور استوار باشد و از هرج و مرج و آشفتگی و قدرت طلبی و ... در امان بماند.

۹- (دوم خرداد سنگر و جبهه مردم سالاری را تاحدود زیادی در خاک حریف پیش برده است و در افق بسیار بالایی خط جبهه را ترسیم کرده است و نیروها در دوطرف این خط صف آرایی کرده اند نخستین وظیفه ما مثل هر استراتژیست نظامی این است که با ایجاد سنگرهای مستحکم مانع تک و پیشروی حریف شویم و همچنین خطوط تدارکاتی، لجستیکی و مواصلاتی را تقویت بکنیم تا اجازه ندهیم به سنگرهایمان حمله شود، در نبرد مردم سالاری و انحصار طلبی نیاز داریم نهادهای جامعه مدنی مستحکمی را در جبهه خودمان بوجود بیاوریم. همه روزنامه ها و مطبوعات مهمترین معبر مواصلاتی محسوب می شوند. اگر این کار را نکنیم هر آن امکان دارد جبهه مردم سالاری بر اثر فشار انحصار از هم بپاشد و فضا به ۰.

۱- . خاتمی، محمد، در دیدار با رئیس مجلس ایتالیا، سلام، ۲۰/ ۱/ ۷۷، ش ۱۹۸۳، ص ۱.

۲- . عبدی، عباس، عضو جبهه مشارکت ایران اسلامی، خراسان، ۲۱/ ۳/ ۱۳۷۹، ص ۱۰.

عقب بازگردد و نیروهای ضعیف النفس از این سوی جبهه به سوی دیگر آن بروند و همه دستاوردهای دوم خرداد نابود شود (۱)).

استفاده از زور و استبداد کاملا از این بیانات آشکار است ونشانگر استفاده از ترفندهای تبلیغاتی است که در نگرانی پیوستن نیروهای ضعیف النفس به طرف دیگر کاملا هویدا است.

آیا مردم سالاری صحنه جنگ و نبرد است؟

آیا مردم سالاری رسیدن به قدرت است؟

آیا مردم سالاری با جنگ روانی در مطبوعات و روزنامه ها میسر می شود؟

اگر جوابها مثبت است این عین استبداد است نه مردم سالاری، مردم بویژه مردم ایران آماده پذیرش کشمکش های جناحی و گروهی نیستند و جامعه نیز برای تأمین آزادی و حقوق همه مردم باید محل امنیت برای همگان باشد نه صحنه نبرد و جنگ برای رسیدن عده ای به رأی مراکز قدرت.

با تأمل در نظریات موجود در زمینه دمکراسی تضاد و اختلاف آراء هم در تئوری و هم در عمل مشخص است. نظریات دمکراسی در طی قرون و در دو قرن اخیر شکل گرفته و چون مبنای نظرات، عقل و علم انسانها بوده است لذا هر بار بعد از ارائه تعریفی جدید با شکل اجرایی متفاوت از قبل اشکالاتی بوجود آمده است لذا دانشمندان و جامعه شناسان با توجه به شرایط جامعه، مدل های کاملتری از دمکراسی ارائه نموده اند که هنوز به نمونه کامل نرسیده اند. در صفحات بعد نه مدل دمکراسی از نظریات دانشمندان غربی ارائه می شود. تأمل در آنها و اشکالات موجود، ضعف این تئوریها را بهتر نشان می دهد.

مدل های دمکراسی

دیوید هلد با جمع بندی نظریات متفکران و نظریه پردازان درباب دمکراسی مدل هایی از این نظریات ارائه نموده است که با تأمل در سیر تکاملی نظریات و مقایسه با آزادی در اسلام (۱). مصاحبه با سعید حجّاریان در انتخابات شوراهای شهر، ایران، ۱۹/ ۹/ ۷۷، ص ۳.

می توان تفاوت انـدیشه های متصل به عقل انسان و متصل به وحی الهی را بخوبی دریافت. در ذیل مـدل های دمکراسـی ارائه شده و برخی اشکالات بیان می گردد.

چکیده مدل ۱ (دمکراسی کلاسیک)

اصل توجیه کننده: شهروندان (۱) باید از برابری سیاسی برخوردار شوند تا آزادانه به نوبت فرمانروایی و فرمانبرداری کنند.

خصوصیات اصلی: شهروندان مستقیماً در امور قانونگذاری و قضایی مشارکت دارند.

قدرت حکومت در دست مجمع شهروندان است.

محدوده قدرت حکومت، کلیه امور عمومی شهر را شامل می شود.

روشهای متنوع انتخاب نامزدها برای تصدی مناصب (انتخاب مستقیم، قرعه و چرخش مناسب).

هیچ امتیاز خاصی شهروندان معمولی را از صاحب منصبان دولتی متمایز نمی کند.

به استثنای مناصب نظامی، هیچ فردی نمی تواند دوبار عهده دار منصبی شود.

دوره تصدی مناصب برای همه کوتاه است.

در ازاء خدمات دولتی به افراد حقوق پرداخت می شود.

شرایط عمومی: شهر، دولتهای کوچک.

اقتصاد برده داری وقت (آزاد) در اختیار شهروندان قرار می دهد.

خدمات خانگی، یعنی کار زنان، وقت مردان را برای انجام وظایف عمومی آزاد می کند.

شهروند بودن، محدود به تعداد نسبتا کمی از افراد است.

آتن یکی از سرچشمه های اصلی الهام بخش اندیشه سیاسی جدید بوده است.

توسیدید (حدود ۳۹۹- ۴۶۰ ق م)، افلاطون (حدود ۳۴۷- ۴۲۷ ق م)، ارسطو (۳۲۲- ۳۸۴ ق م). د.

۱- . مرتبه شـهروندی بندرت به کسی اعطاء می شده و اعطای آن منوط به تصویب مجلس یعنی عالیترین ارگان حاکمیت بود

مهـاجرانی که خـانواده هایشـان از چنـد نسـل قبـل در آتن اقـامت گزیـده بودنـد و نیز بردگان (۸۰۰۰۰ تـا ۱۰۰۰۰۰ نفر) برای مشارکت در فعالیتهای رسمی واجد صلاحیت نمی شدند.

مـدل کلاسـیک دمکراسـی برای بسـیاری از متفکران دمکراتیک سرچشـمه الهام و نقـد آن هشداری در قبال خطرات سیاسـت دمکراتیک بوده است. این مـدل تا زمان روسو (۱۷۱۲) و حتی جدیدتر مارکس (۱۸۱۸) و انگلس (۱۸۲۰) به طور کامل مورد بحث و بررسـی قرار نگرفته و از آن دفـاع نشـده بود. هر چنـد همراه بـا رنسـانس ایتالیا و شـکوفایی شـهر جمهوریهای ایتالیایی مستقیماً وارد اندیشه سیاسی اروپا شده بود.

اشـکالات اولین مدل دمکراسـی کلاسـیک: مفهوم برابری در فرمانروایی و فرمانبرداری بنابر شرایط شهروندی صرفاً شامل عده اندکی از (مردان) می شود و برابری تنها در بین افراد برگزیده به عنوان شهروند مصداق پیدا می کند.

آزادی سیاسی و مشارکت در قانونگذاری و قضایی شامل تعداد اندکی از افراد جامعه به نام شهروند می شود.

خریدو فروش انسانها به عنوان نظام اقتصاد برده داری آزادی محسوب می شود که در اختیار شهروندان گذاشته می شود.

زنـان هیچگونه مشـارکتی در امور شـهر و دولت نداشـته و به عنوان خـدمتکار وظیفه آزاد گذاشـتن وقت مردان را برای انجـام وظایف شهروندی محسوب می شوند و هیچگونه حقوقی شامل زنان نمی شود.

در این مـدل (دمکراسـی) منحصـر در شـهروند شـده است، در حـالیکه بنابر اصل آزادی و عـدالت اجتماعی امتیازی بین مردم نیست.

چکیده مدل ۲ (دمکراسی حمایتی)

اصـل توجیهی: شـهروندان برای اطمینان یافتن از اینکه حکومتگران خط مشـی هایی منطبق بر منافع شـهروندان در کل را دنبال می کنند، خواستار کسب حمایت حکومتگران و نیز حمایت از یکدیگرند.

خصوصـیات اصـلی: حـاکمیت در نهایت متعلق به مردم است، اما به نماینـدگانی سپرده می شود که می تواننـد به طور مشـروع کارکردهای دولت را انجام دهند.

انتخابات منظم، رأی گیری مخفی، رقابت میان دستجات، رهبران یا احزاب بالقوه

و حکومت اکثریت، مبانی نهادی برقراری اصل پاسخگویی از سوی حکومتگران است.

قوای دولت باید غیر شخصی باشد، یعنی به لحاظ قانونی محدود و درمیان قوای مجریه، مقننه و قضائیه تقسیم شده باشد.

اهمیت محوری هواداری از حکومت قانون به منظور تأمین آزادی در مقابل برخوردهای خودسرانه و برابری در مقابل قانون در قالب برابری سیاسی و برخورداری از حقوق و آزادیهای مدنی و مهمتر از همه آزادی بیان، تشکیل انجمن، آزادی در رأی دادن و عقیده.

جدایی دولت از جامعه مدنی، یعنی دامنه عمل دولت بطور کلی باید کاملا محدود به ایجاد چارچوبی باشد که شهروندان بتوانند در آن زندگی خصوصی خود را دنبال کنند و از خطرات قهر، رفتار اجتماعی غیر قابل قبول و مداخله سیاسی ناخواسته در امان باشند.

وجود کانونهای قدرت و گروههای ذینفع رقیب.

شرایط عمومی: تکامل یک جامعه مدنی خودمختار به لحاظ سیاسی

مالکیت خصوصی بر ابزار تولید

اقتصاد بازار رقابتی

خانواده پدر سالار

گستردگی سرزمینی عرصه دولت ملی

جان استوارت میل ۱۸۰۶، قرن نوزده

اشکالات این مدل: خط مشی حکومتگران مبتنی بر منافع شهروندان بوده که شامل اقلیتی از مردمی است که واجد صلاحیت شهروندی می باشد.

معیار و مبنای قانونی که باید آزادی را تضمین نماید مشخص نگردیده است.

وجود کانونهای قدرت و ذینفع رقیب الزاماً اقلیت دارای امکانات مالی را بر اکثریت مردم بی بهره از امکانات و حمایتهای حزبی و گروهی حاکم می گرداند.

افراد غیر شهروند بنابر شرایط شهروندی حق رأی نداشته و در فعالیتهای رسمی واجد

صلاحیت نیستند، بنابراین تمام موارد یاد شده از جمله حاکمیت مردم و انتخابات منظم و حکومت اکثریت و برخورداری از حقوق و آزادیهای مدنی و ... شعاری بیش نبوده و مختص عده اندکی که دارای قدرت و سرمایه هستند می شود.

چکیده مدل ۳ (الف) (یک مدل رادیکال از دمکراسی تکاملی)

اصل توجیهی: شهروندان باید از برابری سیاسی و اقتصادی برخوردار باشند تا هیچ کس نتواند ارباب دیگری باشد و همه (افراد) در فرایند تکامل دسته جمعی از آزادی و وابستگی یکسان بهره گیرند.

خصوصیات اصلی: تقسیم وظایف مقننه و مجریه.

قوه مقننه از مشارکت مستقیم شهروندان در گردهماییهای عمومی ساخته می شود.

اتفاق آراء در مورد مسائل عمومی مطلوب است، اما در صورت عدم توافق رأی اکثریت ملاک قرار می گیرد.

پستهای اجرایی یا به طور مستقیم و یا به قید قرعه انتخاب می شوند.

شرایط عمومی (جامعه): اجتماع کوچک غیر صنعتی

توزیع دارایی در میان اکثریت بزرگی از مردم، شهروند بودن به تملک دارایی، یعنی جامعه ای متشکل از تولیدکنندگان مستقل، وابسته است.

انجام وظایف خانگی بر عهده زنان است تا مردان به کار (غیر خانگی) و سیاست بپردازند.

اندیشه های روسو، ۱۷۱۲

اشکالات این مدل: در این مدل نیز همه حقوق و آزادیها متعلق به شهروند بوده و اکثریت مردم از این حقوق بی بهره اند زیرا شهروند بودن تملک دارایی است.

در این مدل نیز زنان به عنوان خدمتکار در اختیار مردان محسوب شده تا آنان به کار سیاست و غیر خانگی بپردازند.

زنان ضعیف و ناتوان انگاشته شده لذا هیچگونه حقوقی به آنها تعلق نمی گیرد. آزادی و دمکراسی تنها شامل مردان می شود.

چکیده مدل ۳ (ب) (دمکراسی تکاملی) (۱) اصل توجیهی: مشارکت در زندگی سیاسی نه تنها برای حراست از منافع فردی بلکه برای ایجاد شهروندانی آگاه، متعهد و رشد یابنده نیز ضرورت دارد. مداخله سیاسی به منظور رشد (کامل و هماهنگ) استعدادهای فردی ضرورت دارد.

خصوصیات اصلی: حاکمیت مردمی با حق رأی همگانی (همراه با نظام تخصیص رأی (نسبتی))

کنترل قانونی در زمینه اعمال محدودیت بر قدرت دولت و تفکیک آن و تضمین ارتقاء حق فردی. مهمتر از همه حقوقی که به آزادی اندیشه، احساس، سلیقه، بیان، نشر، گردهمایی و دنبال کردن (برنامه زندگی) بدان گونه که خود فرد برگزیده است مربوط می شود.

تفکیک آشکار مجمع پارلمانی از بوروکراسی دولتی، یعنی تفکیک کارکردهای مقامات منتخب از دولتمران متخصص.

مداخله شهروندان در شاخه های مختلف حکومت از طریق رأی دادن، مشارکت گسترده در حکومت محلی، بحث های عمومی و خدمات قضایی.

شرایط عمومی (جامعه): یک جامعه مدنی مستقل، همراه با حداقل مداخله دولت

اقتصاد بازار مبتنی بر رقابت

مالکیت خصوصی و کنترل خصوصی بر ابزار تولید، در کنار تجاربی از اشکال (اجتماعی) یا تعاونی مالکیت

رهایی سیاسی زنان، اما حفظ تقسیم کار خانگی سنتی به طور کلی

نظام دولتهای ملی همراه با مناسبات توسعه یافته بین المللی

نظریه جان استوارت میل (۱۸۵۹- ۱۸۰۶) تحت تأثیر افکار نظریه پرداز و مورخ فرانسوی الکیس دوتوکویل (۱۸۵۹- ۱۸۰۵) (۱). تذکر: بخاطر سپردن این مطلب اهمیت دارد که میل به نوعی سنت لیبرالی را پی ریزی می کند و جنبه های مختلف آن را بسط می دهد و لذا شرایط عمومی و بسیاری از خصوصیات دمکراسی تکاملی به خصوصیات و شرایط ذکر شده در مدل ۲ شباهت دارد.

اشکالات مدل: عامل رشد و تکامل استعداد انسانها مشارکت و مداخله در امور سیاسی لقی شده است در حالیکه امور سیاسی تنها یک بعد از ابعاد مختلف زندگی انسانها بوده و عوامل دیگری غیر از مشارکت سیاسی در رشد استعداد افراد دخیل است. کلمه رشد برای افراد نابالغ و در حال رشد استعمال می شود در حالیکه لازمه مداخله در امور سیاسی رسیدن به رشد اجتماعی است که بعد از بلوغ جسمی و روانی در افراد صورت می گیرد.

معیار نحوه زندگی صرفاً انتخاب خواست و تمایل افراد است که حرص و طمع انسان در مال و قدرت و ... ناقض آزادی و حقوق دیگران است.

در این مدل هنوز زنان بطور کامل در حد مردان دارای حقوق قانونی و فردی در جامعه و خانواده نشده اند.

هنوز شهروندان از حقوق خاصی برخوردار هستند که ناقض حاکمیت همگانی مردمی و مشارکت سیاسی می باشد.

چکیده مدل ۴ (دمکراسی مستقیم و پایان سیاست سوسیالیسم- کمونیسم)

اصول توجیهی: (تکامل آزاد همگان) تنها در گرو (تکامل آزاد هریک از آنهاست) لازمه آزادی، پایان استثمار و نهایتاً برابری کامل سیاسی و اقتصادی است. تنها برابری می تواند شرایط لازم برای تحقق استعداد همه انسانها را به گونه ای تأمین کند که (هر کس بتواند به اندازه توانایی خود بدهد) و (آنچه را نیاز دارد دریافت دارد).

خصوصیات عمده: تنظیم امور عمومی به وسیله کمون (ها) یا شوراهایی که در یک ساختار هرمی سازمان یافته اند.

کارکنان حکومتی، متصدیان قانون و صاحب منصبان، تابع انتخابات ادوارایند و از طرف اجتماع خود وکیل و عزل می شوند.

پرداخت حقوق بیشتر به کارکنان دولت در مقابل کارگران مزدبگیر

تشکیل ارتش خلق تحت کنترل اجتماع و به منظور حفظ نظام سیاسی جدید

(حکومت) و (سیاست) در همه اشکال خود راه را برای خودگردانی هموار کنند

کلیه امور عمومی بصورت دسته جمعی اداره می شود

وفاق، پایه اصلی تصمیم گیری در کلیه امور عمومی است

توزیع مناصب اداری باقیمانده بصورت چرخشی یا انتخابی

جایگزین کردن ارتش و کلیه نیروهای قهریه با نظارت برخود

شرایط عمومی: وحدت طبقات کارگر.

شکست بوروژوازی.

از میان رفتن همه بقایای طبقات.

تکامل قابل ملاحظه نیروهای تولید به گونه ای که همه نیازهای اساسی مرتفع شوند و مردم وقت کافی برای دنبال کردن فعالیتهای غیر کاری داشته باشند.

از میان رفتن همه بقایای طبقه.

رفع کمبود و انعاء مالکیت خصوصی

حذف بازارها، مبادله و پول

پایان تقسیم اجتماعی کار

دیدگاه کارل مارکس (۱۸۸۳– ۱۸۱۸) آلمانی بوده مقیم انگلستان، بجهت کاری در انگلستان بسر برده است.

اشکالات مدل: شکست سوسیالیسم و کمونیسم با فروپاشی شوروی غیر عملی بودن این مدل را اثبات نموده و بر همگان روشن شد که فاصله بین واقعیت و عمل در طی ۷۰ سال حکومت سوسیالیستی با این تئوریها تا چه اندازه بوده است. از جمله ادعاهای بی طبقه بودن و رفع مالکیت خصوصی و حذف بازارها و پول و پایان تقسیم اجتماعی کار و ... ذهنی بودن نسخه به ظاهر شفا بخش را می نمایاند.

چکیده مدل ۵ (دمکراسی نخبه گرای رقابتی)

اصول توجیهی: روشی برای انتخاب نخبگان سیاسی کاردان و دارای بینشی که قادر باشند تصمیمات قانونگذاری و اداری لازم را بگیرند.

مانعی در راه زیاده روی های رهبری سیاسی

خصوصیات عمده: حکومت پارلمانی همراه با قوه مجریه قوی.

رقابت میان احزاب و نخبگان سیاسی رقیب.

سلطه سیاستهای حزبی بر پارلمان.

مرکزیت رهبری سیاسی.

بوروکراسی: یک تشکیلات اداری مستقل و بخوبی تعلیم دیده.

وجود محدودیتهای قانونی و عملی در مقابل (برد مؤثر تصمیم گیری سیاسی)

شرایط عمومی (جامعه): جامعه صنعتی.

انگاره قطعه قطعه اجتماعی و سیاسی.

انتخاب کنندگان کم اطلاع و یا عاطفی.

یک فرهنگ سیاسی که اختلاف عقاید را تحمل می کند.

پیدایش لایه متخصصان فنی و مدیران متبحر.

رقابت میان دولتها برای کسب قدرت و تفوق در نظام بین المللی.

تذکر: این مدل عناصر اصلی دیدگاههای ماکس ژوزف (۱۸۶۴- ۱۸۲۰) و بروشومپتر (۱۹۴۶- ۱۸۸۳)، هر دو را در خود دارد.

اشکالات مدل: حاکمیت بلامنازع یک حزب در پارلمان و سایر مواضع قدرت (استبداد به صورت حزبی)

انتخاب کنندگان کم اطلاع و یا عاطفی برای انتخاب نخبگان سیاسی، تنها به خاطر پیروزی در انتخابات به واسطه استفاده از ترفندهای تبلیغاتی می تواند مفید باشد زیرا انتخاب کنندگان کاردان و آگاه و متعهد فریب ترفندهای تبلیغاتی را نمی خورند، از طرفی انتخاب نخبه توان اطلاعاتی زیادی را می طلبد که با کم اطلاعی تناقض دارد. از این رو در چنین شرایطی حاکمیت گروهی متخصص و متبحر با رأی عمومی تثبیت می گردد.

بوروکراسی، خود نوعی استبداد اداری و تشکیلاتی را به همراه دارد که منافی با آزادی است.

رقابت بین دولتها برای کسب قدرت و تفوق در نظام بین المللی با اصل آزادی و حقوق فردی و اجتماعی ملتها منافات دارد. هرگونه برتری طلبی و تفوق لازمه حاکمیت احیایی و نادیده گرفتن حقوق عده ای اشخاص حقیقی و حقوقی می باشد.

(نمودار ۵- ۱: نظام حزبی و تحلیل رفتن نفوذ پارلمانی)

گسترش حقّ رأی همگانی:

دمکراسی انتخابی

وجود نیروهای اجتماعی رقیب برای اعمال نفوذ، گرچه میان عناصر فعّال و منفعل سیاسی، نوعی تقسیم بندی وجود دارد

شکاف میان فعالان و منفعلان سیاسی تشدید می شود

کنترل تهدید عوامفریبی آشکار از طریق نظام پارلمانی که در آن رهبران باید در قالب محدودیت های (بازار آراء) و تشکیلات اداری متخصّص به بقای خود ادامه دهند

احزاب بر پارلمان، و رهبران بر احزاب سلطه پیدا می کنند

از میان رفتن اندیشه پارلمان به مثابه کانون بحث و تفکّر

احزاب سیاسی برای سازماندهی نمایندگی گروه ها و طبقات تشکیل می شوند

در احزاب قدرت در دست کسانی قرار می گیرد که به طور مستمر در آنها کار می کنند، و با پیدایش سیاستمداران حرفه ای متمرکز می شود

احزاب، (جهتی واحد) و (انضباطی سخت) را در پیش می گیرند و به سازمانهای بوروکرات تبدیل می شوند

ماشین حزبی، ساخت وکارهایی برای کنترل حامیان خود از جمله اعضای پارلمان به وجود می آورد: نمایندگان به مردانی (بله قربان) گو تبدیل می شوند

چکیده مدل ۶ (تکثر گرایی) تکثرگرایی کلاسیک- نوتکثر گرایی

اصول توجیهی: حکومت را بوسیله اقلیتها حفظ و به این ترتیب آزادی سیاسی را تأمین می کند.

مانعی عمده در راه رشد دسته جات بیش از حد قدرتمند و یک دولت غیر مسؤل است.

خصوصیات عمده: حقوق شهروندی، از جمله یک نفر، یک رأی، آزادی بیان، آزادی تشکیلات

وجود یک نظام کنترل و موازنه در میان قوای مقننه و مجریه، قضایی و بوروکراسی اداری

وجود نظام انتخاباتی رقابتی با (حداقل) دو حزب

گستره متنوعی از گروههای همسو و متداخل که در پی کسب نفوذ سیاسی اند.

میانجیگری و داوری حکومت میان تقاضاها

فرمانروایی قانونی متجلی شده در یک فرهنگ سیاسی حمایت

وجود گروههای فشار متعدد، اما برنامه سیاسی متمایل به قدرت صنفی

دولت و بخش های آن منافع بخش خود را به پیش می برند.

مقررات قانونی دربافتی از یک فرهنگ سیاسی متنوع و نظامی از منابع اقتصادی کاملا ناهمگون عمل می کنند.

شرایط عمومی (جامعه): گروههای متعدد در جامعه در قدرت سهیم اند و آن را مبادله می کنند.

انواع مختلف منابع غنی در کل جمعیت پراکنده است.

توافق ارزشی در زمینه روشهای سیاسی، دامنه خط مشی های مختلف و عرصه مشروع نظام سیاسی وجود دارد.

میان شهروندان فعال و غیر فعال برای حفظ ثبات سیاسی، موازنه لازم وجود دارد.

جدال گروههای متعدد برای کسب قدرت.

فقر منابع بسیاری از گروهها مانع از مشارکت سیاسی کامل است.

توزیع قدرت اجتماعی اقتصادی، فرصت لازم برای انتخابهای سیاسی را فراهم می سازد و محدود می کند.

مشارکت نابرابر در سیاست: حکومت به اندازه کافی باز نیست.

اشکالات مدل: آزادی سیاسی یعنی برابری مشارکت سیاسی برای همه را می رساند.

وجود نظام انتخاباتی با حداقل دو حزب و حفظ حکومت اقلیتها با آزادی مورد ادعا منافات دارد که همواره اقلیتی در پی کسب قدرت و نفوذ سیاسی بر عده ای دیگر خواهان حاکمیت هستند.

این مدل پیامدهای منفی تکثرگرایی را به وضوح نشان می دهد.

(نمودار ۵- ۲: از سرمایه داری تا سوسیالیسم، عناصر اصلی نظریه شومپتر)

سازمان اقتصادی سرمایه داری

رقابت بازار: انگیزه ای برای عقلانی شدن فنّی

نوآوری

انباشت و تراکم سرمایه

رشد سازمان سوسیالیستی

گرایش به فرآیندهای زیر را ایجاد می کند:

- گسترش سریع مدیریّت بوروکراتیک و عقلانی

- برنامه ریزی محصول، قیمت ها و سرمایه گذاری

- افزایش کنترل متمرکز بر منابع

رشد شرکت های بزرگ

- افول نقش کارفرمای منفرد

- قطبی شدن مواضع اجتماعی، در نتیجه از میان رفتن کارکرد اقتصادی گروههایی از قبیل تولیدکنندگان و تجار کوچک

- افزایش تضادّ اجتماعی در نتیجه بالا- رفتن انتظارات مردم بر اثر بالا- رفتن استانداردهای زندگی (و تشدید آن توسط روشنفکران ناراضی)

- رشد نخبگان متخصّص در نتیجه ضرورت وجود تخصّص های بیشتر (پژوهش، توسعه و مدیریّت)، یعنی رشد لایه مدیران اجرایی

افول قدرت سیاسی بورژوازی سنّتی (صاحبان- مدیران) ولذا، در بلند مدّت، استحکامات سرمایه داری

افزایش کنترل دولت و قرار گرفتن برنامه ریزی مرکزی جامعه مدنی در دست صاحب منصبان اداری و افراد منتخب

چکیده مدل ۷ (دمکراسی حقوقی)

اصول توجیهی: اصل اکثریت برای حفاظت از افراد در مقابل حکومت خودسر و لذا برای حفظ آزادی روشی مؤثر و مطلوب است.

برای آنکه زندگی سیاسی مانند زندگی اقتصادی، آزادی، ابتکار فرد را اشاعه دهد، حکومت اکثریت برای آن که منصفانه و عاقلانه عمل کند باید بوسیله حکومت قانون محدود شود.

خصوصیات عمده: دولت مشروطه (در قالب مدلی که از ویژگیهای سنت سیاسی آنگلو آمریکایی، ازجمله تفکیک دقیق قوا، برخوردار باشد)

حاکمیت قانون

حداقل مداخله دولت در جامعه مدنی و زندگی خصوصی

حداکثر میدان عمل برای جامعه بازار آزاد

شرایط عمومی (جامعه): رهبری سیاسی کارآمد در چارچوب اصول لیبرالی

حداقل قواعد بوروکراتیک

محدودیت نقش گروههای همسوء (مثلا اتحادیه های کارگری)

به حداقل رساندن (و در صورت امکان حذف) تهدید جمع گرایی از هر نوع

هایک (۱۹۶۰– ۱۹۸۲)

اشکالات مدل: در این مدل نیز مصلحت و خواست اکثریت معیار و مبنایی برای حفظ آزادی افراد تلقی شده است و محدوده ای برای ارزشها در نظر گرفته نشده است.

مبنای قانون مورد نظر مشخص نشده است و نیز بر چه مبنایی باید خواست اکثریت محدود شود نیز مشخص نشده است. منصفانه و عاقلانه عمل کردن امری نسبی است و قابل تأویل و تفسیر می باشد.

چکیده مدل ۸ (دمکراسی مشارکتی)

اصول توجیهی: حق مساوی برای تکامل نفس فقط در یک (جامعه مشارکتی) بدست

می آید، جامعه ای که احساس سودمندی سیاسی را پرورش دهد، توجه به مسائل دسته جمعی را تقویت کند و به شکل گیری شهروندانی آگاه که بتوانند دلبستگی مستمری به فرآیندهای حکومت کردن داشته باشند کمک نماید.

خصوصیات عمده:

مشارکت مستقیم شهروندان در تنظیم نهادهای اصلی جامعه، از جمله محل کار و اجتماع محلی.

تجدید سازمان نظام حزبی به صورتیکه مسئولان حزبی مستقیماً در مقابل اعضاء پاسخگو باشند.

فعالیت (احزاب مشارکتی) در قالب ساختاری پارلمانی یا کنگره ای

برقراری یک نظام نهادی باز به منظور تأمین امکان تجربه اندوزی از اشکال سیاسی

شرایط عمومی (جامعه): بهبود مستقیم منابع ضعیف بسیاری از گروههای اجتماعی از طریق توزیع مجدد منابع مادی

به حداقل رساندن (و در صورت امکان حذف) قدرت بوروکراتیک غیر مسئول در زندگی عمومی و خصوصی

وجود یک نظام اطلاعاتی باز برای تضمین تصمیم گیریهای آگاهانه

تجدید نظر در امر مراقبت از کودکان به نحوی که زنان نیز مانند مردان بتوانند فرصت مشارکت داشته باشند

تذکر: این مدل براساس عناصر اصلی نظریات پولانزاس (۱۹۷۲– ۱۹۸۰)، مک فرسون و پیتمن (۱۹۸۵– ۱۹۷۰) طراحی شده است.

اشکالات مدل: در این مدل نیز تکامل نفس منحصر به وجود جامعه مشارکتی شده است که بیشتر در امور سیاسی مشارکت و مداخله دارد. این تلقی یک بعدی نمودن نفس انسان است.

موارد مذکور برای تکامل نفس بسیار محدود بوده و تنها بعد مادی انسان را شامل می شود که هدف آن نیز با تکامل انسان و هدف خلقت منافات دارد، زیرا هدف تکامل انسان برای دلبستگی مستمر به فرآیندهای حکومت کردن نیست.

در این مدل نیز (شهروندان) از حقوق خاصی برخوردار بوده و همه مردم از آن حقوق برخوردار نیستند لذا حق مساوی برای تکامل نفس در این مدل نیز شامل عده ای قلیل می شود.

چکیده مدل ۹ (خودمختاری مستقیم)

اصول توجیهی: افراد باید در تعیین شرایط زندگی خویش آزاد و برابر باشند، یعنی باید در تعیین چارچوبی که فرصتهای آنها را ایجاد و محدود می کند، مادام که نتوانند این چارچوب را برای نفی حق دیگران به کار گیرند، از حقوق برابر (ولذا اجبارهای برابر) برخوردار باشند.

خصوصیات عمده: تقدیس اصل خودمختاری در قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر

ساختار پارلمانی یا کنگره ای (که حول دو مجلس سازماندهی شده باشد و این دو مجلس به ترتیب مبتنی بر اصول پی- آر (۱) و اس- آر (۲) باشد)

نظام قضایی شامل دادگاههای ویژه ای برای بررسی تفسیرهای حقوق باشد (اس- آر)

نظام حزبی رقابتی (قالب ریزی مجدد با استفاده از منابع مالی دولتی به روش دی- پی)

خدمات اداری مرکزی و محلی که از نظر داخلی براساس اصول دی- پی سازمان دهی شده باشد و با تقاضاهای (مصرف کننده محلی) نیز هماهنگ شده باشد.

جامعه مدنی: تنوع انواع خانوار و منابع اطلاعاتی، نهادهای فرهنگی، گروههای مصرف کننده و غیره (تحت لوای حکومتی مبتنی بر اصل دی- پی (۳))

خدمات اجتماعی از قبیل مراقبت از کودکان، مراکز بهداشتی و آموزش از نظر داخلی بر مبنای اصل دی- پی سازماندهی شوند. اما اولویتها را استفاده کنندگان تعیین نمایندن.

۱- . پی- آر: انتخاب نمایندگان بر مبنای شکلی از نمایندگان نسبی
۲- . اس- آر: انتخاب نمایندگان بر مبنای (نمایش آماری) (یعنی نمونه ای متشکل از کسانی که از نظر آماری نماینده مقوله های اصلی اجتماعی از جمله جنس و نژادند.) (برای بحث بیشتر در مورد روشهای انتخاب نگاه کنید به هلدوبولیت، ۱۹۸۶).
۳- . دی- پی: مشارکت مستقیم مجموعه های خاصی از شهروندان (از جمله گردهمایی های آزاد، رفراندوم و نمایندگان مستقیم) در نظام بخشیدن به یک سازمان.

بنگاههای اقتصادی خودگردان (صنایع حیاتی در مالکیت ملی و سایر صنایع در مالکیت اجتماعی یا تعاونی)

انواع بنگاههای خصوصی برای کمک به تشویق نوآوری و تنوع

شرایط عمومی (جامعه): دسترسی آزاد به اطلاعات برای تضمین تصمیم گیریهای آگاهانه در کلیه امور عمومی

تعیین اولویتهای سرمایه گذاری کلی بوسیله حکومت و در عین حال تنظیم کالا و کار در مقیاسی گسترده بوسیله بازار

به حداقل رساندن مراکز قدرت غیر مسئول در زندگی عمومی و خصوصی

حفظ چارچوب نهادی پذیرای تجاربی با اشکال سازمانی

مسئولیت دسته جمعی در زمینه امور دنیوی و کاهش کار روزمره به حداقل

بیتسام (۱۹۸۱) و کومن و روجوز (۱۹۸۳)

تذکر: باید تاکید کرد که در اینجا خصوصیات نهادی خودمختاری دمکراتیک به شیوه ای کاملا آزمایشی ارائه شده است. این ویژگیها شامل انواعی از اشکال تصمیم گیری دمکراتیک و روشهای انتخاب است.

اشکالات عمده: در این مدل نیز شهروندان از حقوق خاصی برخوردار بوده و بقیه مردم در گردهماییها و رفراندوم و نمایندگی شرکت ندارند، که این با آزادی و برابری افراد در تعیین شرایط زندگی مورد ادعا منافات دارد.

انتخاب نمایندگان مرکز تصمیم گیرنده براساس تبعیض نژادی و جنسیت می باشد که این نیز با آزادی و حقوق برابر مورد ادعا منافات دارد.

محدودیتی جز حق دیگران- که امری کلی است- برای آزادی معین نشده است و ارزشها در این مدل و مدل های دیگر جایی ندارند.

ص: ۱۹۴

(نمودار ۷- ۱: مسیرهای نظری مدل های دمکراتیک)

لیبرال دمکراسی مارکسیسم

دمکراسی حمایتی دمکراسی تکاملی

دمکراسی تکاملی نظریه های نومارکسیسم

رادیکالی درباره دولت

دمکراسی رقابتی نخبه گرا

تکثّرگرایی کلاسیک نوتکثّرگرایی نظریه جامعه تک مساحتی

نظریه پایان ایدئولوژی

نظریه بحران مشروعیّت

نظریه دولت بر مسئولیّت

دمکراسی قانونی دمکراسی مشارکتی

(راست جدید) (چپ جدید)

شقوق نظری

انگاره های نفوذ

مردم سالاری دینی

(یکی از نمایندگان مجلس آمریکا به مجلس پیشنهاد کرده است که قانونی تصویب شود رئیس جمهور مجاز باشد دستور ترور رهبران سایر کشورهایی که برای امنیت آمریکا خطرناک است صادر کند (۱)).

اخیراً آمریکا در پی انهدام مجسمه های سنگی در کوههای افغانستان که میراث فرهنگی افغانستان است توسط طالبان به سازمان امنیت اعتراض نموده و خواستار توقف اینگونه اقدامات شده است. در حالیکه قتل عام عمومی و فجایع جنگی در سارایوو در برابر مردم بی دفاع و کشتار مردم فلسطین اشغالی توسط صهیونیستها به اندازه مجسمه های سنگی قابل نبودند که بوق و کرنای سازمان حقوق بشر!! و سایر سازمانهای بین المللی گوش جهانیان را کر نماید. مردم سالاری آمریکا مقید به قیودی غیر از مردمی بودن و آزادی و رعایت حقوق بشر است.

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۱ بیانگر این حقیقت بود که دمکراسی شعاری بیش برای تسلط بیشتر بر جهان نیست. حتی مردم خود آمریکا نیز دمکراسی عملی نمی بینند، بطوریکه کامپیوتر در عصر سرعت و قرن بیست و یکم برای شمارش تعداد اندکی از مردم که با ترفندهای تبلیغاتی و استفاده از شیوه های روان شناسی اجتماعی به پای صندوقهای رأی آمده اند، در میان رقابت دو گروه سیاسی کارآیی خود را از دست داده و متوسل به رأی دادگاه و شمارش دستی می شوند و انتخاب صوری و تحمیل واقعی بر مردم ۷۹

۱- . اخبار سیمای جمهوری اسلامی، ۲۳/ ۱۱/ ۷۹

صورت می گیرد.

اینها نمونه های از هزاران مورد نقض حقوق بشر و دمکراسی و آزادی مورد ادعای غربیان به ویژه آمریکا هست، حال کوری عصا کش کوری دیگر شده و آمریکا برای برخی مهد تزهای اجتماعی پیشرفته و متمدن و منطقی و معقول و آزاد منشانه گردیده است!!

برای آشنایی با (دمکراسی) مردم سالاری دینی فرازهایی از فرمان حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر را می آوریم تا با تأمل و مقایسه، حقیقت مطلب را دریابیم.

مولای متقیان در مورد مردم به مالک اشتر می فرماید:

(پایه دین و جمعیت مسلمانان و ذخیره دفاع از دشمنان تنها توده ملت هستند، بنابراین باید گوش ات به آنها و میل ات با آنان باشد).

و نیز در انتخاب وزراء صفاتی را بر آنان برمی شمارد:

(بدترین وزراء کسانی هستند که وزیر زمامداران بد و اشرار پیش از تو بوده اند، کسی که با آن گناهکاران در کارها شرکت داشته نباید جزء صاحبان سر تو باشد، آنها همکاران گناهکاران و برادران ستمکارانند، در حالیکه تو بهترین جانشین را از میان مردم به جای آنها خواهی یافت، از کسانی که از نظر فکر و نفوذ اجتماعی کمتر از آنها نیستند، و در مقابل بار گناهان آنها را بردوش ندارند، از کسانی هستند که با ستمگران در ستم شاهی همکاری نکرده و در گناه شریک آنان نبوده اند. این افراد هزینه شان بر تو سبکتر، همکاری شان با تو بهتر، صحبت شان با تو بیشتر و انس و الفت شان با بیگانگان کمتر است بنابراین آنها را از خواص و دوستان خود و رازداران خویش قرار ده، پس (از میان اینان) افرادی را که در گفتن حق از همه صریح تر و در مساعدت و همراهی نسبت به آنچه خداوند برای اولیاءاش دوست نمی دارد به تو کمتر کمک می کند مقدم دار، خواه موافق میل تو باشند یا نه، به اهل ورع وصدق و راستی بپیوند و آنان را طوری تربیت کن که ستایش بی حد از تو نکنند و تو را نسبت به اعمال نادرستی که انجام نداده ای تمجید ننمایند).

مولای متقیان در این فرمان در فرازی دیگر به رعایت عدالت و رعایت حال مردم و مسئولیت والی اشاره می فرمایند:

(... از احتکار به شدت جلوگیری کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن منع می فرمود. باید معاملات

با شـرایط آسان صورت گیرد، با موازین عدل و نرخهایی که نه به فروشـنده زیان رساند و نه به خریدار و هرگاه کسـی پس از نهی تو از احتکار، به چنین کاری دست بزنـد او را کیفر کن و در مجازات او بکوش ولی این مجازات نبایـد بیش از حد باشد، خدا را خدا را در مورد طبقه پایین آنها که راه چاره ای ندارند، یعنی مسـتمندان و نیازمندان و تهیدستان و از کار افتادگان، در این طبقه هم کسانی هسـتند که دست سوال دارنـد و هم افرادی که بایـد به آنها بـدون پرسـش بخشـش شود. بنابراین به آنچه خداوند در مورد آنان به تو دسـتور داده عمل نما. قسـمتی از بیت المال و قسمتی از غلات خالصه جات اسلامی را در هر محل به آنها اختصاص ده و بـدان آنها که دورنـد به مقـدار کسانی که نزدیک انـد سـهم دارند و باید حق همه آنها را مراعات کنی بنـابراین هرگز نبایـد سـرمستی زمامـداری تو را به خود مشـغول سـازد و به آنها رسـیدگی نکنی، چرا که هرگز بخاطر کارهای فراوان و مهمی که انجـام می دهی از انجـام نشـدن کارهای کوچک معـذور نیستی ... از میان رعایا این گروه از همه به احقاق حق محتاج ترند و باید در ادای حق تمام افراد در پیشگاه خداوند عذر و دلیل داشته باشی ...)

مفهوم سکولاریزم

اشاره

مفهوم سکولاریزم (واژه سکولاریزم (msiraluces) مشتق از کلمه لاتینی muluceS به معنـای گروهی از مردم است. در سرزمین های پروتسـتان نشـین، این کلمه تـداول اسـتعمال پیـدا کرد و به معنای عالم دنیوی در مقابل عالم روحانی و معنوی به کار رفت. اما در کشورهای کاتولیک نشـین، نظیر فرانسه به جای رواج کلمه سـکولار و سـکولاریزم، واژه لائیک (eticiaL) رواج پیدا کرد. این واژه از دو کلمه یونانی soal به معنای مردم و sokial به معنای مردم عوام در قبال رجال دینی و روحانی اخذ شده است ((۱)).

این کلمه در فارسی به معنای ناسوتی، دنیوی، عرفی، زمینی ترجمه شده است.

(در زبان عربی دو واژه (العلمانیه) و (العُلَمانیه) را معادل سـکولاریزم قرار داده انـد و این اختلاف قرائت بحثهای زیادی را میان متفکران عرب درافکنـده است. العلمـانیت به معنی علم گرایی و العُلَمانیت را مشـتق از عالَم دانسـته، که به نقش انسان در عالم مربوط می شود و بر اسـتقلال عقل انسانی در تمامی عرصه هایی که به خدمت گرفته می شود تاکید دارد، بدون آنکه عقل را نیازمند امور دینی و معنوی بداند ((۲)).

واقعیت این است که این واژه نظیر بسـیاری از واژگـان مهم تاریخی در طی مرور زمان معانی متنوعی به خود گرفته و به لحاظ معنـایی از تطور تـاریخی برخوردار است. در اروپای قرون وسـطی زمینهای فراوانی به طور موقوفات تحت نظارت رجال دین و روحانیان و ۸.

۱- . العلمـا نیه من منظور مختلف، ص ۱۸، عزیز العظم، مرکز در اسات الوحـده العربیه، بیروت ۱۹۹۲ به نقل از احمـد واعظی، حکوت دینی، ص ۵۴.

۲- . الاسس الفلسفیه للعلمانیه صص ۳۷- ۳۸.

راهبان کلیساها و صومعه ها اداره می شـده، و زمینهایی را که چنین نبوده زمینهای تحت نظارت سـکولار می نامیدنـد، که مراد از سکولار در اینجا صرفا غیر کشیش و غیر رجال دین بوده، بدون آنکه دارای بار معنایی خاصی باشد.

(کلمه سـکولار و لائیک به مرور زمان دارای بار معنایی خاصـی شد که حتی در برخی موارد بوی دشمنی با دین و رجال دین از آن به مشـام می رسـید. کم کم این تفکر رواج پیـدا کرد که نه تنهـا بخشـی از تعالیم و معارف، خارج از نفوذ دین و رجال دین قرار می گیرد بلکه اساساً برخی از جنبه های حیات بشـری در قبضه تعالیم دینی نبوده و خارج از سلطه رجال دین قرار می گیرد و بـدین ترتیـب سـکولاریزم و مـذهب لائیـک شـکل گرفت که حیـات عمـومی را خـارج از سـلطه دین و رجـال آن می خواست (۱)).

و جدا انگاری سکولارها، میان ایمان و دانش مورد تاکید اصلاح گر پروتستان (لوتر) قرار گرفت، زیرا وی ایمان را ارتباط بی واسطه فرد جویای رستگاری با خدا به عنوان کسی که در مسیح تجلی کرده است (۲)، تعریف می کرد، بنابراین تمامی علوم و دانشها حتی آنها که درباره موضوعات فراطبیعی بودند خارج از قلمروی تجربه مذهبی قرار می گرفتند.

دیـدگاه (تومـاس هـابز (و (جان لاک) و دیگران در باب دولت و اسـتقلال واقتـدای آن در تامین اهـداف جزیی و کلی خاص خویش، رویکرد جدیدی در سیاست بود. این رویکرد جدید توسط (منتسکیو) منتهی و منجر به گونه ای نسبت گرایی سیاسی شد که در مقابله مستقیم با دعاوی کلامی در باب مطلق حقیقت مطلق و عام بود (۳) ..

برخی معتقدنـد، کـه سـکولاریزم علیرغـم این تطـور و تنـوع معنـایی، دارای جنبه عـام و مشـترکی است که جـامع این معـانی و رویکردهـای متعـدد است. این معنـای عـام و جـامع، اعتقاد به عـدم برتری مرجعیت دین، نسـبت به مرجعیت سایر منابع معرفت است. در جامعه و امور عقلانی و سیاسـی و تقنینی، جهاتی وجود دارد که به هیچ وجه سـلطه و حاکمیت فکری و (غیب آلود) دین را نمی پذیرد و در نتیجه دین را مرجع اساسی در حیات بشری نمی داند. ۱.

۱- . الدین و الدوله و تطبیق الشریعه صص ۱۰۸ و ۱۰۹ محمد عابد الجابری به نقل از احمد واعظی ص ۵۵.

۲- . رجوع شود به مباحث تجسد الوهیت در مسیح جان هیک، مباحث پلوراليسم دینی.

۳- . ۱.. ۱۳۶، ۲۳۶ ۳۵۹۱.

دین، مربوط به حوزه عبادات و فردیت اشخاص است و آزادی دین باوری گرچه حقی انسانی است اما هرگز نمی توان به اتکای جهات تشریعی دین، حقوق و آزادیهای عمومی بشر را که بر بینشی سکولار و غیر دینی استوار است، نقض کرد. (۱) (گرچه سکولاریزم در ابتدا برنامه های علمی درباب علم آموزی و تمشیت امور اجتماعی و سیاسی بود اما در گذر زمان وسیر تکاملی، این ایده بدل به نگرش و جهان بینی خاصی شد که نگاه تازه ای به عالم و آدم دارد و تلقی نوینی از انسان و منابع شناخت او و غایات و اهداف زندگی ارائه می دهد. این رویکرد و نگرش نوین که به عنوان مکتب و مذهب سکولاریزم شناخته می شود، در بسیاری از جهات مرجعیت دین و اعتبار آموزه های آن را مورد انکار قرار می دهد. سکولاریزم در این نگاه بدل به نوعی عقلانیت و جهان بینی می شود که در عصر مدرنیته بر کثیری از اذهان آدمیان غالب آمده و با توجه به تفسیر سکولاریزم به نوعی عقلانیت و رویکرد معرفتی، روشن می شود که ترجمه سکولاریزم به جدایی دین از سیاست و یا جدا شدن دین از دنیا، تنها ذکر نتایج و پی آمدهای سکولاریزم در بعد اجتماعی و سیاسی است و نمی تواند به عنوان تعریف و ترجمه مستقیم واژه سکولاریزم باشد (۲)).

(رنسانس در جستجوی دینی بود که این جهان و عقل انسان را تایید و ارزش و اعتبار ویژه این دو را تصدیق کند و دلیل واقعی و مهر و نشان الوهیت را نه در تحقیر و ویرانی این جهان و عقل انسان بلکه در ارج نهادن به این دو بیابد. (۳))

سکولاریزم از منظر درون دینی

برخی نظریات حامیان سکولاریزم در ایران

داریوش آشوری در وضعیت دین در جهان آینده می گوید:

(اینکه دین محور زندگی اجتماعی و حاکم بر همه امور باشد، به نحوی که در قرون وسطی بود، مشکل به نظر می رسد زیرا جهانی که مسائل جهانگیر دارد و ساختارش بر ارتباط دائمی ۰.

۱- . العلمانیه من منظور مختلف، ص ۱۸، عزیز العظمه.

۲- . واعظی، احمد، حکومت دینی، ص ۵۸.

۳- . کاسیرو، اوفست، فلسفه روشنگری، یدالله، موقن. ص ۲۱۴، ۳۷۰.

همه باهم استوار است و در عصر الکترونیک و کامپیوتر این روند بیشتر و بیشتر می شود، بنا کردن جوامعی که محورشان بر دین و سنت معین دینی باشد دور از ذهن به نظر می رسد (۱)).

البته دین قرون وسطی که مسیحیت تحریف شده بود، مصداق این گفتار هست، که ناگفته پیداست در عصر الکترونیک تفتیش عقاید کلیسایی و ... بکار نمی آید و جوابگوی مسائل پیچیده امروز جهان نیست.

اما در ایران وقتی بحث از دین و سیاست و حکومت دینی می شود، منظور دین اسلام هست که در هزارو چهارصد سال در جوامع مختلف آزموده شده است و به نص آیات قرآن و احادیث متواتر دین و سیاست لازم و ملزوم یکدیگرند زیرا که اولین کاری که پیامبران کرده اند، ابتدا سراغ قدرتمندان حاکم و سیاستمداران رفته و آنها را به توحید و عدالت دعوت نموده اند (۲).

هوشنگ ماهرویان در میزگرد جامعه مدنی در این باره می گوید:

(... حکومت در جامعه مدنی ناشی از اراده مردم است لذا می توان آنرا نقد کرد ... قانون هم ناشی از اراده مردم است، آن را هم می توان نقد کرد ... وقتی شما دیه و قصاص وتعزیرات را آوردید جزء قانون کردید، دیگر من نمی توانم آنها را زیر سؤال ببرم، نمی توانم بگویم اینها مال دوران بادیه نشینی است (۳) ...)

هاشم آغا جری در این زمینه می گوید: دین در حکومتهای دینی نه تنها افیون توده ها است، آن چنان که مارکس گفته است و من می افزایم علاوه بر آن افیون حکومتها هم هست، ... راهی را که ما برای پیشگیری از بازتولید فاجعه در جمهوری اسلامی می شناسیم، این است که روی بیاوریم به الگو و نظریه جامعه مدنی دین به عنوان یک نهاد متعلق به حوزه های جامعه مدنی است در نهاد دینی نظریه پردازان نخبه وجود دارند، هیچ کس نمی تواند روحانی دیگری تنها به جرم اینکه متفاوت با او می اندیشد، متهم به ارتداد و بدعت و هرتدوکسی بکند. باید نهاد ۶.

۱- . آشوری، داریوش، سنت، مدرنیته، پست مدرن، به کوشش اکبر گنجی، ص ۲۸ چاپ اول اسفند ۷۵.

۲- . رجوع شود به آیات و احادیث و سکولاریسم.

۳- . ماهنامه فرهنگ و توسعه تاریخ، ش ۳۱، میزگرد جامعه مدنی با حضور هوشنگ ماهرویان، علی رشیدی، داریوش آشوری، فریبرز رئیس دانا، بهمن ۱۳۷۶.

دین از نهاد قدرت را جدا کرد. نهاد دین متعلق به نهاد قدرت نیست و نباید باشد، نهاد دین متعلق به نهادهای جامعه مدنی است ... قانونی قابل اطاعت است که از بستر اراده و خواست مردم گذشته باشد در این صورت است که دولت دمکراتیک براساس قانون دمکراتیک حق اعمال قوه قهریه را دارد (۱).

این تصوری شخصی از ولایت فقیه است و واقعیت ندارد. این گفته ها اهمیت و ضرورت و حکمت اصل ولایت مطلقه فقیه را می رساند که تا چه اندازه حافظ نظام و حکومت اسلامی است که باید برای برداشتن آن به جامعه مدنی تمسک جست.

عبدالکریم سروش در مصاحبه ای با روزنامه النهار گفت: (دولت باید در زمینه ایدئولوژی بی طرف باشد. ما نباید توقع داشته باشیم که دین برای ما نوع سیاست و اقتصاد را تعیین کند زیرا در اصل برای ایجاد رابطه میان انسان و خداست). وی در بخش دیگری از این مصاحبه گفت: (ما باید دیدگاههای خودمان را درباره خدا و نبوت و خواسته هایمان را از دین تغییر دهیم).

مسلمانان توقعی از دین نداشتند بلکه این خود دین است که نوع سیاست و اقتصاد و فرهنگ و اخلاق و ... را معین می سازد زیرا دین مجموعه قوانین و مقرراتی است از طرف خدا برای انسانها جهت رسیدن به کمالات انسانی در این دنیا.

عبدالکریم سروش در جای دیگر در زمینه دین و سیاست می گوید:

(سکولاریسم نه به معنای ضد دینی بودن بلکه به معنای غیر دینی بودن است، سکولاریسم یعنی بی التفاتی نسبت به دین در شئون دنیا و بنا کردن مؤسسات و نهادهای اجتماعی بدون ملاحظه امر و نهی و ارزشهای دینی نفیاً و اثباتاً و نه لزوماً مقابله و مواجهه خصمانه با آن و نه به معنای الحاد آشکار و عزم بر برانداختن دین).

این سخن با گفته تئوریسین رژیم احسان نراقی تطابق دارد. بی شک این تفاهم فکری باید (۱). سخنرانی هاشم آغا جری عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در مراسم تجلیل از محسن کدیور در دانشگاه شهید بهشتی ۹/ ۵/ ۷۹، این گفته را ایشان و مصطفی تاج زاده معاون سیاسی اجتماعی وزارت کشور به استاد شهید مطهری نسبت داده اند که بنا برجوابیه شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید همان چیزی است که آن متفکر و مجاهد گرانقدر در راه مبارزه با آن به شهادت رسید. رجوع شود به مباحث آیات و احادیث این مجموعه.

۱- . صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۱.

زمینه هایی داشته باشد.

سعید حجّاریان تکثرگرایی سیاسی را به امام نسبت داده و تقلید مقلدان را نوعی تکثرگرایی دانسته و می گوید:

(به نظر می رسد حضرت امام در مقطعی با صحه گذاشتن بر جدایی جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز پذیرفته اند، که می توان روایتهای گوناگونی از فقه و سیاست و ...

داشت، این یعنی پذیرش تنوع سیاسی. البته در عرصه فقه، همواره تکثرگرایی بر پایه آزادی مقلدان برای تقلید از مجتهدی که اعلم تشخیص می دهند داشته ایم ولی امام آن را به عرصه سیاست هم کشاندند (۱)).

سعید حجّاریان با صغری و کبرایی غلط، نتایجی قطعی می گیرد. اوّلا اگر امام تکثر و تنوع سیاسی را قبول داشتند، چرا خود ایشان این مسئله را بازگونکردند، در حالیکه بنیانگذار جمهوری اسلامی بوده و نظام را بر مبنای احکام سیاسی قرآن پایه ریزی نمودند.

دوم اینکه در عرصه فقه تشخیص اعلم به دلخواه مقلدان نیست بلکه مقلدان از بین چند نفر اعلم که مجتهدین و علما دیگر اعلمیت آنها را با شرایط معین در فقه تشخیص داده اند مرجع تقلید خود را انتخاب می کنند و در صورتیکه اعلمیت در برهه ای از زمان اختصاص به یک نفر داشته باشد مثل زمان حضرت امام رحمه الله همه مکلف اند از اعلم زمان خود تقلید کنند.

بنابر شواهد و دلایل آشکار زیادی امام خمینی نه به تکثر سیاسی قائل بودند چون موضع ایشان برخلاف برخی، کاملا شفاف و روشن بود، زیرا سیاست ایشان برگرفته از قرآن و سنت بود، همچنین در عرصه فقه تکثرگرایی راهی ندارد.

(اساساً دین برای حکومت حرفی ندارد و بر هیچ کس واجب نکرده است که حکومت تشکیل دهد. بنابراین قدرت از ناحیه مردم باید تفویض شود نه خدا ... پیامبر و امام علی علیه السلام نیز به وسیله مردم به حکومت برگزیده شدند (۲) ..).

آیات زیادی در مورد جهاد و قتال کافران و ... و در نهج البلاغه فرمان علی علیه السلام به مالک اشتر ن.

۱- . حجّاریان، سعید، جامعه مدنی و ایران امروز (مجموعه مقالات)، ص ۳۱۷.

۲- . یوسفی اشکوری، جامعه مدنی، دین، ایدئولوژی، دمکراسی و موانع آن، ایران فردا، ش ۴۰، رجوع شود به بحث احکام سیاسی در قرآن.

و ... ثابت می کند که دین برای حکومت و والی حکومت حرفها و دستورات زیادی دارد و چون دستور دارد، تلاش برای تشکیل حکومت نیز لازم است، زیرا اجرای دستورات قرآن جز در سایه حکومت اسلامی میسر نیست.

امام خمینی رحمه الله در تلاش استکبار برای ضربه زدن به اسلام می فرماید:

(استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه مأیوس شد دو راه را برای ضربه زدن انتخاب نمود ... اولین و مهمترین حرکت القای شعار جدایی دین از سیاست است (۱)).

احسان نراقی (۱) در مورد جدایی دین از سیاست چنین بیان می دارد:

(دین را از سیاست جدا کردن به غیر از بی دینی مردم است. این لایسیته مفهوم اش بی دینی نیست. مفهوماش این است که قواعد دینی شامل جامعه و سیاست نباشد و جامعه راه خودش را برود و کلیسا حکومت سیاسی نداشته باشد (۲)).

وی تشریفات دینی را به معنی دینداری مردم گرفته و می افزاید:

(دین در غرب از بین نرفته است، ... الان در انگلستان، ملکه انگلیس رئیس کلیسای انگلوکان است، همه اعیاد اروپاییها به جز دو سه عید، تعطیلیهای مذهبی است و هر که از دنیا می رود به کلیسا می برند و مراسم مفصلی هم برای آن می گیرند. آنان دین را امری شخصی و درونی و انسانی می دانند).

ایشان پس از سالها زندگی در پاریس فراموش کرده اند بحث سکولاریزم در ایران در مقابل اسلام است نه دین مسیحیت که برای حکومت و جامعه برنامه ای ندارد. جدایی دینی که هم تحریف شده است و هم برنامه ای جامع و کامل برای بشریت ندارد، از حکومت امری طبیعی است، همچنین تشریفات دینی که نمادهای دین هستند با دین داری تفاوت دارد. اولی شکل است و ظاهر، دومی محتوا هست و عمق و توأم با ایمان. انجام تشریفات دینی دلیل دین داری نبوده و وجود نمادهای دینی حضور دین را در زندگی مردم اثبات نمی کند.

۱- . جهت اطلاع از سوابق وی به کتاب در خشت خام، ابراهیم نبوی رجوع شود.
۲- . نبوی، ابراهیم، در خشت خام، گفتگو با احسان نراقی، ص ۲۱۱.

منشأ جدایی دین از سیاست در اسلام

علی علیه السـلام بعـد از فوت پیـامبر صـلی الله علیه و آله در برابر شـیخین و امر خلافت این دلیل را آورد که او به امر مهمتری مشغول بوده و تجهیز بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عهده داشته است. روی این اصل علی علیه السلام در سقیفه بنی ساعـده حضور نیـافته و ابوبکر و عمر شـتابزده و در غیـاب وی دست بکـار انتخـاب خلیفه شـده بودنـد و این سـرآغازی بود بر جدایی دین از سیاست در اسلام. وصّی پیامبر و ولی امر مسلمین از هم جدا گشت.

نقش عایشه در تاریخ سیاسی اسلام

حکومت ولید بر کوفه پنج سال به طول کشـید در جریان شرابخواری وی و دادخواهی مردم از عثمان خلیفه وقت، چون عثمان مشهود و شاکیان از ولید را تهدید نمود، شهود که ابوزینب و مورع بودند به عایشه متوسل شدند. عایشه بر عثمان بانگ زد که (حـدود شـرعی را بلا اجرا گـذارده و گواهان را مورد اهانت خود قرار داده ای. (عثمان در جواب اعتراض علی علیه السـلام به مردم و عـایشه گفت: (مگر بناست که هر کس از امیر و فرمانـدار خود برنجـد به او تهمت بزنـد، حال که چنین است بامـدادان دستور می دهم تا شما را سیاست و تنبیه کنند).

این گروه از ترس مجازات عثمان به خانه عایشه پناه بردند و چون عثمان صبح گاهان از اطاق عایشه سخنانی شنید که بوی تند و پرخاش بر او می داد، بی اختیار فریاد کشید:

آیا سـرکشان و فاسـقان عراقی پناهگاهی جز خانه عایشه سـراغ نداشـتند؟ عایشه چون این سخنان توهین آمیز و دشنام غیر قابل بخشش عثمان را نسبت به خود شنید پای افزار رسول خدا را گرفت و آن را بر سر دست بلند کرد و به صدای رسا فریاد زد:

(چه زود سنت و روش رسول خدا صاحب این کفش را پشت سرانداختی؟)

این سـخن عایشه به سرعت برق دهان به دهان گردید و به گوش همه مردم مدینه رسید و آنها نیز به مسجد روی آوردند. انبوه مردم به حدی بود که جا برای کسـی پیدا نمی شد سخن عثمان و پاسخ عایشه تنها مطلبی بود که مورد گفت و شنود آنها قرار گرفته بود. بالاخره بین

مردم اختلاف انداخت و دو دستگی شدید ایجاد کرد. یک عده از عثمان و عده ای از عایشه طرفداری می کردند. تاجایی که به جان هم افتادند و یکدیگر را در مسجد با سنگ ریزه و کفش به باد کتک گرفتند.

این نخستین ستیزه و زدوخوردی بود که بین مسلمانان پس از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله روی داده است. بالاخره بخاطر تحریکات احساسی عایشه در بین مردم عثمان، ولید را از حکومت عزل نمود.

این جریان را یعقوبی در تاریخ خود و ابن عبدالبر، در استیعاب قریب به همین مضمون آورده و تأثیر اقدام و دخالت عایشه را در آن جریان بخوبی نشان داده اند.

بعدها عایشه از عثمان روی برتافته و به صف مخالفان او پیوسته و ریاست آنان را به عهده گرفته بود. مردمی که تشنه انقلاب علیه دستگاه بیدادگر عثمان بودند، سخنان و اقدامات عایشه امّ المومنین علیه عثمان آنها را نشاطی تازه می بخشید و به پیروزی شان امیدوارتر می ساخت. نام عایشه امّ المومنین و سخنان اش علیه عثمان و اقدامات او، ورد زبان نه تنها شهروندان مدینه، بلکه ساکنان سرزمین حجاز و در نتیجه سراسر کشور پهناور اسلامی شده بود بویژه آنکه افراد خاندان تیم نیز به پشتیبانی از ام المومنین عایشه برخاستند و در این قیام و شورش نقش حساسی به عهده گرفتند و عایشه که از عثمان دلی پرخون داشت و در سر هوای حکومت پسر عمویش طلحه را می پروراند، از شورش مردم و محاصره عثمان حداکثر استفاده را نمود و فتوای تاریخی خود را دائر بر مرگ او صادر کرد.

چنین موقعیت و مقامی را ام المومنین از زمان شیخین بدست آورد. چه آن دو بودند که منزلت او را در نظر مسلمانان با احترام و کرنشی که به او ابراز می داشتند و فتواها و دستوراتی که از او می گرفتند بالا بردند. از طرفی آنچه تاثیر فتوی و دستورهای عایشه را دو چندان می ساخت موقع شناسی خاص او و آمادگی کامل مجریان آن بود. اینگونه بود که در تاریخ اسلام بعد از فوت پیامبر دین از سیاست جدا و مسیر اسلام و مسلمین را منحرف نمود.

احکام سیاسی در قرآن

آیات معارض با سکولاریزم

۱- (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) (۱) این آیه هرگونه فعالیت و رفتار و قانونی که راه تسلط بیگانگان را بر مسلمانان باز نماید شامل شده و به تمام حیطه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی مربوط می شود.

آمادگی برای دفاع از کیان اسلام و مسلمین

۲- (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ) (۲) عبارت (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ) خطاب و امر به جمیع مسلمانان است جهت آمادگی در حد توانایی در کلیه امور نظامی، سیاسی، فرهنگی برای دفاع در مقابل دشمنان خدا

طبق این آیه مسلمانان وظیفه دارند متناسب با آخرین پیشرفتهای روز خود را برای دفاع همه جانبه (فرهنگی، نظامی، سیاسی) آماده نگه دارند. این نحو آمادگی جز در حکومت اسلامی و استفاده از امکانات و بسیج عمومی امکان پذیر نیست.

آیات جهاد:

۳- (قَاتِلُوا الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلا بِالْيَوْمِ الآخِرِ وَلا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ اوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ) (۳)

با کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورند و آنچه را که خدا و پیامبر او حرام کرده اند حرام نمی شمارند و دین حق را نمی پذیرند کارزار کنید تا آنگاه که به دست خود جزیه دهند در حالی که خوار شده باشند.

جزیه به حکومت اسلامی تعلق دارد و مسلمانان بدون اذن ولی امر و حکومت اسلامی نمی توانند با کافرین جنگ نموده و از آنان جزیه بگیرند. ۹.

۱- . نساء، آیه ۱۴۱.

۲- . انفال، آیه ۶۰.

۳- . توبه، آیه ۲۹.

۴- (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَلا عُدْوَانَ إِلَّاعَلَى الظَّالِمِينَ) (۱) و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و همه را آئین دین خدا باشد و اگر از فتنه و جنگ دست کشیدند با آنها عدالت کنید که ستم جز بر ستمکاران روا نیست.

۵- (وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالفِتْنَهُ أَشَدُّ مِنْ القَتْلِ وَلا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ المَسْجِدِ الحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الكَافِرِينَ) (۲) هر جا مشرکان را یافتید بقتل برسانید و از شهرهاشان برانید چنانکه آنان شما را از وطن آواره کردند و فتنه گری که آنها کنند سخت تر و فسادش بیشتر از جنگ است و در مسجد الحرام با آنها قتال مکنید مگر آنکه پیش دستی کنند دراین صورت رواست که در حرم آنها را به قتل رسانید این است کیفر کافران.

۶- (وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلا تَعْتَدُوا) (۳) و در راه خدا با کسانی که با شما سرجنگ دارند کارزار کنید اما تعدی روا ندارید.

۷- (وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ) (۴) در این دو آیه وجوب جهاد بیان شده است و جهاد مقید به کلمه فی سبیل الله شده است تا کسی هدف از جنگ و جهد را کشورگشایی یا حرص و طمع و ... تصور نکند.

۸- (وَقَاتِلُوا المُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ المُتَّقِينَ) (۵) با همه مشرکین بجنگید همچنانکه با همه شما می جنگند و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.

۹- (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَ ۶.

۱- . بقره، آیه ۱۹۳.

۲- . بقره، آیه ۱۹۱.

۳- . بقره، آیه ۹۰.

۴- . بقره، آیه ۲۴۴.

۵- . توبه، آیه ۳۶.

اللَّهَ مَعَ المُتَّقِینَ) (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، با کافرانی که به شما نزدیک اند کارزار کنید (دشمنان دورتر شما را از دشمنان کفار نزدیک غافل نکند) این کارزار بر سبیل دفاع از خویشتن است و باید که در شما درشتی و سختی بیابند و بدانید خدا با پرهیزکاران است.

۱۰- (وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ المُؤْمِنِینَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَیْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَی الاخْرَی فَقَاتِلُوا الَّتِی تَبْغِی حَتَّی تَفِیءَ إِلَی أَمْرِ اللَّهِ) (۲) اگر دو گروه از مومنان با هم کارزار کنند میانشان آشتی دهید. پس اگر یکی از آن دو بر دیگری ستم و تجاوز کند با آن که ستم و تجاوز می کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد.

در تمام آیات مورد خطاب جمیع مسلمین است و دستور جنگ و قتال یک امر جمعی و حکومتی است نه شخصی و فردی.

آیات قصاص

۱۱- (یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ القِصَاصُ فِی القَتْلَی الحُرُّ بِالحُرِّ وَالعَبْدُ بِالعَبْدِ وَالانثَی بِالانثَی) (۳) ۱۲- (الزَّانِیَةُ وَالزَّانِی فَاجْلِدُوا) (۴) ۱۳- (أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالعَیْنَ بِالعَیْنِ وَالأنفَ بِالأنفِ وَالاذُنَ بِالاذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ کَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ یَحْکُمْ بِمَا أنزَلَ اللَّهُ فَاوْلَئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ) (۵) ۱۴- (وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أیْدِیَهُمَا جَزَاءً بِمَا کَسَبَا) (۶) آیا جز این است که تنها قاضی و حاکم شرع در حکومت اسلامی قصاص نموده و دست ۸.

۱-. توبه، آیه ۱۲۳.

۲-. حجرات، آیه ۹.

۳-. بقره، آیه ۱۷۸.

۴-. نور، آیه ۲.

۵-. مائده، آیه ۴۵.

۶-. مائده، آیه ۳۸.

مرد و زن دزد را می تواند قطع کند؟ و مسلمانان بدون نظام اسلامی امکان انجام این امور را ندارند؟

وظایف شرعی مسلمانان در فقه اسلامی

امام خمینی رحمه الله دفاع از بلاد اسلام را از وظایف مسلمانان دانسته و می فرمایند:

(اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله ای که امکان داشته باشد، از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست. (۱))

و نیز در مسئله ۲۸۲۹ در جلوگیری از تسلط بیگانگان می فرمایند:

(اگر به واسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری اجانب خوف آن باشد که تسلط بر بلاد مسلمین پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان دفاع به هر نحو که ممکن است و قطع ایادی اجانب، چه عمال داخلی باشند یا خارجی).

و در توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی یا نظامی توسط روسای ممالک اسلامی و وکلاء مجلس در مسئله ۲۸۳۳ می فرمایند:

(اگر بعض روسای ممالک اسلامی یا بعض وکلاء مجلسین موجب بسط نفوذ اجانب شود چه نفوذ سیاسی یا اقتصادی یا نظامی که مخالف مصالح اسلام و مسلمانان است، به واسطه این خیانت، از مقامی که دارد- هر مقامی که باشد- منعزل است. اگر فرض شود که احراز آن مقام به حق بوده و بر مسلمانان لازم است او را مجازات کنند به هر نحو که ممکن شود (۲)).

به استناد آیات و احادیث و فتاوای علمای اسلام روشن گردید که در دین اسلام دین از سیاست جدا نبوده و این دو جزء لاینفک از یکدیگر هستند. اصل ولایت فقیه علاوه براینکه مسئله ای حکومتی و سیاسی است شرعی نیز هست همچنین است مسائل جهاد و امر به معروف ونهی از منکر و رابطه با بیگانگان و ...

سیاست در اسلام یعنی آزادی و رهایی از تسلط بیگانگان تحت هرنامی و دفاع از د.

۱- . توضیح المسائل، مسئله ۲۸۲۶.

۲- . جهت اطلاع بیشتر از مسائل دفاع به کتاب تحریر الوسیله، ج ۲، امام خمینی رحمه الله مراجعه شود.

کیان اسلام و مسلمین و تساوی حقوق سیاسی مسلمین در برابر قانون و جامعه، حاکمیت با ورع ترین فرد از مسلمین برای جلوگیری از ظلم و تعدی بر آنان با عنوان ولی امر مسلمین.

سیاست یعنی مشارکت سیاسی همه مردم در سرنوشت کشور اسلامی، سیاست در اسلام یعنی وحدت و یکپارچگی امت اسلامی در برابر ظالمان و دشمنان اسلام. بنابراین، بنابر استنادات مذکور، سکولاریزم که یکی از اصول جامعه مدنی است با دین اسلام ناسازگار است.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه برخی صفات ولی مسلمین را در فرمان مالك اشتر چنین برمی شمارد:

این فرمان را هنگامی نوشت که وی را زمامدارو والی کشور مصر قرار داد تا مالیاتهای آن سرزمین را جمع آوری کند، با دشمنان آن کشور بجنگد، به اصلاح اهل آن همت گمارد و به عمران و آبادی دیرها و قصبات و روستاها و قریه های آن بپردازد. (نخست) او را به تقوا و ترس از خداوند، ایثار و فداکاری در راه اطاعتش و متابعت از آنچه در کتاب خدا قرآن به آن امر شده است فرمان می دهد. به متابعت اوامری که در کتاب الله آمده فرائض و واجبات و سنّتها همان دستوراتی که هیچ کس جز با متابعت آنها روی سعادت نمی بیند و جز با انکار و ضایع ساختن آنها در شقاوت و بدبختی واقع نمی شود.

از نظر حضرت رضا علیه السلام امامت دینی بحق بر جریان سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی نیز نظارت و رهبری دارد:

(امام، زمام دین و مایه نظام مسلمانان، صلاح دنیا و عزّت مومنان است. امام، ریشه بالنده اسلام و شاخه سربلند آن است. امام، کامل کننده نماز، زکات، روزه، حج و جهاد است همچنین مایه فراوانی غنیمت و صدقات و اجرای حدود و احکام و استحکام مرزها و سر حدات است ... آیا مردم گمان کرده اند که این ویژگیها در غیر خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله یافت می شود؟ خاندانی که علم شان شکوفنده و حلم شان کامل است و احاطه و سلطه علمی و عملی بر امور دارند، آگاه به سیاست و شایسته ریاست و رهبری هستند و اطاعت آنان واجب است

امر الهی را برپامی دارند و نسبت به بندگان خدا خیرخواهند (۱)).

حضرت رضا علیه السلام موضوع امامت را امری انتصابی می دانند نه منوط به خواسته و انتخاب مردم، هرچند مردم در انتخاب حق مختار هستند، اما این دلیل بر عدم مسئولیت مردم در انتخاب حق نیست. امام می فرمایند:

(موضوع امامت و تعیین امام از لوازم کمال دین است و پیامبر صلی الله علیه و آله بدرود حیات نگفت مگر پس از این که مسائل مهم و اصلی دین را برای مسلمانان بیان کرد و راهها را به آنان نشان داد و انتخاب حق را به ایشان وانهاد و علی علیه السلام را به عنوان شاخص و امام برای مردمان تعیین کرد و برجانهاد (۲)).

امام زمان علیه السلام در جواب نامه اسحاق بن یعقوب مبنی بر تکلیف آنان در زمان غیبت مرقوم فرمودند:

(واما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا، فانهم حجّتی علیکم و انا حجّه الله علیهم (۳))

در حوادث واقع شده به راویان حدیث ما رجوع کنید زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من ام حجت خدا برآنان. محقق کرکی (۹۴۰ ه)

(فقیهان شیعه اتفاق نظر دارند که فقیه جامع الشرایط که از آن به (مجتهد) تعبیر می شود از سوی امامان معصوم در همه اموری که نیابت در آن دخالت دارد نایب است. پس دادخواهی در نزد او و اطاعت از حکم او واجب است. وی در صورت لزوم می تواند مال کسی را که ادای حق نمی کند بفروشد. او بر اموال غایبان، کودکان، سفیهان و ورشکستگان و بالاخره بر آنچه که برای حاکم منصوب از سوی امام علیه السلام ثابت است ولایت دارد. دلیل بر این مطلب روایت عمربن حنظله و روایات هم معنی و مضمون آن می باشد (۴)) ۲.

۱- . تحف العقول، ۵۱۵- ۵۱۷- ۵۱۸.

۲- . تحف العقول، ص ۵۱۴.

۳- . شیخ صدوق، اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳، باب ۴۵، حدیث ۴ و نیز کتاب الغیبه حدیث ۲۴۷.

۴- . محقق کرکی، رسائل المحقق الثانی، رساله صلاه الجمعه، ج ۱، ص ۱۴۲.

فقیه بزرگ محقق کرکی در رساله نماز جمعه در مورد ولایت فقیه می نویسد:

(اصحاب ما اتفاق نظر دارند که فقیه عادل امین واجد همه شرایط فتوا، که از او به مجتهد در احکام شرع تعبیر می شود نایب امامان معصوم علیهم السلام در عصر غیبت است و محدوده این نیابت همه اموری است که قابل نیابت باشد (مثلاً علم و عصمت آنان نیابت بردار نیست) اگر چنین نیابت عالی از معصومین برای فقیهان وجود نداشته باشد بسیاری از امور مربوط به شیعیان معطّل می ماند (۱)

شیخ محمد حسن نجفی، صاحب جواهر (۱۲۶۶ ه) درباره ولایت فقیه می نویسد:

(نظر من این است که خداوند اطاعت از فقیه را به عنوان (اولی الامر) بر ما واجب کرده است و دلیل آن اطلاق ادّله حکومت فقیه بویژه روایت صاحب الامر عج الله تعالی فرجه می باشد (۲)

۱- رسائل محقق کرکی تحقیق محمد الحسون، المجموعه الاولی، رساله فی صلاه الجمعه ص ۱۴۲- ۱۴۳.

۲- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

مقایسه ویژگی های عینی جامعه مدنی با جامعه اسلامی

جامعه مدنی استنادحکومت اسلامی ۱- غیر دینی و غیر ایدئولوژیک بنابر نظر شماره ۱ و ۲ و ۳- تعریف ۲۳ و ۳۴ و شاخص ۱ و ۳ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ و ۲۰ و ۳۳ محور اصلی: خدا محوری ۲- سکولاریزم نظر شماره ۳- نظریات حامیان سکولاریزم ص ۱۴۵- ۱۴۱ دین و سیاست دو جزء لاینفک ولازم و ملزوم یکدیگر ۳- پلورالیسم (تکثرگرایی) دینی وفاق ملی نظر شماره ۳ و تعریف ۳۴ و ۳۸ و شاخص ۳ و ۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۸ و ۲۰ اسلام دین برتر و آخرین دین آسمانی وحدت و یکپارچکی امّت ۴- منشاء قانون حاکم در جامعه عقلانیت جمعی و اراده و منافع افرادنظر شماره ۲ و شاخص ۱۱ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۹ و نظر اشکوری بعد از تعریف ۲۷ و تعریف ۳۷ منشاء قانون، قانو الهی مندرج در کتاب آسمانی قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ۵- دمکراسی و قرارداد اجتماعی (منشاء قوانین جامعه) نظر شماره ۳ و تعریف ۱۰ و ۱۸ و ۴ و ۲۳ و ۳۰ و ۳۷ و ۳۴ و شاخص ۱ و ۱۱ و ۱۵ و ۲۳ و ۳۲ و ۳۳ حاکمیّت قوانین و مقررات اسلام در کلیه ابعاد و شئون جامعه ۶- چرخش امور بر پایه اراده و عقلانیت جمعی و منافع افرادتعریف ۳۱ و ۳۷ و ۴۲ و شاخص ۱۱ و ۱۵ و ۱۹ عقلانیت جمعی بر اساس خدا محوری ۷- حوزه قانون گذاری حوزه قانون گذاری بی حد و مرزتعریف ۵ و ۲۶ و ۲۸ انحصار حقّ قانون گذاری به پیامبر و ائمه: و در احکام ثانویه به ولی امر مسلمین ۸- بی قید و بندی اخلاقی در سطح جامعه و اخلاق فردی شاخص ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ رعایت اخلاق اسلامی بر مبنای تهذّب و تزکیه و کفّ نفس

۹- تشکیل احزاب وانجمن ها و ... برای رسیدن به مراکز قـدرت بهر نحو ممکن تعریف ۶ آمیختگی قـدرت و عدالت و توأم بودن هر دو بـا اخلاق ۱۰- اومانیسم (فردگرایی) تعریف ۲ و ۷ و ۱۱ و ۳۴ و ۴۲ و ۱۵ نفی انسان محوری و التـذاذ فردی ۱۱- خصوصی و فرعی بودن دین در جامعه شاخص ۱۱ عمومی و اصلی بودن دین در جامعه ۱۲- عامل نفوذ در کلیه تصمیم گیری های سیاسـی و خط مشـی هاتعریف ۵ عامـل نفوذ در تصـمیم گیری ها قوانین اسـلام ۱۳- مناسب ترین وسـیله برای تضـعیف و تغییر ارزش های دینی و بستری مناسب برای قراءت های جدیـد و بدعت گذاری در اسـلام بحث اهداف و تلاش های حامیان جامعه مـدنی ابزار جلوگیری از تضـعیف ارزش های دینی و ممانعت از بـدعت گذاری و قرائت های مختلف از دین ۱۴- ابزار تسلّط سازمـان هـای بین المللی شـرایط صـندوق پول سازمـان ملل مانع تسـلّط بیگانگان بر بلاد مسـلمین و مسـلمانان به انحای مختلف در کلیه عرصه ها

سخن آخر

اشاره

سخن آخر در جهان بینی اسلامی ایمان و عمل صالح زمینه های تحقق وعده الهی برای خلیفه شدن انسان در زمین برشمرده است:

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُم فِی الأرْضِ) (۱) خدا به کسانی که ایمان آورند و نیکوکار گردند وعده فرموده که در زمین خلافت دهد.

(أنَّ الأرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ) (۲) همانا بندگان نیکوکار من وارث زمین خواهند شد.

در آیاتی عدم تساوی متّقین با غیر متّقین تصریح شده است:

(أمْ نَجْعَلُ المُتَّقِینَ کَالفُجَّارِ) (۳) آیا (مردم) با تقوی و خدا ترس را مانند فاسقان بدکار قرار می دهیم (وجزا می دهیم)

(أمْ نَجْعَلُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ کَالمُفْسِدِینَ فِی الأرْضِ) (۴) آیا ما آنان را که ایمان آورده و به اعمال نیکو پرداختند مانند مردم مفسد در زمین قرار می دهیم.

(أفَمَنْ کَانَ مُؤْمِناً کَمَنْ کَانَ فَاسِقاً لا یَسْتَوُونَ) (۵) آیا آن کس که به خدا ایمان آورده (حال در قیامت) مانند کسی است که کافر بوده، هرگز ۸.

۱- . نور، آیه ۵۵.

۲- . انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳- . ص، آیه ۲۸.

۴- . ص، آیه ۲۸.

۵- . سجده، آیه ۱۸.

یکسان نخواهند بود.

در چهار آیه شریفه تاکید شده است عاقبت از آن متّقین است:

(العَاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ) (۱)

حسن عاقبت خاص پرهیزگاران است.

(وَإِنَّ لِلْمُتَّقِینَ لَحُسْنَ مَآبٍ) (۲) البته در جهان جاودانی برای اهل تقوی بسیار نیکو منزل گاهی است.

آیات دیگر مقام و منزلت متّقین را نزد خداوند کریم بیان می کند:

(انَّ اللَّهَ یُحِبُّ المُتَّقِینَ) (۳) (انَّ اللَّهَ مَعَ المُتَّقینَ) (۴) جایگاه متقین در قرآن نیز بیان شده است:

(وَجَنَّهٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالأَرْضُ اعِدَّتْ لِلْمُتَّقِینَ) (۵) (إِنَّ المُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ) (۶) البته اهل تقوی (در بهشت) باغها و نهرهای جاری خواهد بود.

(وَلَدَارُ الآخِرَهِ خَیْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ المُتَّقِینَ) (۷) دار آخرت آنها را بهترین منزل است و البته بسیار خانه اهل تقوی مجلّل و نیکو خواهد بود.

(إِنَّ المُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَنَعِیمٍ) (۸) همانا متّقیان در باغهای بهشت پرنعمت اند.

(إِنَّ المُتَّقِینَ فِی مَقَامٍ أمِینٍ* فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ) (۹) .

۱- . اعراف آیه ۱۲۸ و هود آیه ۴۹ و قصص آیه ۸۳.

۲- . ص، آیه ۴۹.

۳- . آل عمران، آیه ۷۶ و توبه، آیه ۴ و ۷.

۴- . بقره آیه ۱۹۴ و توبه آیه ۳۶ و ۱۲۳.

۵- . آل عمران، آیه ۱۳۳.

۶- . حجر، آیه ۴۵ و ذاریات، آیه ۱۵.

۷- . نحل، آیه ۳۰.

۸- . طور، آیه ۱۷.

۹- . دخان، آیه ۵۱ و ۵۰.

(در آنروز سخت) آنان که خدا ترس و متقی بودند، مقام امن و امان یافته اند در باغها و کنار نهرها و چشمه ها آرمیده اند.

(وَازْلِفَتِ الجَنَّهُ لِلْمُتَّقِینَ غَیْرَ بَعِیدٍ) (۱) بهشت را برای اهل تقوی نزدیک آرند تا هیچ دور از آن نباشند (و رنج حرکت نکشند)

(إنَّ المُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ* فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِیک مُقْتَدِرٍ) (۲) محققا اهل تقوی در باغها و کنار نهرهای (بهشت) منزل گزینند، در منزلگاه صدق و حقیقت نزد خداوند عزت و سلطنت جاودانی متنعم اند.

(إنَّ لِلْمُتَّقِینَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِیمِ) (۳) برای متقیان نزد پروردگارشان باغهای بهشت پر نعمت خواهد بود.

(إنَّ لِلْمُتَّقِینَ مَفَازاً* حَدَائِقَ وَأعْنَاباً) (۴) متقیان را در آن جهان مقام گشایش و هرگونه آسایش است، باغها و تاکستانهاست.

(إنَّ المُتَّقِینَ فِی ظِلالٍ وَعُیُونٍ* وَفَوَاکِهَ مِمَّا یَشْتَهُونَ) (۵) بندگان با تقوی و پرهیزگار در سایه درختان بهشت و کنار نهرهای جاری متنعم اند و از هر نوع میوه مایل باشند فراوان فراهم است.

آری، متقین در پیشگاه خداوند علیم از چنین قرب و مقامی برخوردارند. بی شک متقیان صفاتی را دارا هستند و اعمالی را در دنیا انجام داده اند که چنین شایستگی پیدا نموده اند. آیات دیگر صفات متقین را چنین توصیف می کند:

(لَیْسَ البِرَّ أنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ المَشْرِقِ وَالمَغْرِبِ وَلَکِنَّ البِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالیَوْمِ الآخِرِ وَالمَلائِکَهِ وَالکِتَابِ وَالنَّبِیِّینَ وَآتَی المَالَ عَلَی حُبِّهِ ذَوِی القُرْبَی وَالیَتَامَی وَالمَسَاکِینَ وَابْنَ السَّبِیلِ وَالسَّائِلِینَ وَفِی الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلاهَ وَآتَی الزَّکَاهَ وَالمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إذَا عَاهَدُوا ۱.

۱- . ق، آیه ۳۱.

۲- . قمر، آیه ۵۴ و ۵۵.

۳- . قلم، آیه ۳۴.

۴- . نبأ، آیه ۳۲ و ۳۱.

۵- . مرسلات، آیه ۴۲ و ۴۱.

وَالصَّابِرِينَ فِی البَأسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِینَ البَأسِ اوْلَئِکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَاوْلَئِکَ هُمُ المُتَّقُونَ) (۱) نیکوکاری به آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کند (چه این چیز بی اثری است) لیکن نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم در آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز به پادارد و زکاه مال به مستحق برساند و با هر که عهد بسته به موقع خود وفا کند و در کارزار و سختیها صبور و شکیبا باشد و به وقت رنج و تعب صبر پیشه کند. کسانیکه بدین اوصاف آراسته اند آنها به حقیقت راستگویان عالم و آنها پرهیزکارانند.

همچنین آیه ۳۳ سوره زمر صفتی دیگر از متّقیان را بیان نموده و آیه ۳۴ پاداش آنان را معلوم می دارد:

(وَالَّذِی جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ اوْلَئِکَ هُمُ المُتَّقُونَ* لَهُمْ مَا یَشَاؤُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِکَ جَزَاءُ المُحْسِنِینَ)

و آن کس از بندگان (در آیات قرآن) وعده صدق بر او آمد و آن را تصدیق کرد (و به خدا و قیامت ایمان آورد) همه آنان به حقیقت اهل تقوی هستند و برای آن بندگان نزد خدا از هر نعمتی که بخواهند مهیاست که این پاداش نیکوکاران عالم است.

بخاطر دارا بودن این صفات است که قرآن در آیه ۳۴ سوره انفال متّقین را دوستان خدا اعلام می نماید:

(وَمَا لَهُمْ أَلَّا یُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ یَصُدُّونَ عَنِ المَسْجِدِ الحَرَامِ وَمَا کَانُوا أَوْلِیَاءَهُ إنْ أَوْلِیَاؤُهُ إلَّا المُتَّقُونَ)

و آنها چه کردند (منافقان و معاندان اسلام) که خدا عذابشان نکند؟ در صورتی که راه مسجد الحرام را بر روی بندگان خدا می بندند، آنها را هیچ رابطه دوستی با خدا نیست که دوستان خدا به جزء اهل تقوی نباشند.

بنا براین آیات ملاک و معیار ثابتی جهت تعیین برتری افراد بر یکدیگر وجود دارد و در ۷.

۱- . بقره، آیه ۱۷۷.

جهان آخرت خداوند همین صفات و صفاتی از این قبیل را میزان سنجش اعمال انسانها قرار می دهد. لذا در دیدگاه قرآن، شهروند بودن مایه تقدم و برتری افراد نیست.

ملاک سنجش اعمال در آخرت

حال به ملاک و میزان سنجش اعمال در جهان آخرت می پردازیم:

آیه ۸ سوره اعراف می فرماید:

(وَالوَزْنُ یَوْمَئِذٍ الحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِینُهُ فَاوْلَئِکَ هُمُ المُفْلِحُونَ) (۱)

، این عبارت دوبار در قرآن تکرار شده است. روز محشر حقاً روز سنجیدن اعمال است پس آنان که در آن میزان حق وزین و نیکوکار بودند، البته رستگار خواهند بود.

و آیات دیگری می فرمایند:

(وَنَضَعُ المَوَازِینَ القِسْطَ لِیَوْمِ القِیَامَهِ فَلا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَیْئاً) (۲) و ما ترازوهای عدل را برای روز قیامت خواهیم نهاد و هیچ ظلمی به نفسی نخواهد شد.

(اللَّهُ الَّذِی أ نْزَلَ الکِتَابَ بِالحَقِّ وَالمِیزَانَ) (۳) خداست آنکه کتاب را به حق برای اجرای عدالت فرستاد.

در مجمع البیان آمده است که خداوند میزانی را در روز قیامت قرار می دهد و با آن اعمال خوب و بد بندگان را می سنجد و در خبر دیگر نماز میزان معرفی شده است.

در کتاب احتجاج طبرسی، ابی عبدالله علیه السلام معنای میزان را عدل فرموده اند.

اگر بنابر نظریه پلورالیسم صراطهای مختلف وجود داشت که هر کدام آنها سهمی از حقیقت را دارا هستند لذا حق نسبی است، نباید جزای اخروی وجود داشته باشد و خداوند باید به همه بندگانش پاداش نیکو دهد چون تا حدودی در راه حق بوده اند.

به استناد این آیات و صفات صالحین و عبادالرحمن در اسلام میزان ثابتی برای پاداش و ت.

۱- . مومنون، آیه ۱۰۲.

۲- . انبیاء، آیه ۴۷.

۳- . شوری، آیه ۱۷. به جهت رعایت اختصار و ایجاز از آوردن صفات صالحین و عبادالرحمن و مشفقون که بندگان شایسته و والا مقام هستند در قرآن پرهیز شده است.

جزا وجود دارد و هر کس به هر مقدار در راه رستگاری قرار بگیرد به همان اندازه قرب و مقام پیدا خواهد کرد.

هدف از خلقت انسان، عبادت و بندگی خدا بوده و جهان آفرینش وسیله ای است برای تکامل و متعالی شدن و خلیفه اللهی انسان و ره یافتگان و رستگاران کسانی هستند که اعمال خود را در این مسیر قرار داده و اطاعت خدا و رسول او را پیشه خود می سازند.

جهان بینی اسلام، انسان محور است، اما نه انسان محوری موجود در مکتب اومانسیم که انسان محوری در اسلام به این معناست که تمام جهان آفرینش برای انسان است نه برای بهتر زیستن و التذاذ جسمانی،

(وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ) (۱) آنچه در زمین و آسمانها بود تمام را مسخر شما گردانید.

بلکه برای بندگی خدا و خلیفه الله شدن در روی زمین: (وَمَا خَلَقْتُ الجِنَّ وَالإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (۲) (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الأَرْضِ خَلِيفَةً) (انِّي خَلَقْتُ الانْسانَ خَلِيفَةً فِي الأَرْضِ) (۳) از این روست که در آیات قرآن تزکیه نفس مقدم بر آموختن کتاب و حکمت آمده است:

(يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الكِتَابَ وَالحِكْمَةَ) (۴) تصمیم گیرنده در حکومت اسلامی امام معصوم و در غیبت او ولی فقیه است، مشارکت سیاسی از دیدگاه اسلام یک تکلیف است نه یک حق. حرکت اجتماعی به سوی هدف خلقت است و عین مشارکت سیاسی است و امکان شرکت بر همگان موجود است و مخصوص عده ای خاص در قالب احزاب نیست. قدرت با عدالت آمیخته و این دوبا اخلاق توأم گردیده است لذا نمی توان بدون این دو، به مراکز قدرت رسید. ۲.

۱- . جاثیه، آیه ۱۳.

۲- . ذاریات، آیه ۵۶.

۳- . آل عمران، آیه ۱۰۳.

۴- . آل عمران، آیه ۳ و جمعه، آیه ۲.

حکومت اسلامی مردم سالار است اما نه پیرو کورکورانه هر نوع اکثریت و هر نوع عقلانیت جمعی، بلکه مسلمان یا مجتهد است یا مقلّد، اگر مقلّد باشد باید از مجتهد جامع الشرایط تقلید کند.

در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آمده است می فرماید:

(فاما من الفقهاء من کان صائنا لنفسه، حافظا لدینه، مخالفا علی هواه، مطیعا لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه و ذلک لایکون الا بعض فقها الشیعه (۱))

(و اما از فقها کسی که خویشتن دارو حافظ دین خود و مخالف هوی و مطیع امر مولایش باشد برای مردم عمومی (غیر صاحب نظر) است که باید از او تقلید کنند و این صفات فقط در بعضی از فقهای شیعه جمع می شود. (۲))

مقام معظم رهبری و آیت الله فاضل لنکرانی در مسائل مورد تقلید می فرمایند:

(مکلف باید تمام اعمالش را از روی تقلید و به دستور مجتهد جامع الشرائط عمل نماید.

در هر مسأله یا موردی که شما بخواهید دستور خدای سبحان را عمل کنید و اصطلاحاً حجت شرعی داشته باشید باید تقلید کنید).

اسلام حکم عقل را حجت می داند، اما عقلی که هواهای نفسانی و امیال و آرزوها و حرص و طمع ها و سیاست بازیها و ... آن را گرفتار ننموده باشد.

در مردم سالاری مورد نظر اسلام، مردم، بویژه آنهایی که از امکانات مالی و شغلی بهره زیادی ندارند بسیار مورد تاکید و توجه اسلام است، همواره پیامبران از جمله پیامبر اسلام و ائمه علیهم السلام در کنار این مردم بوده و رسیدگی به امور آنان را وظیفه خود می دانستند.

دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر همواره به عنوان اهرمی اساسی نظارت همگانی را تضمین کرده و هیچ کس از سیطره این دو فریضه مستثنی نیست، لذا اصلاح و تغییر مداوم با فقه پویا، همواره در جامعه اسلامی وجود دارد. آزادی از یوغ استکبار و استثمار و استعمار و هر نوع بندگی غیر از بندگی خدا دستور کار همه پیامبران در طول تاریخ بشریت بوده است و آزادی با دین در طول تاریخ بشریت عجین شده است و چیزی نیست که در چند دهه اخیر ۲.

۱- . وسایل، ج ۲۷، باب ۱۰، ص ۱۳۱، روایت ۳۳۴۰۱، چاپ موسسه آل البیت.

۲- . وصول به مقام والای تهذیب و رشد روحی به نقل از علامه محمدتقی جعفری، اطلاعات، ۱۷ خرداد ۱۳۷۹، ص ۲.

استوارت میل و جان لاک و توماس هابز و ... اختراع کرده باشند. این همه هیاهو برای شعار آزادی و برشمردن اصولی بر آن توسط دانشمندان غربی و سیاستمداران که هیچکدام به آن عمل نمی نمایند، جز این نیست که از متن دین اسلام بویژه مذهب شیعه بی اطلاع اند.

سیدالشهدا اباعبدالله الحسین از آن رو سرور آزادگان نام گرفت چون به قدرتمندان و صاحبان زر و زور زمان سر تعظیم فرود نیاورد و از بذل جان خود و اهل بیت و اسارت آنان دریغ ننمود تا اصول آزادی و آزادگی را به جهانیان تعلیم دهد.

عدم شناخت برخی از دین اسلام و مذهب شیعه و نیز عمل ننمودن مسلمانان به تمامی دستورات و اصول و فروع دین اسلام، باعث شده است مسلمانان مرعوب تزهای ساخت بیگانگان شده و آنچه خود دارند از بیگانه تمنا نمایند. کار به جایی رسیده است که باید از زبان استوارت میل و جان لاک و توماس هابز و ژان ژاک روسو و هایدگر و گرامشی و ...

مفهوم آزادی، حقوق فردی (۱) و مردم سالاری را یاد بگیریم و چگونه بودن و چگونه شدن را در این پهنای هستی به آنان اقتدا کنیم باید و نبایدها را از آنان یادبگیریم که خود در پیچ و خم تزهای خود درمانده اند. در حالیکه برخی مسلمانان!! منتظرند تا از دیار فرنگ مهر تأییدی بر دین اسلام زده شود تا مسلمان باشند و ره مسلمانی پیش گیرند و بر خود افتخار کنند. ختم سخن اینکه نوع رفتارهایی که دریک جامعه جریان دارد، خود از نظام ارزشهای فرهنگی و اعتقادات خاص مردم آن جامعه سرچشمه می گیرد. تلقی ها و باورهای موجود در فرهنگ عمومی در رفتار متقابل افراد تأثیر به سزایی دارد و قرائتهای سلیقه ای از اسلام و مخلوط کردن مفاهیم وارداتی با مفاهیم اسلامی در تضعیف اعتقادی نوجوانان و جوانان که در اوج گرایشهای مذهبی هستند جز به تخریب ذهنی و اعتقادی آنان نمی انجامد.

نتیجه پژوهش

این پژوهش در پی سؤالات مذکور در پیشگفتار و پیش فرضها و بررسی فرضیات ذیل انجام شد: ..

۱- . رجوع شود به رساله حقوق امام سجاد علیه السلام و نهج البلاغه حق والی برمردم و مردم بر والی و ...

پیش فرضها:

۱- مکتب اسلامی دینی جهانی است و محدود به زمان و مکان نبوده و دارای فرهنگی پویا می باشد.

۲- تحقق دین اسلام در کشورها می تواند انسانی با ویژگی خلیفه الله، پرورش داده و عدالت اجتماعی را به منصه ظهور برساند.

۳- عقب ماندگی مسلمانان به علت نقص در مکتب اسلام نیست، بلکه از خودباختگی و عدم آگاهی و درک صحیح و نیز عمل نکردن به دستورات حیاتبخش اسلام در ابعاد مختلف می باشد.

۴- با تحقیق و پژوهش در متون اسلامی و با مبنا قرار دادن دین اسلام می توان برنامه های سازنده و متناسب با شرایط زمان و مکان در امور مختلف جامعه استخراج نمود.

فرضیات پژوهش:

۱- بین ایده جامعه مدنی و دین اسلام تعارض وجود دارد.

۲- ایده جامعه مدنی در کشورهای اسلامی غیر قابل تحقق است.

متغیرهای مورد بررسی عبارتند از: اصول و فروع دین اسلام، اصول وشاخصهای ایده جامعه مدنی (از نظر طرفداران داخلی و خارجی)

با مقایسه تطبیقی بین اصول و فروع دین اسلام و اصول و شاخصهای ایده جامعه مدنی وجود تعارض با بیش از ۶۹ آیه و ۵۶ حدیث و فرمان علی علیه السلام به مالک اشتر نخعی مسلم گردید، که به علت رعایت اختصار و ایجاز و پرهیز از حجیم تر شدن کتاب تنها به مواردی از آیات محکم اکتفا شد. هر چند تعارض ایده جامعه مدنی حتی با یک آیه قرآن، آن را در کشورهای اسلامی غیر قابل تحقق می نماید. بنابراین بعد از بررسی و تقابل تعاریف و نظریات و شاخصهای ارائه شده توسط حامیان جامعه مدنی در داخل و خارج از کشور، معلوم گردید، علاوه بر تعارض کامل ایده جامعه مدنی به صورت رایج با دین اسلام با محوریت ولایت فقیه، عاملی بر تضعیف و تغییر ارزشهای دینی مردم و در مواردی سرپوشی برای

براندازی نظام جمهوری اسلامی در دست دشمنان داخلی و خارجی می باشد.

همچنین معلوم گردید، جامعه مدنی از جمله عملیات اجرایی سازمانهای بین المللی و سازمانهای جاسوسی سیا و پنتاگون است که برای محو فرهنگ قومی و اصیل کشورها در راستای تسلط فرهنگی غرب و ایجاد دهکده جهانی با یک فرهنگ مسلط که همانا فرهنگ غربی خواهد بود، با استفاده از عوامل خود در خارج و داخل کشورهای جهان سوم بکار گرفته می شود. یکی از اهرمهای سازمان بین الملل، صندوق پول می باشد که با اعطاء وام اقتصاد و فرهنگ کشور وام گیرنده را تحت کنترل قرار داده و در وضعیت کشورها اعمال نظر می نماید که تثبیت جامعه مدنی از آن جمله می باشد. در نتیجه ایده جامعه مدنی به علت تضاد با اصول و فروع دین اسلام که توضیح آن در صفحات پیش آمد و به علت اینکه عاملی بر تضعیف و تغییر ارزشهای دینی مردم و نیز ابزاری در دست سازمانهای بین المللی به ویژه آمریکا برای تسلط هرچه بیشتر بر سایر کشورها هست، این ایده در ایران قابل تحقق نبوده و اصرار بر تحقق آن، تشدید موارد فوق را درپی خواهد داشت.

عوامل داخلی موثر در اشاعه ایده جامعه مدنی:

از جمله عوامل موثر در اشاعه و گسترش ایده جامعه مدنی و ایجاد چالشهای فکری و تلاش در تحقق آن در داخل کشور می توان موارد ذیل را نام برد:

* استعمال مفاهیم موجود در این ایده از جمله دمکراسی، آزادی، توسعه سیاسی، برابری و مساوات حقوق مردم به صورتی مبهم و شعاری و کلی گویی، به عنوان برنامه اجرایی ریاست جمهوری در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶.

استعمال این مفاهیم به نحو فوق دو گونه تأثیر در اذهان عمومی باقی گذاشت:

برخی نوجوانان و جوانان تصور کردند که این مفاهیم در اسلام وجود ندارد و با اعمال این شعارها (بدون توجه به محتوای غربی و دیدگاه اسلامی) وضعیت بهتری پیش خواهد آمد.

* برخی از اقشار مذهبی به علت مقام روحانیت برخی حامیان جامعه مدنی، سازگاری بین دین و جامعه مدنی را مسلم دانسته لذا به تبلیغ آن (بدون تعمق در محتوای غربی و اهداف پیدایش آن) پرداختند.

البته هردو مورد فوق یک مسئله را نیز مسلم گردانید و آن اینکه اکثریت مردم از وضع کنونی راضی نبوده و با حفظ ارزشهای دینی خواستار تغییر و اصلاحات هستند.

* غرب گرایی و توسعه سیاسی و استفاده ابزاری از مفهوم آزادی که از دستاوردهای جامعه مدنی است. تاکید و تلاش بر تحقق کامل توسعه سیاسی (با محتوای غربی) حضور وفعالیت احزاب را که سکوی پرشی برای نفوذ در مراکز قدرت هستند، با اهداف و نیات متفاوت از اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران موجب تنشها و جنگ های روانی سازمان یافته در سطح جامعه شده و به تضادهای موجود دامن زدند. علاوه برآن، اشاعه افکار فمنیستی برای انحراف مسیر فعالیتهای زنان ایرانی، که از دستاوردهای توسعه سیاسی است مورد دیگر از اشاعه افکار وارداتی است.

* شخصیّت زدگی و بالا بودن انرژی احساسی مردم بویژه نوجوانان و جوانان و ملاک قرار گرفتن شخص در تشخیص برتری ایده ها و استفاده ابزاری از این احساسات.

* عدم انجام پژوهشهای لازم در تبیین سازگاری یا ناسازگاری دین اسلام با جامعه مدنی برای مردم توسط حوزه های علمیه و سکوت بیشتر مسئولین و افراد مذهبی با وجود مشاهده موارد خلاف شرع در جامعه به نام تحقق جامعه مدنی از سال ۲/ ۳/ ۱۳۷۶ تا ۲۳ تیرماه ۱۳۷۸ (حادثه کوی دانشگاه تهران)

امید است مسئولین و دست اندرکاران نظام جمهوری اسلامی بیش از این در تبیین چهره تابناک اسلام و ارائه الگوی عملی به دنیا بدون توسل به افکار وارداتی، تلاش وافر نموده و مردم مقاوم و وظیفه شناس ایران را در دفاع از اسلام و اجرای قوانین و احکام اسلامی یاری نمایند.

والسلام علی من اتّبع الهدی

سخن نویسنده انگلیسی هربرت جرج دنو

قرآن کتـاب علمی و دینی و اجتمـاعی و تهـذیبی و اخلاـقی و تـاریخی است. مقررات و قوانین و احکـام آن بـا اصول قوانین و مقررات دنیای امروزی هماهنگ و برای همیشه و دائم کتاب پیروی و عمل است.

هر کس بخواهـد دینی اختیار کند که سـیر آن با تمدن بشـر پیشـرفت داشـته باشد، باید که اسـلام را اختیار کند و اگر بخواهد معنی این دین را بیابد به قرآن مراجعه کند.

(از کتاب الاسلام فی نظر اعلام الغرب)

فهرست منابع

۱. قرآن کریم

۲. فیض کاشانی، علم الیقین، ج ۱

۳. گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه سیدهاشم حسینی، کتابفروشی اسلامیه، ج ۱

۴. اصول کافی، ج ۱ و ۲ و ۵

۵. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱ و ۲

۶. معرفت، محمد هادی، جامعه مدنی، چاپ اول ۱۳۷۸

۷. فوکو، میشل، ایرانیها چه رویایی درسر دارند (تهران ۱۳۰۷)، ترجمه حسین معصومی همدانی، چاپ اول ۱۳۷۷

۸. منوچهری، عباس، مجموعه مقالات جامعه مدنی، اصول و رویکردها و زمینه شکل گیری آن در ایران، چاپ اول

۹. حجّاریان، سعید، جمهوریت افسون زدایی از قدرت، چاپ اول ۱۳۷۹، چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱۰. جامعه مدنی و جوانان، گردآوری نظرات، نشر قطره، چاپ اول سال ۱۳۷۰

۱۱. معصومی، مسعود، جامعه مدنی در مطبوعات، چاپ اول ۱۳۷۸

۱۲. افلاطون، جمهوریه افلاطون، الکتاب الثانی و الکتاب الخامس

۱۳. صانعی، پرویز، جامعه شناسی ارزشها

۱۴. پلامناتز، جان، شرح و نقدی بر فلسفه اجتماعی و سیاسی هگل، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، چاپ دوم ۱۳۷۶

۱۵. گرامشی، آنتونیو، یادداشتهای زندان، ترجمه مریم علوی نیا، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۳

۱۶. گرامشی، آنتونیو، دولت و جامعه مدنی

۱۷. بشیریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی، چاپ سوم

۱۸. جمعی از نویسندگان، جامعه مدنی و ایران امروز، چاپ اول سال ۱۳۷۷

۱۹. استوارت میل، جان، رساله درباره آزادی، ترجمه محمد جواد شیخ الاسلامی، تهران ۱۳۳۸

۲۰. نراقی، احسان، در ما و جهان امروز، چاپ اول

۲۱. نبوی، ابراهیم، درخشت خام، چاپ اول، ۱۳۷۹

۲۲. زیبا کلام، صادق، عکس های یادگاری با جامعه مدنی، چاپ اول ۱۳۷۸

۲۳. هایدگر، مارتین، راههای جنگلی، ترجمه منوچهر اسدی، چاپ اول ۱۳۷۸

۲۴. نیمه پنهان تألیف دفتر پژوهشهای موسسه کیهان، ج ۱ تا ۷

۲۵. هادوی تهرانی، مهدی، ولایت و دیانت، چاپ اول ۱۳۷۸

۲۶. مجموعه مقالات، جامعه مدنی، دوم خرداد، خاتمی، چاپ اول ۱۳۷۹

۲۷. سردارآبادی، خلیل الله، موانع تحقق توسعه سیاسی در دوره سلطنت رضاشاه چاپ اول سال ۱۳۷۸، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۲۸. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام

۲۹. بحار الانوار، ج ۱۹

۳۰. هیک، جان، مباحث پلورالیسم دینی، ترجمه عبدالرحیم گواهی سال ۱۹۹۲

۳۱. سروش، عبدالکریم، قبض و بسط تئوریک شریعت، چاپ ۱۳۷۵

۳۲. کدیور محسن، مناظره درباره پلورالیسم دینی، چاپ دوم سال ۱۳۷۸

۳۳. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۷ و ۱۵

۳۴. تفسیر مقتضیات الدرر، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴

۳۵. تفسیر مجمع البیان، ج ۲

۳۶. تفسیر نورالثقلین، ج ۱ و ۴

۳۷. امینی، الغدیر، ج ۱۱- ۱

۳۸. تحف العقول

۳۹. امام خمینی رحمه الله، تحریر الوسیله، ج ۲

۴۰. وسایل الشیعه، ج ۱۱ و ۱۸ و ۲۷ چاپ موسسه آل البیت

۴۱. هلد، دیوید، مدل های دمکراسی، ترجمه عباس مخبر، چاپ اول، انتشارات روشنگران، تهران ۱۳۶۶

۴۲. واعظی، احمد، حکومت دینی

۴۳. آشوری، داریوش، سنت مدرنیته پست مدرن به کوشش اکبر گنجی، چاپ اول اسفند ۱۳۷۵

۴۴. عسکری، مرتضی، نقش عایشه در تاریخ اسلام، چاپ پنجم ۱۳۷۱

۴۵. قدردان قراملکی، محمد حسن، کندو کاوی در سویه های پلورالیزم، ناشر کانون اندیشه جوان، چاپ اول ۱۳۷۸

۴۶. رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم ۱۳۷۷

۴۷. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول ۱۳۷۸

۴۸. گلپایگانی، علی ربانی، تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر چاپ اول ۱۳۷۸

۴۹. پلورالیسم دینی شماره تازه های اندیشه، موسسه فرهنگی طه چاپ اول ۱۳۷

۵۰. واعظی، احمد، تحول فهم دینی

۵۱. سروش، عبدالکریم، صراطهای مستقیم.

آثار منتشره مؤلف

۱. حقوق و تکالیف زوجین و مقایسه تطبیقی با متون مذهبی، قطع رقعی،.

۲. حقوق و وظایف زن و شوهر، قطع جیبی، قم، ۵۰۰ تومان.

۳. نقش تربیتی والدین و رسانه های گروهی در الگوپذیری نوجوانان و جوانان، قطع رقعی، ۱۰۰۰ تومان.

۴. حجاب از منظر فطرت و عقل و شرع، قطع جیبی، قم، ۵۰۰ تومان.

۵. بررسی وضعیت زن در اسلام با نقد کتاب آیین خانه داری، ۴۰۰ تومان.

۶. مجموعه داستان های واقعی، ۴۰۰ تومان.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹